

فصلنامه

مطالعات جامعہ شناسی

سال شانزدهم، شماره شصت و یکم، زمستان ۱۴۰۲

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
معاونت پژوهش و فن آوری

فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی

سال شانزدهم، شماره شصت و یکم، زمستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

مدیر مسئول: دکتر محمود علمی

سردبیر: دکتر محمد عباس‌زاده

مدیر داخلی: دکتر جعفر ابراهیمی

اعضای هیات تحریریه (به ترتیب حروف الفبایی):

- | | |
|-------------------------|---|
| ۱. دکتر ابراهیمی، جعفر | استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال |
| ۲. دکتر ساعی‌ارسی، ایرج | استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر |
| ۳. دکتر عباس‌زاده، محمد | استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز |
| ۴. دکتر علمی، محمود | استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز |
| ۵. دکتر کلانتری، صمد | استاد دانشگاه اصفهان |

ویراستاری فارسی: دکتر جعفر ابراهیمی

ویراستاری انگلیسی: حکیمه طیب‌علی

طراحی جلد: ولی تکنام

صفحه‌آرایی، حروفچینی و آرایش فنی متن: دکتر جعفر ابراهیمی

چاپ و صحافی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

تاریخ انتشار: اسفند ۱۴۰۲

شاپا: ۵۶۶۱ - ۲۳۲۲

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

بهاء: ۳۰۰۰۰۰ ریال

مجله مطالعات جامعه‌شناسی با تأیید کمیسیون بررسی نشریات علمی دانشگاه آزاد اسلامی به شماره مجوز ۸۷/۳۱۲۲۱۲ تاریخ ۱۳۸۷/۹/۱۷ منتشر می‌شود.

نشانی: تبریز، ضلع شرقی اتوبان پاسداران، مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ساختمان باشگاه

پژوهشگران جوان، دفتر مجلات، تلفن و نمابر: ۰۴۱-۳۱۹۶۶۲۸۹

www.journal.iaut.ac.ir

E-mail: t.sociology@yahoo.com

E-mail: t.sociologys@gmail.com

تأیید درجه علمی

به استناد مصوبات کمیسیون بررسی و تأیید مجلات علمی دانشگاه آزاد اسلامی و بر اساس رأی **هشتاد و سومین و هشتاد و چهارمین** جلسه کمیسیون بررسی و تأیید مجلات دانشگاه آزاد اسلامی به تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۰، **مجله جامعه‌شناسی** دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز دارای شرایط دریافت **درجه علمی پژوهشی** شناخته شد.

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبایی

نام خانوادگی	نام
ابراهیمی	دکتر جعفر
ابراهیم پور	دکتر داود
بابایی فرد	دکتر اسداله
پیری	دکتر موسی
صدقی	دکتر ناصر
عابدینی	دکتر صمد
عباس زاده	دکتر محمد
عدلیپور	دکتر صمد
علمی	دکتر محمود
علی نژاد	دکتر منوچهر
قاسم زاده	دکتر داود
میرزائی	دکتر حسین
نصرالهی وسطی	دکتر لیلا
یزدانی	دکتر سهراب

صفحات	عنوان
-------	-------

۷-۲۱	تحلیل تجربه رفتار پرخطر در میان نوجوانان با تاکید بر تعارض فرزند با والدین سپیده نصیری - نعمت‌الله ستوده اصل - فائزه جهان - علی‌اصغر فیروز جانیان
۲۳-۳۹	بررسی پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و روانی افراد در مناطق زلزله زده (مطالعه موردی: زلزله‌زدگان غرب کرمانشاه) سیما پرشو - سیدناصر حجازی - اصغر محمدی
۴۱-۵۱	تبیین وفاداری سازمانی مبتنی بر کرامت انسانی با میانجی‌گری عزت نفس یوسف برزگری - بهنام طالبی - صادق ملکی آوارسین
۵۳-۷۲	تبیین مفهوم شادی و نشاط اجتماعی در فضاهای عمومی نمونه مورد مطالعه: شهر تبریز سودا محمدی دل‌بند - آرش تقفی اصل - داریوش سنارزاده - مهسا فرامرزی اصل
۷۳-۹۱	جامعه‌شناسی سیاسی تحولات سیاسی حکومت قاجار از دیدگاه نظریه گردش نخبگان ویلفردو پارتو قاسم گل‌حسینی - منیژه کاظمی - شهرزاد ساسان‌پور - داود ابراهیم‌پور
۹۳-۱۰۹	فرا ترکیب مطالعات کیفی در حوزه شادکامی زنان در ایران محسن نیازی - عطیه رضایی - علی فرهادیان
۱۱۱-۱۲۷	مطالعه جامعه‌شناختی چالش‌های توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی پروین اشراقی اسکویی - حسین بنی‌فاطمه - داود ابراهیم‌پور - محمد عباس‌زاده
۱۲۹-۱۵۰	تبیین مدل مطلوب سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه استعداد‌های برتر و نخبگان رمضان شریفی - مالک ذوالقدر - سیدفرشید جعفری پایندی
۱۵۱-۱۵۷	راهنمای نگارش
۱۵۸-۱۶۵	چکیده‌های انگلیسی

تحلیل تجربه رفتار پرخطر در میان نوجوانان با تاکید بر تعارض فرزندان با والدین

سپیده نصیری^۱

نعمت‌الله ستوده اصل^۲

فائزه جهان^۳

علی اصغر فیروزجانیان^۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۲/۴/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۳/۱۱

چکیده

رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان یکی از آسیب‌های اجتماعی شایع جامعه امروز است. بر همین اساس پرداختن به عوامل موثر بر آن از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. هدف این تحقیق بررسی تاثیر تعارض فرزندان با والدین بر تجربه رفتارهای پرخطر در میان دانش‌آموزان می‌باشد. این تحقیق به روش پیمایش صورت گرفت. جامعه آماری تحقیق دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه دوم می‌باشند. اطلاعات تحقیق به روش پرسشنامه از میان ۳۸۵ نفر از دانش‌آموزان با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای گردآوری گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد که آزمون همبستگی میان تعارض فرزندان با والدین (تعارض با مادر و پدر) و تجربه رفتار پرخطر آنان معنی‌دار با جهت مثبت می‌باشد. هم‌چنین آزمون مدل نشان از برازش مدل تجربی تحقیق دارد ($R^2 = 0.11$). آزمون مدل نظری نشان می‌دهد که تعارض فرزندان با والدین تأثیری معنی‌دار و مثبت با تجربه رفتار پرخطر دانش‌آموزان دارد ($Beta = -0.37$). بنابراین در خانواده‌هایی که تعارضات ولد- فرزندى بیشتر باشد فرزندان بیشتر در معرض رفتارهای پرخطر قرار می‌گیرند. در همین راستا پرداختن به بحث مهارت اجتماعی خانواده و افزایش مهارت‌های خود مراقبتی در میان دانش‌آموزان از اهمیت بالائی در جهت پیشگیری از آسیب‌های رفتار پرخطر برخوردار می‌باشد.

واژگان کلیدی: رفتارهای پرخطر، تعارض با والدین، دانش‌آموزان دوره متوسطه، آمل.

۱. دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: sotodeh2@semums.ac.ir

۳. استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۴. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابل، ایران.

طرح مسأله

آسیب‌ها اجتماعی به اشکال مختلف گروه‌های اجتماعی را به خود درگیر کرده است. به طوری که برخی از این آسیب‌ها به دلیل گسترش بالا و تاثیرات مخرب آن به مسأله اجتماعی بدل می‌شوند. یکی از این آسیب‌های اجتماعی رفتارهای پرخطر^۱ می‌باشد که در سال‌های اخیر انواعی از آن شیوع بالایی به خصوص در میان نوجوانان و جوانان یافته است به طوری که پیامدهای ناگوار آن‌ها تاثیرات مخربی در جامعه بر جای گذاشته است.

تعاریف مختلفی از رفتار پرخطر ارائه شده است. رفتارهای پرخطر رفتاری با ریسک بالا است که به لحاظ اجتماعی غیر قابل پذیرش بوده و نتایج منفی به دنبال دارد و در آن اقدامات احتیاطی صورت نمی‌گیرد، مانند رانندگی پرسرعت، نوشیدن الکل، مصرف مواد مخدر، سکس بدون محافظ (۱۸). رفتارهای پرخطر سنین جوانی و نوجوانی عمدتاً در شش مقوله قرار می‌گیرند که عبارتند از: استعمال دخانیات، اعتیاد و سوء مصرف مواد، رفتارهای جنسی ناسالم، کم تحرکی جسمی، تغذیه ناسالم و رفتارهای مرتبط با صدمات و جراحات (۳). سطح شیوع هر کدام از این رفتارها بر حسب سن، جنسیت و هم‌چنین نوع جامعه‌ای که فرد زندگی می‌کند متفاوت است.

پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد بروز رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان در ایران رو به افزایش است. بررسی ادبیات خارجی نشان می‌دهد که هم تنوع تجربه رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان در جهان بیشتر شده است و هم میزان درگیری نوجوانان در انواعی از رفتارهای پرخطر (۳۶). این در حالی است که سن اولین درگیری در انواعی از رفتارهای پرخطر پایین گزارش شده است. مثلاً نتایج تحقیق شارپووا^۲ و همکاران (۲۹)، در میان دانش‌آموزان متوسطه در آمریکا نشان می‌دهد که میانگین سنی وزنی برای اولین استفاده ۱۲/۶ سال برای سیگار، ۱۳/۸ سال برای سیگار برگ، ۱۳/۴ سال برای تنباکوی بدون دود، ۱۴/۱ سال برای قلیان و ۱۴/۱ سال برای سیگار الکترونیکی بوده است. در تحقیقات داخلی نیز انواعی از رفتارهای پرخطر در میان جوانان گزارش شده است. از جمله این موارد می‌توان به اعتیاد (۱۰)، افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران که در تحقیقات محمدخانی (۲۰)، و آزاد ارمکی و همکاران (۱)، گزارش شده است. باریکانی (۴)، سن شروع کشیدن سیگار را ۱۴ سالگی و سن نوشیدن الکل را ۱۷ سالگی گزارش نموده است. رحمانی و همکاران (۲۶)، مصرف قلیان را دارای بیشترین استفاده در میان جوانان ۱۵ تا ۱۹ ساله گزارش کرده‌اند. سلیمانی‌نیا و همکاران (۳۱)، شیوع رفتارهای پرخطر در میان پاسخگویان را ۷/۴۴ درصد گزارش کرده‌اند.

رفتارهای پرخطر تحت تاثیر عوامل متعددی قرار دارد. یکی از متغیرهای تاثیرگذار در این زمینه تعارض نوجوانان با والدین می‌باشد. شیوه تعامل فرزندان با والدین می‌تواند مستقیماً در چگونگی مواجهه

^۱. High risk behavior

^۲. Sharapova

آن‌ها با آسیب‌های اجتماعی تاثیر داشته باشد. در واقع محیط‌هایی که با چالش مواجه هستند رفتار پرخطر بیشتری توسط افراد در آن‌ها تجربه می‌شود. ترزیان^۱ و همکاران (۳۲)، در یافته‌ای اثرات مضر مواجهه با خشونت اجتماعی برای برخی از نوجوانان که در محله‌های پرخطر زندگی می‌کنند، تأیید کرده‌اند. در تحقیق دیگری تفاوت اثربخشی شیوه‌های فرزندپروری بر اساس شرایط محله و زمینه‌های اجتماعی آشکار شد (۱۴). همچنین رابطه معناداری بین کیفیت ارتباط و فرآیندهای خانوادگی با سلامت رفتاری نوجوانان یافت شد (۱۳). در تحقیقی که توسط اسموگفسکی و همکارانش بر روی نمونه‌ای از جوانان روستایی انجام شده است تاثیر کیفیت روابط والدین و فرزندان بر پیامدهای رشد نوجوان، به ویژه سلامت روانی آن‌ها تأیید شده است (۳۰).

شیوع در حال گسترش انواع رفتارهای پرخطر به خصوص در میان نوجوانان در سال‌های اخیر یکی از چالش‌های جدی در حوزه پرورش و سلامت جسمی و روانی آن‌ها می‌باشد. اطلاعات نشان می‌دهد که امروزه دانش‌آموزان چه در مدرسه و چه در بیرون آن با مخاطرات و آسیب‌های مختلف روبرو می‌باشند. مواجهه با قلدری و خشونت در مدرسه و بیرون مدرسه، آسیب‌های جنسی، در معرض انواع مواد مخدر و مشروبات الکلی بودن نمونه‌هایی از مخاطرات و آسیب‌هایی است که دانش‌آموزان با آن‌ها مواجه‌اند. این نوع رفتارها به دلیل آسیب‌زا بودن به خصوص در شرایط بلوغ و رشد از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشند. در این میان نقش خانواده به خصوص والدین و نوع تعاملاتی که آنان با فرزندان خود دارند بر خود مراقبتی آنان در برابر انواع رفتارهای پرخطر از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. تعاملات منفی خانوادگی در قربانی شدن کودکان به خصوص در رابطه با رفتارهای پرخطر تأثیر دارد (۲۲). فقدان روابط سازنده و همراه با تعارض فرزندان با والدین نقش مهمی در گرایش جوانان به انواعی از رفتارهای پرخطر از جمله آزار، خشونت و قلدری در میان فرزندان دارد (۱۹)، و در سال‌های بعد نوجوانان را درگیر انواعی از مسائل از جمله افسردگی، اضطراب، شرط‌بندی، درگیری با پلیس، و تشدید مصرف الکل می‌کند (۶). بر همین اساس در این تحقیق تلاش می‌شود به بررسی تاثیر تعارض فرزندان با والدین بر تجربه رفتار پرخطر دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر آمل بپردازیم.

ادبیات تحقیق و ارائه مدل

در رابطه با رفتار پرخطر و عوامل موثر بر آن در ادبیات خارجی تحقیقات مختلفی به خصوص در سال‌های اخیر صورت گرفته است. این تحقیقات یا در مورد میزان شیوع انواع رفتارهای پرخطر در میان جوانان و نوجوانان (۲۵) و (۲۹)، یا عوامل موثر بر این نوع از رفتارها (۳۶) و (۲۵)، یا پیامدهای این نوع رفتارها در میان نوجوانان و جوانان (۳۰) و (۵)، پرداخته‌اند که در ادامه به توضیح چند نمونه مرتبط با نقش تعارضات در خانواده بر رفتار پرخطر در میان نوجوانان می‌پردازیم.

^۱. Terzian

یکی از نظریه‌پردازانی که در مورد نقش خانواده بر انحراف و بزهکاری فرزندان نظریه‌پردازی کرد ویلیامز هال^۱ (۳۴)، می‌باشد. به نظر او وقتی خانواده با یکی از پنج وضعیت زیر مواجه می‌شود امکان بزهکاری فرزندان بیشتر می‌شود: الف) خانواده گسسته شده. ب) کشش یا فشار خانواده. ج) انضباط و روابط خانواده. د) مجرمیت در خانواده. هـ) اهمال و غفلت. نکته کلیدی در همه این وضعیت‌ها فقدان روابط گرم و صمیمی میان والدین و هم‌چنین میان والدین و فرزندان می‌باشد. این موضوع به خصوص در وضعیت فشار همراه با انوعی از چالش‌های روانی از جمله تعارضات و پرخاشگری میان اعضای خانواده می‌باشد که پیامد آن‌ها آسیب‌پذیری و بزهکاری فرزندان می‌باشد. تحقیقات مختلف نظریه هال را تأیید کرده‌اند.

مثلاً تحقیق مورلی و همکاران^۲ (۲۲)، نشان می‌دهد که تعارضات میان والدین و هم‌چنین میان فرزندان و والدین در سنین پایین موجب افزایش اضطراب و چالش‌های روانی دیگر در کودکان می‌شود. این افراد ساده‌تر از دیگران در معرض رفتارهای پرخطر قرار می‌گیرند. هم‌چنین تحقیق لیو و همکارانش^۳ (۱۹)، در میان نوجوانان چینی نشان می‌دهد که رابطه بازدارنده‌ای میان حمایت خانواده و تجربه رفتار پرخطر وجود دارد در حالی که تعارض والد-فرزندی نقش تقویت‌کنندگی در رفتار پرخطر نوجوانان دارد. در عین حال خودکنترلی به عنوان متغیری تأثیرگذار و بازدارنده در این رابطه می‌تواند نقش بازی کند. گاسی و تلزر^۴ (۱۲)، به بررسی نقش زمینه اجتماعی یا محوریت خانواده برگرایش نوجوانان به رفتار پرخطر پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در خانواده‌هایی که تعارضات کمتری مشاهده شده است بچه‌ها تصمیم کمتری نسبت به خانواده‌های دارای تعارضات بیشتر در تجربه رفتارهای پرخطر داشته‌اند.

هم‌چنین در مطالعات داخلی نیز تحقیقات مختلف به بررسی رفتارهای پرخطر پرداخته‌اند. هر چند تحقیقات موجود کمتر به نقش تعارضات فرزندان با والدین بر تجربه رفتار پرخطر در میان نوجوانان پرداخته‌اند. در تحقیقی که در شهر تهران انجام شده است وجود تعارض میان فرزندان و والدین تأیید شده است. بیشترین حوزه تعارض میان فرزندان و والدین در حوزه سبک زندگی، دوستی دختر با پسر، سیگار کشیدن و مصرف مشروبات الکلی بوده است. تغییر سریع هنجارها و ارزش‌های فرهنگی در نتیجه فردگرایی و مدرنیته از دلایل ایجاد تعارض میان والدین و فرزندان بوده است (۲۱). از طرف دیگر عوامل اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی نقش مهمی در سوگیری رفتاری افراد به عهده دارند. اغلب نوجوانان با خانواده، جامعه و بستگان دچار چالش هستند و ممکن است فشار این مشکلات، نوجوان را در مرحله تصمیم‌گیری به سمت رفتارهای پرخطر بکشانند (۸). در تحقیقی که توسط خواجه‌نوری و دهقانی (۱۷)، در میان ۱۲۵۰ نفر از دانش‌آموزان شهر شیراز انجام شد رابطه تعارضات خانوادگی و رفتارهای تهاجمی

¹. Willams hall

². Morelli & etc

³. Liu & etc

⁴. Guassi & Telzer

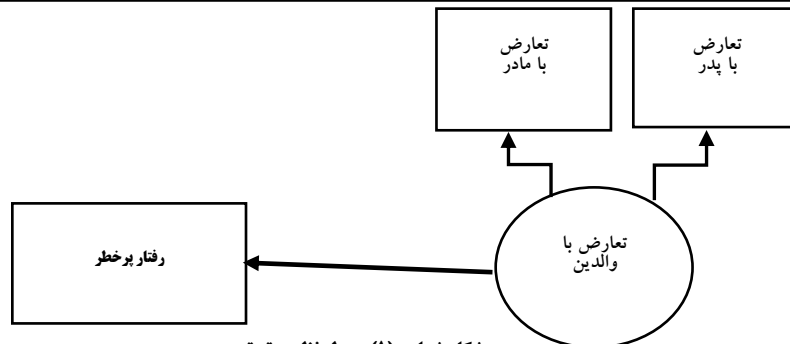
نوجوانان تأیید شده است. در این تحقیق تعارضات والدین در خانه و خارج از خانه با فرزندان موجب رفتارهای پرخطری چون دعوا، خشونت و ایجاد مزاحمت توسط فرزندان شده است. چرا که ساخت و فضای خانواده، نقش مهمی در عملکرد و رفتار افراد ایفا می‌کند. والدین از آن جهت حائز اهمیت هستند که خانواده اولین منشأ اجتماعی شدن^۱ محسوب می‌شود و نیز عقاید والدین می‌تواند پیام‌های آموزشی برنامه‌های پیشگیری را تقویت یا تضعیف کند. شواهد به دست آمده از تحقیقات تجربی نشان می‌دهند که خانواده‌ها و والدین نقش اساسی در جلوگیری از مصرف مواد و الکل در کودکان دارند. زمانی که عوامل چندگانه با هم ترکیب می‌شوند، به نظر می‌رسد در صورت شکست خانواده در ایفای نقش محافظت کننده خود، احتمال سوء مصرف مواد در نوجوانان به طور جدی افزایش می‌یابد (۲۰). همچنین فاطمی و همکاران (۷)، در تحقیق خود به بررسی نقش خانواده در بزهکاری فرزندان به بررسی نقش نظارت والدین و دلبستگی به خانواده در کاهش بزهکاری نوجوانان پرداختند. در تحقیق فیض‌الهی و بایبری (۹)، که به روش کیفی صورت گرفته است در میان عوامل مختلف زمینه‌ساز گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر به نقش فرزندپروری آسیب‌زا و مدیریت ناتوان خانواده اشاره شده است.

در مجموع می‌توان گفت که به تعبیر هال (۳۴)، وضعیت نامناسب خانواده که به اشکال مختلف نمایان می‌شود مستقیماً بر آسیب‌های مرتبط با نوجوان تأثیر دارد. در همین رابطه می‌توان گفت که هرچه تعارضات والدین (پدر و مادر) با فرزندان بیشتر باشد آنان احتمال بیشتری دارد تا درگیر رفتارهای پرخطر قرار گیرند. در واقع کشش و فشار در خانواده که ممکن است میان والدین و یا والدین و فرزندان رخ دهد موجب می‌شود فرزندان نقش حمایتی و همچنین نظارتی والدین را از دست دهند. در این وضعیت به تعبیر هال اهمال و غفلت در ابتدا از سوی والدین رخ می‌دهد و با تشدید تعارضات میان فرزندان و والدین نوعی گسست میان آن‌ها رخ می‌دهد. در این وضعیت فرزندان با توجه به کم تجربه بودن در برابر رفتارهای پرخطر و انحرافی راحت‌تر تصمیم گرفته و در بسیاری موارد انواعی از رفتارهای پرخطر را تجربه می‌کنند. طبعاً محیط مدرسه و به خصوص گروه دوستان در این وضعیت نقش مهمی خواهند داشت اما نقش اصلی را در این میان میزان تعارض والدین با فرزندان و در ادامه میزان گسست فرزندان با آن‌ها بازی می‌کند.

مدل تحقیق

در این تحقیق با توجه به ادبیات تحقیق، مدل زیر جهت بررسی رفتار پرخطر دانش‌آموزان طراحی گردید. بر اساس مدل زیر سازه تعارض با والدین با دو بعد (تعارض با پدر و تعارض با مادر) بر تجربه رفتار پرخطر دانش‌آموزان تأثیر دارد.

^۱. Socialization



شکل شماره (۱): مدل نظری تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی

تعارض با والدین بر تجربه رفتار پرخطر دانش‌آموزان تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

فرضیات فرعی

۱. تعارض با پدر با تجربه رفتار پرخطر دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.
۲. تعارض با مادر با تجربه رفتار پرخطر دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.
۳. تعارض با والدین (کل) با تجربه رفتار پرخطر دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.

روش پژوهش

این تحقیق با رویکردی کمی و با تاکید بر راهبرد پیمایش^۱ انجام شده است. پژوهش پیمایشی با در نظر گرفتن فرضیه‌ها و آزمون آن‌ها و بررسی روابط بین متغیرها، بدون دستکاری مبتنی است. این نوع تحقیق با انتخاب و مطالعه نمونه‌های انتخاب شده از جامعه آماری به بررسی میزان شیوع، توزیع و روابط متقابل بین متغیرها می‌پردازد (۱۶). جامعه آماری در این تحقیق دانش‌آموزان دبیرستانی شهر امل در پایه‌های یازدهم و دوازدهم در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ می‌باشند. تعداد نمونه در این تحقیق بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر انتخاب گردید.

با توجه به پراکندگی مدارس در سطح شهر و برای پوشش بهتر نمونه، در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای برای انتخاب نمونه استفاده شده است. به این منظور ابتدا دبیرستان‌های شهر به چهار خوشه متناسب با جغرافیا، جمعیت و سطح فرهنگی اقتصادی شهر تقسیم شده‌اند. در ادامه از هر خوشه دو مدرسه (یکی دخترانه و دیگری پسرانه) به صورت تصادفی انتخاب

^۱. Survey

گردید. بعد از انتخاب مدارس نمونه با در نظر گرفتن سال تحصیلی (یازدهم و دوازدهم) تعداد کلاس هر پایه و در نهایت کلاس مورد نظر و افراد مورد نظر انتخاب شده است. بدین صورت که اگر در هر سال تحصیلی سه کلاس در هر مدرسه بود یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد و در مرحله بعد از کلاس مورد نظر داده گردآوری شد. در صورت عدم همکاری مدرسه مورد نظر مدرسه دیگر از همان خوشه جایگزین شد.

ابزار گردآوری اطلاعات

با توجه به ماهیت موضوع تحقیق و مفاهیم و متغیرهای آن، داده‌های مورد نیاز تحقیق از طریق ابزار پرسشنامه به روش میدانی جمع‌آوری شده است. سئوالات مربوط به متغیر وابسته (رفتار پرخطر) توسط محقق طراحی گردید. کنش و رفتار پرخطر مجموعه رفتارهایی است که فرد به طور آگاهانه انتخاب و انجام می‌دهد که نتیجه آن می‌تواند سلامت روانی، جسمی و اجتماعی فرد و اطرافیان او را با خطر مواجه کند. در این تحقیق تلاش شده است متناسب با ابعاد گرایش به رفتار پرخطر مصادیق رفتار پرخطر از دانش‌آموز سؤال گردد. هدف این سئوالات سنجش تجربه رفتار پرخطر دانش‌آموز می‌باشد. این متغیر با پاسخ‌های دو گزینه‌ای بلی و خیر در قالب ۹ تجربه خطرناک (از جمله دوستی با جنس مخالف، رابطه جنسی با جنس مخالف، کشیدن سیگار، مصرف قلیان، خشونت، تخریب اموال عمومی) از دانش‌آموز سؤال شد. بنابراین بیشترین نمره ۹ و کمترین آن صفر می‌باشد. مقدار آلفای به دست آمده از این مقیاس نیز ۰/۷۹ بوده است.

متغیر مستقل در این تحقیق تعارض با والدین می‌باشد. تعارض میان نوجوانان و والدین عبارت است از اختلاف تا تضاد در اهداف یا مخالفت دو جانبه میان دو طرف که با ناسازگاری و ضدیت، هیجانات منفی و رفتارهای خصمانه و پرخاشگری مشخص می‌شود (۲۴). برای سنجش متغیر تعارض با والدین از مقیاس استاندارد تعارض والدین و فرزندان رابین و فاستر (۲۸)، استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۲۰ سوال به صورت جداگانه برای پدر و مادر می‌باشد که فرد باید به آن‌ها به صورت بلی یا خیر پاسخ گوید. در این تحقیق بررسی ضریب الفای نمرات برای پدر عدد ۰/۸۷ و برای مادر نیز عدد ۰/۸۵ را نشان می‌دهد. در هر بعد بالاترین نمره فرد ۲۰ (بیشترین تعارض) و کمترین نمره صفر (کمترین تعارض) می‌باشد.

یافته‌ها

همان‌گونه که آمد این تحقیق در میان ۳۸۵ نفر از دانش‌آموزان متوسط دوم (سال یازدهم و دوازدهم) انجام شده است. بر اساس یافته‌های تحقیق ۵۰/۴ درصد پاسخ دهندگان دختر و ۴۹/۶ درصد از آن‌ها

پسر بوده‌اند. هم‌چنین ۲۶ درصد پایه یازدهم و ۷۴ درصد نیز پایه دوازدهم بوده‌اند. هر چند نمونه از مدارس شهری انتخاب گردید اما ۱۹ درصد از پاسخگویان دارای محل سکونت روستا و ۸۱ درصد دیگر از شهر بوده‌اند. به لحاظ سنی نیز ۱۲/۳ درصد در سن ۱۶ سالگی، ۵۵/۷ درصد در سن ۱۷ سالگی و ۳۲ درصد در سن ۱۸ سالگی بوده‌اند.

جدول شماره (۱): توصیف متغیر وابسته (کنش‌های پرخطر) بر حسب انواع آن

انواع کنش‌های پرخطر	بلی (فراوانی)	بلی (درصد)	خیر (فراوانی)	خیر (درصد)
دوستی با جنس مخالف	۲۱۸	۵۶/۶	۱۶۷	۴۳/۴
رابطه جنسی با جنس مخالف	۸۳	۲۱/۶	۲۹۸	۷۷/۴
کشیدن سیگار	۹۳	۲۴/۲	۲۸۸	۷۴/۸
مصرف قلیان	۱۴۶	۳۷/۹	۲۳۵	۶۱/۰
مصرف مشروبات الکلی	۹۲	۲۳/۹	۲۹۱	۷۵/۶
مصرف برخی از مواد مخدر (گل، شیشه، ماری جوانا و ...)	۲۴	۶/۲	۳۶۱	۹۳/۸
خشونت و دعوا با دیگران	۲۲۰	۵۷/۱	۱۶۱	۴۱/۸
تخریب اموال عمومی (در مدرسه یا بیرون ...)	۵۵	۱۴/۳	۳۳۰	۸۵/۷
رابطه با افراد غریبه در فضای مجازی	۱۶۴	۴۲/۶	۲۱۹	۵۶/۹

بر اساس اطلاعات بیش از نیمی از دانش‌آموزان تجربه خشونت و دعوا با دیگران را گزارش کرده‌اند. بعد از آن دوستی با جنس مخالف بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. در واقع بیش از نیمی از دانش‌آموزان خودمراقبتی کمتری در رابطه با دوستی با جنس مخالف از خود نشان می‌دهند. هم‌چنین نزدیک به نیمی از دانش‌آموزان با افراد غریبه در فضای مجازی رابطه دارند. یکی از دلایل این موضوع دسترسی آسان و کم هزینه و فاقد کنترل فضای مجازی در میان دانش‌آموزان می‌باشد. مصرف قلیان یکی دیگر از مواردی است که در مدارس در میان دانش‌آموزان شیوع دارد هر چند پایین‌تر از میانگین می‌باشد. هر چند مصرف دخانیات از جمله قلیان و در مرحله بعد سیگار توسط دانش‌آموزان قابل توجه گزارش شده است، اما مصرف مواد مخدر در پایین‌ترین سطح در میان رفتارهای پرخطر گزارش شده است.

بررسی متغیر مستقل (تعارض با والدین) نشان داد که میانگین سطح تضاد نوجوانان با والدین نسبتاً پایین می‌باشد هر چند سطح تعارض پاسخ دهندگان با پدر با میانگین ۴/۷۲ (دامنه ۰-۱۷) بیشتر از مادر با میانگین ۴/۲۶ (دامنه ۰-۱۸) می‌باشد. بیشترین تعارض برای والدین مربوط به پرخشگری می‌باشد. نگرانی و حق به جانب بودن والدین یکی دیگر از موارد تضاد میان فرزندان و والدین می‌باشد. اما کمترین میزان تعارض مربوط به حمایت والدین از فرزندان در زمان مشکل می‌باشد.

در این تحقیق جهت توصیف و هم‌چنین آزمون فرضیات دو متغیره از نرم افزار SPSS استفاده شده است. هم‌چنین بر اساس نرم افزار AMOS مدل نظری تحقیق آزمون گردید.

جدول شماره (۲): آزمون تفاوت میانگین‌های رفتار پرخطر بر حسب جنسیت، نوع مدرسه و پایه تحصیلی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	میزان T	سطح معناداری
جنسیت	دختر	۳۷/۷۱	۹/۸۲	۰/۰۰
	پسر	۵۷/۶۷	۱۷/۵۰	
نوع مدرسه	غیر انتفاعی	۵۴/۲۸	۱۸/۱۱	۰/۰۰۰
	دولتی	۴۴/۳۹	۱۵/۹۸	
پایه تحصیلی	یازدهم	۳۸	۱۱/۰۷	۰/۰۰
	دوازدهم	۵۱/۱۷	۱۷/۸۹	

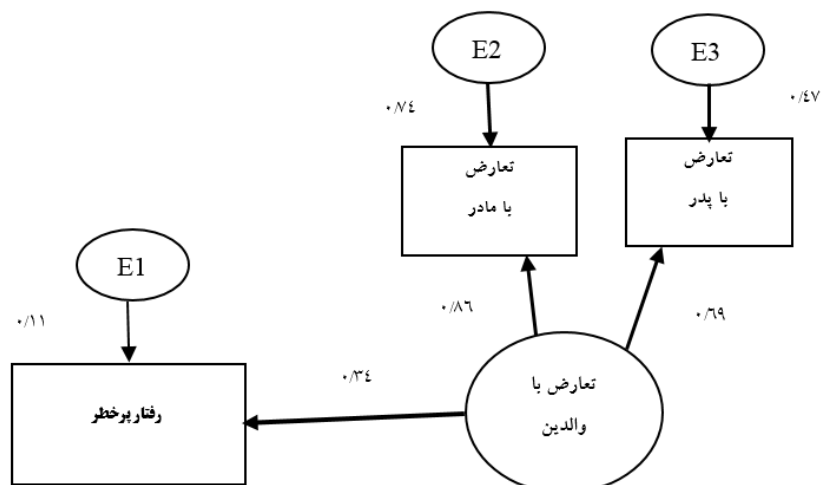
جدول (۲) بیانگر آزمون تفاوت میانگین‌های رفتار پرخطر بر حسب جنسیت و نوع مدرسه و پایه تحصیلی می‌باشد. همان‌گونه که از آزمون بر می‌آید میانگین رفتار پرخطر پسران بیشتر از میانگین دانش‌آموزان دختر می‌باشد. سطح معنی‌داری هم معنی‌دار بودن این تفاوت را نشان می‌دهد. هم‌چنین جدول بررسی تفاوت رفتار پرخطر دانش‌آموزان به لحاظ نوع مدرسه را نیز نشان می‌دهد. دانش‌آموزانی که در مدارس غیرانتفاعی هستند دارای تجربه رفتار پرخطر بیشتری نسبت به دانش‌آموزان در مدارس دولتی می‌باشند. هم‌چنین دانش‌آموزان پایه دوازدهم دارای رفتار پرخطر بیشتری نسبت به دانش‌آموزان پایه یازدهم می‌باشند. چرا که میانگین حاصل شده بسیار بیشتر از میانگین دانش‌آموزان پایه یازدهم می‌باشد. طبقاً سطح معنی‌داری نیز بیانگر معنی‌داری تفاوت میانگین این دو گروه می‌باشد.

جدول شماره (۳): آزمون همبستگی میان متغیر مستقل و رفتار پرخطر

تعارض با والدین	میزان همبستگی	معنی‌داری
تعارض با پدر	۰/۱۸	۰/۰۰
تعارض با مادر	۰/۳۱	۰/۰۰
کل	۰/۳۵	۰/۰۰

جدول (۳) بیانگر آزمون همبستگی میان تعارض والدین و تجربه رفتار پرخطر دانش‌آموزان می‌باشد. همان‌گونه که از جدول بر می‌آید میزان همبستگی و سطح معنی‌داری روابط میان تعارض با پدر و مادر بیانگر معنی‌داری و مثبت بودن رابطه است. همبستگی تعارض با والدین (کل) نیز معنی‌دار می‌باشد. به این معنی که هر چه تعارض دانش‌آموزان با والدین بیشتر باشد تجربه رفتار پرخطر آن‌ها نیز بیشتر خواهد بود.

- تعارض با والدین بر رفتار پرخطر در میان دانش آموزان تاثیر دارد.



DF= 1 CFI= 0/98 NFI= 0/97 CMIN/DF = 2/62 sig=0/10 RMSEA=0.06 $R^2 = 0,11$

شکل شماره (۲): آزمون تجربی تاثیر تعارض با والدین بر رفتار پرخطر

مدل فوق بیانگر آزمون تجربی تاثیر تعارض با والدین بر رفتار پرخطر می باشد. همان گونه که از مدل بر می آید ضریب تعیین مدل برابر $R^2 = 0.11$ می باشد. تعارض با والدین تاثیر مثبت و معنی داری بر گرایش به رفتار پرخطر دارد (Beta=0.34). به این معنی که هر چه تعارض با خانواده بیشتر باشد رفتار خود مراقبتی دانش آموزان نیز کمتر بوده و آنها رفتار پرخطر بیشتری از خود نشان می دهند. بررسی انواع شاخص های برازش نشان می دهد که مدل ما از برازش قابل قبولی برخوردار است. شاخص های برازش مطلق که مبتنی بر تفاوت دو ماتریس بوده در حد قابل قبول می باشند. چرا که آمار کای اسکوتر معنی دار نبوده و نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی در محدوده قابل قبولی قرار دارد (CMIN/DF=2/62). هم چنین شاخص برازش تطبیقی (CFI=.98). هم بیانگر مناسب بودن مدل می باشد. در نهایت شاخص های برازش مقتصد که در رابطه با درجه آزادی است نیز در حد قابل قبول می باشند. چرا که آماره ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA=0.06) بیانگر برازش قابل قبول مدل مسیر می باشد. کلاً این آماره ها نشان می دهند که مدل نظری ما توسط داده های نمونه ای مورد حمایت قرار گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه نوجوانان و جوانان در معرض انواعی از آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. این مسأله صرفاً مربوط به جامعه‌ای خاص نیست بلکه نوجوانان در همه جوامع برخی از آسیب‌های اجتماعی از جمله رفتارهای پرخطر را تجربه می‌کنند. رفتارهای پرخطر به دلیل تاثیرات مخرب جسمانی و روانی بر نوجوانان از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. به ویژه زمانی که افراد در سنین پایین درگیر این نوع از رفتارها می‌شوند رفتار پرخطر در میان نوجوانان تحت تاثیر متغیرهای مختلف قرار دارد. یکی از مهم‌ترین این متغیرها تعارض فرزندان با والدین می‌باشد. بر همین اساس در این تحقیق تلاش شده است به بررسی نقش تعارض دانش‌آموزان دوره متوسطه با والدین در تجربه رفتار پرخطر آن‌ها بپردازیم.

همان‌گونه که آمد انواعی از رفتارهای پرخطر در میان دانش‌آموزان رایج است که دوستی با جنس مخالف، خشونت و دعوا با دیگران و رابطه با غریبه‌ها در فضای مجازی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. هر چند تعارض میان فرزندان و والدین پایین گزارش شده است اما پرخاشگری و حق به جانب بودن والدین در تعاملات میان فرزندان و والدین شایع می‌باشد. هم‌چنین بر اساس نتایج این تحقیق رفتارهای پرخطر در میان دانش‌آموزان پسر بیشتر از دختران می‌باشد. رفتارهای پرخطر در میان دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی بیشتر از مدارس دولتی و در میان دانش‌آموزان پایه‌های دوازدهم بیشتر از پایه یازدهم گزارش شده است.

بر اساس نتیجه حاصله در این تحقیق تعارض میان فرزند و والدین رفتار و تمایلات مخاطره‌آمیزی را موجب می‌شود. در واقع هرچه تعارضات میان فرزندان با والدین بیشتر باشد تجربه رفتار پرخطر فرزندان بیشتر خواهد شد. جهت تحلیل این نتیجه باید توجه داشت که حمایت و نظارت خانواده عنصری مهم در امنیت و حفاظت فرزندان می‌باشد. تحقیقات مختلفی به نقش مثبت نظارت والدین در محافظت در برابر رفتار پرخطر تاکید داشته‌اند. مثلاً تحقیقی که توسط زارعی و همکاران (۳۷)، در میان دانش‌آموزان دبیرستانی صورت گرفته است بر نقش تعارض و بدرفتاری والدین با فرزندان بر رفتار خشونت‌آمیز آنان تاکید شده است. بر اساس مطالعات پیشین (۱۱) و (۱۲)، نظارت والدین بر فرزندان در صورتی می‌تواند تاثیر مثبت در کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته باشد که به شیوه افراطی نباشد. چرا که در صورت افراطی بودن تاثیری معکوس خواهد داشت. از منظر دیگر شیوه تعامل والدین و فرزندان اگر همراه با سخت‌گیری غیرمنطقی باشد طبعاً موجب تعارض بیشتر شده و واگرایی بیشتری را میان دو طرف موجب خواهد شد. این مسأله موجب گرایش بیشتر فرزندان به دوستان بزهکار و در عین حال به رفتارهای پرخطر خواهد شد. به نظر مورلی و همکاران (۲۲)، تعارضات والدین و فرزندان در سنین پایین تاثیرات منفی شخصیتی و روانی در سنین بزرگسالی به بار آورده و فرزندان را بیشتر در معرض رفتارهای پرخطر قرار می‌دهد. این موضوع با تاکید گاسی و تلزر (۱۲)، مبنی بر نقش زمینه اجتماعی خانواده در گرایش فرزندان به رفتار پرخطر تائید می‌شود. نتایج تحقیق اسموکوسکی و همکاران (۳۰)، نشان داد که تعارض بین والدین

و فرزندان با شیوه‌های فرزندپروری منفی (خانواده‌های کنترلگر و اقتدارگرا، اجبار، عدم صمیمیت) ممکن است عامل خطر اصلی برای مشکلات روانی مانند اضطراب، افسردگی و رفتار تهاجمی باشد. همچنین تحقیق احمدی (۲)، نشان داد که سخت‌گیری و تعارض والدین موجب گرایش بیشتر فرزندان به رفتارهای جنسی پرخطر خواهد شد. به نظر تومی و همکاران (۳۳)، والدینی خشن فرزندان را در معرض استفاده از دخانیات، مصرف الکل و رفتارهای جنسی خطرناک قرار می‌دهد. همچنین شیوه تعامل و نظارت سهلگیرانه‌تر نیز به همان نتیجه روابط سخت‌گیرانه منتهی خواهد شد. سبک فرزندپروری سهلگیرانه همراه با تعارض و درگیری میان فرزندان و والدین موجب افزایش گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای پرخطر خواهد شد. بنابراین تحقیقات مختلف به نوعی بر اهمیت نقش خانواده بر سلامت جسمی و روانی فرزندان تاکید دارند.

در مجموع می‌توان گفت که خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد جامعه‌پذیری در جامعه نقش کلیدی در آموزش و پرورش کودکان بازی می‌کند. بر همین اساس نوع تعاملات والدین و فرزندان می‌تواند مسیری برای سلامت فرزندان و یا آسیب‌پذیری آنان باشد. در واقع خانواده‌ها به جای تعارض و برخوردهای افراطی با فرزندان باید تعامل منطقی همراه با احترام متقابل را در پیش گیرند. در این مسیر آموزش مهارت‌های زندگی به والدین در جهت کاهش تعارض والد-فرزند (۱۵)، توان‌بخشی و افزایش مهارت اجتماعی والدین بسیار مهم می‌باشد. تربیت و پرورش فرزندان نیازمند مهارت و توانایی خاصی می‌باشد که والدین می‌توانند در دوره‌های مشاوره‌ای به خصوص با کمک مدارس از آن‌ها بهره‌مند شوند. افزایش مهارت‌های اجتماعی به فرزندان در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی (۲۷)، و تکنیک‌های خودمراقبتی در میان دانش‌آموزان به کمک مدارس و همچنین خانواده‌ها می‌تواند در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به خصوص تجربه رفتارهای پرخطر در میان دانش‌آموزان موثر باشد. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود:

۱. مدارس دوره‌های مشاوره‌ای حل مسأله برای دانش‌آموزان و والدین برگزار کنند.
۲. مدارس کارگاه‌های آشنایی با رفتارهای پرخطر برای دانش‌آموزان برگزار کنند.
۳. همچنین مدارس و صدا و سیما شیوه‌های خودمراقبتی در مواجهه با رفتارهای پرخطر را به دانش‌آموزان آموزش دهند.
۴. برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های گفتگوی خانواده با شرکت والدین و فرزندان در پیشگیری از تعارضات میان فرزندان و والدین کمک کننده می‌باشد.

تعارض منافع

«بنابر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Aazad, T. & Sharifi, M, H. (2011). Sociological explanation of anomic sexual relations in Iran. *Journal of Family Research*, Vol. 28, No. 4, P.p: 436-464.
2. Ahmadi, H. & Moeini, M. (2015). An Investigation of the Relationship between Social Skills and High-Risk Behaviors among the Youth: The Case of Shiraz City. *Strategic Research on Social Problems in Iran*, Vol. 4, No. 1, P.p: 1-24.
3. Arabnejad, S; Mafahkeri, A. & Ranjbar, M. J. (2018). The role of family cohesion and self-worth in predicting tendency towards risky behavior in adolescents. *Journal of Psychological Studies*, Vol. 14, No. 1, P.p: 147-162.
4. Barikani A. (2008). High Risk Behaviors in Adolescent Students in Tehran. *IJPCP*; Vol. 14, No. 2, P.p:192-198.
5. Bolland, j. M. (2003). hopeless and risk behavior among adolescents living in poverty inner city neighbourhood, *journal of adolescence*, Vol. 26, No. 2, P.p: 146-158.
6. Campbell, R; Wright, C; Hickman, M; Kipping, R. R; Smith, M; Poulou, T. & Heron J. (2020) Multiple risk behavior in adolescence is associated with substantial adverse health and social outcomes in early adulthood: Findings from a prospective birth cohort study. *Prev Med*. 2020 Sep; Vol. 138, P.p: 106-157.
7. Fatemi, D; Rahimi, A; Saadati, M. & Abbaszadeh, M. (2016). The Survey of Family's Role in Delinquency of Teenagers (Case Study: Zanjan City's Teenagers). *Strategic Research on Social Problems in Iran*, Vol. 5, No. 3, P.p: 35-50. doi: 10.22108/ssoss.2016.20960.
8. Fathi, U. & Zakeripour, G. (2013). Recognizing of phycological tendency cusses of youths to risky behavior, *Journal of Research in Police Science* Vol. 20, No. 1, P.p: 95-126.
9. Feizolah, A. & Bapiri, O. (2022). Investigating the Causes, Areas and Consequences of Drug Use Among Adolescents (Case study of adolescents in Ilam). *etiadjohi*; Vol. 15, No. 62, P.p:141-165. URL: <http://etiadjohi.ir/article-1-2572-fa.html>
10. Ghazinejad, M. & Savalanpor, E. (2008). Survey of relation between social exclusion and preparation for addiction. *Journal of Social Problems of Iran*. Vol. 62, No. 2, P.p: 139-180.
11. Gorbani, A. & Amani, A. (2015). Explanatory theoretical Model for Parenting Styles, Attachment Styles and Differentiation of couples. *Counseling Culture and Psychotherapy*, Vol. 6, No. 21, P.p:6786-198. doi: 10.22054/qccpc.2015.4188.
12. Guassi, M. & Telzer, E, H. (2018). Family conflict shapes how adolescents take risks when their family is affected. *Dev Sci*. 2018 Jul; Vol. 21, No. 4, P.p:12611.
13. Hair, E. C; Moore, K. A; Garrett, S. B; Ling, T. & Cleveland, K. (2008). The continued importance of quality parent-adolescent relationships during late adolescence. *Journal of Research on Adolescence*, Vol. 18, No. 1, P.p: 187-200.
14. Hoskins. H, D. (2014). Consequences of Parenting on Adolescent Outcomes, *Societies*, Vol. 4, No. 2, P.p: 506-531.
15. Karami, M. & Mohamadkhani, S. (2019). Educating of life skill on decreasing parent-child conflict among Shirvan students. *Scientific Quarterly of Social-Cultural Studies of Khorasan*, Vol. 13, No. 2, P.p: 127-151. doi: 10.22034/fakh.2019.93119.
16. Kerlinger, F. N. (2005). *Multiple Regression in behavioral research*. Translated by Hasan saraiy. Tehran. Samt press.
17. Khajenori, B. & Dehghani, R. (2015). Study the relationship between family conflicts and aggressive behavior in adolescents. *Social Science Quarterly*, Vol. 9, No. 28, P.p: 91-120.

18. Killianova, T. (2013) Risky Behavior. In: Gellman M.D., Turner J.R. (eds) Encyclopedia of Behavioral Medicine. Springer, New York, NY
19. Liu, L. & Wang, N. & Tian, L. (2019). The Parent-Adolescent Relationship and Risk-Taking Behaviors Among Chinese Adolescents: The Moderating Role of Self-Control. *Front. Psychol.* 10: 542. doi: 10.3389/fpsyg.2019.00542.
20. Mohamadkhani, S. & Nori, R. (2013) Primary prevention of addiction with emphasis on family. Tehran. Organization of fighting with narcotic.
21. Moidfar, S. & sabouri, H. (2011). Analyzing Life Quality of Retired Elderly in Tehran (Focusing on formal and informal social support). *Social Development & Welfare Planning*, Vol. 3, No. 7, P.p: 67-98.
22. Morelli, N. M; Hong, K. & Garcia, J. (2023). Everyday Conflict in Families at Risk for Violence Exposure: Examining Unique, Bidirectional Associations with Children's Anxious- and Withdrawn-Depressed Symptoms. *Res Child Adolescent Psychopathology*. Vol. 1, No. 51, P.p: 317-330. <https://doi.org/10.1007/s10802-022-00966-6>.
23. Miri, M. (2010). Relation of risky behavior with perceived educational styles and relation with God. Ma thesis in phycology. university of Tehran.
24. Packard, T. (2017). Tactics for successful organizational change in a youth and family services agency. *Children Youth Serv Rev*. Vol. 81, No. 2, P.p: 129-138. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2017.07.028>.
25. Potard, C; Courtois, R. & Rusch, E. (2008). 'The influence of peers on risky sexual behaviour during adolescence', *The European Journal of Contraception & Reproductive Health Care*, Vol. 13, No. 3, P.p: 264-270.
26. Rahmani, M; Ghasemi, V. & Hashemianfar, A. (2016). Investigation of the Effect of Social Relations on High-Risk Behaviors of Adolescents of Bojnourd City, Iran. *Journal of Applied Sociology*, Vol. 27, No. 1, P.p: 1-26. doi: 10.22108/jas.2016.20478.
27. Ramezani, H; Rafie, H; Khodaie, M; Karbalaie Nori, A; & Hoseinzade, S. (2012). Determining the efficacy of social skills training in treatment of drug addiction in patients referring to Tehran Clinic. *The Scientific Journal of Rehabilitation Medicine*, Vol. 1, No.1, P.p: 63-72. doi: 10.22037/jrm.2012.1100046.
28. Robin, A. L. & Foster, S. L. (1989). *Negotiating parent-adolescent conflict: A behavioral- family systems approach*. New York: Guilford Press.
29. Sharapova, S; Reyes-Guzman, C; Singh, T; Phillips, E; Marynak, K. L. & Agaku, I. (2018). Age of tobacco use initiation and association with current use and nicotine dependence among US middle and high school students, 2014-2016. In *Tobacco Control*. Vol. 29, No. 1, P.p: 49-54.
30. Smokowski, P; Bacallao, M; Cotter, K. & Evans, C. R. (2015) The Effects of Positive and Negative Parenting Practices on Adolescent Mental Health Outcomes in a Multicultural Sample of Rural Youth, *Child Psychiatry Hum Dev* Vol. 46, No. 2, P.p: 333-345.
31. Soleymani nia L, Jazayeri A, & Mohamad khani P. (2006). The Role of Positive and Negative Mental Health in Adolescent's Health Risk Behaviors. *refahj*. Vol. 5, No. 9, P.p: 75-90. URL: <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1948-fa.html>
32. Terzian, M; Andrews, K. & Anderson, K. (2011). Preventing Multiple Risky Behaviors among Adolescents: Seven Strategies, *Child Trends*

-
33. Tomé, G. M. Q; Camacho, I. N. M; Simões, C. & Matos, M. G. D. (2012) How can peer group influence the behavior of adolescents: explanatory model. *Global journal of health science*, Vol. 4, No. 2, P.p: 2635-139.
 34. Williams, J. H. (1982). "Criminology and Criminal Justice". London: Butterworth.
 35. Yang, Y, Yan. Qiong, Zhang, Zhe, QI, Y. & Luo, C. (2020) Characteristics and trends of adolescents health risk behaviors in Shanghai from 2004 to 2019[J]. *Chinede Journal of school health*, Vol. 43, No. 8, P.p: 1148-1151. doi: 10.16835/j.cnki.1000-9817.2022.08.007
 36. Yun, H. J; Cui, M. & Blair, B. L. (2016). The mediating roles of adolescent disclosure and parental knowledge in the association between parental warmth and delinquency among Korean adolescents. *J. Child Fam. Stud.* Vol. 25, No. 3, P.p: 2395-2404. doi: 10.1007/s10826-016-0425-6
 37. Zarei, A; Mahdavi, M. & Akbari, H. (2015). Studying the Effects of Family and Friends on the Students' Violence. *Journal of Social Sciences Ferdowsi University of Mashhad*, Vol. 12, No. 1, P.p: 251-276. doi: 10.22067/jss.v12i1.20580

بررسی پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و روانی افراد در مناطق زلزله زده
(مطالعه موردی: زلزله‌زدگان غرب کرمانشاه)

سیما پرشو^۱

سیدناصر حجازی^۲

اصغر محمدی^۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۲/۴/۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۲/۱۹

چکیده

زلزله از جمله پدیده‌هایی است که به هنگام وقوع، جامعه را با مخاطرات و نابسامانی‌های متعدد مواجه می‌سازد. کشور ایران از جمله کشورهایی است که در پهنه گسترده خود با گسل‌های پر شمار و بزرگی مواجه است. این پژوهش با رویکرد جامعه‌شناختی، با هدف بررسی پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و روانی بازماندگان زلزله غرب کرمانشاه و با روش پیمایش انجام شده است. جمعیت آماری شامل تمامی افراد ۱۸ سال به بالای شهرستان‌های سرپل ذهاب و ثلاث باباجانی می‌شود. برای تعیین نمونه آماری (۶۰۰ نفر) از فرمول کوکران، و برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با بهره‌گیری از نرم افزار آماری PLS و SPSS در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام گردید. یافته‌ها نشان داد که وقوع زلزله بر تمامی متغیرهای تحقیق با (Sig=۰/۰۰۱) در سطح آلفای ۰,۰۵ بر احساس امنیت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، انطباق‌پذیری شهروندان، همبستگی اجتماعی با دیگران، تقدیرگرایی، احساس امنیت اقتصادی، تغییرات شغلی، سلامت روانی، تاب‌آوری و تکلیف-مداری برابر خدا تأثیر دارد.

واژگان کلیدی: پیامدهای زلزله، زلزله‌زدگان، غرب کرمانشاه، سرپل ذهاب، ثلاث باباجانی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: hejazi@dehaghan.ac.ir

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

مقدمه

وقوع زلزله که یکی از دردناک‌ترین بلایای طبیعی در دنیاست، خسارت‌های جانی و مالی بسیاری را می‌تواند به همراه داشته باشد (۲۳). سانحه اختلال شدید روانی و اجتماعی که تا حد زیادی فراتر از توانایی جامعه آسیب دیده برای مقابله می‌باشد (۲۴). بحران‌ها از لحاظ ماهیت بزرگی و شدت تفاوت‌های اساسی دارند که می‌توانند پتانسیل‌های اجرایی سازمان‌های درگیر را دچار اختلال نمایند. مدیریت بحران زلزله یک موضوع مدیریت صرف نمی‌باشد بلکه تابع ویژگی‌های ژئوفیزیکی ساختگاه و ویژگی‌های مهندسی مستحذات است (۱۲). خسارات وارد بر ساختمان‌ها به علت تعدد آن‌ها و ساکنین، باعث تلفات جانی بسیار و خسارات مالی سنگین خواهد شد. آسیب‌های وارد بر شبکه گاز و برق منجر به آتش‌سوزی نیز خواهد شد و قطعی این شریان‌ها و ترمیم آن‌ها مدت‌ها به طول خواهد انجامید. در پژوهش ارزیابی فضایی کارایی شبکه ارتباطی دورن شهری برای امداد رسانی بعد از وقوع زلزله نیز به این نتیجه رسیده‌اند که باید تراکم ساختمانی و جمعیتی در معابر کم عرض کاهش یابد و از افزایش درجه محصوریت و ساختن ساختمان‌های مرتفع در مسیرهای آسیب‌پذیر جلوگیری به عمل آید (۲۱). همچنین یکی از اولویت‌های بازسازی و بازتوانی جوامع سانحه دیده، بهبود عملکردهای اجتماعی و رفتاری آن‌ها پس از رخداد چنین وقایع و بازتوانی روانی است (۶).

کشور ایران از جمله کشورهایی است که در پهنه گسترده خود با گسل‌های پر شمار و بزرگی مواجه است. ایران در همین سده اخیر زلزله‌های ویرانگر و بزرگی چون لار، طیس، بوبین زهرا، رودبار و منجیل، بم، اهر و ورزقان را از سر گذرانده است. در زلزله رودبار و منجیل در سال ۱۳۶۹، ۳۵,۰۰۰ نفر جان خود را از دست دادند. بیش از ۲۰۰ هزار واحد مسکونی تخریب و حدود ۵۰۰,۰۰۰ تن بی‌خانمان شدند. در دی ماه سال ۱۳۸۲ بار دیگر در بم زمین لرزید، ۵۰ هزار نفر قربانی، و ۱۰۰ هزار نفر بی‌خانمان شدند. از یک طرف پیامدهای اجتماعی و انسانی زلزله محدود به مناطق آسیب دیده نیست بلکه ممکن است برخی پیامدها و تأثیرات پایدار و واسطه‌ای آن حتی ده‌ها سال بعد نمودار شود؛ برای مثال، وجود بیش از ۲۰۰۰ کودک بی‌سرپرست و نگهداری آن‌ها در مراکز هم‌چون بهزیستی بر تعاملات اجتماعی آینده آن‌ها تأثیرات پایدار خواهد داشت. از طرف دیگر، شرایط محیطی و انسانی‌ای که زلزله در آن واقع و تبدیل به بحران شده، بر دامنه، عمق، و از وضعیت پایداری و جهت این پیامدها مؤثر است (۲۵). همچنین آثار تخریبی زلزله که جان انسان‌ها را به خطر می‌اندازد، منحصر به ریزش آوار نیست. رانش زمین، وقوع بهمن، آتش‌سوزی، روان‌گرایی خاک، سونامی و حتی سیل می‌تواند جان انسان‌هایی که در معرض زلزله هستند به خطر بیندازد. از آثار و پیامدهای بعد از زلزله می‌توان به بروز بیماری‌ها و آسیب‌های روانی شدید اشاره کرد که لازم است به آن توجه ویژه‌ای گردد. زلزله و سایر بلایا بر افراد اثر یکسانی ندارند، بعضی‌ها نسبت به دیگران آسیب‌پذیری بیشتری دارند؛ کودکان، زنان، سالمندان و معلولین و کسانی که تنها زندگی می‌کنند یا از نظر مالی ضعیف هستند و افراد بی‌سواد دچار عوارض روانی بیشتری می‌شوند.

تحلیل ادبیات موضوع نشان می‌دهد که روند رو به رشد و فزاینده شهرنشینی و جمعیت شهری به عنوان عاملی برای خسارات زیاد به هنگام بروز بلایای طبیعی می‌باشد (۲). زمین لرزه ۱۳۹۶ کرمانشاه به بزرگی ۷/۳ ریشتر در نزدیکی ازگله در ۳۲ کیلومتری جنوب غربی شهر حلبچه عراق ایران رخ داد. این زلزله یکی از بزرگ‌ترین زلزله‌های تاریخ کشور بود که بر اثر این زلزله در حدود ۶۰۰ نفر از افراد کشته شدند و در حدود ۱۰ هزار نفر زخمی گشتند. همچنین منازل بسیاری دچار خسارت‌های مالی شدند. در زلزله کرمانشاه افراد بسیاری به خاطر از دست دادن ناگهانی خانواده و اطرافیان خود دچار حالت شوک شدند، چرا که در این حالت حادثه غیرقابل پیش‌بینی او را غافلگیر می‌کند و خسارت‌های به وجود آمده بدون شک تا سال‌ها اثرات روانی بر مردم منطقه خواهد گذاشت. بنابراین مسئله اصلی در این پژوهش بررسی پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و روانی افراد در مناطق زلزله زده غرب کرمانشاه می‌باشد.

چارچوب نظری

به اعتقاد سوروکین بعد از زلزله، آسیب دیدگان مرحله جدیدی از زندگی خود را بر اساس اعتقادات، ارزش‌ها و عواطف سر و سامان می‌دهند و روحیه تقدیرگرایی از جمله این احساسات و عواطف است. وی فاجعه را یک فشارزای روانی و اجتماعی می‌داند که پیامد آن عدم تعادل بین نیازهای محیط و پاسخ‌دهی به ارگانسیم است. وی مهم‌ترین آسیب فاجعه را فروپاشی تقسیم کار اجتماعی و یا برهم خوردن تعادل و هماهنگی اجتماع و از بین رفتن انطباق‌پذیری می‌داند که این فروپاشی و عدم تعادل به مثابه عامل تهدید کننده اجتماع به شمار می‌رود. وی معتقد بود، فاجعه به فرآیندهای روانی و ذهنی سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی جمعیت در معرض حادثه، اثری پایدار دارد. به عقیده وی همچنین زلزله، اتفاق غیرقابل کنترلی است که در زمان و مکان خاصی روی می‌دهد و خطر یا تهدید را در جامعه یا بخش‌های نسبتاً وسیعی از آن به وجود می‌آورد؛ مخاطرات شدید بر اجتماع تحمیل می‌کند و از تمام یا حداقل بخشی از کنش‌های جامعه جلوگیری و ممانعت به عمل می‌آورد (۱۶).

لذا از نظریه سوروکین این فرضیه‌ها استخراج می‌گردد که:

- وقوع زلزله بر تقدیرگرایی زلزله‌زدگان تاثیر دارد.

- وقوع زلزله بر انطباق‌پذیری زلزله‌زدگان تاثیر دارد.

نلسون معتقد است که هنگامی که زلزله به فاجعه بینجامد، با سه پیامد اجتماعی مهم همراه می‌شود: الف) افزایش حس تعلق به مکان؛ ب) نابودی عرصه خصوصی؛ ج) از هم گسیختگی اجتماعی و صدمه شدید به شبکه‌های اجتماعی (۲۰).

نلسون معتقد است که البته پیامدهای روانی و اجتماعی ناشی از مرگ خویشان و نزدیکان، احساس ناامنی اقتصادی و اجتماعی، و از دست دادن اموال و دارایی‌ها نیز بسیار مهم به شمار می‌روند. یکی دیگر از پیامدهای زلزله فاجعه افزایش سریع جمعیت شهری است که از علل آن، نیاز شهرهای آسیب دیده به

نیروی کار در مرحله بازسازی است. نیاز به نیروی کار در این شهرها و بالا بودن دستمزدها موجب جذب جمعیت مناطق روستایی اطراف در آنها می‌شود و حتی نوعی احساس ناامنی را در سطح شهر به دنبال دارد. بنابراین از نظریه نلسون این فرضیه‌ها استخراج می‌گردد:

- وقوع زلزله بر احساس امنیت اجتماعی زلزله‌زدگان تاثیر دارد.

- وقوع زلزله بر احساس امنیت اقتصادی زلزله‌زدگان تاثیر دارد.

- وقوع زلزله بر سلامت روانی زلزله‌زدگان تاثیر دارد.

هاکاتو پیامدهای اجتماعی و انسانی زلزله را به شرح زیر می‌داند: تأمین نیازهای ثانویه به ویژه نیازهای بهداشتی و پزشکی، آموزشی، شغلی، و تفریحی به خصوص در روزهای اول بروز فاجعه دچار وقفه می‌شود؛ دسترسی به امکانات و حمایت‌های رفاهی، آسایشی، آرایشی، ارتباطی، تفریحی و سرگرمی، به علت اسکان در مکان‌های حاشیه‌ای، کاهش میزان اشتغال، تغییرات شغلی، آسیب‌پذیری شدید مشاغل حاشیه‌ای و اختیاری، و تحول در نقش‌های اقتصادی و تجاری و مسئولیت‌های اجتماعی پدیدار می‌شود. بنابراین از نظریه هاکاتو این فرضیه‌ها استخراج می‌گردد:

- وقوع زلزله بر تغییرات شغلی زلزله‌زدگان تاثیر دارد.

- وقوع زلزله بر بهره‌مندی بر حمایت‌های اجتماعی زلزله‌زدگان تاثیر دارد.

- وقوع زلزله بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی زلزله‌زدگان تاثیر دارد.

اندرسون (۲۰۱۹)، معتقد است که تحلیل آسیب‌پذیری‌ها با کاربرد ارزیابی احتمالی و دامنه آسیب‌پذیری ناشی از وقوع خطرات طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان، در تدوین و اجرای اقدامات مناسب و متناسب و فعالیت‌های مؤثر و مرجح در مراحل پس از وقوع فاجعه نقشی اساسی دارد و دست کم در جلوگیری از بروز دو خطر اساسی در طول این فرآیندها و مراحل نجات، اسکان موقت، بازسازی، و ... مؤثر است که عبارتند از:

۱. افزایش شناخت از عوامل بروز فاجعه بر انجام تلاش‌های درست و متناسب برای بازگشت به شرایط بهنجار تأثیر بنیادین دارد؛ و افزون بر آن، هم مانع از هدررفت منابع و اقدامات می‌شود و هم با آشکار ساختن عوامل آسیب‌آفرین، به جلوگیری از بروز چنین فاجعه‌ای در آینده می‌انجامد؛

۲. تحلیل و شناسایی عوامل و شرایط پنهان، برنامه‌ریزان و مجریان در راستای کاهش و حتی پیشگیری از آسیب‌ها (از طریق اقدامات مؤثر آنها در ارتباط با عوامل ناشناخته آسیب‌زا) که به افزایش تحمل و تاب‌آوری افراد و همچنین شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی بین آنها کمک می‌کند (۴). بنابراین از نظریه اندرسون این فرضیه‌ها استخراج می‌شود که:

- وقوع زلزله بر همبستگی اجتماعی زلزله‌زدگان با دیگران تاثیر دارد.

- وقوع زلزله بر تاب‌آوری زلزله‌زدگان تاثیر دارد.

فورد طبقه‌بندی مختلفی از دیدگاه‌های آسیب‌پذیری ارائه داده است که در مجموع سه دیدگاه متمایز از پژوهش و تبیین مفهوم آسیب‌پذیری را می‌توان به شرح زیر مشخص کرد:

۱. دیدگاه زیستی فیزیکی: آسیب‌پذیری به عنوان ریسک در معرض بودن (خطر محور و فن‌گرا)
۲. دیدگاه ساخت اجتماعی: آسیب‌پذیری به عنوان ساخته‌ای اجتماعی (اجتماعی و انسان‌محور)
۳. دیدگاه ترکیبی: (آسیب‌پذیری به عنوان تأثیرپذیری بالقوه و ظرفیت رسیدگی و انطباق (یکپارچگی و پایداری و سرسپردگی به خداوند)(۸).

بنابراین از نظریه فورد این فرضیه‌ها استخراج می‌شود که:

- وقوع زلزله بر تکلیف‌مداری در میان زلزله‌زدگان تأثیر دارد.

سابقه و پیشینه تحقیق

جدول (۱): پیشینه داخلی و خارجی تحقیق

پژوهش	سال	نتایج
شاکر	۱۳۸۴	نتایج گویای آنست که در شرایط عادی تمام افراد جامعه نیازمند برخورداری از سلامت روانی هستند که لزوم تأمین این نیاز آشنایی مسئولین ذی‌ربط با بهداشت روانی احساس می‌شود(۲۲).
گودرزی(۱۳۹۰)		رابطه نگرش مذهبی و علایم اختلال استرس پس از سانحه در زلزله‌زدگان شهرستان بهم
عباسی بوروندرق و دیگران (۱۳۹۱)		اثربخشی مداخلات حمایت روانی در افزایش سلامت روان زلزله‌زدگان شهرستان ورزقان
دهقانی و دیگران(۱۳۹۲)		بررسی آثار و پیامدهای طولانی مدت بحران زلزله بر سلامت روان کودکان بازمانده (مطالعه کودکان حاضر در زلزله بهم)
افلاطونیان و دیگران(۱۳۹۲)		تلاش برای سلامت زلزله‌زدگان بهم مبتنی به دانش و تجربیات مسئولین وقت
عسکری باقرآبادی و دیگران (۱۳۹۵)		بررسی رابطه میزان افسردگی و سلامت روان در خانواده‌های آسیب دیده از زلزله بهم
		بین افسردگی و مولفه‌های سلامت روان (علایم جسمانی، اضطراب، اختلالات خواب و گرایش به خودکشی) رابطه معناداری وجود دارد اما بین افسردگی و اختلال در کارکردهای اجتماعی رابطه معناداری یافت نشد(۴).

نتایج تحقیق بیانگر آن است که ۳۹۰۴ هکتار از محدوده مورد مطالعه از وضعیت تاب‌آوری نامناسبی برخوردار می‌باشد و در مقابل ۱۱۶۷ هکتار از محدوده مورد مطالعه از منظر تاب‌آوری، در وضعیت کاملاً مناسبی قرار دارد. تاب‌آوری اجتماعی - اقتصادی نسبتاً نامناسب، متوسط و تاب‌آوری نسبتاً مناسب، به ترتیب با ۱۷۴، ۲۵۹،۷ و ۴۳۴ هکتار از محدوده مورد مطالعه را به خود اختصاص داده‌اند (۱۹).	«تبیین ابعاد اجتماعی - اقتصادی تاب‌آوری شهری در برابر زلزله مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز» به انجام رساندند.	پورمحمدی و دیگران (۱۳۹۸)
توجه کمی به ویژگی‌های فضاهای فردی و جمعی بازماندگان مبتلا به پیامدهای سانحه دیده شده است (۱۲).	سلامت روانی، ضریان قلب، پارادایم سلامت عمومی، سلامت رفتاری	خاناده و ساسانگهر ^۱ (۲۰۱۸)
مشکلات روانی - اجتماعی پس از وقوع سانحه عمدتاً در سطح محله و واحد همسایگی بروز می‌کنند (۹).	فضایی الگوبرداری از آسیب‌پذیری روانی و عوامل تاب‌آوری در شهر نیویورک پس از طوفان سندی	گروبر و همکاران ^۲ (۲۰۱۵)
آمادگی بهتر و توان‌مندسازی جامعه می‌تواند وضعیت جمعیت آسیب‌پذیر آسیب دیده از زلزله را بهبود بخشد (۱۳).	۲۰۱۹ بررسی ارتباط بین زلزله و تأثیر آن سلامت روان	ماکوانا ^۳ (۲۰۱۹)

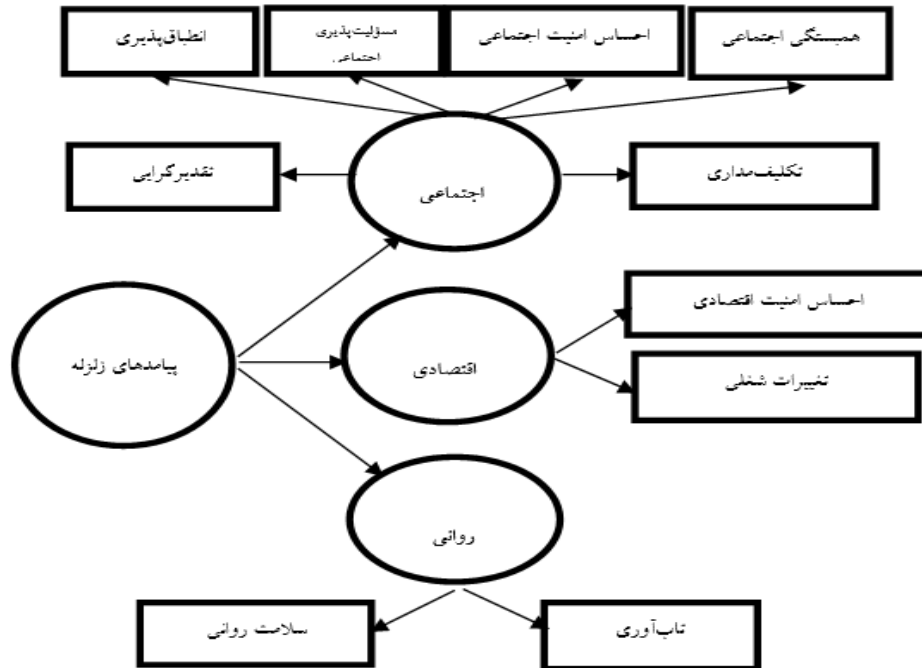
جمع‌بندی پیشنهادی پژوهش

بررسی و مشاهده پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در این پژوهش‌ها به مواردی مانند بررسی ابعاد تاب‌آوری در برابر زلزله، اقداماتی برای مقابله با آسیب‌های روانی زلزله، مدل‌سازی و تخمین و ارزیابی خسارات زلزله و ارزیابی آسیب‌پذیری ناشی از خطر زلزله و مدیریت بحران زلزله (مدیریت بحران زلزله صرفاً در پژوهش‌های خارجی مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است که با استفاده از مدل و سیستم هوش مصنوعی و نرم افزار جی. آی. اس) پرداخته‌اند. به استثنای پژوهش‌های خارجی، در داخل کشور به مدیریت جامع بحران در حوزه‌های چندگانه اجتماعی، اقتصادی و روانی که مهم‌ترین اقدام برای مقابله با بلایای طبیعی و از جمله زلزله به عنوان مخاطره‌آمیزترین بحران طبیعی می‌باشد، پرداخته نشده است.

¹. Khanade & Sasangohar

². Gruebner et al

³. Makwana



شکل شماره (۱): مدل مفهومی پژوهش

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، تمامی افراد ۱۸ سال به بالای شهرستان‌های سرپل ذهاب و ثلاث باباجانی با جمعیتی بالغ بر ۹۵ هزار نفر می‌باشد که بیشترین آسیب را از زلزله داشتند. هم‌چنین برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده و تعداد ۶۰۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه ۸۸ سوالی محقق ساخته استفاده گردید. این پرسشنامه شامل ابعاد:

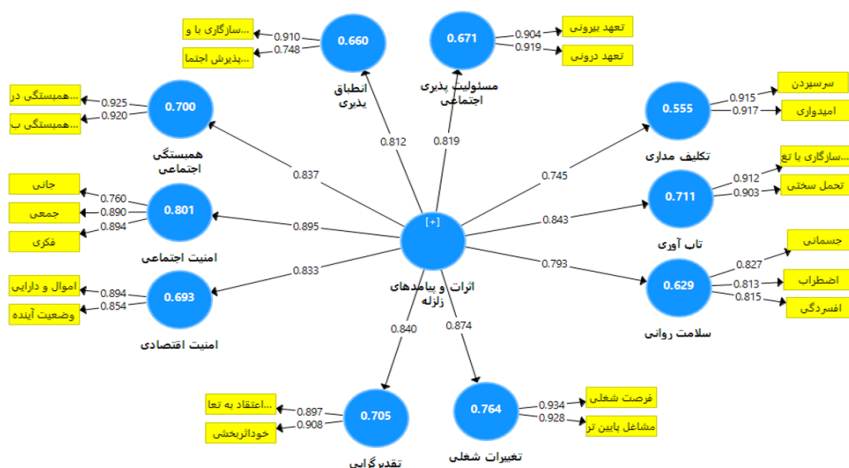
مسئولیت‌پذیری اجتماعی، انطباق‌پذیری، همبستگی اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، احساس امنیت اقتصادی، تقدیرگرایی، تغییرات شغلی، تاب‌آوری، تکلیف‌مداری برابر خدا می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های تحقیق بیشترین تعداد پاسخگویان را گروه سنی ۳۶-۴۵ سال با ۲۵/۸۳ درصد تشکیل می‌دهند و کمترین تعداد پاسخگویان را گروه سنی ۲۶-۳۵ سال با ۱۹/۳۳ درصد تشکیل می‌دهند.

نتایج تحقیق نشان داد که مردان با ۶۴/۳۳ درصد بیشترین درصد را به خود اختصاص داده و پس از آن زنان با ۳۶/۶۶ درصد در جای بعدی قرار دارند. بیشترین تعداد پاسخگویان را گروه تحصیلی لیسانس با ۲۸/۱۶ درصد تشکیل می‌دهند و پس از آن گروه تحصیلی زیر دیپلم با ۲۵/۶۶ درصد قرار دارد. همچنین کمترین پاسخگویان مربوط به گروه تحصیلی دکتری با ۱/۳۳ درصد قرار دارد. نتایج توصیفی پژوهش نشان داد که بیشترین تعداد پاسخگویان با ۵۱/۸۳ متاهل و همچنین ۴۸/۱۶ درصد از پاسخگویان مجرد هستند. جهت محاسبه روایی و پایایی پرسشنامه از نرم افزار اسمارت پی ال اس^۱ استفاده شده و نتایج زیر حاصل گردید:

برای بررسی مدل ساختاری از ضرایب مسیر و t-value استفاده شده است که نتایج زیر حاصل شده است:

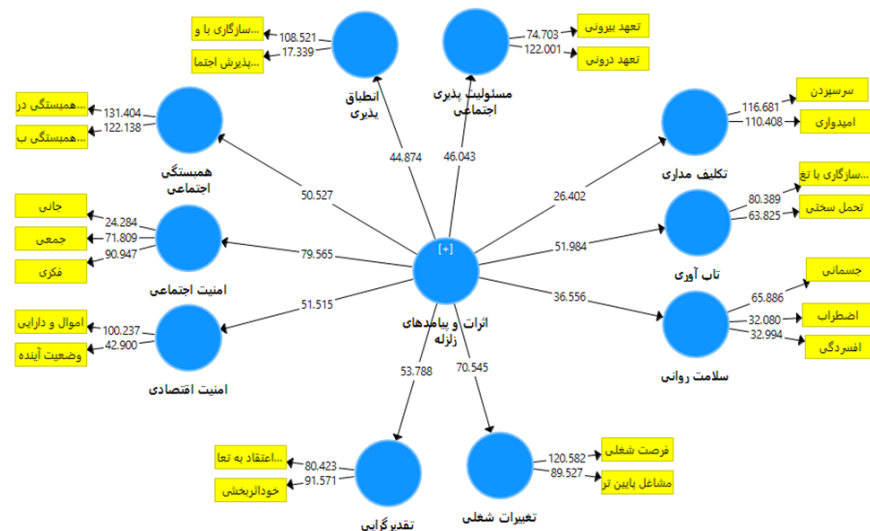


شکل شماره (۲): مدل ساختاری در حالت ضرایب مسیر

در شکل (۲) ضریب مسیر بین متغیرهای مدل بر روی هر مسیر قابل مشاهده است. این ضریب مسیر استاندارد عددی است بین +۱ و -۱ که در مدل فوق علامت مثبت آن‌ها نشان از وجود رابطه مثبت بین متغیرهای تحقیق دارد. به عنوان مثال بین تقدیرگرایی و اثرات و پیامدهای زلزله ضریب مسیر ۰/۸۴۰+ به دست آمده است. اما آیا این ضریب به لحاظ آماری معنادار است؟ برای پاسخ به این سوال از

مقدار آماره تی - استیودنت متناظر با هر ضریب استفاده می‌کنیم که این مقادیر در شکل (۲) قابل مشاهده است.

مدل در حالت مقادیر t-value:



شکل شماره (۳): مدل ساختاری در حالت t-value

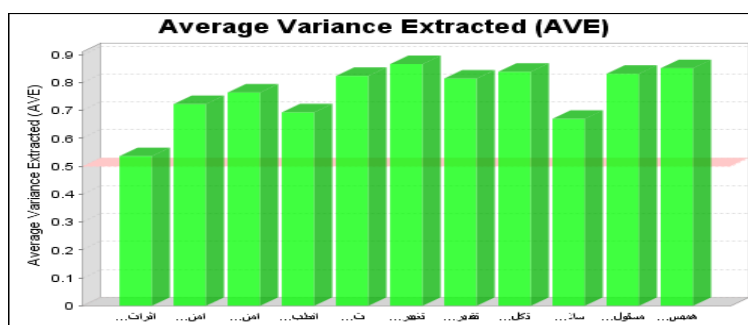
جهت سنجش برآزش مدل‌های اندازه‌گیری در سه مورد استفاده می‌شود: ۱. پایایی شاخص، ۲. روایی همگرا و ۳. روایی واگرا. پایایی شاخص توسط سه معیار ضرایب بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد سنجش قرار می‌گیرد.

الف) ضرایب بارهای عاملی: بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شوند. اگر محقق پس از محاسبه بارهای عاملی بین سازه و شاخص‌های آن با مقادیر کمتر از ۰/۴ مواجه شود، باید آن شاخص‌ها (سئوال‌ها پرسشنامه) را اصلاح نموده و یا از مدل پژوهش خود حذف نماید. ضرایب بارهای عاملی مرتبه اول و مرتبه دوم کلیه گویه‌ها بالاتر از ۰/۴ است که نشان از مناسب بودن این معیار دارد.

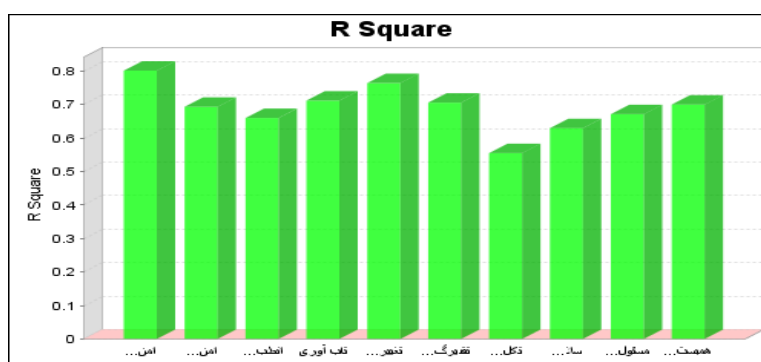
با توجه به مندرجات جدول زیر می‌توان گفت تمامی مقادیر آلفای کرونباخ بالاتر از حد قابل قبول بیش از (۰/۷۰) هم‌چنین مقادیر پایایی ترکیبی بالاتر از حد قابل قبول (۰/۷۰) می‌باشند. هم‌چنین تمامی مقادیر میانگین واریانس استخراج شده (AVE) نیز همگی بیش از (۰/۵۰) می‌باشد. با توجه به چهار مورد بارهای عاملی، آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و مقادیر اشتراکی می‌توان گفت پایایی مدل اندازه‌گیری تایید می‌شود.

جدول شماره (۲): پایایی و پایایی ترکیبی و (AVE)

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس (AVE)
پیامدهای زلزله	۰/۹۵۸	۰/۹۶۲	۰/۵۳۷
امنیت اجتماعی	۰/۸۰۶	۰/۸۸۶	۰/۷۲۳
امنیت اقتصادی	۰/۶۹۴	۰/۸۶۷	۰/۷۶۵
انطباق پذیری	۰/۵۷۷	۰/۸۱۸	۰/۶۹۴
تاب آوری	۰/۷۸۶	۰/۹۰۳	۰/۸۲۴
تغییرات شغلی	۰/۸۴۶	۰/۹۲۸	۰/۸۶۷
تقدیرگرایی	۰/۷۷۳	۰/۸۹۸	۰/۸۱۵
تکلیف‌مداری	۰/۸۰۸	۰/۹۱۲	۰/۸۳۹
سلامت روانی	۰/۷۶۲	۰/۸۵۹	۰/۶۷۰
مسئولیت پذیری اجتماعی	۰/۷۸۹	۰/۹۰۸	۰/۸۳۲
همبستگی اجتماعی	۰/۸۲۶	۰/۹۲۰	۰/۸۵۲



شکل شماره (۴): میانگین واریانس استخراج شده



شکل شماره (۵): میزان ضریب تعیین

روایی همگرا: روایی همگرا معیار دیگری است که برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری در پی. ال. اس به کار برده می‌شود. برای بررسی روایی همگرا از شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده شده است. میانگین واریانس استخراج شده، میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های آن را نشان می‌دهد. مقدار بحرانی این مقدار ۰/۵ می‌باشد. بدان معنی که مقدار AVE بالای ۰/۵ روایی همگرایی قابل قبول را نشان می‌دهد.

روایی واگرا: روایی واگرا سومین معیار سنجش برازش مدل‌های اندازه‌گیری در روش پی. ال. اس است. برای سنجش روایی واگرا از بارهای عاملی متقاطع استفاده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که تمامی سؤالات مربوط به هر سازه همبستگی بیشتری با همان سازه دارد نسبت به سایر سازه‌ها. بدین وسیله روایی واگرایی در سطح معرف تایید می‌شود.

در توضیح و تفسیر یافته‌های به دست آمده می‌توان گفت: مقدار سلول تقاطع هر سازه باید بزرگ‌تر از مقدار مندرج در سلول‌های زیر آن باشد. به عنوان مثال: امنیت اجتماعی با مقدار جذر واریانس مشترک استخراج شده برابر ۰,۸۵۰ می‌باشد که از مقادیر زیرش ۰,۷۴۹ و ۰,۷۰۰ و ... بزرگ‌تر است. با این توضیحات روایی واگرا در سطح سازه نیز تایید می‌شود و سایر سازه‌ها نیز به همین ترتیب می‌باشند.

بررسی فرضیات پژوهش

جدول شماره (۳): نتایج فرضیات تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	A	p-value
امنیت اجتماعی	۵۸/۴۰۵	۱۴/۳۴۲	۲/۳۹۹	۵۹۹	٪۰۵	۰/۰۰۱
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۳۰/۹۰۶	۷/۵۴۷	۲/۹۴۳	۵۹۹	٪۰۵	۰/۰۰۱
انطباق‌پذیری	۲۲/۱۱۵	۵/۳۸۹	۵/۰۶۷	۵۹۹	٪۰۵	۰/۰۰۱
همبستگی اجتماعی	۲۱/۶۰۵	۵/۳۹۴	۲/۷۴۷	۵۹۹	٪۰۵	۰/۰۰۱
تقدیرگرایی	۲۰/۹۶۶	۵/۵۳۴	۶/۶۸۸	۵۹۹	٪۰۵	۰/۰۰۱
امنیت اقتصادی	۳۰/۹۰۶	۷/۵۴۷	۲/۹۴۳	۵۹۹	٪۰۵	۰/۰۰۱
تغییرات شغلی	۲۲/۰۲۰	۵/۳۳۹	۴/۶۷۹	۵۹۹	٪۰۵	۰/۰۰۱
سلامت روانی	۴۶/۱۴۳	۶/۸۴۰	۴/۹۵۳	۵۹۹	٪۰۵	۰/۰۰۱
تاب‌آوری	۱۳/۲۳۰	۴/۵۴۲	۲/۶۰۰	۵۹۹	٪۰۵	۰/۰۰۱
تکلیف‌مداری	۱۵/۰۷۳	۴/۰۶۴	۲/۵۳۰	۵۹۹	٪۰۵	۰/۰۰۱

همان‌طوری که یافته‌های جدول (۳) نشان می‌دهد میانگین به دست آمده برای متغیرهای امنیت اجتماعی (۵۸/۴۰۵)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی (۳/۹۰۶)، انطباق‌پذیری (۲۲/۱۱۵)، همبستگی اجتماعی (۲۱/۶۰۵)، تقدیرگرایی (۲۰/۹۶۶)، امنیت اقتصادی (۳۰/۹۰۶)، تغییرات شغلی (۲۲/۰۲۰)، سلامت روانی (۴۶/۱۴۳)، تاب‌آوری (۱۳/۲۳۰)، تکلیف‌مداری (۱۵/۰۷۳) می‌باشد. همچنین سطح معنی‌داری به دست

آمده برای تمامی متغیرهای تحقیق ($Sig=0/001$) از سطح آلفای $0,05$ کوچکتر است لذا فرض صفر با 95 درصد اطمینان رد می‌شود. پس با عنایت به نتایج مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت وقوع زلزله بر امنیت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، انطباق‌پذیری، همبستگی اجتماعی، تقدیرگرایی، امنیت اقتصادی، تغییرات شغلی، سلامت روانی، تاب‌آوری، تکلیف‌مداری تاثیر دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پدیده زلزله و آسیب‌های ناشی از آن که در اجتماعات گوناگون بر اساس سطح توسعه و پیشرفت جامعه تغییرپذیر می‌باشد خسارات جانی و مالی زلزله این حادثه را در مقابل دیگر حوادث طبیعی به بحران تبدیل نموده است و در برنامه‌ریزی اجتماعات انسانی لزوم مدیریت ریسک جهت مواجهه با بحران زلزله را می‌طلبد. نتایج این پژوهش نشان داد که وقوع زلزله بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان تاثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیقات پورمحمدی و دیگران (۱۳۹۸)، و افلاطونیان و دیگران (۱۳۹۲)، همسو و هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که نلسون معتقد است یکی از پیامدهای زلزله فاجعه افزایش سریع جمعیت شهری است که از علل آن، نیاز شهرهای آسیب دیده به نیروی کار در مرحله بازسازی است. نیاز به نیروی کار در این شهرها و بالا بودن دستمزدها موجب جذب جمعیت مناطق روستایی اطراف در آن‌ها می‌شود و حتی نوعی احساس ناامنی را در سطح شهر به دنبال دارد (۱۷): (۵۶).

هم‌چنین نتایج دیگر نشان داد که وقوع زلزله بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شهروندان تاثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیقات محمدی‌نیا و نظری‌کمال (۱۳۹۸)، عسکری باقرآبادی و دیگران (۱۳۹۵)، و عباسی بوروندرق و دیگران (۱۳۹۱)، هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که تأمین نیازهای ثانویه به ویژه نیازهای بهداشتی و پزشکی، آموزشی، شغلی، و تفریحی به خصوص در روزهای اول بروز فاجعه دچار وقفه می‌شود؛ دسترسی به امکانات و حمایت‌های رفاهی، آسایشی، آرایشی، ارتباطی، تفریحی و سرگرمی، به علت اسکان در مکان‌های حاشیه‌ای، کاهش میزان اشتغال، تغییرات شغلی، آسیب‌پذیری شدید مشاغل حاشیه‌ای و اختیاری، و تحول در نقش‌های اقتصادی و تجاری و مسئولیت‌های اجتماعی پدیدار می‌شود (۱۱).

از دیگر یافته‌های تحقیق این که وقوع زلزله بر انطباق‌پذیری شهروندان تاثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیق افلاطونیان و دیگران (۱۳۹۲)، همسو و هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که سوروکین معتقد است که زلزله اتفاق غیرقابل‌کنترلی است که در زمان و مکان خاصی روی می‌دهد و خطر یا تهدید را در جامعه یا بخش‌های نسبتاً وسیعی از آن به وجود می‌آورد؛ مهم‌ترین آسیب فاجعه را فروپاشی تقسیم کار اجتماعی و یا بر هم خوردن تعادل و هماهنگی اجتماع و از بین رفتن انطباق‌پذیری می‌داند که این فروپاشی و عدم تعادل به مثابه عامل تهدیدکننده اجتماع به شمار می‌رود.

هم‌چنین نتایج نشان داد که وقوع زلزله بر همبستگی اجتماعی با دیگران تاثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیقات پورمحمدی و دیگران (۱۳۹۸)، دهقانی و دیگران (۱۳۹۲)، عباسی بوروندرق و دیگران (۱۳۹۱)، همسو و هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که اندرسون معتقد است که تحلیل آسیب‌پذیری‌ها با کاربرد ارزیابی احتمال و دامنه آسیب‌پذیری ناشی از وقوع خطرات طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان، در تدوین و اجرای اقدامات و فعالیت‌های مؤثر و مرجح در مراحل پس از وقوع فاجعه نقشی اساسی دارد و دست کم در جلوگیری از بروز دو خطر اساسی در طول این فرآیندها و مراحل نجات، اسکان موقت، بازسازی مؤثر است که عبارتند از: ۱. افزایش شناخت از عوامل بروز فاجعه، ۲. تحلیل و شناسایی عوامل و شرایط پنهان، برنامه‌ریزان و مجریان در راستای کاهش و حتی پیشگیری از آسیب‌ها (از طریق اقدامات مؤثر آن‌ها در ارتباط با عوامل ناشناخته آسیب‌زا) که به افزایش تحمل و تاب‌آوری افراد و هم‌چنین شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی بین آن‌ها کمک می‌کند (۴).

یافته‌ای دیگر نشان داد که وقوع زلزله بر تقدیرگرایی شهروندان تاثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیق افلاطونیان و دیگران (۱۳۹۲)، همسو و هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که به اعتقاد سوروکین بعد از زلزله، آسیب دیدگان مرحله جدیدی از زندگی خود را بر اساس اعتقادات، ارزش‌ها و عواطف سر و سامان می‌دهند و روحیه تقدیرگرایی از جمله این احساسات و عواطف است.

هم‌چنین نتایج تحقیق نشان داد که وقوع زلزله بر احساس امنیت اقتصادی شهروندان تاثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیقات پورمحمدی و دیگران (۱۳۹۸)، و افلاطونیان و دیگران (۱۳۹۲)، هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که نلسون معتقد است یکی دیگر از پیامدهای زلزله فاجعه افزایش سریع جمعیت شهری است که از علل آن، نیاز شهرهای آسیب دیده به نیروی کار در مرحله بازسازی است. نیاز به نیروی کار در این شهرها و بالا بودن دستمزدها موجب جذب جمعیت مناطق روستایی اطراف در آن‌ها می‌شود و حتی نوعی احساس ناامنی را در سطح شهر به دنبال دارد (۱۷).

از دیگر نتایج تحقیق این که وقوع زلزله بر تغییرات شغلی شهروندان تاثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیقات محمدی‌نیا و نظری‌کمال (۱۳۹۸)، عسکری باقرآبادی و دیگران (۱۳۹۵)، و عباسی بوروندرق و دیگران (۱۳۹۱)، همسو و هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که تأمین نیازهای ثانویه به ویژه نیازهای بهداشتی و پزشکی، آموزشی، شغلی، و تفریحی به خصوص در روزهای اول بروز فاجعه دچار وقفه می‌شود؛ دسترسی به امکانات و حمایت‌های رفاهی، آسایشی، آرایشی، ارتباطی، تفریحی و سرگرمی، به علت اسکان در مکان‌های حاشیه‌ای، کاهش میزان اشتغال، تغییرات شغلی، آسیب‌پذیری شدید مشاغل حاشیه‌ای و اختیاری، و تحول در نقش‌های اقتصادی و تجاری و مسئولیت‌های اجتماعی پدیدار می‌شود (۱۱).

و نیز نتایج نشان داد که وقوع زلزله بر سلامت روانی شهروندان تاثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیقات محمدی‌نیا و نظری‌کمال (۱۳۹۸)، عسکری باقرآبادی و دیگران (۱۳۹۵)، افلاطونیان و دیگران (۱۳۹۲)، و

دهقانی و دیگران (۱۳۹۲)، همسو و هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که نلسون معتقد است که هنگامی که زلزله به فاجعه بینجامد، با سه پیامد اجتماعی مهم همراه می‌شود: الف) افزایش حس تعلق به مکان؛ ب) نابودی عرصه خصوصی؛ ج) از هم گسیختگی اجتماعی و صدمه شدید به شبکه‌های اجتماعی (۲۰). نلسون معتقد است پیامدهای روانی و اجتماعی ناشی از مرگ خویشان و نزدیکان، احساس ناامنی اقتصادی و اجتماعی، و از دست دادن اموال و دارایی‌ها نیز بسیار مهم به شمار می‌روند (۱۷).

هم‌چنین نتایج نشان داد که وقوع زلزله بر تاب‌آوری شهروندان تاثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیقات پورمحمدی و دیگران (۱۳۹۸)، دهقانی و دیگران (۱۳۹۲)، و عباسی بوروندرق و دیگران (۱۳۹۱)، هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که اندرسون معتقد است که تحلیل آسیب‌پذیری‌ها با کاربرد ارزیابی احتمال و دامنه آسیب‌پذیری ناشی از وقوع خطرات طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان، در تدوین و اجرای اقدامات مناسب و متناسب و فعالیت‌های مؤثر و مرجح در مراحل پس از وقوع فاجعه نقشی اساسی دارد و دست کم در جلوگیری از بروز دو خطر اساسی در طول این فرآیندها و مراحل نجات، اسکان موقت، بازسازی و ... مؤثر است و در نهایت نتایج نشان داد که وقوع زلزله بر تکلیف‌مداری برابر خدا شهروندان تاثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیق شاکر (۱۳۸۴)، همسو و هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که فورد طبقه‌بندی مختلفی از دیدگاه‌های آسیب‌پذیری ارائه داده است که در مجموع سه دیدگاه متمایز از پژوهش و تبیین مفهوم آسیب‌پذیری را می‌توان به شرح زیر مشخص کرد: ۱. دیدگاه زیستی فیزیکی، ۲. دیدگاه ساخت اجتماعی، ۳. دیدگاه ترکیبی (آسیب‌پذیری به عنوان تأثیرپذیری بالقوه و ظرفیت رسیدگی و انطباق (یکپارچگی و پایداری و سرسپردگی به خداوند)) (۸).

در یک نتیجه‌گیری می‌توان بیان نمود که زلزله فاجعه ناگهانی غیر مترقبه‌ای است که اتفاق می‌افتد و هیچ کس نمی‌تواند ابعاد چنین حادثه‌هایی را به طور دقیق و قطعی پیش‌بینی نماید. بدون شک این فاجعه اثرات مخرب و تکان دهنده‌ای بر جای خواهد گذاشت که وحشت کامل آن برای افرادی که در محل حادثه یا اطراف آن زندگی می‌کنند کاملاً محسوس و مشهود است، بنابراین یکی از پیامدهای نامطلوب این حوادث و بلایا، شیوع نسبتاً بالای اختلالات روانی در بازماندگان است. در صد سال گذشته بیش از ۱۵۰۰ بار زلزله در ایران آمده و در بسیاری مواقع مردم را داغ‌دار کرده است. اما تکرار این حادثه شهروندان را به نوعی سازگاری و سازش با زلزله سوق داده است. یکی از راهبردهای جمعی برای این سازگاری، «به فراموشی سپردن زلزله» است. اما به سرعت تنها چند روز بعد از هر زلزله، حتی ویرانگرترین آن‌ها از خاطر، ذهن و ضمیر مردم دور و محو می‌گردد. آسیب‌های به بار آمده در اثر وقوع حوادث و بلایایی طبیعی به خصوص زلزله می‌تواند اثرات سوء زیادی در ابعاد مختلف زندگی جوامع داشته باشد. این اثرات گاهی ممکن است طی سالیان متمادی زندگی این جوامع را دستخوش تغییرات اساسی نماید. اما از آن جایی که نوع بشر جبراً محکوم به فنا در مقابل این حوادث نیست، لذا، در صورت

برنامه‌ریزی‌های صحیح و انجام اقدامات بنیادین و استفاده از قدرت دانش خود می‌تواند تا حد زیادی از میزان آسیب‌ها بکاهد.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Abbasi Borundargh, Sakineh; Nasreen, Garami and Hassan, Shahrokhi. (2012). The effectiveness of psychological support interventions in increasing the mental health of earthquake victims in Warzaghan city, National Conference on Pathology and Planning of the Effects of the August 21 Earthquake in East Azar Baijan Province, Harris, Payam Noor University of East Azerbaijan Provinc
2. Abdullahi, Majid. (2012). Crisis management in urban areas, publications of the Organization of Municipalities and Rural Districts of the country.
3. Aflatonian, Mohammadreza; Reza, Abbasi and Behnaz, Platonian. (2012). Efforts for the health of Bam earthquake victims based on the knowledge and experiences of the authorities at the time, the 5th International Conference on Comprehensive Management of Natural Disasters, Tehran, Permanent Secretariat of the Conference on Comprehensive Disaster Management.
4. Andersson, T; Caker, M; Tengblad, S; Wickelgren, M. (2019). Building traits for organizational resilience through balancing organizational structures. *Scandinavian Journal of Management*, 35 (1), P.p: 36-45.
5. Askari Bagharabadi, Mahbobeh; Noshirvan, Khazri Moghadam; Tayyaba, Damiri and Zahra, Rezaei. (2015). Investigating the relationship between the level of depression and mental health in families affected by the Bam earthquake, the 3rd National Scientific Research Congress on the Development and Promotion of Educational Sciences and Psychology, Sociology and Social Cultural Sciences of Iran, Tehran, Scientific Association for the Development and Promotion of Basic Sciences and Techniques.
6. Burke, S. (2014). A response by the Australian psychological society to the draft report of the productivity commission inquiry into natural disaster funding. Australian Psychological Society.
7. Dehghani, Masoume; Ali, Mohajer Watan; Asadullah, Vahreh Karnema and Mehdi, Kazemi. (2012). Investigating the effects and long-term consequences of the earthquake crisis on the mental health of surviving children (a study of children present in the 2013 Bam earthquake), the 5th International Conference on Comprehensive Management of Natural Disasters, Tehran, Permanent Secretariat of the Comprehensive Crisis Management Conference.
8. Ford, J. (2002). Vulnerability: Concepts and issues, A literature Review of the concept of Vulnerability, its Definition and Application in Studies Dealing With Human-Environmental Interactions, part of PHD Scholarly Field Paper For course Geog, University of Guelph.
9. Godarzi, Mohammad Ali. (2010). The relationship between religious attitude and symptoms of post-traumatic stress disorder in earthquake victims of Bam city. Volume. 13, Number. 50, June and July 2019, pages 93-182.
10. Gruebner, Oliver; R, Lowe Sarah; Sampson, Laura; Galea, Sandro. (2015). The geography of post-disaster mental health: spatial patterning of psychological vulnerability and resilience factors in New York City after Hurricane Sandy, *International Journal of Health Geographics* (2015) 14: 16, DOI 10.1186/s12942.
11. Hakato, Motohiko. (2003). Earthquake in the experience album, translated by a group of translators. Tehran: Center for Natural Crisis Studies in Industry.

12. Houshmandzadeh, Mohammad. (2004). Planning to achieve a comprehensive crisis management system with the aim of reducing the destructive effects of unforeseen events with a view on the dimensions of crisis management in the January 2003 earthquake in Bam city, the first international conference on comprehensive crisis management in unexpected events, Bam.
13. Khanade, Kunal; Sasangohar, Farzan. (2018). Heart Rate Mental Health, A Public Health Paradigm, Behavioral Health Response to Disasters, Edited by Julie Framingham, Martell L. Teasley, Taylor and Francis Group. <https://books.google>.
14. Makwana, N. (2019). Disaster and its impact on mental health: A narrative review, Published online 2019 Oct 31. doi: 10.4103/jfmpc.jfmpc_893_19.
15. Mohammadi Nia, Leila; Nazari Kamal, Mina. (2018). The participation of semens in the prevention of social and psychological harm to families, children and adolescents: a case study of the Kermanshah earthquake, the 9th International Health Congress in Accidents and Disasters.
16. Najarian, Bahman and Barati Sadeh, Farid. (2000). Psychological Consequences of Disasters, Tehran: Masir Publishing House.
17. Nelson, Joel. (1995). Post-Industrial Capitalism. New Delhi: SAGE.
18. Pourmohammadi, Mohammad Reza. (2012). Urban land use planning, Tehran: Samit Publications.
19. Pourmohammadi, Mohammadreza; Hadi, Elham; Hadi, Alnaz. (2018). Explaining the socio-economic dimensions of urban resilience against earthquakes, a case study: District 4 of Tabriz city, Danesh Journal of Crisis Prevention and Management Spring 2018 Number 1.
20. Shadi talab, Jhaleh. (1995). Sociology of disaster, analysis of Rudbar Manjil earthquake, Journal of Iranian Sociological Association, first volume, number 3.
21. Saleki Maliki, M; Hamad, Ali; Valibigi, Mojtabi; Ghasemi, Masoumeh. (2012). Spatial efficiency of the communication network in order to provide relief after an earthquake (case study: Tabriz Baghmisheh settlement). Relief and Rescue Quarterly, No. 3, Pages 8-75.
22. Shaker, Mehdi. (2004). Mental health of accident victims and rescuers with emphasis on providing scientific and practical solutions, the second research scientific conference on rescue and rescue management.
23. Tekra. (2016). The biggest earthquakes in the world and Iran; 20 of the most severe earthquakes in the world, Tekra site, natural events, 5359485.
24. WHO. (2014). Social determinants of mental health, [https:// www.who.int/mental health/publications/gulbenkian paper social determinants of mental health/en/](https://www.who.int/mental-health/publications/gulbenkian-paper-social-determinants-of-mental-health/en/)
25. Zenadia, J and Sung, D. (2003). Participation in disaster reduction: eastern.

تبیین وفاداری سازمانی مبتنی بر کرامت انسانی با میانجی‌گری عزت نفس^۱

یوسف پرزگری^۲

بهنام طالبی^۳

صادق ملکی آوارسین^۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴

چکیده

هدف: تحقیق حاضر با هدف تبیین وفاداری سازمانی مبتنی بر کرامت انسانی با میانجی‌گری عزت نفس کارکنان زندان‌های آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۹ انجام شد. روش بررسی: روش تحقیق پیمایشی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کارکنان اداره کل زندان‌ها به تعداد ۳۳۰ نفر بود که ۱۵۳ نفر پس از شناسایی پرسشنامه‌های مخدوش؛ به روش نمونه‌گیری نسبتی با فرمول کوکران انتخاب شدند. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد شده وفاداری سازمانی رایینز(۱)، کرامت انسانی فروتنی و بحرانی(۲)، بر گرفته از مدل نژادسلیم(۳)، عزت نفس روزنبرگ(۴)، و اسناد علی سلیمن و همکاران(۵)، با اعتبار محتوایی و پایایی هر یک بالای ۰/۷ به دست آمد و مورد تایید قرار گرفت. یافته‌ها: نتایج حاصل از نرم افزار spss و تحلیل مسیر نشان داد؛ کرامت انسانی با واسطه عزت نفس و اسناد علی مثبت و منفی در تبیین وفاداری سازمانی نقش دارند ($p < 0/05$). نتیجه‌گیری: عوامل مدیریتی و سازمانی در کنار عوامل شخصیتی کارکنان می‌توانند در وفاداری سازمانی تاثیر مثبتی بگذارند. واژگان کلیدی: وفاداری، کرامت انسانی، عزت نفس.

۱. این مقاله بر گرفته از رساله دکتری رشته مدیریت آموزشی تحت عنوان: بررسی نقش مدیریت مبتنی بر کرامت انسانی و حمایت سازمانی ادراک شده بر بهره‌وری و وفاداری سازمانی با میانجی‌گری عزت نفس و اسناد علی در بین کارکنان زندان‌های آذربایجان- شرقی است که در سال ۱۳۹۹ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز انجام یافته است.

۲. دانشجوی دکتری رشته مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز- ایران.

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز- ایران (نویسنده مسئول).

E- mail: btalebi1351@iautac.ir

۴. دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز- ایران.

مقدمه

یکی از عوامل حفظ و ماندگاری و افزایش رغبت کارکنان به کار در سازمان، میزان وفاداری آن‌ها به سازمان است که ناشی از عوامل مختلفی می‌تواند باشد. وفاداری سازمانی عامل مهمی است در به کارگیری تمامی توان جهت نیل به اهداف سازمانی. همچنین ترک سازمان یا انجام ندادن استاندارد کار ناشی از عدم وفاداری از طرف کارکنان، هزینه‌هایی به سازمان تحمیل می‌کند که این عوامل خود اهمیت وجود کارکنان وفادار به سازمان را پررنگ‌تر می‌کند (۲۰). در همین زمینه پیتر دراگر، داشتن کارکنان وفادار را مزیتی رقابتی برای سازمان‌ها می‌داند و بیان می‌کند کارکنان وفادار، انگیزه بیشتری برای حضور در سازمان دارند و برای رسیدن به اهداف سازمان بیشتر تلاش می‌کنند. نیروی انسانی وفادار، سازگار با اهداف سازمانی و متمایل به حفظ عضویت سازمانی، وظایف محوله را با کیفیت بالاتری انجام و حاضر است فراتر از وظایف شغلی فعالیت کند. وجود چنین نیرویی در سازمان موجب ارتقاء سطح عملکرد، پایین آمدن نرخ غیبت، جابجایی و ترک خدمت و در نهایت افزایش عملکرد، بهره‌وری و اثربخشی سازمان خواهد شد (۱۴). وفاداری کارکنان به سازمان و ماندگاری طولانی مدت آن‌ها در سازمان، موجب تقویت بخش نیروی انسانی سازمان شده و منابعی از تجربیات را برای سازمان در بر خواهد داشت. در نتیجه نیاز است کارکنان به سازمان وفادار نگه داشته شوند تا روز به روز بر حوزه کاری خود تسلط بیشتری پیدا کنند (۱).

بنابراین با توجه به این که امروزه نقش و جایگاه انسان در سازمان‌ها انکارناپذیر است و به گفته آرمسترانگ که معتقد بودند «خود کارکنان و مهارت‌ها، توان‌مندی‌ها و تجربه جمعی، همراه با توانایی آنان در به کارگیری این موارد در جهت منافع سازمان، اول این که سهم بزرگی در کامیابی سازمان دارد و دوم این که منبع مهمی برای برتری رقابتی است» (۷)، لذا تفکرات نوینی نسبت به انسان در سازمان‌ها مطرح شده است. امروزه جوامع بشری به این نتیجه رسیده‌اند که فقط با قوانین و مقررات نمی‌توان جامعه، یا در مقیاس کوچک‌تر سازمان را اداره کرد. بلکه در کنار آن‌ها به ابزار دیگری نیاز دارند که «کرامت انسانی» نام دارد. توجه به کرامت انسانی افراد در سازمان‌ها و صیانت از کرامت آن‌ها، از جمله تفکرات نوینی است که در باب توجه به ارزش‌های انسان در سازمان مطرح گردیده است (۷). نتایج پژوهش فیگورسکا (۲۰۱۷)، نشان داده است که مدیریت هوشمندانه و صادقانه کارکنان سازمانی با احترام قائل شدن به کرامت انسانی ایشان، میزان انگیزه شغلی ایشان به طور قابل توجهی افزایش یابد و بالعکس؛ با از بین رفتن کرامت انسانی کارکنان، سطح وفاداری ایشان به سازمان و تعهد کاری‌شان کاهش چشمگیری خواهد یافت (۴).

در همین راستا اهمیت عزت نفس در پیش‌بینی جنبه‌های گوناگون بهزیستی، اعم از شخصی و روان-شناختی، بارها مورد تأیید قرار گرفته است (۱۹). عزت نفس احساس ارزش، درجه تصویب، تأکید، پذیرش ارزش‌مندی است که شخص نسبت به خویش‌تن دارد (۱۱). عزت نفس زاینده زندگی اجتماعی و ارزش‌های

آن است و در تمامی فعالیت‌های روزانه انسان به نوعی جلوه‌گر بوده و به این شکل از مهم‌ترین جنبه‌های شخصیت و تعیین‌کننده ویژگی‌های رفتاری انسان است (۸). کورمن معتقد است؛ کارکنان با عزت نفس بالا تمایل دارند که عملکرد خویش را با خودپنداره خود متناسب سازند؛ زیرا عملکرد بهتر، توازن بیشتری با خودپنداره شایسته دارد؛ صرف نظر از این که از کار خود خشنود باشند یا نباشند. پس می‌توان اذعان نمود تقویت عزت نفس، مهم‌ترین عامل موفقیت است. این عامل، شیوه زندگی را دگرگون می‌سازد. اگر عزت نفس زیاد باشد، با مشکلات از طریق حل کردن آن‌ها مواجه می‌شوید نه با مقصر دانستن خود یا دیگران. همچنین عزت نفس به مفهوم آن است که هر گاه انسان شکست خورد، از آن درس بگیرد و دوباره سعی کند تا به موفقیت برسد. به نظر می‌رسد تردید کمی وجود دارد که عزت نفس سازمان‌محور، رابطه مثبت مهمی با رفتارها و گرایش‌های کاری دارد (۱۳). نتایج پژوهش‌های لین و همکاران (۲۰۱۸)، نشان داده است که بین عزت نفس سازمانی و تمایل به ترک خدمت رابطه منفی وجود دارد (۹).

با توجه به این که انسان به تعبیر و توجیه دنیای پیرامون خود گرایش دارد تا بتواند کنترل بیشتری بر آن داشته باشد. اسناد علی فرایندی است که طی آن مردم در مورد عوامل علی یک رویداد یا پیام تصمیم می‌گیرند. از این رو به چگونگی رسیدن به اسنادهای علی خود می‌نگرند و این که این اسنادها چه اثری بر رفتار بعدی آن‌ها می‌گذارد (۱۶). در واقع می‌توان اذعان نمود واکنش اشخاص از موقعیت‌ها متأثر از برداشت‌ها و ارزیابی شناختی آن‌ها از آن موقعیت‌هاست. از این رو نظریه‌ای که در دو دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته سبک یا شیوه‌های تبیین افراد و رویدادهای تنش‌زاست (۱۰). با توجه به این که اشتغال در زندان‌ها به خاطر پیچیدگی‌های خاص خود، همیشه چالش برانگیز بوده است و کارکنان به عنوان نیروهای صف سازمان این چالش را کنکاش و بر اساس تفکرات خود به اسناد علی می‌پردازند. اسنادهای موفقیت و شکست به سه زیر مقیاس اصلی قابل تقسیم هستند که شامل ابعاد درونی - بیرونی، پایدار - ناپایدار و کلی - اختصاصی می‌شوند. هر کدام از این ابعاد به این اشاره می‌کند که فرد موفقیت یا شکست خود را مرهون کدام بعد می‌داند. درونی - بیرونی به این معنی است که خود فرد در آن نقش داشته (درونی) یا شرایط و موقعیت‌های دیگر بر آن اثرگذار بوده است (بیرونی). همچنین این موقعیت همیشه پا بر جا خواهد ماند (پایدار) یا از بین خواهد رفت (ناپایدار). همچنین در کلیه شرایط اثرگذار خواهد بود (کلی) یا فقط به شرایط ویژه مربوط خواهد بود (اختصاصی) (۶).

استان آذربایجان شرقی دارای یکی از زندان‌های بزرگ در سطح کشور می‌باشد. کارکنان ادارات زندان‌ها نیز با توجه به وظایفی که بر عهده دارند؛ با بهره‌گیری از ویژگی‌های فردی خویش نظیر عزت نفس و اسناد علی می‌توانند بهبود رابطه بین کرامت انسانی و وفاداری سازمانی خویش را موجب گردند. در نتیجه برای دستیابی به وفاداری سازمانی کارکنان در یک سازمان علاوه بر ویژگی‌های سازمانی نظیر کرامت انسانی؛ ویژگی‌های فردی کارکنان مانند عزت نفس و اسناد علی نیز تاثیرگذار می‌باشند. در نتیجه بررسی عوامل فردی و سازمانی در بالا بردن وفاداری کارکنان در زندان‌های استان آذربایجان -

شرقی به عنوان هدف انجام تحقیق مورد کاوش و پژوهش محققین در پژوهش حاضر است. نتایج این تحقیق برای مدیران و مسئولین و کارکنان ادارت کل زندان‌های یاد شده و همچنین سایر زندان‌های کشور می‌تواند برای چگونگی بالا بردن وفاداری سازمانی در پی ارتقاء کرامت انسانی با واسطه عوامل فردی نظیر عزت نفس و اسناد علی رهنمون باشد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و شیوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع همبستگی-تحلیلی است. جامعه آماری شامل کارکنان اداره کل زندان‌های استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۷ به تعداد ۳۳۰ نفر می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران و روش تصادفی نسبتی ساده از بین کارکنان بخش‌های مختلف ۱۵۳ نفر انتخاب شدند.

ابزار اندازه‌گیری به صورت پرسشنامه‌های استاندارد وفاداری سازمانی رابینز(۱۵)، شامل ۷ گویه، عزت نفس روزنبرگ(۲)، شامل ۱۰ گویه، سبک اسناد سلیگمن و همکاران(۱۸)، شامل ۴۸ گویه و کرامت انسانی فروتنی و بحرانی(۵)، بر گرفته از مدل نژادسلیم(۱۲)، شامل ۳۹ گویه می‌باشد.

روایی پرسشنامه‌ها با تعیین اعتبار محتوایی و پایایی پرسشنامه‌ها با آلفای کرونباخ مورد آزمون قرار گرفته و برای تک تک متغیرها بالای ۰/۷ به دست آمد. در نتیجه پرسشنامه دارای روایی و پایایی قابل قبولی می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش میدانی با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۴ انجام شده است. به گونه‌ای که از آزمون رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر استفاده شده است.

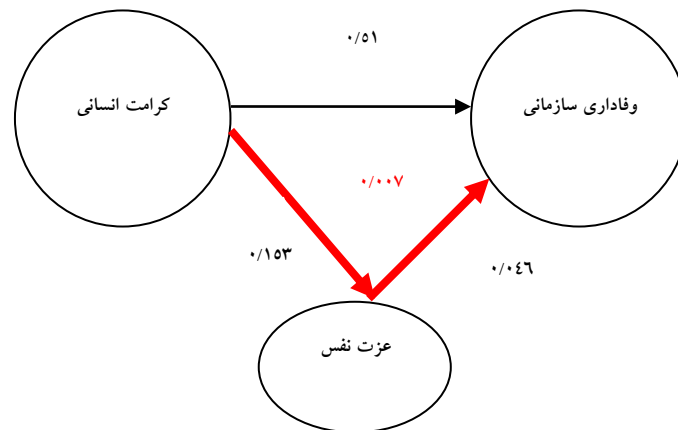
یافته‌ها

- وفاداری سازمانی بر اساس کرامت انسانی با نقش واسطه‌ای عزت نفس در کارکنان قابل تبیین است.

به منظور تبیین وفاداری سازمانی بر اساس کرامت انسانی با نقش واسطه‌ای عزت نفس کارکنان از رگرسیون چندگانه به روش اینتر استفاده شد که در نهایت طبق اطلاعات جدول شماره (۱) ملاحظه می‌شود در مجموع ضریب همبستگی چندگانه این عوامل، برابر $R = 0/511$ و ضریب تعیین برابر $R^2 = 0/26$ و ضریب تعیین خالص برابر $\bar{R}^2 = 0/25$ به دست آمده است ($p < 0/05$)، یعنی در مجموع مدیریت مبتنی بر کرامت انسانی به همراه عزت نفس کارکنان به میزان ۲۵ درصد وفاداری سازمانی را تبیین می‌کنند و ۷۵ درصد از واریانس وفاداری سازمانی توسط متغیرهای دیگری قابل تبیین می‌باشد.

جدول شماره (۱): ضریب همبستگی چندگانه برای تبیین وفاداری سازمانی

شکل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص
۱	۰/۵۱۱	۰/۲۶	۰/۲۵



شکل شماره (۱): تبیین وفاداری سازمانی بر اساس کرامت انسانی با نقش واسطه‌ای عزت نفس کارکنان

$0.51 = \text{وفاداری سازمانی} \rightarrow \text{کرامت انسانی}$: اثر مستقیم

$0.007 = 0.153 \times 0.046 = \text{وفاداری سازمانی} \rightarrow \text{عزت نفس} \rightarrow \text{کرامت انسانی}$: اثرات غیر مستقیم

مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم $0.51 + 0.007 = 0.517$

هم‌چنین نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان می‌دهد؛ ضریب بتا با مقدار 0.517 می‌باشد و نشان دهنده تاثیر کرامت انسانی با نقش واسطه‌ای عزت نفس کارکنان می‌باشد. با توجه به این که مقدار بتای کل به دست آمده کمی بیش از مقدار بتای مسیر مستقیم است؛ در نتیجه با اضافه شده متغیر عزت نفس به کرامت انسانی؛ علی‌رغم بیشتر شدن مقدار تاثیر؛ این مقدار اندک و کمتر از (0.01) می‌باشد و عزت نفس سهم بسیار ناچیزی در تبیین وفاداری سازمانی کارکنان دارد. اما در مجموع کرامت انسانی کارکنان با نقش واسطه‌ای عزت نفس؛ وفاداری آن‌ها به سازمان را تبیین می‌کند.

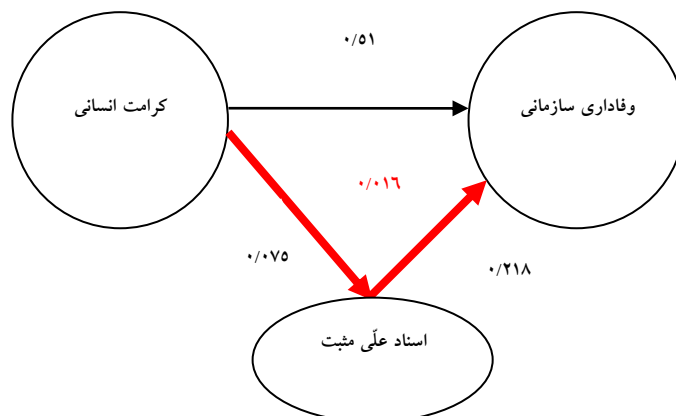
- وفاداری سازمانی بر اساس کرامت انسانی با نقش واسطه‌ای اسناد علی مثبت در کارکنان قابل تبیین است.

به منظور تبیین وفاداری سازمانی بر اساس کرامت انسانی با نقش واسطه‌ای اسناد علی مثبت کارکنان طبق رگرسیون چندگانه به روش اینتر انجام گرفته ملاحظه می‌گردد که در نهایت طبق اطلاعات جدول شماره (۲) در مجموع ضریب همبستگی چندگانه این عوامل، برابر $R = 0.54$ و ضریب تعیین برابر $R^2 = 0.29$ و ضریب تعیین خالص برابر $\bar{R}^2 = 0.28$ به دست آمده است ($p < 0.05$)، یعنی در

مجموع کرامت انسانی به همراه اسناد علی مثبت به میزان ۲۸ درصد وفاداری سازمانی را تبیین می‌کنند و ۷۲ درصد از واریانس وفاداری سازمانی توسط متغیرهای دیگری قابل تبیین می‌باشد.

جدول شماره (۲): ضریب همبستگی چندگانه برای تبیین وفاداری سازمانی

شکل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص
۱	۰/۵۴	۰/۲۹	۰/۲۸



شکل شماره (۲): تبیین وفاداری سازمانی بر اساس کرامت انسانی با نقش واسطه‌ای اسناد علی مثبت کارکنان

$0.51 = \text{وفاداری سازمانی} \rightarrow \text{کرامت انسانی}$: اثر مستقیم

$0.166 = 0.075 + 0.218 \times 0.51 = \text{اسناد علی مثبت} \rightarrow \text{وفاداری سازمانی}$: اثرات غیر مستقیم

$0.526 = 0.51 + 0.166 = \text{مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم}$

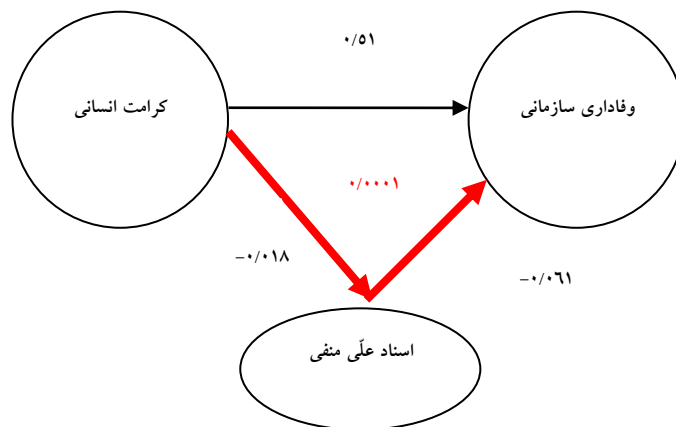
هم‌چنین نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان می‌دهد؛ ضریب بتا با مقدار 0.526 می‌باشد و نشان دهنده تأثیر مدیریت مبتنی بر کرامت انسانی با میانجی‌گری اسناد علی مثبت کارکنان می‌باشد. با توجه به این که مقدار بتای کل به دست آمده کمی بیش از مقدار بتای مسیر مستقیم است؛ در نتیجه با اضافه شده متغیر اسناد علی مثبت به مدیریت مبتنی بر کرامت انسانی؛ علی‌رغم بیشتر شدن مقدار تأثیر؛ این مقدار اندک و کمتر از (0.02) می‌باشد و اسناد علی مثبت سهم بسیار ناچیزی در تبیین وفاداری سازمانی کارکنان دارد. اما در مجموع مدیریت مبتنی بر کرامت انسانی کارکنان با میانجی اسناد علی مثبت؛ وفاداری آن‌ها به سازمان را تبیین می‌کند.

- وفاداری سازمانی بر اساس کرامت انسانی با نقش واسطه‌ای اسناد علی منفی در کارکنان قابل تبیین است.

به منظور تبیین وفاداری سازمانی بر اساس کرامت انسانی با نقش واسطه‌ای اسناد علی منفی کارکنان طبق رگرسیون چندگانه به روش اینتر انجام گرفته ملاحظه می‌گردد که در نهایت طبق اطلاعات جدول شماره (۳) در مجموع ضریب همبستگی چندگانه این عوامل، برابر $R = 0/51$ و ضریب تعیین برابر $R^2 = 0/26$ و ضریب تعیین خالص برابر $\bar{R}^2 = 0/25$ به دست آمده است ($p < 0/05$)، یعنی در مجموع کرامت انسانی به همراه اسناد علی منفی به میزان ۲۵ درصد وفاداری سازمانی را تبیین می‌کنند و ۷۵ درصد از واریانس وفاداری سازمانی توسط متغیرهای دیگری قابل تبیین می‌باشد.

جدول شماره (۳): ضریب همبستگی چندگانه برای تبیین وفاداری سازمانی

شکل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص
۱	۰/۵۱	۰/۲۶	۰/۲۵



شکل شماره (۳): تبیین وفاداری سازمانی بر اساس کرامت انسانی با نقش واسطه‌ای اسناد علی منفی کارکنان

$0/51 = \text{وفاداری سازمانی} \rightarrow \text{کرامت انسانی}$: اثر مستقیم

$0/001 = -0/018 \times -0/061 = \text{وفاداری سازمانی} \rightarrow \text{اسناد علی منفی} \rightarrow \text{کرامت انسانی}$: اثرات غیر مستقیم

$0/511 = 0/51 + 0/001$: مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم

هم‌چنین نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان می‌دهد؛ ضریب بتا با مقدار $0/511$ می‌باشد و نشان دهنده تاثیر کرامت انسانی با نقش واسطه‌ای اسناد علی منفی کارکنان می‌باشد. با توجه به این که مقدار بتای کل به دست آمده کمی بیش از مقدار بتای مسیر مستقیم است؛ در نتیجه با اضافه شده متغیر اسناد علی منفی به کرامت انسانی؛ علی‌رغم بیشتر شدن مقدار تاثیر؛ این مقدار بسیار ناچیز و در حد صفر می‌-

باشد و اسناد علی منفی سهم بسیار ناچیزی در تبیین وفاداری سازمانی کارکنان دارد. اما در مجموع کرامت انسانی کارکنان با نقش واسطه‌ای اسناد علی منفی؛ وفاداری آن‌ها به سازمان را تبیین می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر تحت عنوان تبیین وفاداری سازمانی مبتنی بر مدیریت کرامت انسانی با میانجی‌گری عزت نفس در بین کارکنان زندان‌های آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۹ انجام شد. بحث درخصوص روابط بین متغیرهای تحقیق حاضر، در واقع، ابعاد روان‌شناختی و مدیریتی را در ذهن می‌آورد. بدین ترتیب که عزت نفس و اسناد علی یعنی افراد برای اعمال و رفتارهای خود سندهای توجیهی می‌آورند. اما وفاداری سازمانی یکی از دغدغه‌های اصلی مدیران سازمان است به این دلیل که ترک خدمت و پایین بودن سطح عملکرد در بسیاری از تحقیقات انجام شده در سازمان‌های خدماتی یکی از مشکلات مهم کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما گزارش شده است. یکی از نتایج تحقیق نشان داد که کرامت انسانی با نقش واسطه‌ای عزت نفس با وفاداری سازمانی کارکنان رابطه دارد و به میزان ۲۸٪ وفاداری سازمان را تبیین می‌کنند. نتایج این فرضیه همسو با تحقیقات فیگورسکا(۴)، الهامی‌نژاد(۳)، و صدوقی و همکاران(۱۷)، می‌باشد. بر اساس یافته‌های تحقیقات مزبور و با توجه به نتایج این فرضیه مبنی بر تاثیر کرامت انسانی بر وفاداری کارکنان به سازمان با در نظر گرفتن عزت نفس کارکنان در زندان‌های استان آذربایجان شرقی می‌توان چنین برداشت نمود که سبک مدیریتی بر مبنای ارزش و حرمت نهادن بر کارکنان، اگر چه طبق نتایج مطالعات نظری و تجربی انجام یافته، کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است، اما به نظر می‌رسد توجه کرامت انسانی در سازمان‌هایی مانند زندان‌ها به دلیل ماهیت اصلاحی- تربیتی این محیط‌ها، بیش از سایر سازمان‌ها از اهمیت برخوردار است. بنابراین، تاکید بر کرامت انسانی در سازمان‌های دولتی هم‌چون زندان‌ها بیشتر از سایر سازمان‌ها می‌تواند بر ویژگی‌های شخصیتی و ادراکی آن‌ها تاثیر بگذارد که بالطبع پیامدهای فردی و سازمانی را هم برای کارکنان و هم برای سازمان به دنبال خواهد داشت. لذا، مدیریت مبتنی بر کرامت انسانی در زندان‌ها می‌تواند با تاثیر بر روی عزت نفس کارکنان، تمایل به ماندن آن‌ها در سازمان را تحت تاثیر قرار داده و وفاداری سازمانی آن‌ها را افزایش دهد. نتیجه دیگر تحقیق نشان داد که کرامت انسانی با نقش واسطه‌ای اسناد علی مثبت با وفاداری سازمانی کارکنان رابطه دارد و به میزان ۲۵٪ وفاداری سازمان را تبیین می‌کنند. با توجه به این که چنین تحقیقی قبلاً انجام نشده است و نمی‌توان به نتایج آن‌ها استناد نمود؛ اما نتایج تحقیق حاضر در این زمینه چنین قابل تبیین است که زندان‌ها مکانی برای تنبیه یا به نوعی بازپروری اشخاص هنجارشکن هستند و کارکنان در تماس با قشر بزهکار قرار دارند. بنابراین، کارکنان به محیطی نیاز دارند که جایگاه و منزلت آن‌ها محترم شمرده شده و حفظ شود. لذا نادیده گرفتن کارکنان ممکن است خسارات جبران‌ناپذیری بر اهداف سازمان بگذارد، به عبارتی، چون کارکنان زندان‌ها با توجه به سطوح امنیتی زندان‌ها جهت نگهداری

زندانیان باید ویژگی‌های شخصیتی زندانیان را در نظر داشته باشند، پس به منظور عملکرد بهتر در سازمان، شایسته است که اخلاق‌مداری در محیط کار همواره مورد توجه و اهمیت قرار گیرد. حال، چنان چه مدیریت زندان‌ها بر این واقعیت آگاهی لازم و کافی را نداشته باشند، نیروی انسانی خود را نیز نادیده خواهند گرفت که در نهایت بروز رفتارهای غیرمسئولانه و غیر متعهدانه از سوی کارکنان را شاهد خواهند بود. در این میان، وقتی که کارکنان موفقیت خود را به عوامل درونی نسبت می‌دهند یعنی موفقیت خود را مرهون برخی ویژگی‌های درونی می‌دانند، چنان چه نوع نگاه مدیریتی به انسان به مثابه انسانی خود شکوفا یا خود کنترل باشد، رفتارهای ویژه‌ای در کارکنان توسعه می‌یابد که احساس می‌کنند در سازمان امنیت دارند. در نتیجه با اهداف سازمان همسویی می‌کنند و چنین تحرک‌های مثبت، کارکنان را به سازمان وفادار می‌سازد. نتیجه دیگر تحقیق نشان داد؛ کرامت انسانی با نقش واسطه‌ای اسناد علی منفی با وفاداری سازمانی کارکنان رابطه دارد و به میزان ۲۵٪ وفاداری سازمان را تبیین می‌کنند. در این زمینه نیز تحقیقی که تاثیر انسانی با نقش واسطه‌ای اسناد علی منفی بر وفاداری سازمانی کارکنان را به صورت تجربی بررسی نماید، یافت نشد. اما، نتایج تحقیق حاضر در این زمینه چنین قابل تبیین است؛ این نتیجه که اسناد علی منفی سهم بسیار ناچیزی در تبیین وفاداری سازمانی کارکنان زندان‌ها دارد، می‌تواند بیانگر این امر باشد که این کارکنان تمایل ندارند با نسبت دادن شکست‌های خود به سازمان (مدیریت یا همکاران)، تعهد و وفاداری خود به سازمان‌شان را کاهش دهند. اما متغیر اصلی تاثیرگذار یعنی کرامت انسانی می‌تواند با واسطه اسناد علی منفی، وفاداری کارکنان را تحت تاثیر قرار دهد. توجه به کرامت انسانی کارکنان در سازمان زندان‌ها و صیانت از آن، باعث جلب اعتماد ذی‌نفعان به سازمان می‌شود و همکاری آن‌ها را موجب می‌گردد تا جایی که کارکنان و مدیران با یکدیگر بر پایه شاخص‌های کرامت انسانی رفتار کنند، کارآیی و وفاداری نیز ظهور و تداوم می‌یابد.

با توجه به بحث و تبیینی که در خصوص رابطه متغیرهای تحقیق صورت گرفت؛ مدیریت و اداره زندان باید در یک چارچوب اخلاقی انجام گردد. بدون یک بستر اخلاقی مستحکم، در شرایطی که در آن گروهی از افراد قدرت قابل ملاحظه‌ای بر دیگران دارند، این وضعیت می‌تواند به راحتی موجب سوء استفاده از قدرت شود. البته بستر اخلاقی تنها به رفتار انفرادی کارکنان با زندانیان مربوط نمی‌شود، بلکه ضروری است درکی از شالوده اخلاقی حبس بر روند مدیریتی، از بالا تا پایین حاکم گردد. تاکید مقامات زندان بر روند درست، طلب بهره‌وری اجرایی یا اصرار در نیل به اهداف مدیریتی، بدون ملاحظه مقدماتی الزامات اخلاقی می‌تواند منجر به بسیاری از رفتارهای غیر انسانی شود. تمرکز مقامات زندان بر روندهای فنی و تشریفات به این منجر خواهد شد که کارکنان فراموش کنند زندان کارخانه‌ای نیست که موتور خودرو یا ماشین لباسشویی تولید می‌کند. مدیریت زندان‌ها قبل از هر چیز، مدیریت انسان‌هاست، یعنی مدیریت کارکنان زندان و زندانیان. این بدان معناست که مقولاتی وجود دارند که ورای کارآیی و قابلیت قرار دارند. هنگام اتخاذ تصمیم در مورد رفتار با انسان‌ها ملاحظاتی اساسی وجود دارد که در زندان

چشمگیر است. در نتیجه با توجه به نتایج تحقیق حاضر مبنی بر رابطه بین کرامت انسانی با وفاداری سازمانی کارکنان زندان‌های استان آذربایجان شرقی با نقش واسطه‌ای عزت نفس و اسناد علی کارکنان؛ برای بالا رفتن وفاداری و احساس تعلق کارکنان به سازمان محل خدمت خود پیشنهاد می‌شود؛ قبل از انتخاب کارکنان، آموزش‌های مناسب در خصوص اصول و نیز مهارت‌های انسانی و روانی به آن‌ها ارائه گردد و در خلال انجام کار نیز می‌بایست فرصت ارتقاء و گسترش این مهارت‌ها و نیز اطلاع از جدیدترین اندیشه‌های ناظر بر موضوع زندان نیز در اختیار آن‌ها قرار گیرد. همچنین مدیران و مسئولین با کارکنان به شیوه‌ای رفتار کنند که احترام آن‌ها به عنوان یک شخص رعایت شود و کرامت ذاتی آن‌ها به رسمیت شناخته شود، در این صورت، هر گونه توجه به حقوق فردی انسان ممکن می‌شود. با توجه به صعوبت شغل زندانبانی و این که جزو مشاغل سخت و زیان‌آور محسوب می‌شود، پایش دوره‌ای سلامت جسمی و روانی کارکنان در اولویت برنامه‌ریزی منابع انسانی قرار گیرد. دوره‌های آموزشی ضمن خدمت به خصوص در بخش‌های روان‌شناختی برای کارکنان و متناسب با شغل زندانبانی تدوین و اجرا شود. امکان چرخش شغلی در مقاطع مختلف به منظور کاهش آسیب‌های ناشی از مشاغل زندانبانی به وجود آید. کارکنان زندان در مقایسه با سایر افرادی که در عرصه دادرسی کیفری کار می‌کنند، مثل پلیس، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. این مسئله اغلب در دستمزدهای پرداختی به کارکنان زندان منعکس می‌شود که بسیار نازل است. در نتیجه، غالباً استخدام کارکنان واجد شرایط برای کار در زندان‌ها بسیار دشوار می‌شود. به منظور جذب و نگهداری اشخاص دارای صلاحیت عالی، ضروری است که دستمزدهای پرداختی در سطح مناسبی باشد و سایر شرایط اشتغال نیز مشابه کار در سایر ادارات دولتی باشد، این اقدام نیز علاوه بر احساس ادراک خوب از سازمان، عزت نفس کارکنان را ارتقاء می‌بخشد.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Broomand, Z. (2007). Organizational behavior management. Tehran: PyameNoor.
2. Burnet, S. W. K. (2002). The relationship between connectedness with family and self-esteem in university students. Department of Sociology, Furnam University.
3. Elhami Nejad, Z. (2017). In Evaluation the relationship between employees dissatisfaction and job changes with their organizational self-esteem as the mediating variable: case study of science- application centers in Isfahan.
4. Figurska, I. (2017). Dignity management as a new approach to human resources management., Human Resources Management & Ergonomics, Vol. 5, No. 2. P.p: 23-37.
5. Foroutani, Z. BA. (2017). Analysing the relationship between human munificence with organizational culture. The scientific- professional journal of Islam and Management. 11, P.p: 1-21.
6. Gholipour, A.A. SM & Bagherzadeh, FA. (2013). Investigation casual attributes of elit and sub- elit male athletes in individual athletics from athletes and coaches point of view. Growth and Movement- athletic Learning. 6 (2), P.p: 161-182.
7. GhR, Me'Mar & Zadeh Tehran, M. M & SM, Alvani & A, Falsafi. (2014). Providing a human munificence model of employees in Iranian governmental organizations (case study: one of geomorphic power in Maraghe City). The Journal of martial management. 60, P.p: 34-76.
8. Kubota, Y. SS. (2002). Aerobic exercise and self-esteem in children. J Behav Med. 24 (12), P.p: 127-135.
9. Lin, N. e. (2018). Are employees with higher organization-based self-esteem less likely to quit? A moderated mediation model]. International Journal of Hospitality Management. 73, P.p: 116-124.
10. Miller, R. BP & Bolen, D. (1975). Attribution versus persuasion as a means of modifying behavior. Journal of Personality and Social Psychology. 31, P.p: 430-341.
11. Mohr, W. K. (2003). Johnson's psychiatric- mental health nursing. 5th ed. USA: Lippincott.
12. Nejad Salim, A. (2007). Human munificence and organization. Educational and Industrial Research center publications in Iran.
13. Pierce, J. L; Gardner, D. G., Cummings. L. L. & Dunham. R. B. (1989). Organization-based self-esteem: construct definition, measurement and validation. Academy of management journal, 32, P.p: 622-648.
14. Rajabi, F. (2016). Determining the relationship between sport association with prisons` employees satisfaction and loyalty. Tehran: Shahid Beheshti.
15. Robbins, S. (2001). Organizational behavior. Ninth Edition ed. NJ: Prentice-Hall.
16. Rowold, J. (2006). Transformational and transactional leadership in martial arts. Journal of applied sport psychology. 18 (4), P.p: 312-325.
17. Sadouqi, F. AM & H, Lotf Nejad Afshar & Z, Elmi & K, Ebrahimi. (2014). Self-esteem and organizational commitment of the employees in therapeutic centers of Tehran city. Science and research Journal of medicine and Turkey. 24 (1).
18. Seligman, M.E; Abramson, L.Y; Semmel, A; Von Baeyer, C. (1979). Depressive attributional style. Journal of Abnormal psychology. 88 (3), P.p: 7-242.
19. Smedema, S. M; Catalano, D; Ebener, D. J. (2010). "The relationship of coping, selfworth, and subjective well-ceing: A structural equation model". Rehabil Couns Bull. 53 (3), P.p: 131-142.
20. Taha Zadeh, M. (2013). Organizational Loyalty. Mooj.

تبیین مفهوم شادی و نشاط اجتماعی در فضاهای عمومی

نمونه مورد مطالعه: شهر تبریز^۱

سنودا محمدی دلیند^۲

آرش ثقفی اصل^۳

داریوش ستارزاده^۴

مهسا فرامرزی اصل^۵

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۲/۲/۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷

چکیده

بالندگی، سرزندگی و نشاط روانی انسان، به دلیل تأثیر قابل ملاحظه‌ای که بر تمام جنبه‌های شخصیتی انسان، و بیگونگی، بروز و ظهور رفتارهای مختلف در او دارد، همواره مورد توجه محققان و پژوهشگران بوده است. شهروندان امروز شهرهای جهان، علم، دغدغه برخوردار از امکانات و تسهیلات شهری احساس، شادمانی ندارند و تشدید ناهنجاری‌های اجتماعی، محصول شرایط نامساعد محیطی، نابسامانی فضایی و فشارهای روانی ناشی از طراحی نادرست فضاهای شهری است. برای دستیابی به فضای مطلوب، سالم و شاد در شهرها نیازمند رعایت اصول و موازینی خاص در طراحی شهرها برای رسیدن به شهر شاد هستیم. این پژوهش با روش کمی و هدف تبیین مفهوم شادی و نشاط اجتماعی در فضاهای عمومی شهری می‌باشد. به منظور پاسخگویی به این هدف در بخش مبانی نظری تأکید شد که به طور کلی شادی و فضاهای عمومی شهری بر یکدیگر اثرگذارند. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که بر اساس نتایج به دست آمده از مطالعات آماری، تمام متغیرهای مفهوم پژوهش، شامل ابعاد کیفیت فضاهای عمومی شهری، ابعاد کالبدی-اکولوژیک، ابعاد ادراکی-معنایی، ابعاد فرهنگی-اقتصادی، ابعاد اجتماعی، ابعاد ذهنی، ابعاد سیاسی-مدیریتی، ابعاد فردی-شخصیتی، دارای ارتباط معنادار با مفهوم شادی و نشاط اجتماعی می‌باشند. از دیدگاه شهروندان، بعد کیفیت فضای شهری مهم‌ترین بعدی است که نقش مهم‌تری در ارتقا شادی و نشاط اجتماعی شهروندان داشته و بیشترین اثرگذاری را بر شادی شهروندان ایفا می‌کنند و بایستی در برنامه‌ریزی‌های مرتبط با فضای شهری در اولویت قرار گیرند.

واژگان کلیدی: تبیین مفهوم، شادی، نشاط اجتماعی، فضاهای عمومی شهری.

۱. مقاله حاضر بر گرفته از رساله دکتری با عنوان "تبیین مفهوم شادی و نشاط اجتماعی در فضاهای عمومی شهرهای ایران، نمونه

مورد مطالعه: شهر تبریز" دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز می‌باشد.

۲. دانشجوی دکتری طراحی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۳. استادیار شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول). E-mail: a.saghafi@iaut.ac.ir

۴. استادیار شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۵. استادیار معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

مقدمه

شهروندان امروز شهرهای جهان علی‌رغم برخورداری از امانات و تسهیلات شهری احساس شادمانی ندارند و تشدید ناهنجاری‌های اجتماعی، محصول شرایط نامساعد محیطی، نابسامانی فضایی و فشارهای روانی ناشی از طراحی نادرست فضاهای شهری است. برای دستیابی به فضای مطلوب، سالم و شاد و شاد در شهرها نیازمند رعایت اصول و موازینی خاص در طراحی شهرها برای رسیدن به شهر شاد هستیم (۱۴). شهرها باید بیش از این که موتور اقتصادی باشند، می‌بایستی سیستمی برای بهبود رفاه انسان تلقی شوند. شهرها بایستی به گونه‌ای طراحی شوند که ساکنان را شادتر کنند (۲۶). از دیدگاه مونگومری، شادی یک کانسپت و مفهوم نامشخص نیست، بلکه معادله‌ای تعریف شده و قابل اندازه‌گیری است و مستقیماً تحت تأثیر محیط ساخته شده پیرامون انسان از متروهای مملو از جمعیت گرفته تا گونه‌های معماری پیرامون ما و فضایی که در آن زندگی می‌کنیم، سطح استرس، سخاوت و بخشندگی و اعتماد ما به دیگران توسط طراحی شهری شکل می‌گیرد (۲۵). فضاهای شهری نقش اصلی در زندگی روزمره شهروندان دارد که با ارتقاء کیفی این فضاها می‌توان زندگی اجتماعی شهروندان را بهبود بخشید و زمینه حضور و فعالیت شهروندان را در فضاهای شهری فراهم ساخت. در ایران متأسفانه جهت شاد و سرزنده نمودن فضاهای شهری از راهکارهای سطحی و ساده استفاده می‌کنند؛ راهکارهایی مثل رنگ‌آمیزی بدنه‌های شهری و تجهیز فضاهای شهری به ابتدایی‌ترین لوازم ورزشی که به نوعی می‌توان گفت کودکان و نوجوانان رو مخاطب قرار می‌دهند. در حالی که برای شاد و سرزنده فضاهای شهری تمامی اقشار و سنین شهروندان را لحاظ نمود و راهکارهایی اصولی و نه زودگذر ارائه نمود (۲). فضاهای شهری که فاقد شادی و سرزندگی هستند می‌توانند موجبات عدم جذب شهروندان و حضور در این فضاهای شهری شوند. نبود شادی و سرزندگی باعث می‌شود به مرور زمان استرس و اضطراب و دلهره به شهروندان اضافه شود. گاهی ترافیک ایجاد شده در خیابان می‌تواند باعث ایجاد اضطراب شده و موجب بروز واکنش خصومتی و تهاجمی شود. ساده‌ترین تفریحات مانند پیاده‌روی در خیابان، نشستن دورهم، ایجاد فضاهای تجمع، فضای مناسب برای بازی کودکان، ورزش، آرام‌سازی ترافیک، تقویت حمل و نقل عمومی، ارتقاء فضای سبز و امنیت باعث افزایش شادی و سرزندگی فضاهای شهری می‌شود (۲۶). فضاهای شهری باید به نحوی باشند که تمامی اقشار جامعه به لحاظ درآمد بتوانند بدون پرداخت هزینه از فضای شهری استفاده کنند. در این تحقیق سعی داریم از پتانسیل‌های بالقوه این محدوده استفاده کرده و باعث ارتقاء شادی و سرزندگی در این فضای شهری شویم که در صورت استمرار بی‌توجهی به این فضاهای دارای پتانسیل بالقوه باعث می‌شود که این فرصت‌ها هم‌چنان که تاکنون بدون استفاده مانده در آینده نیز امکان استفاده مطلوب از آن‌ها میسر نخواهد شد. در این تحقیق می‌خواهیم باعث ارتقاء ارزش پیاده‌بهبود جایگاه شهروند پیاده در شهر باشیم و برای این منظور باید زیرساخت‌های را فراهم کنیم تا بحث پیاده‌مداری در شهر جا افتاده‌تر شود و آلاینده‌های هوا کاهش یابد. استقرار کاربری‌های تفریحی و

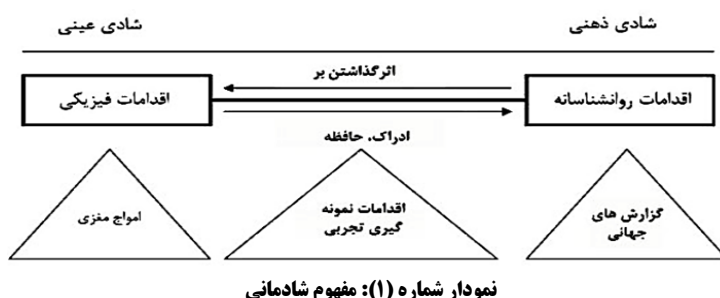
گردشگری و مخاطب قرار دادن تمامی سنین یکی دیگر از راهکارهایی است که می‌خواهیم در این تحقیق انجام دهیم. آناتومی بدن انسان برای عملکرد بهتر نیاز به اکسیژن بیشتر دارد که به این منظور باید فضای سبز موجود را حفظ و راهکارهایی جهت تقویت فضای سبز انجام دهیم. در مجموع کلیه این راهکارها موجبات حضور بیشتر مردم در فضای شهری خواهد شد که باعث ارتقا امنیت فضا و سرزندگی آن خواهد شد.

تمامی مطالعات بر این اصل تأکید دارند که هدف مداخلات طراحی شهری در پروژه‌های فضاهای عمومی شهری تغییر تجربیات آن فضا برای استفاده کنندگان از آن است. فضاهای عمومی شهری در تلاش برای خلق خلق حسی به یادماندنی و ایجاد شادی در حاضرین در فضا طراحی شده‌اند، به طوری که حتی افرادی که از این مراکز بازدید می‌کنند می‌توانند به استفاده از حواس پنج‌گانه خود مجموعه‌ای از تجربیات عاطفی کسب شده در فضا را توصیف کنند؛ تجربیاتی که نسبت به مکانی دیگر می‌توانند بسیار متفاوت باشند (۳۶). در ایران، به جز پژوهش‌های اندک، آن هم بیشتر با رویکردی روان‌شناختی و با محور قرار دادن فرآیندهای ذهنی منجر به شادی یا ناشادی، توجه درخوری به این موضوع نشده است (۲۶). این در حالی است که شادی زمینه‌های پرننگی در تاریخ ایران باستان داشته و شادی به مثابه الگوی فرهنگی غالب نیایش‌های دینی از مهم‌ترین بخش‌های زندگی روزمره بوده است (۲۹). بر اساس گزارش جهانی شادی در سال ۲۰۱۹ ایران از بین ۱۵۳ کشور در جایگاه ۱۱۸ قرار دارد. مطالعات و تجربیات جهانی نشان می‌دهد که کیفیت شهر و فضاهای عمومی شهری عاملی کلیدی در شادمانی بوده و از طریق ایجاد فضاهای بانشاط و سرزنده می‌توان زمینه‌ساز شادی شهروندان در مقیاسی فراتر از فضاهای عمومی شد (۳۴). این نوع ارتباط عمدتاً در رابطه با کیفیت‌های پایه فضاهای عمومی شهری رخ می‌دهد و می‌توان شاد بودن را کیفیتی پایه در بررسی فضاهای عمومی شهری دانست (۳۴). اجرای این تحقیق باعث ارتقاء شادی و سرزندگی این فضاهای شهری شده و راهکارهای احیاء و اصول طراحی فضاهای شاد و سرزنده شهری را ارائه داده و زمینه و بستر برای حضور و تعاملات اجتماعی شهروندان را فراهم می‌سازد. این تحقیق در پی تبیین مفهوم شادی و نشاط اجتماعی در فضای عمومی شهر معاصر ایرانی و در پی آن بهبود جایگاه شهروند پیاده در شهر باشیم و برای این منظور باید زیرساخت‌هایی را فراهم کنیم تا بحث پیاده‌مداری در شهر جا افتاده‌تر شود و آلاینده‌های هوا کاهش یابد. استقرار کاربری‌های تفریحی و گردشگری و مخاطب قرار دادن تمامی سنین یکی دیگر از راهکارهایی است که مدنظر این تحقیق است. آناتومی بدن انسان برای عملکرد بهتر نیاز به اکسیژن بیشتر دارد که به این منظور باید فضای سبز موجود را حفظ و راهکارهایی جهت تقویت فضای سبز انجام دهیم. در مجموع کلیه این راهکارها موجبات حضور بیشتر مردم در فضای شهری خواهد شد که باعث ارتقا امنیت فضا و سرزندگی آن خواهد شد. اجرای این تحقیق باعث ارتقاء شادی و سرزندگی فضاهای شهری تبریز شده و راهکارهای احیاء و

اصول طراحی فضاهای شاد و سرزنده شهری را ارائه داده و زمینه و بستر برای حضور و تعاملات اجتماعی شهروندان را فراهم می‌سازد.

مبانی نظری

شادی: در زبان انگلیسی، واژه Happy (شاد و خوشحال) به عنوان صفت به معنای خوشبخت و خوش‌شانس^۱، خوشایند^۲، رضایت^۳، خشنودی^۴، تعبیر می‌شود (۱۹). در لغت‌نامه آکسفورد شادی معادل Happiness با تعریف "راضی بودن از این که چیزی خوب یا درست است" و معادل با واژه Satisfaction آمده است. شادی را می‌توان مترادف با بهزیستی در نظر داشت بدین صورت که بهزیستی وابسته به شادی است و شادی وضعیتی از زندگی تعریف می‌شود (۳۰). هر دو این مفاهیم وابسته به یکدیگرند. در گذشته‌های دور، برداشت افراد از شادی، مترادف با مفهوم شانس بود؛ بدین معنی که نیروهای خارجی، شخص را تحت تأثیر قرار داده و او را به انجام کاری وادار می‌کنند. اما امروزه این باور تا حدود زیادی تغییر کرده و جای خود را به مسئولیت و تعقل شخصی داده است (۲۳). به اعتقاد فیلسوفانی چون جان لاک^۵ و جرمی بنتهام^۶، شادی مبتنی بر وقایع لذت‌بخش است (۱۰).



یکی از مفاهیم بسیار نزدیک به شادمانی، مفهوم خوشبختی ذهنی است. به نظر داینر شادمانی همان خوشبختی ذهنی است. رضایت از زندگی به عنوان بخشی از مفهوم خوشبختی ذهنی، به ارزیابی کلی فرد از کیفیت زندگی‌اش بر مبنای معیار خاص خودش اشاره دارد. لوکاس و همکاران (۲۰). تئوری‌های از پایین به بالای خوشبختی بیان می‌کند که جمع رویدادهای شاد زندگی است که منجر به یک زندگی شاد می‌شود (۲۶).

1. Fortunate
2. Pleasure
3. Contentment
4. Satisfaction
5. John Locke
6. Jeremy Bentham

جدول شماره (۱): مؤلفه‌های خوشبختی ذهنی

مؤلفه عاطفی		مؤلفه شناختی	
عاطفه منفی	عاطفه مثبت	دیدگاه افراد مهم درباره زندگی شخص	حیطه
افسردگی	شادمانی	دیدگاه افراد مهم درباره زندگی شخص	خود
اندوه	شفق	رضایت‌مندی از زندگی فعلی	خانواده
حسادت	سرخوشی	دیدگاه افراد مهم درباره زندگی شخص	همسالان
خشم	افتخار	رضایت‌مندی از گذشته	سلامت
فشار روانی	عاطفه	رضایت‌مندی از آینده	مالی
گناه یا شرمساری	شادی	میل شدید به تعبیر زندگی	کار
اضطراب	خشنودی	رضایت‌مندی از زندگی فعلی	فراغت

به طور کلی می‌توان گفت نخستین ویژگی مفهوم خوشبختی ذهنی (SWB) این است که این مفهوم از پایه ذهنی است (۶). دومین ویژگی این سازه آن است که SWB بالا با غیاب عاطفه منفی همراه است و هم‌چنین حضور عاطفه مثبت؛ بنابراین، نبود احساس بد در زندگی مترادف با احساس خوب نیست؛ هر چند که این دو دارای همبستگی شدیدی با هم هستند. سومین ویژگی SWB آن است که علاوه بر دارا بودن احساس مثبت و منفی، در بر گیرنده شاخص رضایت از زندگی نیز هست. درک رضایت می‌تواند به طور کلی با ارجاع به رضایت از حوزه‌های مهم و مشخصی از زندگی ساخته شود (۴).

زمینه در حال رشدی از ادبیات علوم اجتماعی وجود دارد که تحلیل‌هایی از اندازه‌گیری‌های ذهنی کیفیت زندگی مانند شادمانی ذهنی به ویژه رفاه و خوشبختی ارائه می‌دهد. در سال‌های اخیر تلاش‌های بی‌شماری برای تعریف، اندازه‌گیری و تحلیل شادی در زمینه‌های مختلف و مربوط به طیف وسیعی از رشته‌ها، از علوم اعصاب و روان‌شناسی تا فلسفه و اقتصاد انجام شده است. تعدادی نظریه و روش اندازه‌گیری شادمانی ذهنی و خوشبختی به وجود آمده است. به ویژه، استفاده از پرسش‌های شادمانی در بررسی‌های جمعیتی رو به افزایش است و بیان می‌شود که "علم شادی" با هدف اندازه‌گیری شادی، تعیین عوامل اصلی مؤثر بر آن و مشخص کردن اهمیت نسبی هر یک از آن‌ها در حال ظهور است. بدنه‌ای از پژوهش‌های بین رشته‌ای در ارتباط با عوامل تعیین‌کننده شادمانی و خوشبختی به سرعت در حال تولید است (۸). خوشبختی ذهنی یا شادی در جوامع امروزی ارزش بالایی پیدا کرده است. نه تنها مردم در تلاش برای شادمانی بیشتر هستند بلکه رشد روزافزونی نیز در حمایت از این ایده که حکومت‌ها بایستی با هدف قرار دادن آفرینش شادی بیشتر و سیاست‌های عمومی مناسب سطح شادی را افزایش دهند (۹).

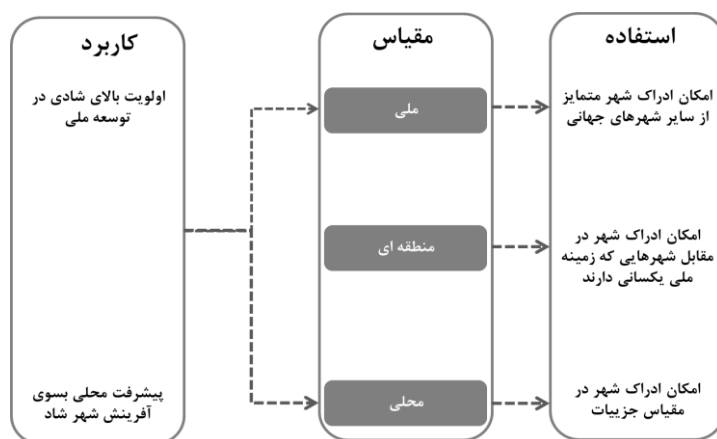
مفهوم‌شناسی شادی در شهر و فضاهای عمومی شهری

مونتگومری^۱ به عنوان یکی از پیشگامان، طی انتشار کتاب "شهر شاد، دگرگون کردن زندگی‌های مان

^۱. Montgomery

از طریق طراحی شهری^۱ در سال ۲۰۱۳ یک نسخه پایه برای شادی شهری پیشنهاد می‌دهد که از مطالعات فیلسوفان، روان‌شناسان، دانشمندان مغز و متخصصان اقتصاد شادی استخراج شده است. مطالعه مونته‌گومری از نخستین مطالعاتی است که با عنوان کامل شهر شاد منتشر شده است. بر اساس دیدگاه وی، یک شهر پس از تأمین نیازهای اولیه مانند غذا و مسکن بایستی به ما آزادی واقعی، حرکت و ساخت زندگی که آرزو داریم را ارائه دهد. همچنین به شیوه‌ای عادلانه، فضا، خدمات، امکانات، لذت و تفریح، سختی و هزینه را به افراد مختلف اختصاص دهد (۲۵). ریچارد مونتزوما بیان می‌کند که یک شهر دقیقاً خلاصه آن چیزی است که مردم درباره آن می‌اندیشند (۲۴) و (۳۲). این موضوع به تأثیر شهر بر ادراکات کلی ذهنی افراد اشاره دارد. فرم شهرها و ساختمان‌ها می‌توانند به تغییرات اساسی در رفتار، افزایش شادی، افزایش تعاملات اجتماعی و مانند آن‌ها منجر شوند. شادی یک مفهوم جمعی است که همه عناصر سیستم شهر را در بر می‌گیرد (۵). مونته‌گومری در بررسی عوامل محیطی بر شادی، شهر شاد را شهری کم‌کربن و سبز می‌داند که از ما حفاظت می‌کند (۲۵). این که فضای سبز می‌تواند هم در محیط‌های روستایی و هم شهری اثرات مثبت بر سلامت و نشاط شهروندان داشته باشد شناخته شده است (۳۷) و (۳۱) و (۲۲).

شادی شهری در سه سطح محلی، ملی و منطقه‌ای کاربرد دارد که ادراک شادی در شهر در مقیاس‌های گوناگون را فراهم می‌کند.



نمودار شماره (۲): سطوح شادی شهری

منبع: (۳۴).

مفهوم مکان به عنوان یک مفهوم کلیدی در طراحی شهری در ادبیات شادی رسوخ پیدا کرده است. چارلز اندری با تأکید بر ارزش احساسات یک پروژه مکانی در شکل‌گیری مکان، این نکته را اشاره می‌کند

¹. Happy city: transforming our lives through urban design

که امروزه، ادراک و احساسات شخصی، اولویت پائینی در ساخت مکان دارد (۱۶). رابطه بین شادی و مکان با شناسایی دو مفهوم است: شادی و مقیاس، شادی و دلبستگی مکانی.

ریچارد فلوریدا نیز به تأثیرات حس تعلق و دلبستگی به مکان بر شادی تأکید می‌کند (۱۱). به نوعی در کنار ویژگی‌های کالبدی محیط، کیفیت‌هایی که ماهیت غیر کالبدی داشته ولی در ارتباط مستقیم با محرک‌های کالبدی هستند، عوامل مهم مؤثر بر شادی هستند که زمینه ارتباط با ابعاد ذهنی شادی را فراهم می‌کنند.

علاوه بر ابعاد عینی، شاخص‌های ذهنی نیز می‌توانند بر شادی تأثیرگذار باشند (۳) و (۲۱) و (۱۵). نظریه‌پردازان در تحلیل بعد ذهنی مفهوم شادی به دو مؤلفه شناختی و عاطفی اشاره نموده‌اند. مؤلفه شناختی بر رضایت فرد، ارزیابی فرد مبتنی بر استانداردهای ذهنی‌اش و مؤلفه‌های عاطفی بر هیجان انگیزی تعادل بین هیجان‌های مثبت و منفی اشاره دارند (۱۹). انواع رضایت‌مندی نیز در قالب رضایت‌مندی از سطح درآمد، شغل و مسکن، رضایت‌مندی از وضعیت دسترسی و حمل و نقل مناسب، رضایت از شرایط زندگی، رضایت از سطح سلامتی مورد توجه قرار گرفته است (۷). فراتر از ابعاد عینی و ذهنی تأثیرگذار بر شادی در فضای شهری، پاره‌ای از مطالعات، شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی یک جامعه را بر شادی افراد در شهرها تأثیرگذار می‌دانند که معیارهای دموکراسی، ثبات اقتصادی و سیاسی و برابری و عدالت در این گروه قرار دارند (۳۵).

جدول شماره (۲): جمع‌بندی عوامل مؤثر و شاخص‌های مربوط به شادی (تدقیق مفاهیم و مؤلفه‌ها)

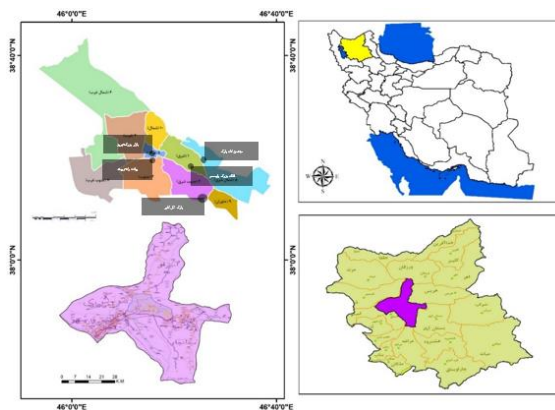
عوامل مؤثر بر شادی	شاخص‌های موردنظر	خلاصه مطالب
شخصیت	درون‌گرایی و برون‌گرایی، اعتماد، عزت نفس	برون‌گراها نسبت به درون‌گرایان شادتر هستند؛ ویژگی‌هایی نظیر اعتماد، ثبات هیجانی، مکان کنترل، سخت‌رویی و عواطف مثبت، با شادی ارتباط مستقیم دارد؛ تجارب شادی افراد بستگی به احساس آن‌ها در مورد خودشان دارد؛ افرادی که در خود احساس خود ارزشی و حرمت نفس کمی نمایند، به طور معمول شاد نیستند؛ عزت نفس از اساسی‌ترین عوامل شادی است.
اعتقادات مذهبی	ایمان قلبی، باورهای استوار مذهبی، انجام مناسک مذهبی، دعا و عبادت، حضور در اماکن مذهبی و انجام فعالیت‌های دینی	دین‌داری حقیقی و پای‌بندی به ارزش‌های دینی اگر چه برخی شادی‌های مادی و طبیعی را محدود می‌کند، اما در عوض لذت‌ها و شادی‌های ارزش‌مند و متعالی را برای فرد و جامعه دین‌دار به ارمغان می‌آورد؛ ایمان مذهبی تأثیر زیادی بر میزان شادی دارد. از آن جا که فرد با ایمان دارای ارتباطات و اعتقادات معنوی است، کمتر احساس رهاشدگی، پوچی و تنهایی می‌کند. ایمان موردنظر مایزر ایمانی است که حمایت اجتماعی، هدف‌مندی، احساس پذیرفته شدن و امیدواری را برای فرد به ارمغان می‌آورد.
فعالیت اوقات فراغت	موسیقی، فعالیت‌های ورزشی، حمایت اجتماعی	تمام فعالیت‌های اوقات فراغت با وجود تنوع و تفاوت‌هایی که باهم دارند، به نحوی نیازهای اجتماعی را برآورده می‌سازند؛ افزایش فعالیت‌های تفریحی، نظیر انجام تمرین‌های ورزشی نشاط‌آور، در درمان افسردگی و برای افراد سالم نیز مؤثر هستند، زیرا فعالیت‌های مذکور، تحت کنترل خود افراد بوده و امکان دستکاری آن‌ها وجود دارد، پس می‌توانند به طور جمعی و فردی به ایجاد شادی کمک کنند.

<p>نشاط و شادی به عنوان پیامد مهمی در احساس رضایت شغلی نه تنها زندگی شخصی، بلکه جنبه‌های اجتماعی حیات ما؛ یعنی ارتباطاتی که را که با دیگران برقرار می‌کنیم، تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. نشاط و شادی علاوه بر کاهش عواطف منفی به افزایش رضایت‌مندی نیز منجر می‌شود.</p>	<p>عزت نفس، تائید از سوی دیگران، ارضای خواسته‌ها و نیازهای مادی و معنوی و لذت‌بخش بودن شغل و فعالیت‌های شغلی، دوستی و صمیمیت در روابط بین کارکنان</p>	
<p>شادی، دستگاه ایمنی را تقویت می‌کند و تقویت دستگاه ایمنی، سلامت فرد را بهبود می‌بخشد؛ رابطه بین شادی و سلامت کاملاً متقابل است و به یکدیگر وابسته هستند.</p>	<p>سلامت روان، سلامت جسم</p>	<p>سلامت</p>
<p>افراد متأهل نسبت به کسانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند یا جدا شده‌اند و یا همسر خود را از دست داده‌اند، بیشتر احساس شادی و نشاط می‌کنند.</p>	<p>وضعیت تأهل</p>	
<p>به طور کلی جوانان شادتر از سالمندان هستند. با وجود شادی یکسان زنان و مردان، افسردگی در زنان بیشتر از مردان است؛ مطالعات نشان می‌دهد که خانم‌ها تمایل دارند که میزان خوشبختی-شان را اندکی بیشتر از مردان گزارش کنند.</p>	<p>سن</p>	
<p>رابطه بین تحصیلات و شادمانی معمولاً مثبت است. مادامی که سطح تحصیلات بالا می‌رود، شادی افراد نیز افزایش می‌یابد.</p>	<p>تحصیلات</p>	
<p>زندگی فعال اجتماعی مهم‌ترین عامل شادی است. به گونه‌ای که ایجاد رابطه سالم اجتماعی توأم با اعتماد، احترام متقابل، همکاری، صداقت و به طور کلی علاقه اجتماعی، زمینه‌های ایجاد و تثبیت مثبت‌اندیشی و احساس ارزش‌مندی در افراد را به وجود می‌آورد که پیامدهایی چون امیدواری، خوش‌بینی، رضایت‌مندی اطمینان خاطر در فرد و به طور کلی، احساس شادی را در افراد جامعه می‌آفریند.</p>	<p>رابطه سالم اجتماعی، اعتماد، احترام متقابل، علاقه اجتماعی، مثبت-اندیشی، عضویت در سازمان‌ها و باشگاه‌ها، ارتباط با همشهریان</p>	<p>مشارکت اجتماعی</p>
<p>یک شبکه اجتماعی قوی با دوستان عاملی مهم در رابطه با شادی یک فرد است. به علاوه، داشتن ارتباطات بیشتر یک شخص به طور مثبتی با شادی او رابطه دارد.</p>	<p>سطح دوستی‌ها، اعتماد اجتماعی، همکاری، ایثار، هم‌نوع‌دوستی</p>	<p>سرمایه اجتماعی</p>
<p>سرمایه فرهنگی به طور غیرمستقیم بیشترین اثر را بر شادی دارد؛ سرمایه فرهنگی با تأثیرگذاری بر سرمایه اجتماعی، عاملی در جهت افزایش این سرمایه شده، و افزایش آن نیز به شادی بیشتر می‌انجامد.</p>	<p>سبک زندگی، عضویت در گروه خاص</p>	<p>سرمایه فرهنگی</p>
<p>نکته‌ای که در همه تحقیقات نشان داده شده، آن است که میزان معینی از پول، شرط لازم ولی ناکافی برای شادی است؛ از همین رو، اکثر افراد مانند ارسطو که ثروت را یکی از عناصر ضروری شادی می‌داند، بر این باورند که افراد با درآمد بالا، بیش از افراد با درآمد پایین شاد هستند؛ افراد متعلق به طبقات بالاتر در مقایسه با افراد متعلق به طبقات پایین‌تر شادترند و به طور کلی پایگاه اقتصادی-اجتماعی شاهراه شادی تلقی می‌شود؛ برخی از اقتصاددانان معتقدند که درآمد بالا همگام با توزیع مناسب ثروت در بین اقشار جامعه، منجر به شادی اعضای آن جامعه می‌شود.</p>	<p>دسترسی به خدمات و محصولات فرهنگی، امکانات تحصیلی و آموزشی، توزیع مناسب ثروت</p>	<p>عوامل اقتصادی</p>
<p>استفاده از منظر شهر و عناصر قابل تفسیر آن برای شهروندان نکته برجسته کار است که موجب هویت‌بخشی و در نتیجه خوانایی فضا می‌شود؛ خوانایی حالتی است که موجبات قابل درک شدن یک مکان را فراهم می‌کند. بنابراین با استفاده از نورپردازی به صورت تعاملی و در ارتباط با مردم می‌توان به حدی از خوانایی و ادراک محیط دست یافت؛ احساس</p>	<p>خوانایی، احساس تعلق، هویت، احساس امنیت، نفوذپذیری، اختلاط کاربری‌ها، اختلاط اجتماعی، انعطاف‌پذیری</p>	<p>عوامل محیطی</p>

محیط‌های انسان‌ساخت	تنوع فعالیت‌ها	امنیت در فضا نیز با احساس آرامش و مطلوبیت شهروندان از محیط به دست می‌آید و حصول آن از طریق منظر شهری بیشتر در برگیرنده ادراک معنایی و مطلوبیت وی از فضا می‌باشد؛ انزوا، گسست، ناامنی، عدم امنیت و عدم تعلق اجتماعی در فضاهای شهری حاشیه دیده می‌شود که نتیجه آن پایین بودن نشاط و شادایی اجتماعی و بروز ناراضیاتی و اغتشاش اجتماعی در این فضاها است.
محیط‌های طبیعی	سلامت و بهداشت روانی، سلامت جسمی، تعادل بین کار و زندگی، ارتباط اجتماعی، کیفیت محیط زیست و دسترسی به طبیعت، رفاه مادی.	محیط‌های طبیعی و یا سبز برای سلامت جسمی و روانی مفید هستند؛ محیط طبیعی مثبت با سلامت، رفاه و شادی مرتبط است؛ قرار گرفتن در معرض طبیعت حالات لذت‌بخش را ترویج می‌دهد؛ مناظر طبیعی و فضاهای سبز می‌توانند در فرد تولید احساس مثبت و شادی کند و جلوی بیماری‌های ذهنی بسیاری را بگیرند، اما زندگی شهری یکنواخت می‌تواند ذهن را چنان فرسوده کند که قدرت درست اندیشیدن را از او بگیرد؛ فضای سبز می‌تواند به آرامش، جوان‌سازی و کاهش خشونت مردم کمک کند؛ مناظر محیط‌های کاملاً طبیعی اثراتی کاهنده در افسردگی دارند، در حالی که مناظر محیط‌های شهری و مصنوعی مخمل بهبودی‌اند، به خصوص اگر فاقد عناصر طبیعی مثل گل و گیاه و آب باشند.

محدوده مورد مطالعه

جهت بررسی مفهوم شادی در فضاهای عمومی شهری تبریز در این پژوهش پیاده راه تربیت، فلکه ولیعصر، پارک اتل‌گلی، مجتمع لاله پارک و بازار بزرگ تبریز به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است. علت انتخاب این فضاهای عمومی شهری در بررسی مفهوم شادی بر این منطق استوار است که حضورپذیری شهروندان در این فضاها بالاتر است و تنوعی از فضاهای ایستا و پویا را در بردارد.



شکل شماره (۳): جای‌گیری مناطق مورد مطالعه

روش پژوهش

پژوهش حاضر تحقیقی کاربردی در جهت دست‌یابی به تحلیلی جامع از مؤلفه‌های اثرگذار بر شادی در فضاهای عمومی شهر تبریز می‌باشد. رویکرد موردنظر در این پژوهش، رویکردی کمی است. جهت

جمع‌آوری اطلاعات از روش پیمایش استفاده شده است. به منظور انتخاب تعداد نمونه‌های شهروندان، ابتدا حجم جامعه یعنی شهروندان ساکن در شهر تبریز که در آمار سال ۱۳۹۵، در حدود ۱۷۲۴۳۶۸ نفر می‌باشد در فرمول کوکران وارد گردید، حجم نمونه مورد بررسی عدد ۳۸۳/۹۱۴ نفر به دست آمد که معادل ۳۸۴ نفر می‌باشد. هم‌چنین برای تعمیم‌پذیری مناسب تحقیق لازم بود تا نظرات گروه‌های مختلف (زنان، جوانان، گروه‌های سنی مختلف و غیره) ثبت شود. در این راستا، پرسشنامه‌ای ۸۷ سؤالی بر مبنای مؤلفه‌های شناخته شده اثرگذار بر میزان شادی تدوین شد. پنج فضای شهری منتخب بر اساس سؤالات کمی پرسشنامه، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول شماره (۳): پایایی سؤالات پرسشنامه

پایایی تحلیل‌های آماری	
تعداد آیتم‌ها	آلفای کرونباخ
۸۷	۰/۹۳۷

جدول شماره (۴): متغیرهای مورد استفاده

	- کیفیت فضایی	
	- ابعاد کالبدی - اکولوژیک	
	- ابعاد فردی - شخصیتی	شادی و نشاط در فضاهای عمومی
	- ابعاد سیاسی - مدیریتی	
	- ابعاد ادراکی - معنایی	
	- ابعاد اجتماعی و فرهنگی	
	- مفاهیم ذهنی	

یافته‌ها

سنجش رابطه بین مؤلفه‌های اثرگذار بر شادی و نشاط اجتماعی با یکدیگر (آزمون رگرسیون) با استفاده از رگرسیون چند متغیر، محقق می‌تواند رابطه خطی موجود بین مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل با یک متغیر وابسته را به شیوه‌ای مطالعه نماید که در آن، روابط موجود فی ما بین متغیرهای مستقل نیز مورد ملاحظه قرار گیرد.

جدول شماره (۵): خلاصه مدل

Std. Error of the Estimate	Adjusted R Square	R Square	R	Model
۰/۷۷۶	۰/۵۰۰	۰/۵۱۲	۰/۷۱۵	۱

نتایج حاصله از این جدول حاکی از این می‌باشد که مقدار ضریب همبستگی R بین متغیرها ۰/۷۱۵ می‌باشد که این نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق، همبستگی بسیار قوی وجود دارد. خروجی بعدی، جدول ضرایب می‌باشد که میزان تأثیر هر متغیر در مدل را نشان می‌دهد.

در صورتی که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد ($p < ۰.۰۵$)، نشانگر وجود رابطه بین متغیرهاست. عدد Beta نیز نوع و شدت رابطه را مشخص می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که از دیدگاه شهروندان، این ۸ بعد کلی بر میزان شادی و نشاط اجتماعی افراد در فضاهای عمومی شهری اثرگذار هستند، در این میان ابعاد کیفیت فضای شهری مهم‌ترین معیار اثرگذار بر شادی و نشاط اجتماعی در فضای شهری ارزیابی شده است، پس از آن ابعاد ادراکی - معنایی اثرگذار هستند، ابعاد سیاسی و مدیریتی نیز با داشتن علامت منفی نشانگر رابطه معکوس با میزان شادی و نشاط شهروندان می‌باشد.

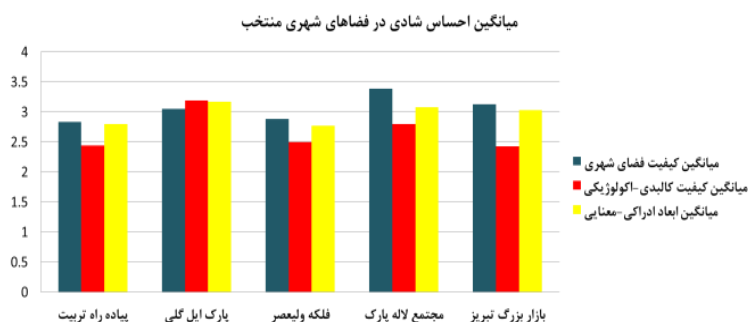
جدول شماره (۶): ضرایب

Sig.	T	ضرایب استاندارد شده		مدل	
		Beta	Std. Error		
				constant	
			۰/۳۶۷	-۰/۶۴۴	
۰/۰۰۰	۸/۴۰۸	۰/۴۴۱	۰/۰۸۴	۰/۷۱۲	کیفیت فضای شهری
۰/۰۳۰	۲/۱۷۹	۰/۱۱۵	۰/۰۷۹	۰/۱۷۳	ابعاد کالبدی - اکولوژیکی
۰/۰۰۵	۲/۸۰۱	۰/۲۰۳	۰/۱۷۶	۰/۴۹۳	ابعاد فردی - شخصیتی
۰/۰۳۲	-۲/۱۵۴	-۰/۰۹۸	۰/۰۸۳	-۰/۱۸۰	ابعاد سیاسی و مدیریتی
۰/۰۱۰	۲/۶۰۱	۰/۱۴۳	۰/۱۸۹	۰/۴۹۱	ابعاد فرهنگی و اقتصادی
۰/۰۰۶	۲/۷۴۹	۰/۱۵۲	۰/۲۳۳	۰/۶۴۱	ابعاد ذهنی
۰/۰۰۰	۵/۴۸۳	۰/۲۸۶	۰/۰۸۷	۰/۴۸۷	ابعاد ادراکی - معنایی
۰/۰۰۰	۳/۸۳۶	۰/۱۹۸	۰/۱۶۹	۰/۶۴۷	ابعاد اجتماعی

سنجش رابطه بین مؤلفه‌های اثرگذار بر شادی و نشاط اجتماعی با یکدیگر

به منظور سنجش رابطه بین مؤلفه‌های اثرگذار بر شادی و نشاط اجتماعی با یکدیگر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. ضریب همبستگی ابزاری آماری برای تعیین نوع و درجه رابطه یک متغیر کمی با متغیر کمی دیگر است. نمودار شماره نشانگر ارتباط متقابل مؤلفه‌های اثرگذار بر شادی در فضاهای عمومی شهری با یکدیگر می‌باشد، به گونه‌ای که توجه به یکی از ابعاد سبب ارتقا کیفیت مؤلفه دیگر می‌گردد.

در ادامه جهت بررسی سئوال میزان شادی افراد در فضا میانگین ادراک شادی در هریک از فضاها سنجیده شده است، نتایج نشان می‌دهد که میانگین شادی افراد در پیاده راه تربیت ۲,۹۹؛ در پارک ائل گلی ۳,۴۹؛ در فلکه ولیعصر ۲,۹۰؛ در مجتمع لاله پارک ۳,۳۷؛ در بازار بزرگ تبریز ۳,۳۶ می‌باشد. بر مبنای این نتایج پارک ائل گلی، مجتمع لاله پارک و بازار بزرگ تبریز به ترتیب بیشترین میزان شادی را برای شهروندان فراهم کرده‌اند (نمودار ۵).



نمودار شماره (۵): مقایسه میزان معیارهای اثرگذار بر شادی شهروندان در فضاهای عمومی شهری منتخب در ابعاد دارای تفاوت معنادار

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر هدف بررسی و تبیین معیارهای اثرگذار بر شادی و نشاط اجتماعی شهروندان می‌باشد. به منظور پاسخگویی به این هدف در بخش مبانی نظری تأکید شد که به طور کلی شادی و فضاهای عمومی شهری بر یکدیگر اثرگذارند. بر این اساس در این مقاله و در بخش تحلیل داده‌ها، به تحقیق در برانزندی مدل پیشنهادی بررسی معیارهای اثرگذار بر میزان شادی و نشاط اجتماعی افراد پرداخته شد. ابتدا بر اساس تحلیل عاملی ۸۷ مؤلفه اثرگذار به ۸ طبقه تقسیم‌بندی شدند. پس از اطمینان از اعتبار مدل و شناخت عوامل اصلی اثرگذار بر میزان شادی و نشاط اجتماعی در فضاهای عمومی شهری منتخب با آزمون رگرسیون و ارتباط این ابعاد با یکدیگر از طریق آزمون همبستگی پیرسون انجام گرفت. جهت نتیجه‌گیری ابتدا باید مراحل زیر بیان شوند:

در گام اول: به منظور طبقه‌بندی ۸۷ مؤلفه مورد بررسی از تحلیل عاملی استفاده گردید، تحلیل عاملی یا Factor Analysis جهت پی بردن به متغیرهای زیربنایی یک پدیده یا تلخیص مجموعه‌ای از داده‌ها استفاده می‌شود. برای این که پی ببریم آیا می‌توان داده‌های مربوط به معیارهای اثرگذار بر میزان شادی و نشاط اجتماعی شهروندان را به چندین عامل تقلیل داد و یا خیر، تمامی این سئوالات یک مقیاس را می‌سازند، از دو آماره KMO و بارتلت استفاده می‌کنیم. برای این منظور از آزمون بارتلت و ضریب KMO استفاده می‌نمایند، چنان چه مقدار KMO بالاتر از ۰,۵ باشد، می‌توان با اطمینان خاطر از تحلیل

عاملی استفاده نمود. این ضریب در این مطالعه ۰/۸۶۷. به دست آمد که رقم مناسبی است، هم‌چنین نتایج آزمون بارتلت که در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱، معنی‌دار است (Sig=0/000). ۸ عامل مقدار ویژه بالاتر از یک دارند که ۵۰/۴۶۷٪ تغییرات "تبیین معیارهای اثرگذار بر شادی و نشاط اجتماعی" را توضیح می‌دهند. هشت عامل به دست آمده به ترتیب بر حسب میزان بار عاملی به صورت زیر نام‌گذاری گردیدند: کیفیت فضاهای شهری، مفاهیم کالبدی-اکولوژیک، مفاهیم فردی-شخصیتی، مفاهیم سیاسی-مدیریتی، مفاهیم ادراکی-معنایی، مفاهیم اجتماعی، مفاهیم فرهنگی-اقتصادی و مفاهیم ذهنی.

در گام دوم: از آزمون رگرسیون برای شناخت اثرگذاری این ابعاد کلی در میزان شادی شهروندان در فضاهای شهری تبریز استفاده گردید، یافته‌ها نشان می‌دهد که همه این معیارها دارای تأثیر معنادار بر میزان شادی در فضاهای شهری منتخب هستند و کیفیت فضای شهری با داشتن بیشترین بتا یا ضریب اثرگذاری مهم‌ترین معیار اثرگذار بر ادراک شادی در فضاهای شهری منتخب بوده است. این معیار با شاخص‌های در دسترس بودن کاربری‌ها، خوانایی، هویت فضا، مطلوبیت برای گروه‌های مختلف، امنیت، تنوع کاربری‌ها، آزادی عمل، انسجام فضایی، عدالت، خاطره‌انگیزی، مطلوبیت فضایی، محرمیت فضایی، کیفیت غذا، جداره‌های فعال و حمل و نقل عمومی در ارتباط نزدیک است و مؤلفه‌های سازنده آن هستند. در گام سوم: ارتباط همبستگی بین این معیارها با یکدیگر بررسی گردید که نشان از ارتباط متقابل این مفاهیم بر یکدیگر و در نهایت ادراک شادی در فضاهای شهری دارد. نمودار و جهت فلش‌های بین مؤلفه‌ها نشانگر ارتباط متقابل بین آن‌ها می‌باشد (نمودار شماره ۴).

در گام چهارم: آرای افراد و رتبه‌بندی میزان اهمیت هر یک از مؤلفه‌های اثرگذار بر شادی و نشاط اجتماعی، از طریق آزمون فریدمن سنجش شده است و از افراد پاسخگو خواسته شده است تا به میزان اهمیت هر یک از مؤلفه‌های پیشنهادی اثرگذار بر ادراک شادی و نشاط اجتماعی بر اساس مقیاس لیکرت امتیاز دهند. نتایج بررسی میانگین رتبه مؤلفه‌های اثرگذار بر میزان شادی و نشاط اجتماعی شهروندان نشان می‌دهد که رضایت‌مندی از روابط خانوادگی دارای بالاترین میانگین رتبه و سطح رضایت از پارانه-های دولتی و خدمات دولت پایین‌ترین میانگین رتبه را به خود اختصاص داده است.

در مؤلفه‌های مرتبط با فضای شهری، خاطره‌انگیزی فضا، سطح خوانایی و قابل تشخیص بودن فضا، سطح مطلوبیت فضایی، سطح امنیت فضا، سطح کیفیت غذاهای محیط، سطح در دسترس بودن کاربری‌ها و سطح کیفیت هوا به ترتیب بالاترین میانگین رتبه را به دست آورده‌اند و بالاترین میزان رضایت‌مندی از آن‌ها وجود دارد. در زمینه مؤلفه‌های محیطی فضای شهری، سطح کیفیت سوخت حمل و نقل، امکانات و زیرساخت‌های دوچرخه سواری، کاربری‌های شبانه روزی و مبلمان محیطی کمترین امتیاز و رضایت‌مندی را به خود اختصاص داده‌اند و بایستی در اولویت مدیریت شهری در زمینه ارتقا کیفیت محیط و در نتیجه ارتقا کیفیت شادی و نشاط اجتماعی در شهر تبریز گردند.



نمودار شماره (۶): میانگین رتبه میزان رضایت‌مندی از مؤلفه‌های محیطی در فضاهای شهری منتخب

در گام پنجم: جهت مقایسه شاخص‌های "اثرگذار بر میزان شادی و نشاط اجتماعی شهروندان در فضاهای شهری" در پنج فضای شهری منتخب از آزمون آنوا یا واریانس یکطرفه میانگین، F و سطح معناداری شاخص‌های به دست آمده در فضاهای شهری منتخب بررسی شده است.

نتایج نشانگر این است که پنج گروه فضاهای شهری مورد بررسی در ابعاد کیفیت فضای شهری، ابعاد کالبدی- اکولوژیک و ابعاد ادراکی- معنایی با یکدیگر تفاوت معنادار دارند ($Sig=0/000$). در بعد کیفیت فضای شهری مجتمع لاله پارک و بازار بزرگ تبریز بالاترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند، در بعد کالبدی- اکولوژیک پارک ائل‌گلی دارای بالاترین میانگین رتبه و در بعد ادراکی- معنایی نیز پارک ائل‌گلی و مجتمع لاله پارک بالاترین میانگین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. در ادامه به بحث پیرامون یافته‌های پژوهش و نتیجه‌گیری و ارائه دکترین رساله بر مبنای یافته‌های پژوهش پرداخته می‌شود. در این پژوهش یافته‌ها حاکی از این است که بر اساس نتایج به دست آمده از مطالعات آماری، تمامی متغیرهای مفهومی پژوهش، شامل ابعاد کیفیت فضاهای عمومی شهری، ابعاد کالبدی- اکولوژیک، ابعاد ادراکی- معنایی، ابعاد فرهنگی- اقتصادی، ابعاد اجتماعی، ابعاد ذهنی، ابعاد سیاسی- مدیریتی، ابعاد فردی- شخصیتی دارای ارتباط معنادار با مفهوم شادی و نشاط اجتماعی می‌باشند. نتایج نشان می‌دهد که از دیدگاه شهروندان، بعد کیفیت فضای شهری مهم‌ترین بعدی است که نقش مهم‌تری در ارتقا شادی و نشاط اجتماعی شهروندان داشته و بیشترین اثرگذاری را بر شادی شهروندان ایفا می‌کند و بایستی در برنامه‌ریزی‌های مرتبط با فضای شهری در اولویت قرار گیرند. نتایج بررسی میانگین رتبه مؤلفه‌های اثرگذار بر میزان شادی و نشاط اجتماعی شهروندان نشان می‌دهد که رضایت‌مندی از روابط خانوادگی دارای بالاترین میانگین رتبه و سطح رضایت از یارانه‌های دولتی و خدمات دولت پایین‌ترین میانگین رتبه را به خود اختصاص داده است. از بعد مؤلفه‌های مرتبط با محیط و فضای شهری نیز زیرساخت‌های دوچرخه، آسایش اقلیمی و مبلمان محیطی کمترین میانگین رتبه را به خود اختصاص

داده‌اند که نیازمند برنامه‌ریزی هستند و مؤلفه‌های خاطره‌انگیزی، خوانایی و قابل تشخیص بودن فضاها و مطلوبیت فضایی بالاترین میانگین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. بررسی میزان احساس شادی در فضاهای عمومی شهری منتخب نشان می‌دهد که در ابعاد کیفیت فضای شهری، ابعاد کالبدی-اکولوژیک و ابعاد ادراکی-معنایی با یکدیگر تفاوت معنادار دارند. در بعد کیفیت فضای شهری مجتمع لاله پارک و بازار بزرگ تبریز بالاترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند، در بعد کالبدی-اکولوژیک پارک ائل‌گلی دارای بالاترین میانگین رتبه و در بعد ادراکی-معنایی نیز پارک ائل‌گلی و مجتمع لاله پارک بالاترین میانگین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. مهم‌ترین راهکارهای ارتقا کیفیت شادی در فضاهای عمومی شهری تمرکز بر ابعاد کیفیت فضای شهری، ابعاد کالبدی-اکولوژیک و ابعاد ادراکی معنایی می‌باشد. در حوزه کیفیت فضای شهری، در دسترس بودن کاربری‌ها، خوانایی، هویت فضا، مطلوبیت برای گروه‌های مختلف، امنیت مهم‌ترین راهکارهای ارتقا کیفیت فضای شهری و در نتیجه ارتقا شادی هستند. در حوزه کالبدی-اکولوژیک دسترسی به پارک و فضاهای سبز مهم‌ترین راهکار می‌باشد. در حوزه ادراکی-معنایی ارتقا سرزندگی فضای شهری و ترغیب به فعالیت و حضور و ارتباط با فضا مهم‌ترین و اثرگذارترین راهکار می‌باشد، در حوزه فرهنگی-اقتصادی نیز ایجاد برنامه‌های فرهنگی متنوع می‌تواند مؤثرترین راهکار ارتقا شادی در فضاهای عمومی شهری باشد.

پیشنهادات

شهری "مستعد شادی"^۱ است که بتواند با ارائه خدمات عمومی با کیفیت، طرف‌داری از شیوه‌های موفق همزیستی و حل تضادها و ارائه امکاناتی برای توسعه تسهیلات منطقی، احساسی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها باشد. در سطح خرد راهکارهای مرتبط با کیفیت فضای شهری، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی و طراحی در راستای راهکارهای زیر صورت گیرد، پیشنهادها در ابعاد کیفیت فضای شهری، پیشنهادت کالبدی-اکولوژیک، پیشنهادت مرتبط با مفاهیم فردی-شخصیتی، پیشنهادت سیاسی-مدیریتی، پیشنهادت ادراکی-معنایی، پیشنهادت اجتماعی، پیشنهادت فرهنگی-اقتصادی و پیشنهادت مرتبط با مفاهیم ذهنی می‌باشد.

^۱. Talented

جدول شماره (۸): پیشنهادات پژوهش

پیشنهادات	ابعاد
<p>- عدالت فضایی (همه شمول بودن فضاهای شهری)</p> <p>- تنوع بالای فعالیت‌ها و کاربری‌های موجود در فضا</p> <p>- ارتقای امنیت فضا (دارا بودن نور طبیعی در روز و نور مصنوعی مناسب در سایر اوقات)</p>	<p>ارتقا کیفیت فضای شهری</p>
<p>- دسترسی مطلوب به فضای سبز جهت ارتقای شادی و رفاه ساکنین و به ویژه سلامت روانی به علت کاهش سطح استرس و بهبود خلق و خوی و سلامت فیزیکی به علت افزایش فعالیت‌های فیزیکی</p> <p>- برنامه‌ریزی و طراحی زیرساخت‌های دوچرخه سواری به عنوان سوخت پاک و کاهش آلاینده‌های محیطی، یافته‌ها نشانگر تأثیر مستقیم دوچرخه سواری بر احساس شادی شهروندان در فضاهای شهری می‌گردد.</p> <p>- ارتقا آسایش اقلیمی محیط از طریق درختان سایه‌دار در فصل گرما و طراحی فضاهای سر پوشیده مناسب اقلیم سرد شهر، به گونه‌ای که بتواند زمان حضور پذیری شهروندان در فضاهای شهری را افزایش دهد.</p> <p>- ارتقا کیفیت مبلمان محیطی، یافته‌های پژوهش نشانگر این است که مبلمان محیطی شامل روشنایی در شب، وجود نیمکت‌های نشستن، کف‌پوش مناسب، نمای ساختمان‌ها و مغازه‌ها، پاکیزگی محیط، دسترسی به سرویس بهداشتی، نشستن بر لبه‌ها، آب‌نما و آثار هنری در شهر و وجود رستوران‌ها و کافه‌ها می‌باشد. شادی نه تنها از خود شخص، بلکه از عناصر محیطی که بر احساس شادی فرد تأثیرگذار هستند شکل می‌گیرد.</p> <p>- ارتقا کیفیت زندگی شبانه و کاربری‌های ۲۴ ساعته در محیط</p>	<p>کالبدی - اکولوژیک</p>
<p>در حوزه مفاهیم فردی - شخصیتی محیط و فضای شهری باید به گونه‌ای طراحی و برنامه‌ریزی گردد که به ارتقا عزت نفس و خود شکوفایی شهروندان کمک کند، هم‌چنین فضای شهری باید به گونه‌ای باشد که با ارتقا مشارکت‌پذیری و اعتماد متقابل شهروندان و نیز ارتقا حس هم نوعدوستی، به ارتقا سطح هویت جمعی و شادی شهروندان کمک نماید.</p> <p>در حوزه مرتبط با ابعاد سیاسی - مدیریتی باید راهکارهای پیشنهادی با هدف سیاست‌گذاری‌های کلان در جهت افزایش رضایت-مندی شهروندان از عملکرد مدیریت شهری صورت گیرد که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:</p>	<p>مفاهیم فردی - شخصیتی</p>
<p>- افزایش عدالت و دموکراسی</p> <p>- کاهش فقر</p> <p>- برنامه‌ریزی ویژه در راستای آموزش</p> <p>- ایجاد فرصت‌های شغلی</p> <p>- توجه به نقش بخش خصوصی در توسعه</p> <p>- برنامه‌ریزی در راستای تمرکززدایی</p> <p>- افزایش مشارکت سیاسی شهروندان</p> <p>- توجه به شادی در برنامه‌های کلان</p>	<p>سیاسی - مدیریتی</p>
<p>- در زمینه مفاهیم ادراکی - معنایی مهم‌ترین پیشنهادی که می‌توان در راستای ارتقا شادی و نشاط اجتماعی در فضاهای شهری پیشنهاد داد توجه به ارتقا سرزندگی و انعطاف‌پذیری محیط برای تنوعی از افراد به ویژه کودکان، سالمندان، جوانان و تبدیل شدن فضا به پاتوق فعالیت و حضورپذیری و انجام فعالیت‌های فرهنگی، به گونه‌ای که محیط نقش آموزشی برای افراد فراهم کند.</p> <p>- ترغیب به فعالیت در فضای شهری: مکان عمومی باید فراهم کننده انواع فعالیت‌ها (بازی، استراحت، پیاده‌روی، غیره)، مناسب فعالیت‌های ژیمناستیک یا تجهیزات کوچک یا یک فضای معین باشد. فعالیت‌ها باید مناسب تنوعی از گروه‌های سنی با طیف متنوعی از کاربران در دوره‌های زمانی مختلف سال باشد. وجود فعالیت‌های ورزشی زمینه‌ساز حضور سایر فعالیت‌ها در مکان می‌شود و بر جذابیت و سلامتی فضا می‌افزاید.</p> <p>- برقراری ارتباط با فضا و ارتقا تمایل به ماندن در فضا، با حذف موانع محیطی و ارتقا رویدادمنداری و مشارکت اجتماعی شهروندان.</p> <p>- هم‌چنین فضای شهری بایستی با کاهش آلاینده‌های هوا، کاهش آلاینده‌های صوتی، ارتقا فضای سبز، ارتقا زیرساخت‌های پیاده‌مداری و دوچرخه سواری، ارتقا رویدادهای جمعی شاد به کاهش سطح اضطراب و عصبانیت در محیط شهری کمک نماید.</p> <p>- ارتقا خاطره انگیزی فضا، هویت مکان و ویژگی‌های غیرملموس سایت و محیط پیرامون در فضای عمومی موجود باشد. هویت</p>	<p>ادراکی - معنایی</p>

مکان همان طور که کوین لینچ بیان می‌کند مجموعه‌ای از مشخصاتی است که مکان را خاص و قابل تشخیص می‌سازد که با عناصر شهری و معماری (عناصر ملموس) و عناصر مربوط به ادراک مشخص می‌شود. یک منظر که محیط را به یادماندنی و خاطره انگیز کند، می‌تواند پیش از عناصر معماری در آفرینش احساس مثبت اثرگذار باشد. هم‌چنین هماهنگ‌سازی مکان با عناصر بیرونی و پیرامون در ارتقا این هویت مکان مهم است.

در زمینه ابعاد ذهنی پیشنهادی که می‌توان در راستای ارتقا شادی شهروندان در فضاهای شهری پیشنهاد داد فراهم کردن زمینه‌ای برای خودشکوفایی شهروندان می‌باشد، به گونه‌ای که شهروندان به ویژه کودکان امکان بروز توانایی‌های خود در محیط شهری را داشته باشند و از سوی دیگران مورد تأیید قرار گیرند که می‌توان به مواردی هم‌چون مسابقه‌های فرهنگی- هنری در محیط، امکان رویدادهای موسیقی به ویژه برای سنین کودکان و نیز فعالیت‌های فردی چون ارتقا روحیه ایثار، لذت بردن از شغل و ارتقا سطح خواب و استراحت افراد می‌باشد.

درواقع مفاهیم ذهنی می‌تواند زمینه‌ساز ارتقا شادی لحظه‌ای و نیز در بلندمدت سبب شکوفایی و شادی بلندمدت شهروندان گردد. لحظه‌ای‌ترین و مستقیم‌ترین نوع شادی شامل احساسات، احساس لذت و خوشی می‌باشد و به صورت شادی هدونیک تعریف می‌شود، این نوع شادی طول زمانی متفاوتی دارد. این نوع از شادی با سنجش فعالیت مغزی و نیز ارزیابی‌های شادی در زمان کوتاه قابل اندازه‌گیری است.

مفاهیم ذهنی

هم‌چنین شادی بلندمدت از طریق ارتقا لحظات شاد در زندگی و توجه به سلامتی، استقلال و آزادی، هدف زندگی و موفقیت‌های فرد قابل‌دست‌یابی است.

مجموع راهبردهای فوق زمینه لازم برای دست‌یابی به شهر شاد و در مرتبه بالاتر جامعه شاد را فراهم می‌آورد. همان گونه که در ابتدای پژوهش مطرح شد سطوح سه‌گانه ذکر شده و به ویژه سطح خرد و میانی در ارتباط مستقیم با یکدیگر هستند و راهبردهای ارتقا کیفیت فضاهای شهری به عنوان زیر مجموعه‌ای از راهبردهای فرهنگی- اجتماعی و مدیریتی- سیاسی ارائه می‌شود. در عین پیوستگی و اثرگذاری متقابل این راهبردها، حوزه مفهومی شادی به گونه‌ای است که اقدامات بخشی در هر سطح هم می‌تواند بر شادی شهری مؤثر باشد هر چند که در انسجام و پیوستگی اقدامات سه سطح مطرح شده می‌توان به نتایجی بهتر دست یافت.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. AMBREY, C. and FLEMING, C. (2013). 'Public Greenspace and Life Satisfaction in Urban Australia', *Urban Studies*, 51, 446, P.p: 1290-1321.
2. Amirkafi, Mehdi; Zare, Behnam (2012). Investigating the effect of social capital on happiness (case study: Kerman city). *Social and Cultural Strategy*, 2 (5), P.p: 41-77.
3. Ballas, D. (2013). "What makes a 'happy city'?" Department of Geography, University of Sheffield, Winter Street, Sheffield S10 2TN, United Kingdom: *Cities*, Vol. 32, P.p: 39-50.
4. Bostic, Terence & Ptacek, J. T. (2001). Personality factors and the short-term variability in subjective well-being, *Journal of happiness studies* 2: 99, P.p: 355-375.
5. Costanza, R; Fisher, B; Ali, S; Beer, C; Bond, L; Boumans, R. & Gayer, D. E. (2008). "An integrative approach to quality-of-life measurement, research, and policy". *SAPI EN. S. Surveys and Perspectives Integrating Environment and Society*, 1 (1).
6. Diener, E. (2000). Subjective well-being: The science of happiness and a proposal for a national index. *American psychologist*, 55 (1), P: 34.
7. Diener, E; Oishi, S. & Lucas, R. E. (2004). Personality, culture, and subjective wellbeing: Emotional and cognitive evaluations of life. *Annual review of psychology*, 54 (1), P.p: 403-425.
8. Dolan, P; Layard, R. & Metcalfe, R. (2011). Measuring subjective well-being for public policy.
9. Easterlin, R. A. (2003). "Explaining happiness". *Proceedings of the National Academy of Sciences*, Vol. 100, No. 19, P.p: 11176-11183.
10. Eysenck, H. J. (1990). *Happiness, Fact and Myths*, London, Lawrence Erlbaum.
11. Florida, R. (2008). "Whos Your City?" Basic Books.
12. Frey, B. S. & Stutzer, A. (2002). *Happiness and Economics: How the Economy and Institutions Affect Well-Being*. Princeton, NJ.
13. Habibpour Getabi, Karam; Safari Shali, Reza. (2012). *A comprehensive guide to the use of SPSS in survey research (quantitative data analysis)*, Tehran, Motafkaran-Loya.
14. Hataminejad, H. and Mohammadi Kazemabadi, L. (2016). Measuring satisfaction with quality of life indicators in new cities (case study: new city of immigrants). *Geographical Survey of Space*, 7 (23), P.p: 53-68.
15. Islam, G; Wills-Herrera, E. & Hamilton, M. (2009). Objective and subjective indicators of happiness in Brazil: The mediating role of social class. *The Journal of social psychology*, 149 (2), P.p: 267-272.
16. Landry, Charles. (2008). *Artists and Places (CABE)*.
17. Layard, R. (2005). *Happiness is Back.* Felicidade e Políticas Públicas, 39.
18. LEE, A. C. K. and MAHESWARAN, R. (2011). 'The health benefits of urban green spaces: a review of the evidence', *Journal of Public Health*, 33, 22642, P.p: 212-222.
19. Lu, L; Gilmour, R. & Kao, S. F. (2001). "Cultural values and happiness: An East-West dialogue". *The Journal of Social Psychology*, Vol. 141, No. 4, P.p: 477-493.
20. Lucas, R. E. & Gohm, C. L. (2006). Age and sex differences in subjective well-being across cultures. *Culture and subjective well-being*, 3 (2), P.p: 91-317.
21. Lyubomirsky, S; Kennon M, Sheldon. and Schkade, D. (2005). Pursuing happiness: the architecture of sustainable change. *Review of general psychology*, Vol. 9, No. 2, P.p: 111-131.
22. MAAS, J; VERHEIJ, R. A; GROENEWEGEN, P. P; DE VRIES, S. and SPREEUWENBERG, P. (2006). 'Green space, urbanity, and health: how strong is the relation?', *Journal of Epidemiology and Community Health*, 60, 22657, P: 587.

23. McMahon, D. M. (2006). "Happiness: A History", New York, Atlantic Monthly.
24. Montgomery, C. (2007). "From living hell to living well". Globe and Mail.
25. Montgomery, C. (2013). "Happy city: transforming our lives through urban design". Macmillan.
26. Mousavi, M. (2013). Happiness: Theoretical approach and experimental finding, Tehran: Tissa.
27. National Research Council. (2002). "Neem: a tree for solving global problems". The Minerva Group, Inc.
28. Nisbet, E. K; Zelenski, J. M. & Murphy, S. A. (2011). Happiness is in our nature: Exploring nature relatedness as a contributor to subjective well-being. Journal of Happiness Studies, 12 (2), P.p: 303-322.
29. Orojnia, P. (2013). "Happiness in Iran old wisdom and its impact on Islamic iran", tarikh va tamadon eshlami journal, no1, pages 23-39. [in Persian]
30. Pringle, Sofie; Guaralda, Mirko. & Mayere, Severine. (2019). Urban environment characteristics and their implications on emotional happiness and well-being: Proposal of a theoretical and conceptual framework. In Jackson, S & Muffatt, L (Eds.) Proceedings of the 12th Liveable Cities Conference. Association for Sustainability in Business Inc., Australia, P.p: 33-66.
31. QIN, J; ZHOU, X; SUN, C; LENG, H. and LIAN, Z. (2013). 'Influence of green spaces on environmental satisfaction and physiological status of urban residents', Urban Forestry & Urban Greening, 12, 15844, P.p: 490-497.
32. Rhinehart, N. (2009). "Public Spaces in Bogota: An Introduction". The University of Miami InterAmerican Law Review, 40 (2), P.p: 197-211.
33. Samavati, S. & Ranjbar, E. (2017). The Effect of Physical Stimuli on Citizens' Happiness in Urban Environments: The Case of the Pedestrian Area of the Historical Part of Tehran, Journal of Urban Design and Mental Health; 2, P: 2.
34. Samavati, S. and E, Ranjbar. (2016). "Charles Montgomery's View of Happy City". Published at <http://anthropologyandculture.com>. [in Persian]
35. Samavati, S. (2016). Improvement the quality of happiness in Tehran historical context, urban design master thesis, Tarbiat modares university, faculty of art andarchitecture, supervisor: ehsan ranjbar. [in Persian]
36. Sepe, M. (2017). THE ROLE OF PUBLIC SPACE TO ACHIEVE URBAN HAPPINESS, Urban Regeneration and Sustainability, Vol. 96, P.p: 364- 373.
37. SERESINHE, C. I; PREIS, T; MACKERRON, G. and MOAT, H. S. (2019). 'Happiness is Greater in More Scenic Locations', Sci Rep, 9, 22571, P: 4498.
38. SULLIVAN, W. (2014). Attention restoration and stress reduction: Two mechanisms underlying the health benefits of exposure to green spaces.

جامعه‌شناسی سیاسی تحولات سیاسی حکومت قاجار از دیدگاه نظریه گردش نخبگان ویلفردو پارتو

قاسم گل‌حسینی^۱

منیژه کاظمی^۲

شهرزاد ساسان‌پور^۳

داود ابراهیم‌پور^۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۲/۲/۳۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۲/۱۱

چکیده

هدف اصلی مطالعه حاضر، تحلیل جامعه‌شناختی سیاسی تحولات سیاسی حکومت قاجار از دیدگاه نظریه گردش نخبگان ویلفردو پارتو بود. در این مقاله سئوالات پژوهشی زیر مورد بررسی قرار گرفته است: تحولات سیاسی سلسله قاجار از دیدگاه نظریه گردش نخبگان ویلفردو پارتو چگونه قابل تحلیل است؟ نقش نخبگان در ایجاد تحولات دوره قاجاریه چه بود؟ روش تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، کیفی به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، فیش و یادداشت-برداری بود. پارتو گردش نخبگان در تاریخ جوامع را عاملی ضروری و طبیعی در جهت پیشرفت معرفی می‌نماید. تحلیل جامعه‌شناختی سیاسی تحولات سیاسی حکومت قاجار نشان داد، عدم وجود گردش نخبگان در جامعه دوره قاجار که موجب عدم تعادل نظام سیاسی و پاسخ مناسب به تحولات سیاسی و اجتماعی شد، علاوه بر این که ناکارآمدی نخبگان رسمی را به اثبات رساند، راه را برای ورود نخبگان جدید در حوزه سیاسی بست. با سقوط حکومت تزار در روسیه، حکومت قاجار نیز که متکی بر ساختار سیاسی ملوک‌الطوایفی بود، دچار از هم پاشیدگی اجتماعی گردید. واژگان کلیدی: ظهور حکومت قاجار، نظریه گردش نخبگان پارتو، تحولات سلسله قاجار.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر- ایران.

۲. عضو هیات علمی گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر- ایران (نویسنده مسئول).

۳. عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران- ایران.

۴. عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز- ایران.

مقدمه

ظهور حکومت قاجاریه

حکومت قاجار ادامهٔ روند طبیعی دولت‌هایی بود که قرن‌ها بر ایران حکمرانی کرده بودند. اگر چه تفاوت‌هایی با حکومت‌های قبلی داشت، مثلاً تکلیف وارث شاه را حل می‌کرد و همیشه بزرگ‌ترین پسر شاه که مادرش قجری و قوانلو بود جانشین او شد. مالکیت با فروش زمین‌های دولت به تجار و روحانیون تثبیت می‌شد (۲: ۴۱). از استیلاي غزنویان تا به قدرت رسیدن قاجارها، الگوی غالب این گونه بود که ایل‌ها و طوایف صحراگرد ترک یکی پس از دیگری بر ایران استیلا یافته و پس از چندی به سبب خصوصیات و ویژگی‌های درونی این گونه طوایف فرو پاشیده و تجزیه شده و فرصت را به مدعی تازه از راه رسیده‌ای می‌سپردند. به همین دلیل کما بیش همان قضاوت‌هایی که در باب سایر حکومت‌ها در ایران در جریان بود، شامل حاکمان قاجاریه هم می‌گردد. گروهی از نظریه‌پردازان حکومت قاجار را دولتی مطلقه دانسته و گروهی دیگر آن را نمونه‌ای بارز از امتداد استبداد شرقی می‌پندارند. عده‌ای نیز قاجاریه را از دولت‌های فتودال شهری و یا پاتریمونیال می‌پندارند.

آقا محمدخان قاجار از ۱۱۷۳ ه.ش تا ۱۱۷۶ ه.ش به مدت سه سال حکومت کرد. پس از وی فرزند او فتحعلیشاه قاجار به سلطنت رسید. دولت قاجاریه با الگوی فتودالیسم در غرب تفاوت‌های آشکاری دارد. باید آن دولت را در ذیل الگوهایی مانند پاتریمونیالیسم و استبداد شرقی مطالعه کرد. هر کدام از این نظرگاه‌ها شواهدی نیز برای مدعای خویش به دست می‌دهند که در هر مورد نیز در خور اعتنا می‌باشد. قاجاریه از یک سو میراث‌دار سنت قبیلگی ترکان با تمام مختصات آن بودند و البته از سوی دیگر خود را وارث تاج و تخت شاهان باستانی ایران می‌دانستند. شیوه حکمرانی آن‌ها نیز بین تمرکز قوای ایرانشهری و سنت تمرکزگریز قبیلگی در نوسان بود. قاجارها از لحاظ شیوهٔ به قدرت رسیدن هیچ تفاوتی با اسلاف ترک و ترکمن‌شان که از قرون سوم و چهارم هجری شروع به عرض اندام در ایران کرده بودند نداشتند. در واقع قاجاریه ادامهٔ روند تکرار شونده‌ای بود که حکومت را در میان طوایف مختلف جابجا می‌کرد. شاه مانند رئیس یک قبیلۀ بزرگی رفتار می‌کرد که با توجه به قدرت شمشیر موفق شده قلمرو تحت امر قبیلۀ خویش را وسعت بیشتری ببخشد. البته این حکومت در ابتدا اگر چه قبیلۀ‌ای بود اما به تدریج و از دوره ناصرالدین شاه به این شیوه نبود. از یک طرف به سبب شرایط اقلیمی و همچنین باورهای اعتقادی و باستانی استبدادی عمیق و ریشه‌دار در ایران وجود داشت و از طرف دیگر تمرکزگریزی حاکم بر طوایف صحراگرد ترک این استبداد مطلقه را بارها با چالش جدی روبرو می‌کرد. در طول تاریخ بعد از اسلام قبایل ترک و ترکمان متعددی قدرت را در این مملکت به دست گرفته‌اند. سهم‌خواهی قبایل هم پیمان همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حاکمان در هنگام استقرار بر کرسی حکومت بوده است. آشوب‌طلبی فرماندهان نظامی و همچنین بحران تکرار شوندهٔ جانشینی یکی دیگر از نشانه‌های برجستهٔ حکوت این طوایف بر ایران بوده است (۲: ۴۹). این مؤلفه‌ها به عصر قاجار و به روزگار حکومت آن‌ها نیز منتقل گردید.

با این همه آن چه دوره قاجار را از سایر دوران استیلای حکومت‌های قبل‌تر متفاوت می‌کرد تحولات شتابان جهان به سمت توسعه سیاسی، صنعتی بود. تاثیر این تحولات جامعه ایران و ساخت قدرت قبیله قاجاریه را تحت‌الشعاع قرار داد. روابط بین‌المللی روز به روز پیچیده‌تر می‌شد و دولت قاجار که بر مبنای ساختار قبیله‌گی و به شیوه اسلافش پایه‌گذاری شده بود توانایی رو در رویی با امواج در هم شکننده دیپلماسی جدید را نداشت. در حالی که دربار قاجار هنوز یادآور دربارهای دودمان‌های ترک و ترکمن قرون ماضی بود که با توجه به مناسبات دنیای جدید، تحول و اصلاح دولت و ساخت قدرت به شدت احساس می‌شد. این عوامل باعث گردید که در اغلب مواقع دولت قاجار که در داخل کشور استبداد مطلقه را اعمال می‌کرد در تقابل و یا تعامل با دول بیگانه نقشی انفعالی داشته باشد (۱: ۱۵۴).

در نظام‌های سیاسی قبیله‌ای حاکم بر ایران نهادهای تحدید قدرت سیاسی وجود نداشته است و همیشه قدرت‌های حاکم، فاسد و از درون آماده انحطاط شده و با کوچک‌ترین برخورد خارجی فرو ریخته‌اند و در تمام سلسله‌های ایرانی، این خصوصیت دیده می‌شود (۲۴: ۲۹). قدرت سیاسی حاکم مطلق است و هیچ عنصری آن را مشروط نمی‌کند و در نتیجه آبادانی و ویرانی ملک از پادشاهان است و این خصوصیت در ایران دچار تحولات عمیق نشده است. نظام سیاسی هر جامعه نظامی مستقل نیست و در حالت تجرد به سر نمی‌برد، بلکه با پدیده‌های دیگر اجتماع ارتباط دارد. نظام سیاسی در نظام اجتماعی توسط شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مشروط می‌گردد. ساختار نظام سیاسی متکی به ارتش در مقابل ساختار نظام سیاسی - مدنی قرار می‌گیرد. در چنین جامعه‌ای ساختار مدنی توان نگهداری نظام سیاسی را ندارد و در نتیجه ارتش محل اتکای نظام سیاسی می‌گردد. در غرب به دلیل وجود اشراف بسیار قدرت‌مند، نظام‌های فردی نتوانستند دارای قدرت مطلقه شوند و در مجموع نظام اجتماعی غرب چنین اجازه‌ای را به حاکمان نداد که همانند شرق به اعمال قدرت مطلقه بپردازند. چون حکومت آن‌ها دارای مبنای مدنی و بر پایه‌های مستحکم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته و اصل نظام توسط نیروی نظامی و استعداد شخص فرمانروا حراست نمی‌شد. یعنی اگر قدرت سیاسی در مواقعی به حداقل توان هم تنزل یافته این امکان برای کسی دست نمی‌داده که با شورش بر حاکم به راحتی قدرت را به دست گیرد و حکومتی جدید بر پا کند. در واقع کل نظام سیاسی به نحوی شکل گرفته که نظام اجتماعی از آن دفاع و حمایت می‌کرد و در تاریخ کشورهای صنعتی معمولاً شاهد الگوهای رفتار سیاسی شبیه شرق نبوده‌ایم (۲۴: ۳۸).

عنصر مشروعیت‌بخش مورد توجه آقا محمدخان، مشروعیت برخاسته از حسب و نسب دودمانی بود. در تاریخ ایران، بسیاری از حکومت‌ها، منشأ قبیله‌ای داشتند و یکی از عوامل مؤثر در تشکیل حکومت‌ها، همبستگی و وابستگی بین افراد قبایل بود. این همبستگی که این‌خلدون از آن به عصبیت یاد کرده، افراد قبیله را به یکدیگر نزدیک کرده و در تحکیم و بسط قدرت آنان نقش زیادی داشت (۱۶: ۳۴۱). سلسله قاجار هم اساس قبیله‌ای داشت و رسیدن قاجارها به حکومت حاصل تحول داخلی در درون

ایل قاجار بود. قبایلی که به دنبال سقوط صفویه در ایران وارد منازعات قدرت شدند، از نظر اعتبار و نقش سیاسی - نظامی در یک سطح اعتبار قرار نداشتند. آقا محمدخان و قاجارها برای بر کشیدن منزلت ایلی و تأکید بر استحقاق ارثی خود در حکومت با تکیه بر نسب‌نامه‌ای سعی کردند مشروعیت خود را بر دیگر قبایل و رقبا ثابت نمایند. ایرادات اساسی به این نسب‌نامه وارد شده و آن را ساختگی می‌دانند (۲۱: ۱۳). روایت رسمی قاجارها نشان می‌دهد که «سرتاق نویان ابن سبابانویان بن جلایر بن نیرون» جد بزرگ آن‌ها در رأس قوم خود همراه هولاکوخان از مغولستان عازم ایران گردید. او یکی از سپهسالاران هولاکوخان بود که در زمان آباقخان به منصب اتابکی ارغون رسید و به حکومت یک ولایت منصوب شد. قاجارنویان جد اعلای این قبیله فرزند سرتاق، در سال ۶۹۴ ه.ق جای پدر را گرفت و غازان امارت و حقوق پدر را به وی باز گرداند. شاخه‌ای از قاجارها در قرن هشتم به شام کوچیدند و یکی از طوایف آن - ها سلسله جلایریان را تأسیس نمود. قاجارها بعداً در لشکرکشی تیمور به شام، به ایران باز گردانده شده و در آذربایجان ساکن شدند. این نویسندگان اوزون حسن را هم با قاجارها از یک ریشه می‌دانند (۲۶: ۲۵) و (۱۳: ۷۵+۷۰). به خاطر آن که مادر شاه اسماعیل اول صفوی از آق قویونلوها بود، منابع قاجاریه مدعی هستند، وی به خاطر همین مسئله «به طریق یگانگی و ایلیت» با قاجارها برخورد می‌کرد (۱۳: ۷۶+۷۰). از اهداف بیان این نسب برای آقا محمدخان این بود که استحقاق ارثی او در رسیدن به سلطنت نشان داده شود و با بیان ویژگی‌های فردی او سعی شد لیاقت ذاتی و فردی وی هم برای سلطنت مشخص گردد. مورخان با بیان این نسب، خواهان انتقال مشروعیت جهانگشایان ترک و مغول به قاجارها بودند تا رعایا خود را مملوک آن‌ها بدانند و تلاش می‌کردند تا قاجارها را مؤسسان سلسله جلایری و آق قویونلو معرفی نمایند، تا آن‌ها را دارای سابقه حکمرانی بر ایران زمین قلمداد کنند که حتی حکومت صفویه نیز به آن‌ها تعلق داشت. ریشه انتساب قاجارها به مغولان و جهانگشایان تاریخ به فرهنگ‌مندی و تقدس موروثی خاندان چنگیز و اخلاقی و حق انحصاری آن‌ها برای حکومت و باور به شکست‌ناپذیری مغول‌ها در میان ترک‌ها و ایرانیان باز می‌گشت. خاطره مغولان در بین مردمان شهری ایران چیزی جز کشتار و ترس و هیبت نبود و قاجارها در تلاش بودند خود را میراث‌دار آن‌ها معرفی کنند و ترس خود را در دل مردم جای داده و سبب اطاعت بی‌چون و چرای مردمان ایران شوند. لقب ترکی «خاقان» برای آقا محمدخان و دیگر شاهان این سلسله، نماد دعوی سروری بر ایلات بود. شاه با این لقب سعی داشت، خود را شاه ترکان معرفی کرده و اطاعت بی‌چون و چرای ایلات را که قدرت نظامی ایران در چنگ آنان بود، به دست آورد و قدرت مطلقه خود را بر آن‌ها تحمیل نماید. ایلات بعد از استیلای مغولان نقش مهمی در ساخت حکومت داشته و قدرت دولت مرکزی بر طبق خواست آن‌ها می‌چرخید. اگر چه صفویان از زمان شاه عباس اول سعی نمودند این نقش را کمرنگ نمایند، اما در منازعات قدرت پس از صفویان، رؤسای قبایل برای رسیدن به حکومت و بر کشیدن خود از مقام رئیس قبیله به سلطنت ایران زمین وارد منازعه با دیگر

قبایل رقیب شدند. آقا محمدخان به خوبی به ظرفیت قبایل در تغییر قدرت سیاسی در ایران پی برده و سعی داشت با طرح نسب مغولی و ترکی برای قاجارها، خود را بالاتر از دیگر ایلات حاضر در صحنه قدرت در ایران نشان داده و قدرت نظامی آن‌ها را در خدمت خود قرار دهد. آقا محمدخان علاوه بر انتساب خود به مغولان، به قوانین چنگیزی و صحراگردان نیز احترام می‌گذاشت، تا خود را میراث‌دار و ادامه دهنده سنن حکومتی جهانگشایان ترک و مغول معرفی نماید. گویا در این زمان سنت‌های صحراگردان و ترکان و مغولان به عنوان سرچشمه مشروعیت تلقی می‌گردید و آقا محمدخان خود را موظف به رعایت آن‌ها می‌دانست و تلاش می‌کرد مشی قبیله‌ای را حفظ کند. او علاقه خاصی به چنگیزخان و تیمور گورکانی داشت و از میان قصه و تواریخ شاهان گذشته، تاریخ چنگیزخان و امیرتیمور گورکانی را پسندیده و انتخاب نموده و خود به رسم و آیین و قواعد و قوانین این دو سلطان جهانگیر جهاندار رفتار می‌نمود و فرموده بود صورت چنگیزخان را در مجلس پادشاهی بالای سرش و صورت امیرتیمور گورکانی را در پیش رویش نصب نموده بودند. بسیاری از کشتارهای آقا محمدخان یادآور آن دو فاتح بود، برای نمونه آقا محمدخان در توجیه کشتار مردم کرمان به حاج ابراهیم خان کلانتر گفته بود، مکرر با حق تعالی مناجات و عرض حاجت کرده‌ام که اگر کرمانیان را استحقاقی نیست مرا بر آن شهر ظفر مده و آلا به قتل عام خواهم پرداخت، همانا گناهی کرده‌اند که مرا در قتل آنان رحمتی در دل نیست و آلا قسی‌القلب نیستم (۱۳: ۷۴۱۹). این گفتار، سخنرانی چنگیزخان در بخارا را به ذهن می‌آورد که خطاب به مردم شهر گفت: ای قوم بدانید که شما گناه‌های بزرگ کرده‌اید و این گناه‌های بزرگ، بزرگان شما کرده‌اند از من بپرسید که این سخن به چه دلیل می‌گویم. سبب آن که من عذاب خدام اگر شما گناه‌های بزرگ نکردتی خدای چون من عذاب را به سر شما نفرستادی (۱۷: ۸۱). محمود میرزا قاجار پس از گزارش واقعه کرمان می‌نویسد: «از روزگار چنگیزی گذشته و آن قتل‌های چنگیزی گویا قتل عامی به این تمامی در ملکی از برای ملکی دست به هم نداد» (۱۹: ۶۴). آقا محمدخان در هنگام جنگ و مجازات چهره فاتحی که میراث‌دار چنگیز و تیمور بود به خود می‌گرفت. یکی از سیاست‌های ملک‌داری آقا محمدخان در راستای تاسی به مغولان و ادامه دادن سنت‌های ملک‌داری آنان این بود که هر وقت امیری یا ناحیه‌ای علیه او شورش می‌نمود، به شدت تمام با آن‌ها برخورد می‌کرد و حکم به قتل و غارت و کشتار می‌داد تا این اقدام باعث عبرت دیگران گردیده و جرئت قیام و مخالفت را از دیگران بگیرد (۱۸: ۴۹). روش او در برقراری نظم و فتوحات مثل چنگیزخان و تیمور بود. فتوحات خارق‌العاده او به دلیل خشونت تمام آن‌ها بود که دلیل آن می‌تواند یادآور فتوحات چنگیزخان و تیمور و دست یافتن به اقتداری نظیر آن دو باشد. سرکوب‌ها و خشونت‌هایی که او در فتح مناطق غربی و جنوبی ایران به خرج داد، باعث شد که در مناطقی نظیر آذربایجان، حاکمان محلی بدون مقاومت تسلیم شدند و این مناطق بدون جنگ و خونریزی تصرف شد (۲۶: ۱۹۱) و (۱۰: ۱۴۱۳) و (۱۹: ۴۹). مورخان قاجار برای یادآوری خاطرات

مغولان، در گزارش قتل و عام‌های خان قاجار از اصطلاح مغولی «یاسا» استفاده می‌کنند (۲۶: ۱۵۰). آقا محمدخان در موارد متعددی به خاستگاه ترکی خود مباحث کرده و ایل قاجار را برتر از دیگر طوایف ترکان می‌داند. برای نمونه در نامه‌ای به میرمعصوم بیگ والی بخارا می‌نویسد:

«همه عالم از نسل حوا و آدمند و اگر به نسل پادشاهان توران مکابرت باید و مفاخرت شاید، فرع ما نیز از آن اصل و فرق ما نیز از آن وصل خواهد بود، سلاله و نتیجه قاجارنویان نه از منقبت و قنقرات ادنی است، بلکه دوده ستوده ایل جلیل نبیل تا خود از سلدوس و جلایر و اوزبک اعلی است. خداوند جهانیان جهان بخش را شکر سزد که ممالک توران و ایران و روم و روس و چین و ماچین و ختا و ختن و هندوستان را به دودمان بزرگ اتراک موهبت فرمود، در این صورت اولی آن که هر یک به ملک خود قناعت کنند و پای از حد خود بیرون نهند» (۱۳: ۷۳۹۷). در موارد دیگری نیز او بر اتحاد ایلات ترک و اقدام مشترک علیه زندیه و دشمنان تأکید کرده است (۱۸: ۳۳). همین گرایش را دیگر سران قاجار هم داشتند و پادشاهی آقا محمدخان را مایه افتخار تمامی قبایل و طوایف اتراک تلقی می‌کردند (۲۶: ۲۸۲). آقا محمدخان قصد داشت با استفاده از مشروعیت ترکی و انتساب قاجارها به حکمرانان ترک و مغول، خود را میراث‌دار و ادامه دهنده سنت سلطنت مغولان و ترکان در ایران معرفی نماید تا از این طریق با متحد نمودن قبایل متعدد ترک و مغول در زیر پرچم قاجارها، شرایط را برای اطاعت‌پذیری آن‌ها فراهم نموده و با ایجاد اتحادهای ایلی از قدرت نظامی آن‌ها در جهت رسیدن به پادشاهی ایران استفاده نماید. او برای رسیدن به قدرت مجبور شد تا شبکه‌ای از اتحادهای ایلی در ایران ایجاد نماید. شاهکار اصلی وی در رسیدن به قدرت متحد کردن ایلات ایران زیر نظر خود بود (۳: ۱۸۰). ایل قاجار در این دوره به دو شاخه عمده یوخاری باش و اشاقه باش یا دولو و قویونلو تقسیم شده بود. خاندان حکومتگر قاجار که از شاخه قویونلو بودند، می‌بایست برتری خود را در درون قبیله نیز ثابت می‌کردند. مورخان قاجار در بیان سرگذشت قاجارهای قویونلو تنها به بیان داستانی مختصر از زندگی شاه قلی، خان اشاقه باش اکتفا کرده و پس از آن به زندگی و سرگذشت فتحعلیخان فرزند وی می‌پردازند. به نظر شاه قلی خان و اجدادش در کنار طایفه رقیب یوخاری باش، درخشش چندانی نداشتند و گرنه مورخین قاجاری به آن می‌پرداختند. آقا محمدخان برای رسیدن به حکمرانی در گام اول کوشید تا ریاست خود بر قبیله قاجار را تحکیم بخشیده و به منازعات درونی آن پایان دهد. او رسیدن به مقام ایلخانی و شیخ قبیله قاجار را مقدمه‌ای برای رسیدن به سلطنت می‌دانست، در واقع رسیدن به مقام ایلخانی قبیله قاجار، آقا محمدخان را همسنگ با دیگر رؤسای ایلات و طوایف می‌کرد. او برای متحد نمودن ایل قاجار زیر نظر خود، امرای یوخاری باش را که در خون پدر و اقاربش نقش داشتند و خود او را به عادل‌شاه سپرده بودند که این آخری وی را اخته کرده بود، عفو کرد و از آن‌ها در گذشت. خشونت او در فتح سرزمین‌ها، با ملایمت او در قبیله قاجار تفاوت اساسی داشت. او با مشاهده اختلافات زندیه، می‌دانست خاندانی که دچار نفاق باشد

پایدار نخواهد بود و در منازعات قدرت از بین خواهد رفت، پس برای به دست آوردن حمایت تمام اعضای قبیله قاجار، دولوها را بخشید. او در طول حکمرانی، آن‌ها را به مناصب مهم گماشت و با این روش توانست حمایت و پشتیبانی سران دولو را به طرف خود جلب نموده و زمینه تصاحب سلطنت ایرانی را فراهم نماید (۲۶: ۱۰۱). در سنت استپی حکومت حق تمام اعضای خاندان حاکمه بود، آقا محمدخان نیز با گماشتن سران دولو به مناصب مهم و تدبیر وی در انتخاب جانشینان بعدی از بین فرزندان که مادرشان از دولوها بود، توانست آن‌ها را با خود متحد کند. بر خلاف دولوها، برادران آقا محمدخان قاجار با او از در مخاصمه بر آمدند. در فاصله سال‌های ۱۱۹۳ تا ۱۱۹۹ ه.ق. بیشترین وقت و توان خود را صرف مقابله و مبارزه با برادرانش برای تحکیم قدرت خود بر ایل قاجار نمود و در این مدت نتوانست از تهران و مازندران پای فراتر گذارد (۹: ۲۳). برادران او علی‌رغم ارشدیت وی، به خاطر شرایط خاص جسمانی او را لایق حکمرانی نمی‌دانستند و همواره مشکلاتی برای او فراهم می‌کردند (۲۶: ۸۹) و (۱۹: ۹۰). آقا محمد خان بعد از غلبه بر برادران خود و استیلا بر شمال ایران در برابر زندیه حالت تهاجمی گرفت. نویسندگان دوره قاجار آقا محمدخان نظیر فتحعلی‌خان، محمدحسن خان و برادر وی حسین قلی‌خان را نیز جزو شاهان و سلاطین به حساب آورده و آقا محمدخان را چهارمین شاه قاجار می‌دانند (۲۶: ۳۲) و (۱۳: ۷۰۸۵) و (۹: ۴۱) و (۱۱: ۱۴). قاجاریه را پس از صفویه و ادامه آن فرض کردند و در نتیجه مشروعیت حکومت افشاریه و زندیه و دیگر مدعیان آن دوره را نادیده گرفته و غاصب مقام سلطنت معرفی کردند. خود او در نامه‌ای، شاهرخ افشاری و دیگر بازماندگان نادر را با عنوان «أولاد امامقلی پوستان دوز» تحقیر کرده و مقام شاهی او را به خاطر نسب پست دودمانی زیر سؤال می‌برد (۲۲: ۱۵). از این طریق آقا محمدخان مشروعیت موروثی را به عنوان کسی که اجدادش نیز شاه بودند و از سلسله شاهی سر بر آورده بود، کسب می‌کرد. تعلق ایل قاجار به قبایل قزلباش نیز فرصت مناسبی برای آقا محمدخان بود، تا خود را ادامه دهنده سنت قزلباشان در اداره ایران نشان دهد. ایل قاجار از معدود طوایف قزلباش بود که ساختار ایلی و نظامی خود را حفظ کرده بود و می‌توانست ادعای میراث‌بری از صفویان را داشته باشد. مورخان این دوره، لشکر آقا محمدخان را «قزلباشیه» خطاب کرده‌اند تا قاجارها را ادامه دهنده حکومت صفویان نشان دهند (۲۶: ۹۱).

هدف کلی مقاله حاضر، تحلیل جامعه‌شناختی - سیاسی تحولات سیاسی سلسله قاجار از دیدگاه نظریه گردش نخبگان ویلفردو پارتو می‌باشد.

سوالات پژوهشی

۱. تحولات سیاسی سلسله قاجار از دیدگاه نظریه گردش نخبگان ویلفردو پارتو چگونه قابل تحلیل است؟
۲. نقش نخبگان در ایجاد تحولات دوره قاجاریه چه بود؟

روش تحقیق

طرح تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، توصیفی-تحلیلی است. با توجه به ماهیت مسأله مورد بررسی، روش تحقیق، کیفی به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای و ابزار جمع‌آوری داده‌های اسنادی، فیش و یادداشت‌برداری می‌باشد.

ویلفردو پارتو و گردش نخبگان

پارتو گردش نخبگان در تاریخ جوامع را عاملی ضروری و طبیعی در جهت پیشرفت معرفی می‌نماید. او در تبیین این نظر خویش چنین توضیح می‌دهد که «اگر نخبگان حکومتی نتوانند راهی برای جذب افراد استثنایی بیابند که از طبقات پایین خودشان را بالا می‌کشند در هیئت سیاسی و بدنه اجتماعی عدم تعادل پیش می‌آید. این عدم تعادل یا از طریق باز کردن مداخل‌های تازه در مسیرهای تحرک اجتماعی ترمیم می‌شود یا از طریق براندازی نخبگان حکومتی قدیمی و ناکارآمد و جایگزین نخبگان شایسته‌تر به جای آن‌ها رفع می‌شود» (۲۳: ۷۶). بر طبق نظریه پارتو، اگر نخبگان جدید بر آمده از توده‌ها، به هر جهتی نتوانند وارد بدنه سیاسی و اجتماعی شوند جامعه در عرصه‌های مختلف، دچار عدم تعادل گشته و این عدم تعادل، جامعه و حکومت را تا حد فروپاشی پیش می‌برد. در جوامع بسته که گردش نخبگان وجود نداشته و یا حتی کند بوده است، نخبگان جدید بر آمده در جامعه، با عصیان و انقلاب، جای نخبگان فرتوت قدیم را می‌گیرند. در این تبیین پارتو، انقلاب‌ها، عصیان‌ها و ظهور و سقوط سلسله‌ها در تاریخ و گردش نخبگان با خشونت بوده است. چرا که نخبگان فرتوت و محافظه کار قدیمی، نتوانسته پل و مدخلی برای ورود نخبگان جدید در حاکمیت برقرار سازند. در جوامع باز و متعادل، همواره ترکیب متناسبی از نخبگان جدید و قدیم وجود دارد. چنین جوامعی کمتر دچار تغییر و تحول ناگهانی می‌شوند چرا که تغییرات نخبگان به صورت تدریجی و آرام است و تعادل در جامعه برقرار است در حالی که در جوامع بسته، به جهت حاکمیت الیگارشی، نخبگان جدید یا نمی‌توانند و یا به سختی اجازه ورود به بدنه سیاسی-اجتماعی و حاکمیتی را می‌یابند. در چنین جوامعی مناصب، میان عده‌ای خاص رد و بدل می‌شوند.

از دید پارتو، خاستگاه گروه برگزیدگان، نابرابری‌های زیستی و روانی در میان شهروندان است. به عبارتی دیگر، نخبگی از ویژگی‌های انسانی و توانایی‌های فردی یا غرایز ریشه می‌گیرد. نخبگی را نباید در نیروهای ناشناختی و ماورای طبیعت یا در فرآورده‌های طبیعی پیشرفت فنی دید، بلکه آن را باید در جنبه‌های (زیستی- روانی) و نابرابری‌های ذاتی افراد جستجو کرد (۲۵: ۴۷۱).

مهم‌ترین نقش پارتو در نظریه‌پردازی نخبگان، بررسی جامعه‌شناسانه کنش‌های منطقی و غیر منطقی انسان‌ها بوده است. از نظر بیشتر جامعه‌شناسان، رویکرد پارتو، بیشتر روان‌شناختی است. یعنی پارتو، در طراحی اندیشه‌ها و نظریه خویش، بیشتر بر بعد روان‌شناختی افراد تأکید کرده است و انسان‌ها را به لحاظ

ماهیت روان‌شناختی به دو گروه نخبه و توده، تقسیم‌بندی نموده است و خود نخبگان را نیز به دو دسته نخبگان حاکم و نخبگان غیر حاکم، بخش‌بندی کرده است. در نتیجه، بنیاد نظریه نخبگان پارتو، اختلاف استعدادها، عامل اصلی مبارزه در کسب قدرت می‌باشد. پارتو، مخالف سرسخت مارکسیسم و برابری-خواهی لیبرال دموکراسی بود. وی بیان می‌داشت که اغلب افراد و طبقات، زور خود را در دستیابی به قدرت از دست داده و در نتیجه، به علت طغیان و توسل به خشونت، بیش از پیش منفور می‌گردند. وی بر این نظر بود که وقتی یک موجود زنده، احساساتی را از دست می‌دهد که در شرایط معینی، به خاطر تنازع برای بقا بر او لازم‌اند، این نشانه‌ای از انحطاط آن موجود است و عدم وجود چنین احساساتی دیر یا زود، سبب انقراض کل آن نوع خواهد شد و این نشانه‌ای از انحطاط و سقوط آن موجود و نوع است. وی بر این نظر بود که اگر گروهی، از ریختن خون دشمن خودداری کند، در نهایت محتاج بخشایش آن دشمن خواهد شد. هر انسانی که از خون وحشت داشته باشد، دیر یا زود به شکار انسان جنگ‌طلب دیگری خواهد آمد. در نظر پارتو، در این کره خاکی نمی‌توان حتی یک وجب از خاکی را بتوان یافت که زمانی در تاریخ به زور شمشیر فتح نشده باشد و جایی را نمی‌توان یافت که عده‌ای آن را با زور تصرف نکرده باشند.

در نظر پارتو، واژه حق، ناشی از قدرت است. وی در تبیین این نوع آراء در رابطه با قدرت؛ متجانس با افکار فیلسوف آلمانی اسوالد اشپنگلر بود. در نظر پارتو هر نخبه‌ای که آماده نبرد برای دفاع از جایگاه خویش نیست، در معرض سقوط و اضمحلال قرار دارد و تنها گزینه ممکن برای چنین نخبه فرتوتی، باز گذاشتن راه به نخبه قوی و جدید دیگر است. پارتو، تاریخ بشری را سراسر پر از کشمکش میان همه گروه‌های مختلف با منافع متفاوت و بیش از همه میان نخبگان در قدرت (حاکم) با نخبگان بیرون از قدرت (حاکم) و در انتظار قدرت می‌داند. این درست همان پیش‌بینی پارتو بود که در هفتاد سال تجربه شوروی سوسیالیستی را، تاریخ قرن بیستم به اثبات رساند و نشان داد. در نظر پارتو، برای این که جامعه دارای تعادل و عملکرد مناسبی داشته باشد بایستی تعادلی تعاملی، میان این دو دسته از افراد برقرار باشد، چرا که رابطه کارکردی میان این دو، تکمیل‌کننده همدیگر هستند. پارتو در نمونه‌یابی‌های واقعی تاریخی بر این طبقات، قیصر ویلهلم اول را بازمانده طبقه دوم و بیسمارک را نمونه‌ای از طبقه اول معرفی کرده است (۷: ۶۷). به نظر پارتو، شاید این دو جدا از همدیگر، هیچ کاری را نمی‌توانستند به خوبی به پیش برند ولی عملکرد تعاملی میان این دو، سبب شد که در تاریخ قرن نوزدهم اروپا، به طور درخشانی جلوه نمایند و هر یک، آن چه را که دیگری نداشت، تکمیل نماید. هر کدام از این نخبگان حاکم، دلالتی هستند که با فساد و رسوایی‌های‌شان مردم را رنج می‌دهند. نخبگان طبقه بالای جامعه بازمانده-های طبقه اول هستند که حکومت قبلی را ساقط و خود سلسله جدید را به وجود آورده بودند نخبگان غیر حاکم، نخبگان در انتظار قدرت هستند که پا پیش می‌گذارند و به هر نحو ممکن، خود را می‌خواهند

جایگزین نخبگان حاکم نمایند. نخبگان و بهترین‌های طبقه پایین جامعه هستند و به دنبال اعتبار بخشیدن به خود و جایگاه‌شان می‌باشند.

پارتو، در این نزاع دیالکتیکی (تز - آنتی‌تز - سنتز) ظهور و سقوط سلسله‌ها را طی این گردش‌نخبگان تبیین و تعریف می‌نماید. در این باره، پارتو، چنین نظر داده که اگر گروه مسلط (نخبگان حاکم) خردمند باشند، فرصت‌هایی را برای بهترین افراد از خاستگاه‌های دیگر (نخبگان غیر حاکم) فراهم آورند، تا آن‌ها نیز به ترتیبی به مزایا و پاداش‌هایی دست یابند مجبور به استفاده از زور برای دفاع و به دست آوردن این مزایا نخواهند شد. در نظر وی، پیوسته (نخبگان غیر حاکم) بر آمده از طبقات پایین، در حال شکل‌گیری حالت اپوزیسیون برای نخبگان حاکم می‌باشند (۷: ۳۴۹). اما در نظر پارتو و بر طبق شواهد تاریخی از میان همه فرهنگ‌ها و جوامع، تعداد اندکی از اشرافیت و آریستوکراسی‌های دیر پا، بر ماهیت ضروری و خردمندانه این فرآیند آگاهی و اشراف می‌یابند، چرا که اکثر آن‌ها چنین ترجیح داده‌اند که همه امتیازات را به طور انحصاری برای خویش حفظ کنند و این گذر زمان است که باج نخبگان غیر حاکم را از آن‌ها می‌ستاند؛ و آن‌گاه که حاکمان (نخبگان فرتوت) در اثر اسراف و اشرافیت، فاسدتر، تن‌زده‌تر، فرسوده‌تر و معالماً ضعیف‌تر می‌شوند؛ این جاست که نخبگان غیر حاکم در انتظار قدرت، بر می‌کشند و آن‌ها را از سربر قدرت به پایین می‌کشند و این چنین، ظهور و سقوط سلسله‌ها در تاریخ تکرار می‌گردد. در نظر پارتو، گردش‌نخبگان، ویژگی بارز فرایندهای اجتماعی جوامع در بستر تاریخ می‌باشد و این سنت محتوم تاریخ است که نخبگان قدرت‌مند (شیران) به قدرت می‌رسند (ظهور سلسله جدید) و نخبگان فرتوت قدرت و نخبگان حاکم از سربر قدرت فرو کشیده می‌شوند (سقوط سلسله قبلی). تاریخ، گورستان آریستوکراسی‌ها است.

پیشینه تحقیق

در مورد ظهور سلسله قاجار و تحولات آن مطالعات و تحقیقاتی به انجام رسیده است. دهقان-نژاد (۱۳۸۳)، در تحقیقی با عنوان «تحلیل سقوط قاجاریه با رویکردی به نظریه انحطاط دولت ابن-خلدون» می‌نویسد «این دولت به واسطه مسلمان بودن، شرقی بودن و از همه مهم‌تر نزدیک بودن به دوران کنونی از اهمیت بیشتری برخوردار است. نگارنده تلاش نموده این نظریه را درباره حکومت قاجار که حدود چهار صد سال با زمان او فاصله داشت بسنجد و نشان دهد که عوامل اصلی سقوط این دولت اگر نگوئیم دقیقاً ولی به میزان بسیار زیادی با نظریه ابن‌خلدون تطبیق می‌کند که این امر نشان دهنده قوت این نظریه است که می‌تواند برای دوران کنونی نیز صادق باشد. ابن‌خلدون عقیده دارد که بر جریان تاریخ قوانینی حاکم است و با تشبیه کردن حیات جامعه به پیکره آدمی و استفاده از این استعاره، نظریه پیری دولت‌ها را مطرح کرده که در درون آن جبر تاریخی حرف آخر را می‌زند. ایشان اگر چه به مطرح کردن علل دیگری هم پرداخت که علاوه بر پیری باعث مرگ حکومت‌ها می‌شوند، حاکمیت هوای نفس

حاکم، ناز و تجمل‌خواهی حاکم، از دست دادن خوی خشونت و این عوامل را فرا زمانی می‌داند و اگر به موقع حکومتی به فکر درمان نیفتد ناگزیر طعم شکست را تجربه می‌کند. از دیدگاه ابن‌خلدون استبداد لازمه اجتماعات بشری است و از خوی برتری‌جویی انسان بر می‌خیزد که با مقتضیات سیاست‌کشورداری همراه شده است. و از این طریق راه را برای وحدت جامعه و آسایش مردم فراهم می‌کند که اگر موفق به این کار شود حکومتش دوام خواهد آورد. اما به تدریج این حاکم در ناز و نعمت فرو می‌رود و باعث پدیدار شدن انواع فرومایگی‌ها و عادات زشت می‌شود و زبونی دولت پدید می‌آید و چنین دولتی به واسطه پیری و فرسودگی سقوط می‌کند. نگارنده این مقاله این نظریه را در باره حکومت قاجاریه که چهار صد سال با زمان او فاصله داشت سنجیده است.

ازغندی (۱۳۷۴)، در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر نخبگان قاجاریه بر تحولات سیاسی و اجتماعی» توضیح می‌دهد که نهادینگی سیاسی و تحولات اجتماعی ایران دوره قاجاریه تحت‌الشعاع منافع نخبگان قرار داشته و در ایران نیز همانند سایر کشورهای در حال توسعه نخبگان در پویش توسعه کشوری نقشی تعیین‌کننده داشته‌اند.

بشیریه و کرم‌پور (۱۳۸۳)، در «بررسی چرخش نخبگان در ایران دوره قاجار» به بررسی جامعه ایران در وضعیت پایدار قبل از مشروطیت به عنوان سیستم اجتماعی متعادل، عوامل ایجاد عدم تعادل در این جامعه به مثابه عوامل مؤثر در پیدایی نخبگان جدید و سرانجام نحوه و میزان وقوع چرخش نخبگان طی قرن نوزدهم و مشروطیت پرداخته‌اند. بر اساس نتیجه این تحقیق چرخش نخبگان محدود و نسبی بوده است و برای همین تحولات ساختاری و بنیادی چشمگیری به واسطه مشروطیت در ایران به وقوع پیوست.

زرگری سنقر (۱۳۹۰)، در «بررسی دلایل بر آمدن و فرو افتادن دودمان قاجاریه بر اساس رهیافت عصبیت ابن‌خلدون» بر پایه پژوهش کیفی و با بهره‌گیری از روش خوانش متن و رهیافت عصبیت ابن‌خلدون به دلایل ظهور و سقوط دودمان قاجاریه پرداخته است. وی برای هر دولت عمری یکصد و بیست ساله (سه نسلی) در نظر می‌گیرد. هر دولت از پنج مرحله استقرار، خودکامگی، اوج قدرت، زوال و سقوط عبور می‌کند. و این همان نظریه‌ای است که به عنوان سیر تطور دورانی تاریخ از آن نام می‌برند. در این پایان‌نامه از یازده متن تاریخ نگارانه، شانزده سفرنامه داخلی و خارجی و چهارده متن خاطرات داخلی و خارجی مربوط به روزگار قاجار از منظر رهیافت عصبیت ابن‌خلدونی بازخوانی و بازتفسیر شده است.

جامعه‌شناسی سیاسی ظهور سلسله قاجار بر اساس نظریه نخبگان پارتو

در اندیشه پاره‌تو نخبه کسی است که بالاترین جایگاه را در فعالیت‌های اجتماعی و انسانی دارد و به زعم پاره‌ای تمایز نخبه از توده یک فرآیند کاملاً تجربی است و نیاز به استدلال‌های علمی مشخص ندارد. در واقع کارگزاران دارای جایگاه مشخصی در جامعه هستند و ایشان سرآمد جوامع خود محسوب

می‌شوند. پاره‌تو دو دسته نخبه را از یکدیگر متمایز می‌کند: نخبه حاکم که در حکومت فعالیت دارد و نخبه غیر حاکم. پاره‌تو در کتاب رساله‌ای در باب جامعه‌شناسی سیاسی عمومی مفاهیم اصلی نظریه خود در مورد چگونگی انسجام و همبستگی جوامع انسانی را بیان می‌دارد. تعادل و ثبات اجتماعی که عبارت از نابرابری‌های موجود در میان انسان‌هاست و موجب پیدایش گروه نخبگان می‌گردد. منافع که عبارت از انگیزه‌های اقتصادی عمل اجتماعی هستند. غرایز یا ذخایر ثابت که احساساتی هستند که بر رفتار اجتماعی تأثیر می‌گذارند. «مشتقات» که مظاهر شبه عقلانی و فریبنده غرایز هستند و معمولاً شکل عقاید فلسفی، اخلاقی و مذهبی به خود می‌گیرند. بحث پاره‌تو در مورد قدرت سیاسی بیشتر در حول دو عامل اخیر صورت می‌گیرد. نخبگان با استفاده موفق از ابزارهای زور و نیرنگ توده را مدیریت می‌کنند. مفاهیم کلیدی در اندیشه پاره‌تو مفهوم گردش نخبگان است. پارتو میان گردش کامل و گردش ناقص نخبگان تمیز قائل شده است و کمال تحرک اجتماعی را در گردش کامل نخبگان جستجو می‌کند. پاره‌تو قبل از این که در مورد خوبی یا بدی جامعه بحث کند به بقای جامعه توجه دارد و تقویت جامعه را پیش-شرط هر چیز دیگری می‌داند و به تعبیر وی، اگر ملتی نتواند بقا داشته باشد، بحث از خوبی یا بدی جامعه علاوه بر این که بی‌فایده است، انتزاعی هم خواهد بود و از این رو پاره‌تو گردش نخبگان را شرط لازم برای بقای جامعه و پرهیز از انقلاب می‌داند. پارتو در بحث از قدرت سیاسی بر «تلفیق» و «ابقاء» تکیه می‌کند. از این رو اگر افراد عملگرا، هوشیار، مدیر و مدبر وارد سیاست شوند، سازشکار و معامله‌گر هستند و اگر در اقتصاد وارد شوند مرد خطر هستند. پارتو مانند «ماکیاولی» این نوع شخصیت‌ها را «روبه صفت» می‌نامد. اشخاص دیگر در پی دلبستگی هستند و به خانواده، قبیله، شهر و ملت‌شان به شدت احساس وفاداری می‌کنند. این افراد دارای عرق میهن‌پرستی و شور مذهبی هستند و در صورت لزوم از کاربرد زور هراسی ندارند. همزمان این افراد اهل جنگ و ستیزه هستند. پارتو این نوع شخصیت را «شیر صفت» می‌خواند. وی با رویکردی روان‌شناسانه و نوع نگاه ماکیاولیستی به انسان، نظریه نخبگان حاکم را مطرح ساخته است. وی تمامی اقدامات و افعال مهم موجود در جامعه را ناشی از فعل گروه نخبه می‌داند و متاثر از اندیشه‌های مارکسیسم و به طور اخص اندیشه‌های کارل مارکس است و در عین حال پیرو لیبرالیسم فکری در جامعه است. از اندیشه‌های مهم پارتو در راستای اندیشه‌های نخبه‌گرایانه وی، نظریه گردش ادواری نخبگان است. وی معتقد است که همیشه دو طبقه شیر و روباه در حال جابجایی هستند. البته میزان این جابجایی به نوع جامعه بسته یا باز بستگی دارد. البته نباید فراموش کرد که اندیشه‌های پاره‌تو با نقدهایی مواجه شده‌اند که این انتقادات در اندیشه‌های بازسازی شده الیتسم کلاسیک در قالب نخبه-گرایی مردن، سامان یافته‌اند. پدیده گردش نخبگان، فرآیندی است که به موجب آن، افراد از رده‌های اجتماعی پایین به رده‌های اجتماعی بالا صعود می‌کنند تا نقص موجود در مراتب نخبگان را بر طرف کنند. روی کارآمدن آغا محمدخان قاجار از سلسله‌مراتب پایین جامعه به راس حکومت را می‌توان از این

نظریه تحلیل کرد. پاره‌تو تعادل را چنین تعریف می‌کند: حالت X یعنی تعادل به گونه‌ای است که اگر باید به طور تصنعی و خارج از روال عادی اصلاح شود، نخست واکنشی صورت می‌گیرد که گرایش به واقعیت نظام، یعنی حالت عادی دارد و اگر در بدنه نظام عدم تعادلی به وجود آید، ابتدا سیستم به صورت ذاتی خود را به حالت تعادل می‌رساند یا دست کم رویه‌ای به سوی تعادل اتخاذ می‌نماید که در ادامه، این تعادل ممکن است به وسیله نیروهای خارجی به انجام برسد. پارتو می‌گوید حالت اصلی آن است که به وسیله تحوّل عادی اصلاح شده است. این خصوصیت به وسیله وابستگی درونی اجزا تقویت می‌گردد. یکی از راه‌های حفظ تعادل اجتماعی، همان است که پارتو چرخش نخبگان می‌نامد. با گردش نخبگان، خون تازه به رگ‌های حکومت می‌رسد و حیات در پیکر دستگاه حکومتی، تازه می‌گردد. تنگ شدن جریان‌های حکومتی یا بسته شدن آن، حکومت را از تجدید قوا محروم می‌کند و سر انجام به مرگ آن منجر خواهد شد. در نظام جامعه‌شناختی پارتو عامل اصلی تعادل اجتماعی، گردش نخبگان و علت اصلی بی‌ثباتی اجتماعی نیز، عدم آن است. به نظر پارتو نیرومندترین عامل به هم خوردن توازن اجتماعی، انباشتگی عناصر برتر در طبقه پایین و تجمع عناصر پست در طبقه بالاست. می‌توان نمونه‌هایی از ورود نخبگان طبقه پایین جامعه در دوره قاجاریه به مقام صدارت از جمله میرزا تقی‌خان امیرکبیر که پسر آشپزی بود، را نام برد.

بر طبق نظریه گردش نخبگان ویلفردو پارتو تاریخ ایران هیچ گاه شاهد رهبران فرهیخته نبوده است بلکه همواره بستر ظهور و حضور گروه‌های مستبد و تشنه قدرتی بوده که پیرامون یک چهره خودکامه فاقد هر گونه فضیلت مورد انتظار حلقه زده‌اند و قدرت سیاسی را نه از طریق اقبال همگانی و یا اعتبار آسمانی کاریزمایی، بلکه با توسل به زور و تدبیر به دست آورده‌اند. اگر چه همواره پس از استقرار سلطه خویش، جهت تحکیم و تداوم آن در صدد کسب نوعی حقانیت و مشروعیت در برابر حریفان و مدعیان قدرت بوده و سعی کرده‌اند چهره‌ای کاریزمایی از خود به نمایش بگذارند (۲۰: ۳۵).

بر اساس دیدگاه پارتو، سراسر تاریخ ایران و اواخر دوره صفویه و دوره نادرشاه افشار که شاهد چالش میان نخبگان قدرت‌های سیاسی در ایران بود، نشانگر و تبیین‌گر این موضوع می‌باشد که منازعات سیاسی در تاریخ ایران، نزاع میان فرد با هیئت حاکمه نبوده است. بلکه پیوسته در تاریخ این سرزمین، رهبری حرکت‌ها و جنبش‌های سیاسی علیه حاکمان وقت، به عهده افراد و گروه‌هایی از نخبگان بودند که در میانه رقابت‌ها، خود را شایسته کسب حکومت می‌دانستند و در این راستا از مواردی هم چون احساسات مردمی، عصبیت قبیله‌ای و قومی و هم‌چنین پشتوانه‌های دینی اسطوره‌ای بهره گرفته‌اند.

بر طبق نظریه پارتو، جامعه ترکیب ناهمگنی از افراد مقهور و تحت سلطه، در زیر سیطره گروه‌های کوچک اما نخبه می‌باشد که حاکمیت سیاسی جامعه را بر عهده دارند. و طی جابجایی نخبگان جدید با نخبگان فرسوده‌ای که استعدادها و لیاقت‌های گذشته را در جهت استمرار حاکمیت خویش، از دست داده-

اند، شرایط اجتماعی سیاسی را شکل می‌دهند و در این میان، خیل مردم، تنها سپاه و مامور آن نخبگان با تدبیر، در جریان مبارزه برای تصاحب قدرت می‌شدند.

پس از مرگ نادرشاه افشار در سال ۱۱۲۶ شمسی طوایف قاجارهای استرآباد به سردمداری محمدحسن خان در صدر به دست‌گیری سریر پادشاهی بر آمدند. اما در پی جنگ‌هایی که با کریمخان زند داشتند شکست خوردند و در این میانه محمدحسن خان طی جنگ با سپاه صادق‌خان زند به قتل رسید و فرزندان ایشان یعنی آقا محمدخان و حسینقلی خان جهانسوز به عنوان گروگان در دربار زندیه نگهداری می‌شدند. در این میان حاکم استرآباد بر علیه کریمخان زند شورید و حسینقلی خان از طرف کریمخان زند مامور شد تا حاکم شورشی استرآباد را سرکوب نماید. ولی خود در سمنان بر علیه کریمخان زند شورید ولی توسط زکی‌خان زند به قتل رسید. قدرت عصبیت ابن‌خلدونی و کاریزمای وبری و نخبگان پارتویی تا زمانی که کریمخان زند زنده بود نخبگان ایل قاجار را از به قدرت گرفتن باز می‌داشت. در پی مراسم خاکسپاری کریمخان زند (۱۱۹۳ ه.ق) سران حکومت زندیه برای به دست گرفتن قدرت به کشمکش پرداختند و سرانجام در ۱۲۰۳ ه.ق لطفعلی‌خان فرزند جعفرخان به قدرت رسید و شش سال قدرت را در دست داشت و پیوسته در درگیری با مخالفان بود. در این میان، سران اهل قاجار نیز در شمال ایران و در نواحی گرگان و مازندران و به ویژه استرآباد که نفوذ زیادی داشتند سعی در به دست گرفتن قدرت بر آمدند و طی درگیری‌هایی که میان لطفعلی‌خان و آقا محمدخان قاجار در حمله به شیراز و محاصره دو ماه آن و کمبود مواد غذایی قاجارها، دوباره به ناگزیر به تهران بازگشتند. دوباره در سال ۱۲۰۶ ه.ق آقا محمدخان قاجار به شیراز حمله کرد و طی حمله جنگی لطفعلی‌خان را شکست داده و در عمارت کلاه فرنگی شیراز به تخت سلطنت جلوس نمود و طی دو سالی که لطفعلی‌خان به کرمان گریخته بود میان آقا محمدخان و لطفعلی‌خان جنگ و نبرد ادامه داشت. آقا محمدخان قاجار به کرمان حمله و طی محاصره و جنگ و نبردهای متعدد، عاقبت کرمان را فتح و مردم زیادی از آن جا را کور و به قتل رساند و لطفعلی‌خان که به بم فرار کرده بود، توسط حاکم آن جا دستگیر و تسلیم آقا محمدخان قاجار گردید و ایشان را ابتدا کور و به طرز فجیعی به قتل رساند و به این طریق پایان حکومت زندیه و ظهور کامل سلسله قاجار فرا رسید. وقتی که عصبیت در میان قومی فرو می‌کاهد و یا کاریزمای فرد رهبر و حاکم افول می‌نماید و نخبگی وی زیر سؤال می‌رود خود اطرافیان حاکم (لطفعلی‌خان زند) وی را دستگیر (توسط حاکم بم) و تحویل رهبر و حاکم با عصبیت، کاریزما و نخبگی بالا می‌شود. هرگاه دولت استقرار یابد و شالوده آن مستحکم شود (در این مورد در زمان کریمخان زند) دیگر از عصبیت بی‌نیاز است (۱۶: ۲۹۵). بر اساس نظریه نخبگان پاره‌تو هر چه قدر که یک جامعه بسته باشد، میزان نفاق نخبگان در درون و بین خودشان بالاتر می‌رود و در این صورت سیستم راهبردی جامعه در جهت عکس منافع ملی حرکت می‌کند و در چنین جامعه‌ای امکان نیروی گریز از مرکز نخبگان بالاست.

نقش نخبگان در ایجاد تحولات دوره قاجار

مسئله خویشاوندی، از مشخصات مهم نظام نخبه‌گرایی در ایران است و دستیابی به مناصب مهم جامعه، اعم از صدارت، وزارت، سفارت و نمایندگی، چندان به علم، لیاقت و دانش شخص بستگی نداشته است (۵: ۸۰). این نظریه به طور جامع و یکپارچه پذیرفتنی نیست زیرا برخی از رجال دوره قاجار از نظر خاستگاه اجتماعی از طبقات فرودست جامعه بودند مانند میرزاتقی خان فراهانی فرزند کربلایی قربان آشپز، میرزا حسین خان سپهسالار، نوه عابدین دلاک و میرزاعلی اصغرخان امین‌السلطان اتابک اعظم فرزند آقا ابراهیم آبدارباشی. این نظریه تا حدود زیادی درباره رجال دوره قاجار پذیرفتنی است، ولی در دوره حکومت پهلوی، مسئله خویشاوندی با دربار، نسبت به دوره قاجار، تا حدود زیادی در ارتقای منزلت سیاسی افراد رو به کاهش گذاشته است. نخبگان وابسته حکومتی و نظام ناکارآمد با کارشکنی نسبت به اندیشه‌ها و استراتژی سترگ صدراعظم، در اصل عامل عقب‌ماندگی این جامعه شدند. امیرکبیر، صدراعظم ایران، در سال‌های ۱۲۳۰-۱۲۲۷، اهداف بلندپروازانه و پیروزمندانه‌ای در زمینه اصلاحات در نهادهای ایران مشخص کرد. سیاست‌های خاص نظیر کارخانه‌های دولتی، دارالفنون، حسابرسی، تعادل بودجه را در پیش گرفت. همه این سیاست‌ها در جهت تقویت دولت قاجار و ایستادگی در مقابل فشارهای خارجی اتخاذ گردید، اما آن چه بیش از فقدان نظرات متخصصین و دانش فنی سد راه اصلاحات می‌شد، ائتلاف نیرومند نخبگانی بود که از اصلاحات امیرکبیر زیان می‌دیدند، این ائتلاف تصمیم گرفت در مقابل اصلاحات صدراعظم بایستد و نهایتاً خشم و توطئه مخالفین صدراعظم، که عمدتاً مقام‌های دولتی، زمینداران بزرگ، روحانیون و درباریانی بودند که مقرری و دریافتی‌های آن‌ها کم شده بود، با القای توطئه توسط مادر ناصرالدین شاه او را عزل، تبعید و نهایتاً در کاشان به قتل رساندند (۱۲: ۲۴۷). اگر اصلاحات و اقدامات بنیادین امیرکبیر در ایران شکل می‌گرفت، طبعاً روند حیات سیاسی و اجتماعی ایرانیان در ورود به قرن بیستم کاملاً متفاوت بود، زیرا ثبات و ترقی واقعی حکومت‌ها در گرو اصلاحات مداوم است. اما بستر سنگلاخی و نآآماده قاجارها اجازه اصلاحات واقعی را به نخبگان توان‌مندی چون امیرکبیر نداد. دوران بسیار کوتاه صدارت امیرکبیر تحولاتی را به وجود آورد که نسل رهبران مشروطه‌خواه در دوران مظفرالدین شاه از اندیشه و نتایج آن تأثیر و الهام گرفتند. دارالفنون، اولین مدرسه‌ای که شکل و محتوای مدرن داشت، توسط دولت یعنی به کوشش امیرکبیر در سال ۱۸۵۱ تأسیس شد. امیرکبیر با روشنی فکر علل عقب‌ماندگی ایران را در مقابل سایر کشورهای قدرت‌مند دریافته بود. او تدریس رشته‌هایی هم‌چون سواره نظام، پیاده نظام، طب، داروسازی و معدن‌شناسی را برای متخصصین داخلی در نظر گرفت. تأسیس این مدرسه بعداً در شروع حرکت نوسازی کشور تأثیرگذار شد. با ترجمه و چاپ کتب جدید، طبقات وسیع‌تری از مردم با دانش کشورهای پیشرفته آشنایی پیدا کردند و فارغ‌التحصیلان مدرسه دارالفنون با رویکردهای روشنفکری و تجددخواهی و تحول فکری، نسلی را به تدریج خلق کردند که در شکل‌گیری انقلاب مشروطه تأثیر اساسی داشت (۱۵: ۷). در کشورهای پیشرفته به واسطه ماهیت تکثرگرای نظام‌های

سیاسی، جایگاه مالکیت، اعم از مالکیت مادی و معنوی و نیز خاستگاه طبقات اجتماعی بر اساس شکل-گیری نهادهای اجتماعی سیاسی و اقتصادی کاملاً روشن و مورد اعتنای هیئت حاکمه و قدرت سیاسی حاکم است و طبقه متوسط از رتبه تعادل‌بخش و خوبی در جامعه برخوردارند. در حالی که در نظام‌های غیر توسعه یافته از جمله در ایران، شخص و طبقه نه تنها محلی از اعراب نداشته و ندارند، بلکه ماهیت و اختیارات آن‌ها تابع نوع و درجه وابستگی آن‌ها به قدرت حاکم است و ضابطه‌ای جز قدرت برای تعیین جایگاه اشخاص و طبقات قابل تصور نیست. در غرب منشأ تأثیرگذاری طبقات و زمینه استقلال آن‌ها به فرایند شکل‌گیری مالکیت خصوصی و کارآمد و رسمیت قانونی آن در این جوامع کمک نمود. در حالی که در کشورهای توسعه نیافته از جمله ایران، دولت در فوق طبقات جامعه قرار داشته، نه فقط در رأس آن، در نتیجه دولت در خارج از خود مشروعیت مستمر و مداوم نداشت و چهارچوبی تحت عنوان قانون برای تعیین محدوده دولت وجود نداشت و معنای دقیق استبداد هم همین است (۱۵: ۸). در دوره قاجار گروه نخبگان حکومتی را خاندان شاهی، وابستگان خاندان شاهی و زمینداران تشکیل می‌دادند. مقامات دیوانی حلقه اتصال دو گروه خاندان شاهی و زمینداران بودند، یعنی از نظر خاستگاه اجتماعی و پایگاه طبقاتی، آن‌ها را می‌توان در زمره خاندان شاهی قرار داد. مالکیت زمین‌ها را در ایران آن‌ها به چنگ آورده بودند و در وزارت فعالیت نخبگان حکومتی نخبگان رسمی، نخبگان غیر رسمی در جامعه ایران حضوری کم و بیش فعال داشتند. وحدت فکری و هماهنگی دو بخش مهم از گروه نخبگان غیر رسمی مانند بازرگانان و روحانیون در واقعه تنباکو، نقطه عطفی در نخستین حضور فعالیت سیاسی- اجتماعی نخبگان غیر رسمی به شمار می‌رود. انتشار روزنامه‌های قانون در لندن و اختر در استانبول، طیف روشنفکران را هم به این مجموعه افزود. هماهنگی و تعامل سه بخش نخبگان غیر رسمی روحانیون، بازرگانان و روشنفکران، با ایجاد نهضت مشروطیت، نخبگان رسمی جامعه را به چالش کشید.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی مقاله حاضر، تحلیل جامعه‌شناختی سیاسی تحولات سیاسی حکومت قاجار از دیدگاه نظریه گردش نخبگان ویلفردو پارتو بود. جهت نیل به هدف مذکور و پاسخ به سئوالات پژوهشی باید گفت، جوامع ناگزیر به استفاده از نخبگان هستند. در جوامع بسته و غیر دموکراتیک، به علت انسداد سیاسی، پدیده گردش نخبگان روی نمی‌دهد. مدار بسته حاکمیت بلافصل نخبگان رسمی، موجب ناکارآمدی نخبگان سیاسی و عدم طرح ایده‌های نو و مانع برقراری تعادل اجتماعی می‌شود. ناکارآمدی نخبگان سیاسی از یک سو و ارتقای منزلت و پایگاه اجتماعی نخبگان غیر رسمی از سوی دیگر، ثبات سیاسی و اجتماعی جامعه را دستخوش ناآرامی و آشوب‌های اجتماعی می‌سازد. بر اساس نظریه نخبگان پارتو هر قدر که یک جامعه بسته باشد، میزان اختلاف نخبگان در درون و بین خودشان بالا می‌رود و در این صورت سیستم راهبردی جامعه در جهت عکس منافع ملی حرکت می‌کند. در چنین جامعه‌ای امکان

نیروی گریز از مرکز نخبگان بالا است. سیستمی می‌تواند سعادت‌مند باشد که نخبگان در آن دارای وفاق حداقلی باشند. دوران بسیار کوتاه صدارت امیرکبیر تحولاتی را به وجود آورد که نسل رهبران مشروطه-خواه در دوران مظفرالدین شاه از اندیشه و نتایج آن تأثیر و الهام گرفتند. عدم وجود گردش نخبگان در جامعه دوره قاجار که موجب عدم تعادل نظام سیاسی و پاسخ مناسب به تحولات سیاسی و اجتماعی شد، علاوه بر این که ناکارآمدی نخبگان رسمی را به اثبات رساند، راه را برای ورود نخبگان جدید در حوزه سیاسی بست. با سقوط حکومت تزار در روسیه، حکومت قاجار به علت تزلزل پایه‌های حکومت، به آسانی دچار فروپاشی شد و با سیستم پارلمانی، سلسله قاجار که متکی بر ساختار سیاسی ملوک‌الطوایفی و ایللیاتی بود دچار از هم پاشیدگی اجتماعی گردید.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Abrahamian, Yervand. (2011). Essays in Political Sociology of Iran, translated by Soheila Torabi Farsani, Tehran: Pardis Danesh Publishing House, second edition.
2. Akbari, Mohammad Ali. (1992). Features of power structure in Iran, Nameh Farhang, Tehran: Ministries of Culture and Islamic Guidance, 2nd year, 4th issue.
3. Avri, Peter; Hembly, Gavin; Melvin, Charles. (2008). History of Iran during the Afshar, Zand and Qajar periods, translated by Morteza Saqib Far, Tehran: Jami Publications.
4. Azghandi, Alireza (1995) The influence of Qajar elites on political and social developments, Middle East Quarterly Magazine, Number Six
- 5-Azghandi, Alireza. (1997). The ineffectiveness of Iran's political elites between the two revolutions, Tehran, Qoms Publishing.
6. Bashirieh, Hossein. (2014). History of political ideas in the 20th century, liberalism and conservatism, Tehran: Ney Publishing.
7. Bashirieh, Hossein and Karampour, Roza. (2004). Studying the rotation of elites in Iran during the Qajar period, Journal of Cultural Research, No. 10.
8. Dehghan Nejad, Morteza. (2004). Analysis of the fall of the Qajar dynasty with an approach to the theory of decline of the state of Ibn Khaldun, Isfahan University Faculty of Literature and Humanities Journal, second term, 36th and 37th issue, spring and summer.
9. Denbali, Abdul Razzaq Maftun. (2013). Mather Soltanieh, with the efforts of Firoz Mansouri, Tehran: Information Publications.
10. Etemad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (1988) Tariq Montazam Naseri, edited by Mohammad Ismail Rezvani, Tehran: Duniyai Ketab.
11. Etezad Al-Saltaneh, Mirza Aligholi. (1991). Exir al-Tawarikh, by Jamshid Kianfar, Tehran: Weissman Publishing.
12. Foran, Jan. (1998). Breaking Resistance: The History of Iran's Social Developments from the Safavid Period to the Years After the Islamic Revolution, translated by Ahmad Tadion, Tehran: Rasa Publishing.
13. Hedayat, Rezaguli Khan. (2001). The history of Rouza al-Safai Naseri, with the efforts of Jamshid Kianfar, Tehran: Nashr Asater.
14. Heravi, Javad. (2013). History of the Samanin, Golden Age of Iranian History, 4th edition, Tehran: Amir Kabir Publications.
15. Homayon Katouzian, Mohammad Ali. (2000). Government and society in Iran; Extinction of Qajar and establishment of Pahlavi, translated by Hassan Afshar, Tehran: Nashr Markaz.
16. Ibn Khaldoun, Abdul Rahman. (1957). Introduction to Ibn Khaldoun, translated by: Mohammad Parvin Gonabadi, Tehran: Book Translation and Publishing Company.
17. Joveini, Mohammad. (1999). Joveini's World History, edited by Mohammad Qazvini, Tehran: Duniyai Ketab.
18. Kohamrei, Zein Al-Abidin. (2005). The message of measures taken by the king and the minister in the affairs of Agha Mohammad Khan Qajar and his minister Haji Ibrahim Khan Kalantar Etemad al-Douleh, edited by 19-Mahin Dokht Hajian Pour, Tehran: University Publishing Markaz.
19. Mahmoud Mirza Qajar. (2010). History of Saheb-e-Quran, by the efforts of Nadereh Jalali, Tehran: Library, Museum and Document Center of the Islamic Council.

-
20. Moder shane Chi, Mohsen. (1994). Iran's history and elitist point of view, *Negha No Quarterly*, Farvardin and Ordibehesht.
 21. Nafisi, Saeid. (1985). *Social and political history of Iran in the contemporary period*, Tehran: Sharq Press Institute.
 22. Nasri, Albert. (1984). excerpts from Ibn Khaldun's introduction, translated by Mohammad Ali Sheikh, Tehran: Shahid Beheshti University Press.
 23. Pareto, Wilfredo. (2016). *Human stupidity*, translated by Parviz Ajjali, Tehran: Ehsan publishing house.
 24. Reza Qoli, Ali. (2004). *Sociology of Self-Kamgi*, Tehran: Nei Publishing.
 25. Rush, Michael. (2008). *Society and Politics*, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Samt Publications.
 26. Saravi, Mohammad Taqi. (1992). *Muhammadan history "Ahsan al-Tawarikh"*, edited by Gholamreza Tabatabaei Majd, Tehran: Amir Kabir Publications.
 27. Zargari Sonqor, Hassan. (2019). *Investigating the reasons for the rise and fall of the Qajar dynasty based on Ibn Khaldoun's approach*, supervisor Mohsen Khalili and advisor Seyyed Hossein Athari, Ferdowsi University of Mashhad.

فرا ترکیب مطالعات کیفی در حوزه شادکامی زنان در ایران

محسن نیازی^۱

عطیه رضایی^۲

علی فرهادیان^۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۳/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

چکیده

زنان، همسران و مادران شاد، موجب مستحکم شدن کانون خانواده در سطح خرد و تزریق شادکامی به جامعه در سطح کلان می‌شوند؛ زیرا انسان شاد، انسانی مبتکر، کارآ، مولد، خلاق و سازنده است. از این رو شناخت شادکامی، ضرورتی انکارناپذیر و مسلم در جهان امروز است. هدف از انجام پژوهش حاضر، شناسایی عوامل مؤثر بر شادکامی زنان و طرح‌ریزی مدلی پیرامون عوامل مؤثر بر شادکامی زنان است. جامعه پژوهش، مقالات نشریات معتبر علمی- پژوهشی مرتبط با موضوع است، که طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۰ منتشر شده‌اند. نمونه پژوهش، ۱۳ مقاله پژوهشی استاندارد بود که بعد از رتبه‌بندی مقالات از بین ۹۲ مقاله، انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. روش پژوهش، کیفی و از نوع فرا ترکیب بود. پس از استخراج عوامل مؤثر بر شادکامی زنان، نتایج نشان داد که در مقالات مذکور، ۶۱ مفهوم شناسایی و پس از تایید متخصصان حوزه زنان و خانواده، مورد تأیید قرار گرفت. در نهایت مفاهیم در ۵ مقوله اصلی فرد، جامعه، خانواده، سرمایه اجتماعی و سبک زندگی و مقولات فرعی آن‌ها طبقه‌بندی شدند و به مثابه عوامل مؤثر بر شادکامی زنان تبیین و در قالب یک مدل ارائه شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که مدل تحلیلی ارائه شده برای عوامل مؤثر بر شادکامی زنان، با هرم سلسله‌مراتب نیازهای مازلو تطبیق داشت. واژگان کلیدی: شادکامی، شادابی، شادی، زنان و خانواده، مطالعات زنان.

۱. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان- ایران.

۲. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان- ایران (نویسنده مسئول).

E- mail: atiyerezayi.69@grad.kashanu.ac.ir

۳. استادیار مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان- ایران.

مقدمه و بیان مسئله

شادکامی یکی از ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان‌ها به شمار می‌رود و به دلیل تاثیرات عمده آن در بهسازی و سالم‌سازی جامعه، مدت مدیدی است که ذهن آدمیان را به خود مشغول کرده است؛ به طوری که امروزه بسیاری از ملل به نوعی درصدد ایجاد یک جامعه سالم و شاد هستند.

شادکامی، هدف مشترک همه انسان‌ها است. آن چنان که همه تلاش‌های انسان در زندگی برای رسیدن به این هدف صورت می‌گیرد (۱۰). جستجو در پی شادکامی تنها مربوط به زمان حاضر نیست، بلکه فیلسوفان یونانی، رومی و حتی ارسطو به دلایل شادکامی اهمیت داده‌اند. البته دلایل شادکامی را نمی‌توان به عنوان دلایلی جهانشمول تلقی کرد؛ چرا که هر فرهنگ در زمان خویش دلایل متفاوتی برای شادکامی دارد (۲۹). اگرچه دریافت و ادراک عوامل شادکامی از فرهنگی به فرهنگی دیگر متفاوت است (۴۴)، اما با ظهور مدرنیته و با افزایش منابع استرس‌زا و تعدد نقش افراد، جستجو برای شادکامی در همه جوامع و فرهنگ‌ها سرعت زیادی یافته است؛ زیرا به نظر می‌رسد احساس شادکامی از یک سو انسان‌ها را برای یک زندگی بهتر و بازدهی بیشتر آماده، و از سوی دیگر، به دلیل مسری بودن آن، بستگی‌های انسان را با محیط گسترده می‌کند. به جرأت می‌توان ادعا نمود که تمامی کوشش انسان‌ها در زندگی برای دستیابی به شادکامی در آینده است، بدین مناسبت شادکامی متغیر مهمی برای نیل به پیشرفت و توسعه محسوب می‌شود. چنین توسعه‌ای زمانی به طور پایدار تحقق خواهد یافت که جامعه از نیروهای مولد خود (زن و مرد) استفاده کند. از سال ۲۰۰۰ به بعد، در نگاه سازمان ملل، برای تعیین سطح توسعه یافتگی کشورها متغیرهای شادی، امید به آینده، خشنودی و رضایت‌مندی افراد نیز به عنوان یک متغیر کلیدی وارد محاسبات شده‌اند. به این صورت که اگر مردم یک جامعه احساس شادی، خشنودی و رضایت‌مندی نکنند، نمی‌توان آن را جامعه توسعه یافته قلمداد کرد که این نشانه اهمیت شادی است (۳۱: ۳). در واقع، رضایت و شادی مردم نشان می‌دهد که آن کشور توانسته است رفاه و آرامش موردنیاز را برای اعضای خود فراهم کند (۵: ۸). هم‌چنین ارزیابی آمارهای جهانی درباره وضعیت شادی در سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که ۱۴ درصد از مردم جهان در سطح «بالا» و ۵۰ درصد «تا حدودی» شاد هستند؛ ۳۰ درصد احساس شادی «پایین» دارند و ۶ درصد نیز اصلاً شاد نیستند (۱۹).

در مقیاس جهانی، مؤسسه نظرسنجی گالوپ^۱ تاکنون ۹ موج پیمایش جهانی در سنجش وضعیت شادی انجام داده است که داده‌هایی را درباره وضعیت شادکامی مردم ایران را نیز در بر می‌گیرد. در این بررسی‌ها، شادکامی معادل «ارزیابی ذهنی فرد از وضعیت زندگی خود» تعریف شده است. به بیان دیگر، اینکه پاسخگویان در زندگی‌شان تا چه حد احساسات مثبت (خنده و تجربه‌های لذت‌بخش) و احساسات

^۱. Gallop

منفی (خشم، نگرانی، غمگینی) را تجربه می‌کنند. نمره شادی افراد، میانگین نمره‌های آن‌ها در وضعیت‌های یادشده است. حجم نمونه در سال‌های مختلف بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر در هر کشور متغیر است؛ و به دلیل شیوع ویروس کرونا، نظرسنجی ۲۰۲۱ به شیوه تلفنی انجام شده است که ممکن است نتایج آن نسبت به موج‌های پیشین تحت‌الشعاع قرار گیرند؛ چندان که خود مؤسسه نیز در گزارش ۲۰۲۱ به آن اشاره و جایگاه کشورهای مختلف را نسبت به سال پیش از آن که مصاحبه‌ها حضوری بودند، مقایسه کرده است تا خواننده را به رعایت احتیاط در تفسیر نتایج دعوت کند.

جدول شماره (۱): رتبه و میانگین نمره شادی ایران در پیمایش‌های جهانی (۲۰۲۱-۲۰۱۲)

سال متغیر	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱
تعداد کشورها	۱۰۵	۱۵۶	۱۵۸	۱۵۷	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۶	۱۵۳	۱۴۹
رتبه ایران	۸۱	۱۱۵	۱۱۰	۱۰۵	۱۰۸	۱۰۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۸
میانگین نمره شادی (دامنه صفر تا ده)	۵/۳	۴/۶۴	۴/۶۸	۴/۸۱	۴/۶۹	۴/۷۱	۴/۵۵	۴/۶۷	۴/۷۲

بر اساس آمار ارائه شده در جدول بالا، میانگین شادی ایرانیان کمتر از حد متوسط بوده و به لحاظ جایگاه در مقایسه با سایر کشورها در رده‌های آخر قرار دارد. بنابراین با توجه به این که شادکامی، فعالیت‌های مفید انسان را بر می‌انگیزد، روابط اجتماعی را تسهیل می‌کند، مشارکت سیاسی-اجتماعی را رونق می‌بخشد، موجبات حفظ سلامت عاطفی، روانی، جسمی و امیدواری را فراهم می‌کند، این چنین به نظر می‌رسد بررسی آن در جامعه‌ای که در آن زنان از بسیاری از فرصت‌های اجتماعی محروم می‌باشند، ضروری بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد (۸).

بر اساس گزارش مدیر کل بین‌الملل معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، در آخرین گزارش سال ۲۰۱۷، مجمع جهانی اقتصاد در خصوص شکاف جنسیتی به عنوان شاخصی از نابرابری؛ رتبه ایران در میان ۱۴۴ کشور در شاخص اقتصاد برابر با ۱۴۰، در زمینه آموزش ۱۰۰، در سلامت و بقا ۱۳۵ و در مشارکت سیاسی زنان ۱۳۶ بوده است که همگی نشانگر نامناسب بودن وضعیت زنان ایران در این موضوع مهم است (۴۷).

در طول تاریخ ایران، زنان همواره به عنوان نیمی از جامعه انسانی با بهره‌گیری از جایگاه اجتماعی-اقتصادی متفاوت، ایفاگر نقش‌های متنوع بوده‌اند و هم‌چون مردان، در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه، مشارکت فعالی داشته‌اند. زنان به علت جایگاه ویژه خود در خانواده، با گفتار، منش و رفتار خود نقشی موثر در تربیت فرزندان دارند. زنان، همسران و مادران شاد، موجب مستحکم شدن کانون خانواده در سطح خرد و تزیین شادکامی به جامعه در سطح کلان می‌شوند؛ زیرا انسان شاد، انسانی مبتکر، کارآ،

مولد، خلاق و سازنده است. از این رو شناخت شادکامی به گونه‌ای علمی، آکادمیک و عمیق، به دلیل تاثیرات فراوان آن در زندگی بشر، ضرورتی انکارناپذیر و مسلم در جهان امروز است و زمینه‌های مطالعاتی و پژوهشی فراوانی را می‌طلبد. بر این اساس، در پژوهش حاضر در پی شناسایی عوامل موثر بر شادکامی زنان و طبقه‌بندی آن‌ها و البته طرح‌ریزی مدلی جامع پیرامون عوامل موثر بر شادکامی زنان هستیم.

مفهوم شادکامی

از آن جا که شادی یکی از هیجانات اساسی بشر است، هر کس به فراخور خود آن را تجربه می‌کند. اما، تعریف شادی به سادگی تجربه آن نیست. واژه شادکامی بیانگر ارزیابی کمال مطلوب از زندگی نیست، بلکه بیانگر یک درجه یا میزان است؛ همانند طول و وزن بیشتر یا کمتر بودن چیزی. به عبارت دیگر، واژه شادی میزان خوشایندی زندگی را می‌رساند. شادمانی صرفاً برای توصیف حالت یک فرد به کار می‌رود و قابل تعمیم به اجتماعات، اشیاء و وقایع نیست. می‌توان گفت شادکامی برای اشاره به جنبه خاصی از زندگی به کار نمی‌رود، بلکه کل زندگی فرد را مدنظر دارد.

افلاطون در کتاب جمهوری به سه عنصر در وجود انسان اشاره می‌کند که عبارتند از: قوه عقل یا استدلال (Reason)، احساسات (Emotion) و امیال (Appetites). افلاطون شادی را حالتی از انسان می‌داند که بین این سه عنصر تعادل و هماهنگی وجود داشته باشد. ارسطو شادی را زندگی معنوی می‌داند (۱۵: ۱۰). جان لاک و جرمی بنتام بر آنند که شادی مبتنی بر تعداد وقایع لذت‌بخش است. آرگیل و همکاران (۱۹۹۵)، شادی را ترکیبی از وجود عاطفه مثبت، فقدان عاطفه منفی و رضایت از زندگی می‌دانند (۳۰). به نظر وینهوون (۱۹۸۸)، شادکامی به قضاوت فرد از درجه یا میزان مطلوبیت کیفیت زندگی اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، شادمانی به این معناست که فرد چقدر از زندگی خود لذت می‌برد. آیزنک شادکامی را «مجموع لذت‌ها، منهای دردها و ترکیبی از حداکثر عاطفه مثبت به اضافه حداقل عاطفه منفی» معرفی می‌کند (۱۵: ۲۳). به نظر او، افرادی که در معیارهای شادمانی نمره بالا می‌آورند، عموماً افرادی شاد، خوشبین و سالم و از این که وجود دارند، راضی هستند، زندگی را با ارزش می‌دانند و با جهان در صلح و تفاهم هستند. افراد شاد احساس امنیت بیشتری می‌کنند، آسان‌تر تصمیم می‌گیرند، روحیه مشارکتی بیشتری دارند و نسبت به کسانی که با آن‌ها زندگی می‌کنند، بیشتر احساس رضایت می‌کنند (۲۶). طبق نظر آرگیل (۲۰۰۳)، شادکامی، از سه بخش اساسی عاطفی، شناختی و هیجانی تشکیل شده است (۶). به نظر آن‌ها شادکامی، متضاد با افسردگی نیست، اما شرط عدم افسردگی برای شادکامی لازم است. در نظریه‌های موسوم به هدف‌نهایی، اعتقاد بر این است که شادکامی موقعی به دست می‌آید که افراد، به اهداف مبتنی بر ارزش‌ها و نیازهای خود جامعه‌ی عمل پیوشانند. افرادی که اهداف‌شان را مهم‌تر و احتمال موفقیت و رسیدن به آن‌ها را بیشتر در نظر می‌گیرند، احساس شادکامی و خوشبختی بیشتری خواهند کرد، در حالی که افراد دارای شادکامی اندک، غرض‌ورزی بیشتری در هدف-

های‌شان احساس می‌کنند (۱۴). به نظر می‌رسد که حرکت کارآمد افراد به سمت هدف‌های خود، علت تغییرهای مثبت در شادکامی و خوشبختی آن‌هاست و به طور کلی تلاش برای هدف‌های درونی باعث ارتقای خوشبختی و شادکامی می‌شود (۳۷). مرور اولیه بر آثار نوشتاری حدود چهار دهه گذشته، فرد شادکام و خوشبخت را این گونه تعریف می‌کند: «فرد سالم، با تحصیلات بالا، درآمد مناسب، برون‌گرا، خوشبین، بدون نگرانی، مذهبی، فرد متأهل با عزت نفس بالا، روحیه کاری و انتظارات معتدل از هر یک از دو جنس و هوش بالا» (۱۹).

روش تحقیق

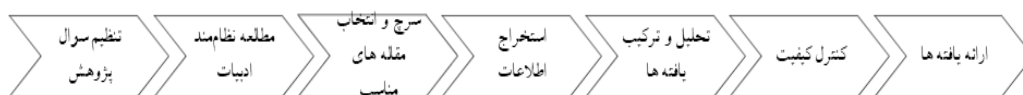
پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، کیفی است که با روش پژوهش کتابخانه‌ای از نوع مطالعات ثانویه و فراترکیب صورت گرفته است. تکنیک فراترکیب، از اشتقاق روش نظام‌مند ایجاد شده است. تکنیک مذکور، به دنبال ترکیب نتایج به دست آمده از مطالعات متفاوت اما مرتبط با یکدیگر است. این تکنیک توصیفی بوده و در برابر روش فراتحلیل شکل گرفته است (۴۵: ۲۰۴). در علوم اجتماعی، فراترکیب توصیف کننده خوبی در فرآیند مطالعه کیفی به شمار آمده و واژه مذکور به منظور تمایزبخشی با روش فراتحلیل به کار گرفته شده است و قادر به ترکیب یافته‌های کیفی و کمی در مطالعات است. روش فراترکیب به عنوان روشی مناسب برای به دست آوردن تلفیق جامعی از مدل‌های ارائه شده در این حوزه، بر پایه تفسیر و ترجمه آن‌ها می‌باشد. بنابراین فراترکیب تصویر بزرگ‌تری را از پدیده مورد مطالعه ارائه می‌دهد و تعمیم‌پذیری بیشتری را در مطالعات مبتنی بر مدرک فراهم می‌سازد (۱: ۶).

روش فراترکیب، روش تقریباً جدیدی در حوزه تحقیقات کیفی و فرآیند جستجو، ارزیابی، ترکیب و تفسیر تحقیقات در یک موضوع خاص است و حتی می‌تواند به عنوان یک روش تحقیق اکتشافی و مقدماتی برای شروع تحقیق به کار رود. حتی زیمر معتقد است که خود، نوعی مطالعه کیفی است که داده‌های آن از یافته‌ها و نتایج سایر مطالعات کیفی تشکیل شده است (۴۸). بررسی نظام‌مند و دریافت و فهم نتایج تحقیقات پیشین فراتر از بررسی پیشینه تحقیقات است که در مقالات دیده می‌شود. عموماً تحقیقات کیفی، نتایجی توسعه‌ای و نظری دارند که می‌توان با استفاده از تحلیل مجموعه‌ای از آن‌ها به نتایجی کاربردی رسید.

در مقایسه با فراتحلیل، فراترکیب یافته‌های کیفی را از طریق ارزیابی مطالعات و ایجاد یک کل جامع و تفسیری مورد استفاده قرار می‌دهد. هدف این روش، توسعه تئوری تبیینی و ارائه مدلی از یافته‌های تعدادی از مطالعات است (۳۴). اما فراتحلیل، ترکیب نتایج پژوهش‌های کمی و آماری از بدنه دانش بوده و بسیار فراگیر و شناخته شده‌تر است تا با هدف افزایش قطعیت و اطمینان در نتایج علت و معلولی به بررسی موضوع بپردازد. آن چه فراترکیب را خاص و متمایز می‌سازد، رویکرد هرمنوتیکی در درک و

تشریح پدیده‌های اجتماعی است. محققان فرا ترکیب مانند زیمر سه هدف عمده توسعه نظریه، شرح نظریه، و ساخت نظریه را برای این روش بیان داشته‌اند (۴۸).

در پژوهش پیش‌رو، به منظور تلفیق یافته‌های موجود عوامل موثر بر شادکامی زنان، تکنیک فرا ترکیب به عنوان تکنیکی به روز و کارآمد به کار گرفته شده است. با توجه به هدف پژوهش، به بررسی عوامل موثر بر شادکامی زنان پرداخته شد. واحد تحلیل تحقیق حاضر، تحقیقات علمی- پژوهشی چاپ شده در ژورنال‌های مختلف است. در فرا ترکیب حاضر، پژوهشگر به بررسی و مطالعه سیستماتیک پژوهش‌های قبلی پرداخته است و برای روشن ساختن الگو، از مفاهیم و مقولات آشکار و پنهان مقالات مورد بررسی استفاده کرده است. در ادامه، کار با تحلیل نتایج و یافته‌ها توسط محقق تمام می‌شود و خروجی آن، راهی برای یافتن خلاءهای تحقیقاتی، نوآوری در متدولوژی و روش تحقیق، برای حوزه مورد نظر است. در این پژوهش از روش هفت مرحله‌ای بارسو و ساندوسکی (۲۰۰۷)، برای تجزیه و تحلیل پژوهش‌های منتخب، استفاده شده است.



نمودار شماره (۱): مراحل هفت‌گانه فرا ترکیب

منبع: (۴۰)

برای این روش هفت مرحله وجود دارد:

- مرحله اول: تنظیم سوال پژوهش

در مرحله اول تمرکز بر "چه چیزی" است. این تحقیق به تبیین و دسته‌بندی مولفه‌های عوامل موثر بر شادکامی زنان می‌پردازد. در این مرحله باید به سوال‌های ذیل پاسخ داده شود:

(۱) چه کسی: ناظر به تبیین جامعه مدنظر است. در این پژوهش مجلات مختلف علمی- پژوهشی در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۰ در پایگاه‌ها و سایت‌های مختلف مدنظر قرار گرفته شده است.

(۲) محدوده زمانی مدنظر: تحقیقات انجام شده در این پژوهش در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۰ است. (۳) روش تحقیق: فرا ترکیب است.

- مرحله دوم: مطالعه نظام‌مند ادبیات

با در نظر گرفتن کلیدواژه‌های شادکامی زنان، شادابی زنان، نشاط زنان و شادی زنان، در مقالات و پژوهش‌های مختلف برای دهه اخیر، تعداد ۹۲ مقاله استخراج شد.

- مرحله سوم: سرچ و انتخاب مقاله‌های مناسب

ملاک‌های انتخاب مقالات طبق جدول ذیل شناسایی شدند:

- محل چاپ مقاله: کلیه مجلات چاپ شده در نشریات علمی-پژوهشی.

- موضوع مدنظر: فراترکیب مطالعات کیفی در حوزه شادکامی زنان در ایران

جدول شماره (۲): نتایج گزینش مقالات نهایی

۹۲	تعداد کل مقالات و منابع اولیه
۱۳	تعداد مقالات پذیرفته نشده بر اساس عنوان تحقیق
۲۰	تعداد مقالات پذیرفته نشده بر اساس چکیده تحقیق
۳۸	تعداد مقالات پذیرفته نشده بر اساس محتوای کلی تحقیق
۸	تعداد مقالات پذیرفته نشده بر اساس کیفیت تحقیق
۱۳	تعداد مقالات پذیرفته شده نهایی

- حیطه کلی تحقیق: شادکامی زنان
 - محدوده زمانی تحقیق: سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۰
 - زبان‌های استفاده شده: فارسی
 بر مبنای برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی^۱ به بررسی کیفیت مقالات بر اساس ده معیار ذیل پرداخته شد (هر معیار حداکثر ۵ امتیاز):
 هدف پژوهش، اصول و روش‌ها، ساختار پژوهش، نمونه، مرتب‌سازی داده‌ها، انعکاس‌پذیری، مبنای اخلاق حرفه‌ای، دقت تحقیق، تبیین روشن نتایج و نتیجه‌گیری کلی تحقیق.
 نتایج نهایی ۱۳ مقاله نهایی در جدول (۳) می‌باشد.
 - مرحله چهارم: استخراج اطلاعات
 در مرحله تبیین و استخراج نتایج، اطلاعات پژوهش‌ها دسته‌بندی می‌شوند. به صورتی که عوامل اثرگذار بر شادکامی زنان که در هر مقاله به آن‌ها اشاره شده است، تشریح می‌گردد و منابع مربوط به آن عوامل نام برده می‌شود. در جدول (۳) نتایج حاصل شده، تشریح گردیده است که برای خبرگان بیان و نهایی شده است.

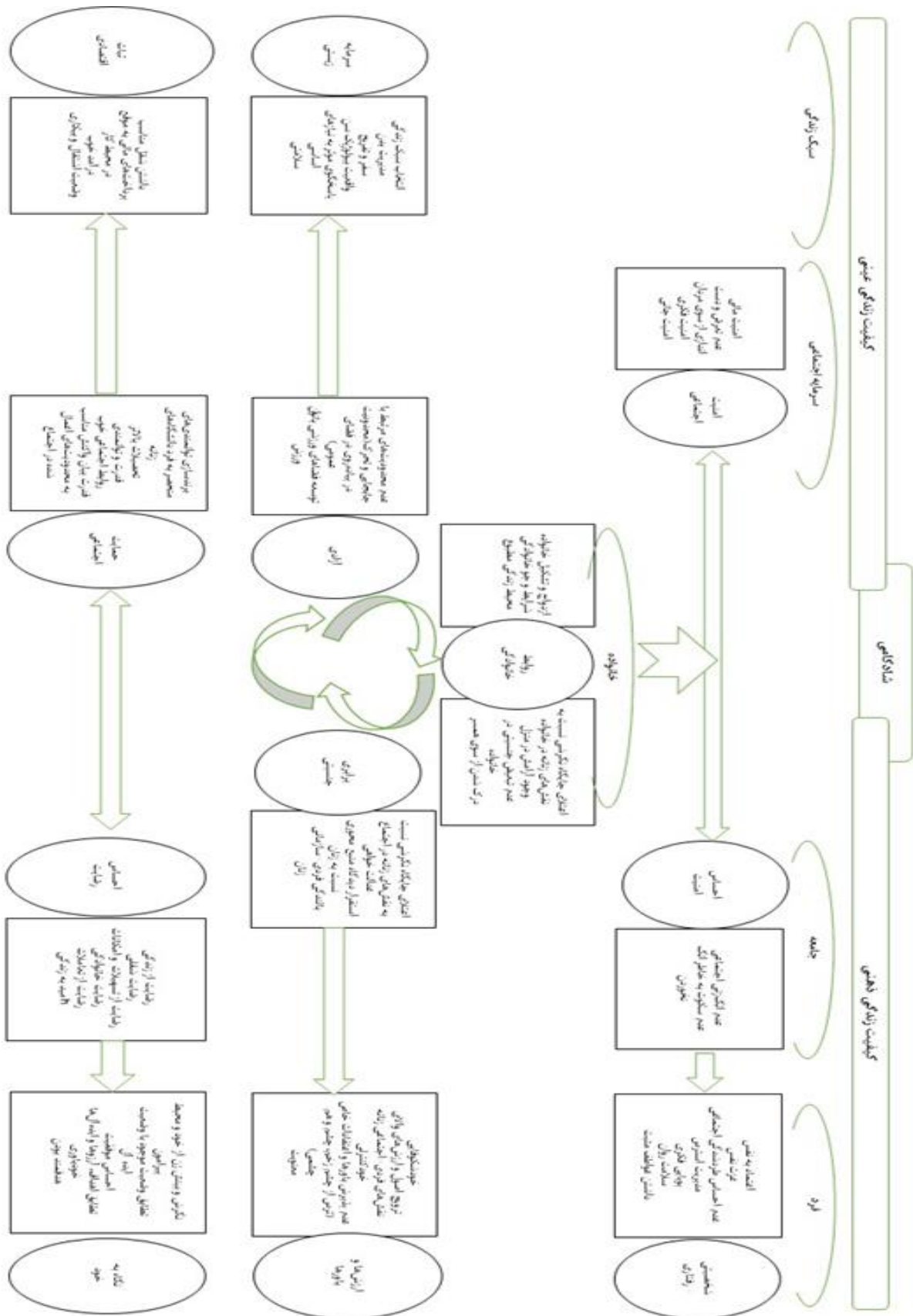
جدول شماره (۳): مقوله بندی عوامل موثر بر شادکامی زنان استخراج شده

شادکامی		مقوله فرعی	بعد
مأخذ	کد		
دانشوری نسب (۱۴۰۰)، فلاحیان و همکاران، (۱۳۹۹)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳)، ثناگو و همکاران (۱۳۹۰)، اعظم آزاده و همکاران (۱۳۹۴)، مددی و همکاران (۱۳۹۷)، هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۶)، ثناگو و همکاران (۱۳۹۰).	عزت نفس، اعتماد به نفس، پویایی فکری، سلامت روان، عدم احساس طردشدگی اجتماعی، مدیریت استرس، داشتن عواطف مثبت، خودشکوفایی، خودکنترلی	روانی_ رفتاری	
جووری و همکاران (۱۳۹۹)، هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۶)، فلاحیان و همکاران (۱۳۹۹)، اعظم آزاده و همکاران (۱۳۹۴)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳)، عابدینی بلترک (۱۳۹۹)، آخوند فیض و همکاران (۱۳۹۵)، دانشوری نسب (۱۴۰۰).	استقرار دیدگاه منبع محوری نسبت به زنان، بالندگی فردی- سازمانی زنان، عدالت‌خواهی، اعتلای جایگاه نگرشی نسبت به نقش‌های زنانه در اجتماع	برابری جنسیتی	

^۱. Critical Appraisal Skills Program (CASP)

کیفیت زندگی ذهنی	نگرش و بینش زن از خود و محیط پیرامون، خودباوری، هدفمند بودن، احساس موفقیت، تطابق اهداف، آرزوها و ایده‌آل‌ها، تطابق وضعیت موجود با وضعیت ایده‌آل	دانشوری نسب (۱۴۰۰)، فلاحیان و همکاران (۱۳۹۹)، هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۶)، ثناگو و همکاران (۱۳۹۰)، مددی و همکاران (۱۳۹۷)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳).
احساس امنیت	عدم انگ‌زنی اجتماعی، عدم سکوت به خاطر انگ نخوردن	دانشوری نسب (۱۴۰۰).
احساس رضایت	رضایت از زندگی، رضایت شغلی، رضایت از تسهیلات و امکانات، رضایت خانوادگی، رضایت از تعاملات، امید به زندگی	هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۶)، فلاحیان و همکاران (۱۳۹۹)، عابدینی بلترک (۱۳۹۹)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳).
ارزش‌ها و باورها	عدم پذیرش باورها و اعتقادات خاص (ترس از چشم زخم، چشم و هم‌چشمی)، ترویج اصول و ارزش‌های والای نقش‌های فردی-اجتماعی زنانه، معنویت	دانشوری نسب (۱۴۰۰)، جووری و همکاران (۱۳۹۹)، هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۶)، نجفی و همکاران (۱۳۹۱)، فلاحیان و همکاران (۱۳۹۹)، مددی و همکاران (۱۳۹۷)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳).
روابط خانوادگی (صمیمیت)	عدم تبعیض جنسیتی در خانواده، اعتلای جایگاه نگرشی نسبت به نقش‌های زنانه در خانواده، درک شدن از سوی همسر، وجود آرامش در منزل، محیط زندگی مطبوع، شرایط و جو خانوادگی، ازدواج و تشکیل خانواده	دانشوری نسب (۱۴۰۰)، جووری و همکاران (۱۳۹۹)، عابدینی بلترک (۱۳۹۹)، هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۶)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳).
حذف محدودیت‌های اجتماعی (آزادی)	عدم وجود محدودیت‌های پوشش و آرایش، عدم محدودیت انجام بعضی فعالیت‌ها برای زنان (محدودیت در دوچرخه سواری در فضای باز شهری)، عدم محدودیت‌های مرتبط با جابجایی و تحرک (محدودیت در پیاده‌روی در فضای عمومی)، توسعه فضاهای ورزشی بانوان	دانشوری نسب (۱۴۰۰)، نادری و همکاران (۱۳۹۳)، عابدینی بلترک (۱۳۹۹).
کیفیت زندگی عینی	قدرت بیان و اکثس مناسب به محدودیت‌های اعمال شده در اجتماع، برندسازی توان‌مندی‌های منحصربه‌فرد دانشگاه‌های زنانه، قدرت و توان‌مندی، تحصیلات بالاتر، روابط اجتماعی خوب	دانشوری نسب (۱۴۰۰)، جووری و همکاران (۱۳۹۹)، نجفی و همکاران (۱۳۹۱)، هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۶)، عابدینی بلترک (۱۳۹۹)، مددی و همکاران (۱۳۹۷)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳)، فلاحیان و همکاران (۱۳۹۹).
امنیت اجتماعی	عدم تعرض و دست‌اندازی از سوی مردان، امنیت فکری، امنیت مالی، امنیت جانی	دانشوری نسب (۱۴۰۰)، هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۶)، مددی و همکاران (۱۳۹۷)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳).
سرمایه زیستی	انتخاب سبک زندگی، ورزش، مدیریت بدن، واقعیت بیولوژیک سن، سلامتی، سفر و تفریح	دانشوری نسب (۱۴۰۰)، نادری و همکاران (۱۳۹۳)، مددی و همکاران (۱۳۹۷)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳)، رستگار و همکاران (۱۳۹۵)، آخوند فیض و همکاران (۱۳۹۵).
ثبات اقتصادی	پرداخت‌های مالی به موقع در محیط کار، داشتن شغل مناسب، درآمد خوب، وضعیت اشتغال و بیکاری	عابدینی بلترک (۱۳۹۹)، مددی و همکاران (۱۳۹۷)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳).

نمودار شماره (۲): ترکیب مفاهیم استخراج شده از مقالات



در پژوهش‌های کیفی، عمدتاً به جای مفاهیم پایایی و روایی، از مفهوم «قابلیت اعتماد» استفاده می‌شود. یکی از روش‌های بررسی قابلیت اعتماد در پژوهش‌های کیفی، سه سویگی محقق است. در این راستا برای کنترل مفاهیم استخراجی، از مقایسه کدگذاری‌های دو پژوهشگر استفاده می‌شود. جهت ارزیابی میزان توافق بین این دو کدگذار و در نتیجه پایایی درونی مصاحبه از ضریب درون موضوعی کاپا استفاده شد. بدین وسیله می‌توان میزان توافق دو اندازه‌گیری (توسط دو نفر یا دو ابزار یا در دو مقطع زمانی) را ارزیابی نمود. مقدار شاخص کاپا که به کاپای کوهن معروف است، بین صفر تا یک نوسان دارد. هر چه مقدار این سنج به عدد یک نزدیک‌تر باشد، نشان می‌دهد که توافق بیشتری بین رتبه دهندگان وجود دارد. اما زمانی که مقدار کاپا به عدد صفر نزدیک‌تر باشد، در آن صورت، شاهد توافق کمتر بین دو رتبه‌دهنده هستیم (۱۸).

برای محاسبه این ضریب شخص دیگری از متخصصان علوم اجتماعی بدون اطلاع از چگونگی ترکیب کدها و مفاهیم ایجاد شده توسط پژوهشگر، به دسته‌بندی آن‌ها در مقولات اقدام کرده است؛ سپس مقولات ارائه شده توسط پژوهشگر با مقولات ارائه شده توسط این متخصص مقایسه شده است. سرانجام با توجه به تعداد مقولات اصلی مشابه و مفاهیم متفاوت، مقدار کاپا^۱ محاسبه شده است. پژوهشگر ۱۲ مقوله اصلی و خبره دیگر ۱۱ مقوله اصلی ایجاد کرده‌اند که از این تعداد ۱۰ مقوله مشترک است. همان طور که در ادامه نشان داده شده است، مقدار شاخص کاپا برابر ۰/۹۳ محاسبه شد که با توجه به وضعیت ضریب کاپا، در سطح توافق عالی برآورد می‌شود. در رابطه با اعتبار هم از اعتبار محتوایی و صوری استفاده شده است و مطابقت مدل‌های استخراج شده با نظریاتی از جمله مازلو^۲ بیانگر این مهم می‌باشد.

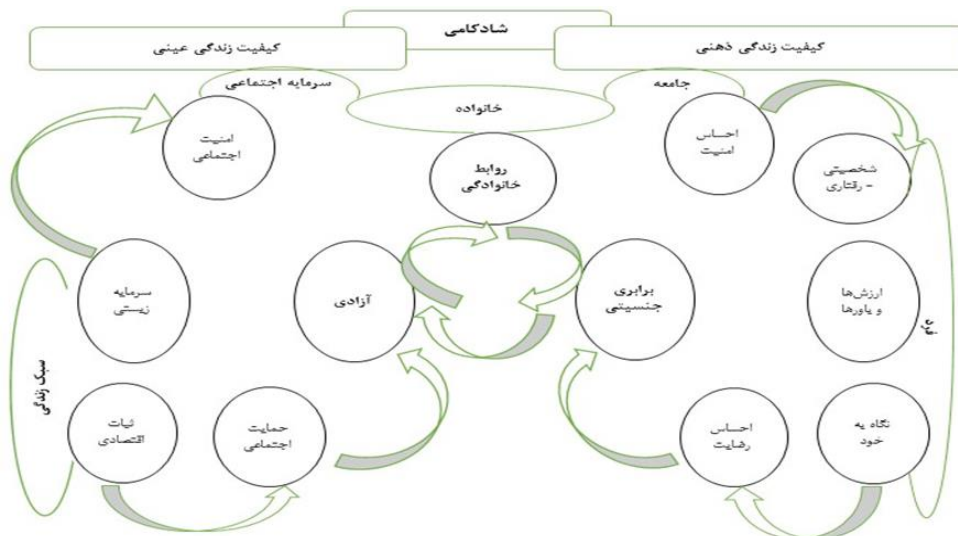
جدول شماره (۴): وضعیت شاخص کاپا

وضعیت توافق	مقدار شاخص کاپا
ضعیف	کمتر از ۰
بی اهمیت	۰-۰/۲
متوسط	۰/۲۱ - ۰/۴
مناسب	۰/۴۱ - ۰/۶
معتبر	۰/۶۱ - ۰/۸
عالی	۰/۸۱ - ۱

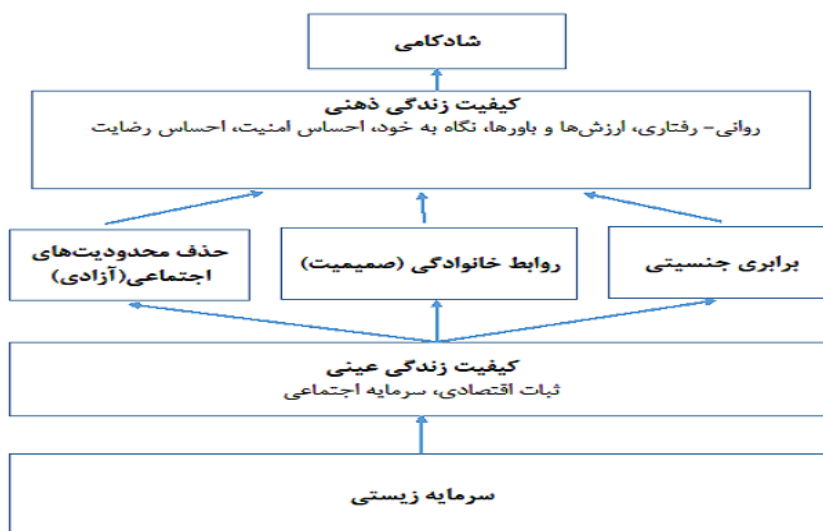
^۱. Kappa

^۲. Maslow

- مرحله هفتم: ارائه یافته‌ها
 در مرحله هفتم فراترکیب، نتایج به دست آمده از مراحل قبل ارائه می‌گردد که خلاصه‌ای از گروه-بندی‌ها و کدها در نمودار (۲) ارائه شده است.



نمودار شماره (۳): مدل توصیفی عوامل موثر بر شادکامی زنان



نمودار شماره (۴): مدل تحلیلی عوامل موثر بر شادکامی زن

همان طور که نتایج دو مدل نهایی نشان می‌دهد، سه مقوله اصلی روابط خانوادگی، برابری جنسیتی و آزادی، مثلث محوری در شادکامی زنان هستند؛ روابط خانوادگی به عنوان اولین نهاد برای رشد و بالندگی زنان است؛ محیطی است که زنان از طریق آن ارتباط با خود و جامعه را تعریف می‌نمایند. در مفهوم محوری دیگر، برابری جنسیتی و آزادی، اصل و اساس فعالیت زنان است؛ زیرا کیفیت زندگی آن‌ها را در دو بعد ذهنی و عینی مشخص می‌سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

بشر در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود همواره در جستجوی پاسخ به این سوال بوده است که چگونه می‌تواند بهتر زندگی کند، چه چیزی بیشتر اسباب آسایش و رضایت خاطرش را فراهم می‌سازد و با چه ساز و کارهایی می‌تواند لذت بیشتری از زندگی در این دنیا کسب نماید. شادکامی به عنوان یکی از احساسات ریشه‌ای مثبت، نقش تعیین کننده‌ای در تأمین سلامت فرد و جامعه دارد. شادکامی همواره با خرسندی، خوش‌بینی و امید و اعتماد همراه است.

تا کنون مطالعات بسیاری در رابطه با عوامل موثر بر شادکامی زنان صورت گرفته است. در بین انبوه مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته است، شاید انجام مطالعه‌ای جدید چندان ضرورت ننماید و بر ابهام بیشتر این رابطه بیافزاید. چرا که در مطالعات مختلفی عوامل زیادی به عنوان عوامل موثر بر شادکامی زنان مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بنابراین لازم بود مطالعه‌ای با هدف نتیجه‌گیری کلی از تحلیل‌های صورت گرفته انجام شود تا اولاً عوامل موثر بر شادکامی زنان، با توجه به تحقیقات صورت گرفته، مشخص شود و ثانیاً مدل تاثیرگذاری آن عوامل بر شادکامی زنان ترسیم شود. این دو مسئله‌ای بود که ما بر آن داشت تا به انجام این مطالعه بپردازیم. البته آن چه این مطالعه را نسبت به مطالعات دیگر متمایز می‌کند تفکیک شادکامی در دو بعد کیفیت زندگی ذهنی و کیفیت زندگی عینی است. تفکیکی که پیش از این در مطالعه‌ای یافت نشد تا ضرورت انجام این مطالعه را بیش از پیش نمایان سازد. همان طور که پیش از این ذکر آن رفت، این مقاله در پی آن است که عوامل موثر بر شادکامی زنان را شناسایی کند. با عنایت به ارزیابی و طبقه‌بندی پژوهش‌های انجام گرفته پیرامون عوامل شادکامی زنان، در پژوهش حاضر، ۵ مقوله اصلی فرد (دارای مقولات فرعی روانی- رفتاری، ارزش‌ها و باورها، نگاه به خود)، جامعه (با مقولات فرعی احساس امنیت، برابری جنسیتی، احساس رضایت)، خانواده (دارای مقوله فرعی روابط خانوادگی)، سرمایه اجتماعی (با مقولات فرعی حذف محدودیت‌های اجتماعی (آزادی)، امنیت اجتماعی، حمایت اجتماعی) و سبک زندگی (با مقولات فرعی سرمایه سرمایه زیستی و ثبات اقتصادی) به عنوان عوامل تاثیرگذار بر شادکامی زنان تبیین شدند و در دو بعد کیفیت زندگی ذهنی و کیفیت زندگی عینی دسته‌بندی شدند. به عقیده داس، کیفیت عینی زندگی، شرایط بیرونی زندگی را نمایش می‌دهد (۱۳). در بعد مفاهیم غیرمادی، کیفیت زندگی شامل تجارب و دریافت‌های شخصی افراد و

بازخوردهای آن‌ها در زندگی واقعی‌شان است (۱۱: ۱۵). پس کیفیت زندگی دارای دو بعد عینی و ذهنی است که بعد عینی آن به شرایط بیرونی و واقعی زندگی افراد، و بعد ذهنی آن به ارزیابی‌ها، طرز تلقی‌ها و رضایت افراد از شرایط زندگی خود می‌پردازد. در حقیقت می‌توان شادکامی را انطباق میان ذهنیت و واقعیت تعریف کرد.

در میان مقولات اصلی تحقیق حاضر، برابری جنسیتی، روابط خانوادگی (صمیمیت) و حذف محدودیت‌های اجتماعی (آزادی) به عنوان پر تکرارترین عوامل، تاثیر قابل توجهی بر شادکامی زنان داشته‌اند. در کشور ما ایران، همواره مسئله حذف موانع نابرابری جنسیتی برای رسیدن به برابری در همه حوزه‌ها برای زنان در مجامع علمی مطرح بوده است. نابرابری جنسیتی، مؤلفه بارز حیات اجتماعی انسان‌ها در طی قرن گذشته بوده و از نظر مفهومی عبارت است از توزیع نابرابر ثروت، قدرت و مزایای جامعه میان زنان و مردان (۲۲). نابرابری جنسیتی یک ویژگی غالب در کشورهای در حال توسعه است که با اشکال مختلف به صورت نابرابری در درآمد، دست‌یابی به فرصت‌ها، آموزش، دسترسی به اشتغال رسمی، موقعیت‌های مدیریتی و سیاسی و بالاخره نابرابری در قدرت چانه‌زنی در درون خانواده ظاهر می‌شود (۳). غالب موارد بی‌عدالتی ناشی از تبعیض در آموزش، سلامت، نمایندگی سیاسی، بازار کار می‌باشد. تبعیض جنسیتی در بازار کار و دسترسی به منابع، منجر به تخصیص ناکارآی منابع و زیان‌های رفاهی می‌گردد. همچنین نابرابری جنسیتی در آموزش، با کاهش سرمایه انسانی، کیفیت مراقبت از فرزندان را تحت تاثیر قرار می‌دهد (۳). مطابق گزارش بانک جهانی، افزایش مشارکت زنان در کار و تصمیم‌گیری، حکمرانی و فضای کسب و کار را بهبود می‌بخشد و در نتیجه بر رشد جوامع اثرگذار است (۴۶). بی‌تردید چگونگی نگرش و طرز تلقی نسبت به زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه، تمامی کنش‌ها، فرآیندها و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در سطح خرد، میانی و کلان تحت تاثیر قرار می‌دهد. نابرابری جنسیتی کماکان مانع بزرگی بر سر راه توسعه انسانی است (۳۵) و (۷). گرچه از سال ۱۹۹۰ در راستای عدالت جنسیتی گام‌های بزرگی برداشته شده است اما کماکان بی‌عدالتی در میزان‌های متفاوت در کشورهای مختلف جهان وجود دارد. بر اساس گزارش صندوق توسعه سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۰ رتبه شاخص توسعه انسانی کشور ایران به صورت کل معادل ۷۰ و برای مردان ۸۱۹/۰ و برای زنان ۷۰۹/۰ می‌باشد. همچنین در همین سال ایران در شاخص نابرابری جنسیتی دارای رتبه ۱۱۳ بین ۱۸۹ کشور بود (۴۲). در کنار حذف موانع نابرابری جنسیتی، موضوع مهم دیگر حذف موانع اجتماعی (آزادی) زنان است. وجود برخی الگوهای رفتاری و کلیشه‌های فرهنگی نادرست درباره دختران و زنان میان خانواده‌های ایرانی باعث سلب آزادی و ایجاد محدودیت در فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنان شده است در حالی که بارها توان‌مندی‌های زنان در عرصه‌های گوناگون ثابت شده است. از نگاه بسیاری جامعه‌شناسان، کنار گذاشتن باورهای نادرست درباره توان‌مندی‌ها و ظرفیت‌های جسمی و روانی زنان ایران در کنار افزایش آگاهی، خودباوری و توان‌افزایی این قشر مهم در جامعه، رفع محدودیت-

ها را در پی خواهد داشت. باید همه الگوهای فرهنگی نادرستی که منجر به محدودیت زنان شده است را کنار بگذاریم و بپذیریم که عصر کنونی، عصر شایسته‌سالاری و فرصت‌های برابر است. الگوهای فرهنگی باید به سمت ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد جامعه حرکت کند. باید این نگرش در جامعه نهادینه شود که انسان بودن مهم است، زن بودن یا مرد بودن اهمیتی نداشته و تنها استعدادها و توان‌مندی‌ها هستند که جایگاه و میزان قدرت افراد جامعه را تعیین می‌کنند. منظور از عدالت در این نگرش، آن است که انتظار داشته باشیم افراد بتوانند تشخیص دهند چگونه باید در بهترین موقعیت خود قرار بگیرند و این اولویت‌بندی انسان‌هاست که تعیین کننده است.

همان طور که گفته شد، برابری جنسیتی و آزادی نقش پررنگی در شادکامی زنان ایفا می‌کنند و کمیت و کیفیت روابط خانوادگی (به عنوان واسطه کیفیت زندگی ذهنی و کیفیت زندگی عینی)، با نقشی حمایت‌گرانه، فراهم کننده صمیمیت، دلگرمی، نقطه اتکا و امیدواری و در نهایت عاملی موثر بر شادکامی زنان است.

مطابق با نظریه سلسله‌مراتب نیازهای مازلو، نیازها به ترتیبی که باید ارضا شوند، نیازهای جسمانی، ایمنی، عشق و محبت، احترام و در نهایت نیاز به خودشکوفایی هستند (۲۷). در مدل تحلیلی پژوهش حاضر، عوامل موثر بر شادکامی زنان را می‌توان با هرم سلسله‌مراتب نیازهای مازلو تطبیق داد. آن چه به عنوان اولین نیاز در سلسله‌مراتب نیازهای مازلو نام برده می‌شود، نیازهای جسمانی است که در مدل تحلیلی حاضر، سرمایه زیستی است. در مدل تحلیلی عوامل موثر بر شادکامی زنان، کیفیت زندگی ذهنی قرار گرفته است که خودشکوفایی (اوج تمام نیازهای سطوح پایینی و میانی مازلو است) را به عنوان مقوله فرعی خود در بر می‌گیرد. به نظر مازلو، افراد در مرحله خودشکوفایی، یک حس شادی توأم با آرامش را تجربه می‌کنند. در بخش میانی عشق و محبت قرار دارد که در مدل تحلیلی در محور مدل قرار گرفته است و رابطه فرد با خود و جامعه را تنظیم می‌کند و تا حد زیادی تحت تأثیر امنیت اجتماعی و احساس امنیت قرار می‌گیرد.

سخن پایانی این که نتایج این فراترکیب، می‌تواند برای سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی کشور مورد استفاده قرار گیرد؛ چرا که گام برداشتن یک کشور در مسیر سعادت و پیشرفت بدون وجود زنان و مادرانی شاد، پر انرژی و با انگیزه غیر ممکن می‌نماید. بنابراین مسئولان باید دغدغه‌مند بهزیستی روانی زنان باشند و زمینه‌های گسترش شادکامی را برای آنان فراهم کنند. هم‌چنین به نظر می‌رسد با مطالعه پژوهش‌های خارجی پیرامون این موضوع بتوان الگوی کامل‌تری از عوامل موثر بر شادکامی زنان ارائه کرده و موضوع مطالعات تطبیقی بین عوامل موثر بر شادکامی زنان در ایران و خارج از کشور قرار گیرد.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Aagaard, H & Hall, E. O. C. (2008). Mothers' experience of having a preterm infant in the neonatal care unit: A meta-synthesis. *Journal of Pediatric Nursing*, 23 (3), P.p: 26-36.
2. Abedini Beltrick, Mymant. (2020). Phenomenological study of happiness themes of female faculty members of Mazandaran University. *Journal of Women and Society*, 11 (42), P.p: 177-206.
3. Afshari, Zahra; Kakavand, Samira. (2016). The Effect of Gender Inequality on Growth, Productivity and Fertility in Iran. *Women's Social Psychological Studies*, 14 (2), P.p: 7-33.
4. AkhundFiz, Leila and Zokaei, Mohammad Saeed. (2016). The Evolution of the Meaning of Happiness in the Transition of Life: A Research Among Women in Kerman. *Welfare planning and social development*, 8 (29), P.p: 1-40.
5. Amir Mazaheri, Amir Masoud; Fakharian, Mina. (2016). The role of social capital in youth happiness (Case Study: Students of The Faculty of Psychology and Social Sciences of Tehran Center). *Sociological Studies*. 9 (33).
6. Argyle, M. (2003). *Psychology and religion: An introduction*. London: Routledge.
7. Azad Armaki, Taghi; Ghaffari, Gholamreza. (2002). Explaining generational attitudes toward women in Iranian society. *Women in Development and Politics*, 1 (3).
8. Azam Azadeh, Mansoureh; Taffeta, Maryam. (2015). Outcast sources, social exclusion and feelings of happiness of female-headed families. *Women in Development and Politics (Women's Research)*, 13 (3), P.p: 335-356.
9. Azam Azadeh, Mansoureh; Taffeta, Maryam. (2015). The narrative of female-headed households from the barriers to happiness (a case study of female-headed households in Tehran). *Women and Family Studies*, 3 (2), P.p: 33-60 .
10. Buss, D. M. (2000) The Evolution of Happiness. *American Psychologist*, 55, P.p: 15-23.
11. Dajian & Peter. (2006). World Expo and Urban Life Quality in Shanghai in Terms of Sustainable Development *Chinese Journal of Population, Resources and Environment*, 4 (1).
12. Daneshvari Nasab, Abdolhossein. (2021). Qualitative analysis of the limitations of women's social vitality in Kerman. *Health education and health promotion*. 9 (3), P.p: 311- 323.
13. Das, D. (2008). Urban Quality of life: A Case Study of Guwahati, *Social Indicators Research*, 88.
14. Diener, E. (2005). Frequently asked questions (FAQS) about subjective (happiness and life satisfaction). A primer for reporters and new comers.
15. Eisenck, Michael. (1999). *Psychology of Happiness*, Translation of Mohammad Firouzbakht and Khalil Beigi, Tehran: Badr.
16. Engendering development: through gender equality in rights, resources, and voice. p. cm.
17. Fallahian, Roya; Aghaie, Asghar; Neshatdoost, Hamid Taher. (2020). Developing a model of factors affecting the happiness of spouses of employees of Mobarakeh Steel Complex in Isfahan. *Positive Psychology Research Journal*, 6 (4), P.p: 45-62.
18. Habibpour, Karam; Safari, Reza. (2009). *Comprehensive guide to SPSS application in survey research (quantitative data analysis)*, Loya Publications, Thinkers, Tehran.

19. Helliwell, J. F; Layard, R; Sachs, J; De Neve, J. M. (2020). World Happiness Report. New York: Sustainable Development Solutions Network. Available from: <https://worldhappiness.report/ed/2020/>
20. Helliwell, J. F. & Putnam, R. (2004). "The Social Context of Well-Being." Philosophical.
21. Helliwell, J. (2001). "Social Capital, The Economy and Well-Being", Review of Economic Performance and Social progress, Vol. 1.
22. Hemmati, Reza; Written, Maryam. (2013). Gender Inequality among Selected Countries in the Middle East: Emphasizing on Iran's Status. Journal of Women, 4 (8), P.p: 115-142.
23. Hezarjaribi, Jafar and Moradi, Sajjad. (2017). Citizens' understanding of meanings and definitions of happiness (qualitative research in Ilam province). Welfare planning and social development, 8 (33), P.p: 77-134.
24. Jadidi, Mohsen; Shamsaei, Mohammad Mehdi; Abdollahzadeh Bandeh Gharaei, Fatemeh and Azizi Aqilabadi, Azadeh. (2014). Qualitative study of causes and factors affecting youth's social happiness and despair. Strategic Studies of Sports and Youth, 13 (23), P.p: 1-20 .
25. Jouri, Behnoush; Mohammadi Moghadam, Yousef; Ghahremani Qajar, Susan; Hassan Moradi, Nargess. (2020). Developing and prioritizing organizational uplifting strategies for university women (considering the multiple roles of women). Women and Family Studies, 8 (2), P.p: 37-78.
26. Keshavarz, Amir; Molavi, Hassan and Kalantri, Mehrdad. (2008). The relationship between demographic and popular characteristics with happiness in the people of Isfahan, Psychological Studies Magazine, 4th round, 4.
27. Khodapanahi, Mohammad Karim. (2000). Motivation and Excitement, Tehran, Samt Publications.
28. Madadi, Haniyeh; Haghikhalian, Mansour and Mohammadi, Asghar. (2018). Analysis of meanings of happiness to provide happiness enhancement strategies (Case study: Middle City women). Law enforcement and social research of women and families successive, 2 (11), P.p: 236-252.
29. Mihalcea, R. & Liu, H. (2006). A Corpus-based Approach to Finding Happiness. American Association for Artificial Intelligence, 1-6.
30. Mirshah Jafari, Ibrahim; Abedi, Mohammad Reza and Darikvandi, Hedollah. (2002). Happiness and factors affecting it. The latest in cognitive science. 4 (3).
31. Mohammadi Rad, Mansour. (2012). Study of socioeconomic factors affecting happiness and its relationship with labor productivity, MSc thesis in Economic Sciences, Razi University of Kermanshah.
32. Naderi, Ahmad; Shahbazi, Mehdi; Akbari, Elham. (2014). Anthropological Analysis of Women's Sport: A Study on Sports Activities in Women's Parks in Tehran. Anthropological Researches of Iran, 4 (2), P.p: 51-68.
33. Najafi, Mohammad; Irfan, Arezo. (2012). Quantitative and qualitative study of the relationship between spirituality, happiness and professional empowerment of professors. New Educational Approaches, 7 (2), P.p: 1-22.
34. Paterson, B. L; Thorne, S. E; Canam, C & Jillings, C. (2001). Meta-study of Qualitative Health Research: A Practical Guide of Meta-analysis and Meta-synthesis, Thousand Oaks, CA: Sage.

35. Porjebli, Robabeh, and Awebati, Ruqayya. (2013). Factors affecting gender attitude among people of Zanjan city. *Iranian Social Sciences Studies*, 10 (36), P.p: 1-20.
36. Rastegar, Yasser; Ikhlas, Ibrahim; Golshani Khojasteh, Leila. (2016). Visualization of feminine dignity and body management (Case study: Women referred to beauty centers in Bandar Abbas). *Gender and Family Studies*, 4 (1), P.p: 93-116.
37. Ryan, R. M. & Deci, E. L. (2000). On Happiness and Human Potentials: A Review of Research on Hedonic and Eudaimonic Well Being *Annual Review of Psychology*, 52, P.p: 141-161.
38. Samani, Siamak; FouladCheng, Mahboobeh. (2005). *Adolescence Psychology*, Shiraz: Malek Soleiman Publications.
39. Sanago, Akram; Jouybari, Leila; Rezaian, Mahnaz; Jafari, Seyed Yaghoub; Hosseini, Seyed Ali. (2011). Explaining the experience of vitality in students of Golestan University of Medical Sciences, 8 (1), P.p: 1-10.
40. Sandelowski, M; Barroso, J. (2007). *Handbook for synthesizing qualitative research*, New York: NY; Springer.
41. Stevenson, B. & Wolfers, J. (2009) The Paradox of Declining Female Happiness. *American Economic Journal*, 1, P.p: 190-225.
42. United Nations Development Programme. (2020). *Human Development Report*. Available from: <http://hdr.undp.org/en/composite/GII>.
43. Urquhart, Christine. (2011). Meta-synthesis of research on information seeking behavior, 16 (1). P: 455.
44. Verme, P. (2009). Happiness, Freedom and Control. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 71, P.p: 146-161.
45. Walsh, D. & Downe, S. (2005). Meta-synthesis method of qualitative research: a literature review. *Journal of Advanced Nursing*, 50 (2), P.p: 204-211.
46. World Bank policy research report. 2001. Oxford University Press, Inc. Available from: <http://documents1.worldbank.org/curated/pt/512911468327401785/pdf/multipage.pdf>
47. World Economic Forum report on gender gap. (2017). International Director General of the Vice President for Women and Family Affairs.
48. Zimmer, L. (2006). *Qualitative meta-analysis: A Question of Dialoguing with Texts*, London: The Blackwell Publishing.

مطالعه جامعه‌شناختی چالش‌های توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی

پروین اشراقی اسکویی^۱

حسین بنی‌فاطمه^۲

داود ابراهیم‌پور^۳

محمد عباس‌زاده^۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۲/۴/۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۳/۱۳

چکیده

هدف تحقیق حاضر شناسایی چالش‌های توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی می‌باشد. روش تحقیق حاضر کیفی بوده و از رویکرد نظریه زمینه‌ای به عنوان روش عملیاتی پژوهش استفاده شده است. به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده است. برای این کار، با ۲۲ نفر از متخصصان و شهروندان استان آذربایجان شرقی مصاحبه انجام شد. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که چالش‌های شناسایی شده در استان بر گیرنده مقوله‌های چالش‌های ساختاری (با زیرمقوله‌های تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری‌های استانی و ضعف در تخصیص بودجه)، چالش‌های فرهنگی، اجتماعی (با زیرمقوله‌های خلاء مشارکتی و شکاف دانش) و چالش‌های مدیریتی (با زیرمقوله‌های انتصاب‌های نادرست، به کارگیری یافته‌های آمایش سرزمین، مدیریت ضعیف گذارها) و در نهایت چالش‌های عاملیت‌محور (با زیرمقوله‌های فردگرایی و عدم مشارکت گروهی، برخورداری از شخصیت اقتدار-طلب، تنگ نظری در تعاملات اجتماعی، عدم احساس تعلق شهری) می‌باشند. در مقاله حاضر، هسته مرکزی به دست آمده «مدیریت توسعه اجتماعی» می‌باشد. این مفهوم انعکاس مسائل و چالش‌های مدیریتی گزارش شده در فرایند توسعه در حوزه‌های مختلف استان است. واژگان کلیدی: خلاء مشارکتی، انومی، توسعه اجتماعی، چالش اجتماعی، چالش‌های مدیریتی.

۱. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: banifatemeh@tabrizu.ac.ir

۳. گروه علوم اجتماعی و ارتباطات، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۴. گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

مقدمه

مفهوم «توسعه» از اواسط قرن ۲۰ ذهن بسیاری از متفکران و برنامه‌ریزان را به خود مشغول کرده است. مطالعات توسعه، اولین بار بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد و در حوزه‌های مختلفی همچون اقتصاد، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی به مباحثه درباره آن پرداختند. اندیشمندانی همچون دادلی سیرز^۱، برنشتاین^۲ و پیتر دونالدسن^۳ تعاریفی از توسعه ارائه کردند که در آن به چند بعدی بودن، ارزشی بودن (تلاش برای دستیابی به آن)، ایجاد تغییرات اساسی در ساخت‌های اجتماعی و تلاش برای دستیابی به زندگی بهتر، مشاهده می‌شود (۴). ضعف در وقوع توسعه اجتماعی در جامعه و هر گونه بی‌توجهی به چالش‌های احتمالی موجود در آن می‌تواند پیامدهای منفی جبران‌ناپذیری در سطوح خرد و کلان در کشور به دنبال داشته باشد. افزایش آمار آسیب‌های اجتماعی همچون خشونت، جرم و جنایت، فساد در سطوح اداری و غیر اداری، فرار سرمایه‌گذاران به دلیل نبود فضای سرمایه‌گذاری و کسب و کار مناسب و مواردی از این دست می‌تواند مانع از وقوع توسعه اجتماعی در جامعه گردد. علی‌رغم ضرورت این مسئله، مروری بر مطالعات انجام شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که در رابطه با چالش‌های مرتبط با توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی، تحقیقی جامع که بتواند ابعاد مختلف چالش‌های توسعه اجتماعی را مورد سنجش قرار بدهد، تاکنون صورت نگرفته است. لذا با توجه وجود خلأ پژوهشی و نبود تحقیقات مرتبط با این موضوع، این تحقیق برآن است تا با استفاده از روش کیفی این مسئله را مورد مطالعه و بررسی قرار بدهد.

یافته‌های تحقیق حاضر می‌تواند در برنامه‌ریزی و مدیریت بخش‌های مختلف با هدف تسهیل فرایند توسعه اجتماعی در استان و برون رفت از چالش‌های شناسایی شده نقش به‌سزایی داشته باشد. کشور ایران از نظر شاخص لگاتوم ۲۰۲۰ با امتیاز ۴۸/۱ در رتبه ۱۲۰ام (در میان ۱۶۷ کشور، ۹۹/۴ درصد جمعیت جهان) قرار گرفته است. یعنی پایین‌تر از کشورهای نظیر امارات متحده عربی، قطر، بحرین، کویت، عمان، عربستان سعودی، اردن، ترکیه و حتی لبنان. با نگاهی به روند شاخص لگاتوم در ده سال اخیر می‌توان دید که میزان پیشرفت در ایران چندان چشمگیر نبوده و اگر چه رتبه کشورمان طی دهه اخیر ۶ واحد ارتقا یافته، اما تغییرات امتیاز پیشرفت ایران از منظر شاخص لگاتوم گویای شرایط رکودی در هر سه قلمروی مشمول در شاخص لگاتوم (حکمرانی، اقتصادی و اجتماعی) است. رکن‌هایی که ایران در آن بیشترین امتیاز را دارد، عبارتند از سلامت، شرایط زیستی، و آموزش و از سوی دیگر در رکن‌هایی مانند شرایط کسب و کار و ... وضعیت چندان را تجربه نمی‌کنیم (۲۶). همین مسائل را می‌توان در سطحی دیگر در مورد استان‌های ایران مورد توجه قرار داد. به این معنا که ضعف در حکمرانی خوب، عدم توجه

^۱. Sears

^۲. Bernstein

^۳. Peter Donaldson

جدی به پیشران‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح کلان کشور، منجر به ایجاد چالش‌هایی در سطح استان‌ها و شهرها شده است. با توجه به این که عدم توجه به چالش‌ها و موانع موجود در مسیر توسعه استان امکان دستیابی به اهداف توسعه را ناممکن می‌سازند، لذا تحقیق حاضر با هدف شناسایی و احصاء موانع و چالش‌های چندگانه موجود در مسیر توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی انجام گرفته است.

هایامی^۱ تعریفی دیالکتیکی از مفهوم توسعه اجتماعی ارائه می‌کند. او توسعه اجتماعی را تکامل دیالکتیکی بین اجزای مولفه‌های نظام اجتماعی می‌داند. او اجزای نظام اجتماعی را شامل دو زیر نظام (الف) فرهنگی - ارزشی، و (ب) زیرنظام اقتصادی می‌داند که زیر نظام فرهنگی - ارزشی دارای دو جزئی فرهنگ و نهادها است که این دو جزء مولفه‌هایی مانند قوانین و نظام ارزشی را در بر می‌گیرد. زیر نظام اقتصادی دارای دو بعد فن‌آوری و منابع است. در نتیجه اجزای نظام اجتماعی عبارتند از نهادها، فرهنگ، فناوری و منابع که دارای ارتباط متقابل و دیالکتیکی با هم هستند و از این طریق جامعه را به تکامل و توسعه مواجهه می‌گردانند (۴).

اندیشمندان و نظریه‌پردازان در زمینه توسعه و مشخصاً توسعه اجتماعی دیدگاه‌ها و نظریه‌های متعددی ارائه نموده‌اند که در ادامه به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود. میجلی^۲ از صاحب‌نظران توسعه، توسعه اجتماعی را به منزله فرایند برنامه‌ریزی شده تغییر اجتماعی معرفی می‌کند که به منظور بهبود رفاه کل جمعیت جامعه به همراه فرایند پویای توسعه اقتصادی شکل می‌گیرد. هدف توسعه اجتماعی در بستر رفاه اجتماعی مدرن، تولید و افزایش بهزیستی جامعه ست به گونه‌ای که مردم را در مورد تصمیم‌سازی و فعالیت در گستره ادراکی بیشتری توانمند گرداند. دفتر امور اجتماعی - اقتصادی سازمان ملل، توسعه اجتماعی را معادل پیشرفت اجتماعی در زمینه‌های رفاه و کارکرد جامعه می‌داند که در بر گیرنده چالش‌ها، علاقه‌ها و چشم‌اندازهای انسانی و اجتماعی مرتبط با جامعه می‌باشد و ابعاد گوناگونی نیازهای انسانی را مدنظر قرار می‌دهد. چهار سطح توسعه اجتماعی عبارتند از: رفاه اجتماعی و ایجاد شرایط مناسب زیستی برای همه انسان‌ها، دسترسی همگانی و بدون تبعیض به خدمات و تامین اجتماعی، باز توزیع درآمدها و دارایی‌های جامعه میان افراد، اصلاح روابط اجتماعی و ساختارهای اجتماعی (۱۸). یکی دیگر از متفکران مطرح در این حوزه آمارتیا سن^۳ است. وی تحقق توسعه را در «حقوق‌مداری» و «مشارکت‌محوری» می‌داند. برای سن، توسعه از آن جا و در آن جا آغاز می‌شود که به حقوق اساسی فرد و جامعه اعتنا شود و در فرایندهای توسعه، فرد و جامعه کنشگرانی فعال باشند. بر طبق نظریه سن، توسعه مستلزم حذف موانع آزادی است. به عبارت دیگر، توسعه مستلزم گسترش و دوام آزادی است. این موانع آزادی یا ناآزادی‌ها شامل فقر، استبداد، فرصت‌های اقتصادی محدود، محرومیت‌های نظام دار اجتماعی، به فراموشی سپردن

1. Hayami

2. Midgley

3. Amartya Kumar Sen

خدمات عمومی، عدم تساهل و فعالیت‌های بازدارنده، وجود دولت‌های دخالت‌گر می‌باشد (۲۸). دادلی سیرز^۱، رئیس موسسه اطلاعات توسعه‌ای دانشگاه ساسکس در ۱۹۶۹، توسعه را جریانی چندبعدی معرفی می‌نماید که تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی- اجتماعی را به همراه دارد. به اعتقاد او توسعه، علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت ملی نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجه نظرهای مردم است (۵). در همین راستا می‌توان به گزارش‌های ادواری سازمان ملل اشاره نمود. در این گزارش‌ها به ندرت به وضعیت اجتماعی و توسعه اجتماعی اشاره شده است، ولی با این حال توانسته‌اند بدون آن که تعریف مشخصی داشته باشند، در مقابل توسعه اقتصادی را به عنوان جایگزینی برای مفهوم ایستای «وضعیت اجتماعی» به کار ببرند.

در سال ۱۹۶۲، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل پیشنهاد تلفیق هر دو جنبه را داد و در نتیجه در سال ۱۹۶۳ موسسه «تحقیقات اجتماعی سازمان ملل متحد» با تمرکز بر «بهبود کیفیت زندگی مردم» به عنوان مسئله محوری خود تاسیس گردید (۱۹).

از مهم‌ترین مباحث در مجادلات جامعه‌شناسی در هشتاد سال گذشته مربوط به بحث درباره الگوها و مدل‌های توسعه است که ریشه‌های این مجادله را باید بیشتر در مکتب‌های جامعه‌شناسی آمریکایی جستجو نمود چرا که در مقابل دیدگاه عموماً رادیکال صاحب‌نظران اروپایی نسبت به توسعه جامعه-شناسان، هدف نظریه‌های توسعه به وجود آوردن دانشی است که به جامعه این امکان را می‌دهد تا از توان‌مندی‌های خود برای توسعه بهره ببرند. ولی تنوع مکاتب و رویکردهای نظری موجب تنوع و کثرت نظریه‌های توسعه اجتماعی شده است که در ادامه به تقسیم‌بندی دیگری که از رویکردهای توسعه ارائه شده است، اشاره می‌شود. در رویکرد مارکسیستی و در بحث توسعه اساساً بر ارزش‌های مبتنی بر مساوات تاکید می‌شود. برای مثال، دونگ کیم^۲، توسعه اجتماعی را درجه‌ای از ساختار اجتماعی می‌داند که به اکثریت مردم محروم جامعه نه تنها اجازه تقاضا برای برخورداری از منابع ملی را می‌دهد، بلکه در جهت رسیدن به هدف آنان را یاری می‌رساند. نظریه‌پردازان رفاه‌گرا توسعه اجتماعی را در حرکت به سوی کیفیت بهتر زندگی می‌دانند. برای مثال، از نظر وارنر، توسعه اجتماعی در فراهم کردن امکانات زندگی مردم در جامعه خلاصه می‌شود. و بر نیز در بیان اهمیت امکانات زندگی معتقد است که شانس زندگی عبارت است از امکان دستیابی به شرایط زندگی مناسب‌تر و کسب تجربه‌های زندگی بهتر. در حالت کلی رفاه اجتماعی از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. رویکرد کارکردگرایی برای توسعه اجتماعی حوزه‌ای خاص و وظایفی متفاوت از دیگر حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قائل می‌باشد. در چارچوب رویکرد کارکردگرایی، حوزه‌های چهارگانه حیات اجتماعی یعنی توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان چهار عنصر اساسی توسعه ملی مطرح می‌شوند. در چارچوب این رویکرد،

¹. Dudley Seers

². Dong Kim

سه موضوع درباره فرایند نیل به توسعه اجتماعی مورد بحث است. اول این که در هستی‌شناسی توسعه اجتماعی، باید وضعیت موجود اجتماع، جامعه‌ای که مورد بحث است از نظر موضوع، مبانی و نقطه عزیمت و مبدا حرکت توصیف شود. دوم این که باید وضعیت مطلوبی را که بناست به آن نایل شوند را به عنوان هدف توسعه شناسایی نمود و سوم باید مقررات و محدودیت‌ها در مسیر نیل به توسعه اجتماعی شناسایی شوند. در واقع، بر پایه رویکرد کارکردگرا، توسعه اجتماعی فرایند بازآفرینی نظام اجتماعی است. این فرایند شباهتی به فرایند تفسیر اجتماعی ندارد و نتیجه مداخله آگاهانه و تعمدی با استفاده از ابزارهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به منظور به وجود آمدن تغییرات غیر تصادفی به سمت اهداف مطلوب است. به عبارتی، توسعه اجتماعی راهبردی اجتماعی در سطح کلان است و در مقابل شیوه بیماری‌شناسی در سطح خرد در تامین اجتماعی به کار می‌رود (۱۹).

رویکرد ساختارگرا فرایند ایجاد دگرگونی‌های بنیادی در ساختارها و روابط اجتماعی با انگیزه‌های اهداف «ادغام اجتماعی»، انسجام اجتماعی و پاسخگو کردن کارگزاران اجتماعی، امکانات و سازمان‌های صاحب قدرت توسعه اجتماعی است (۳). ادغام اجتماعی با فراهم کردن شرایط پذیرش افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی در جامعه منجر به این می‌شود که آنان با تمکین به قوانین، توانایی‌های خویش را در خدمت تولید حداکثری جامعه قرار بدهند. از طرفی، انسجام اجتماعی مانع از هم گسیختگی جامعه می‌شود. در وضعیتی که انسجام اجتماعی برقرار است، افراد و نیروهای مختلف اجتماعی در تعامل مثبت با یکدیگر هستند بدون آن که به منافع دیگران آسیب برسانند و منافع و خواسته‌های خویش را پی می‌گیرند. از سوی دیگر، پاسخگویی، قدرت حاکم بر منابع و جامعه را در مسیر اصلاح عملکردهای خویش قرار می‌دهد. این اصلاح با هدف پیشینه کردن نظام اجتماعی انجام می‌شود (۱۹).

پیشینه تجربی

مطالعات گسترده انجام گرفته در در حوزه توسعه اجتماعی نشان می‌دهد که این مفهوم به لحاظ اهمیتی که دارد، از ابعاد مختلف مورد توجه اندیشمندان و متفکران و پژوهشگران زیادی قرار گرفته است. مطالعه کیفیت توسعه اجتماعی در میان شهروندان مناطق شهری تهران نشان می‌دهد که میزان کیفیت زندگی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، توسعه اجتماعی در مناطق ۳ و ۱۸ تهران متفاوت از مناطق دیگر می‌باشد. به عبارتی، توسعه اجتماعی در برخی مناطق در شرایط متعادل تری نسبت مناطق دیگر قرار دارد و شهر تهران از نظر توسعه اجتماعی در وضعیت نامتعادلی می‌باشد (۱۸). مطالعه سطح توسعه اجتماعی با تاکید بر دو متغیر «سرمایه اجتماعی و کیفیت اجتماعی» در شهر تهران پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهند که متغیر کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم و مثبت با توسعه اجتماعی دارند. به عبارتی، با افزایش سطح کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی، سطح توسعه اجتماعی نیز در شهر تهران افزایش می‌یابد (۴). مطالعه میزان توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل با استفاده از مدل‌های آنالیز تاکسونومی

عددی و سلسله‌مراتبی پرداختند. نتایج تحقیق انجام شده حاکی از آن است که در بین شهرستان‌های استان اردبیل از لحاظ برخورداری تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. به طوری که شهرستان مشکین شهر بعد از شهر اردبیل در سطح اول توسعه و شهرستان خلخال در سطح توسعه قرار دارند (۲۲). مطالعه سیاست‌های اجتماعی در آفریقای جنوبی به عنوان راهی برای توسعه اجتماعی می‌پردازد تا از این طریق بر چالش‌های موجود در مسیر توسعه اجتماعی اشاره گردد. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهند که بین حوزه‌های مختلف ایدئولوژیکی، سیاسی و نهادی در فرایند اجرایی همپوشانی‌هایی وجود دارد. به طور کلی در ارتباط با کشورهای جنوب جهان عوامل متعددی هم‌چون اهمیت حقوق قانونی به عنوان مبنایی برای پیشبرد ادعاهای اجتماعی و اقتصادی؛ ظهور مسائل جدید اجتماعی در زمینه سطح قابل توجه اشتغال غیر رسمی و بیکاری و در نهایت، تأثیر عوامل مالی و سازمانی در شکل‌دهی سیاست اجتماعی و اجرای آن دیده شده است (۲۳). سومین نشست منطقه‌ای سازمان ملل در مورد توسعه اجتماعی به بررسی چالش‌های مهم در مسیر توسعه اجتماعی در امریکای لاتین اختصاص داشت. مقوله‌های تداوم فقر و آسیب‌پذیری در مقابل فقر، نابرابری‌های ساختاری، ناعدالتی در دستیابی به فرصت‌های آموزشی، درمانی و تغذیه‌ای، ضعف در امنیت اجتماعی، پایین بودن میزان توجه به سرمایه‌گذاری‌های انسانی از موارد احصاء شده می‌باشند (۳۱).

هم‌چنین، شورای حقوق بشر در هفتمین نشست رسمی خود به بررسی مقوله‌های نابرابری، حمایت اجتماعی و حق توسعه کشورها پرداخت. اقتصاد سیاسی توسعه و ظرفیت تقویت سیستم‌های حمایت اجتماعی جهانی در این نشست مورد بررسی قرار گرفتند. در ارزیابی سیاست‌های کاهش نابرابری، یک سری رویکردهای جهانی طرد کننده یا محدود کننده توسعه اجتماعی شناسایی شدند (۱۴). مطالعه راه‌ها، چالش‌ها و مشکلات موجود بر سر راه توسعه اجتماعی در کشور بنگلادش انجام شد. کشور بنگلادش علی‌رغم فقر گسترده و کیفیت پایین در ارائه خدمات عمومی، پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای از لحاظ شاخص مورد تایید در توسعه اجتماعی داشته است. این موارد شامل تغییراتی در هنجارهای اجتماعی و نگرش‌ها نسبت به آموزش زنان و استفاده از ابزارهای ضد بارداری می‌باشد. بیشتر این تغییرات محصول آگاهی عمومی ایجاد شده از طریق کمپین‌های جنبش اجتماعی و اعمال راهکارهای کم هزینه می‌باشد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بین فرایند-های هدایت شده از طریق سازمان‌های مردم نهاد و رویکردهای دیگر برای رسیدن به توسعه اجتماعی مانند حکومت محلی قوی تضاد وجود دارد (۲۰). چالش‌های توسعه اجتماعی در کشور چین مورد بررسی قرار گرفت. در میان مفهوم سازی‌های انجام شده از مدل توسعه چین و تأثیر آن بر جهان، چالش‌های داخلی در توسعه چین در ادبیات مطالعات توسعه نسبتاً مغفول مانده‌اند. آن‌ها در بررسی چالش‌های اجتماعی بر این مسئله تأکید می‌کنند که سی سال پس از اصلاحات، گرچه کشور چین از نظر ماهیت اقتدارگرا است، اما دچار چالش‌های فزاینده‌ای شده است. هم‌چنین، اصلاحات خصوصی‌سازی در بخش دولتی و گسترش اقتصاد صادرات‌محور از

اوایل دهه ۱۹۹۰ باعث اختلاف چشمگیر درآمد در کشور شده و به یک سری تغییرات اجتماعی و اقتصادی منجر گردیده است (۸).

نگاهی روش‌شناختی به مطالعه اقدام پژوهی و توسعه اجتماعی در چین با هدف ایجاد همکاری میان مردمان حاشیه‌نشین و مقامات دولتی نشان می‌دهد کارآیی روش اقدام پژوهی در این است که بتواند سرمایه‌گذاران بومی را کنار هم گرد آورده و روش‌های مقابله با موانع موجود در کاربرد تحقیقات کاربردی را مورد بررسی قرار دهند. در کشور چین با استفاده از تحقیقات اقدام پژوهی استراتژی‌های موثر برای مقابله با مشکل بیکاری کارگران زن میانسال ارائه شده است (۲۹).

در مجموع، می‌توان گفت که توسعه در فضا زمان‌های مختلف از زوایای متعدد مورد بررسی قرار گرفته است. ناهمگن و نامتوازن بودن توسعه، نقش پیشران‌های توسعه اجتماعی، تاثیر سیاست‌های اجتماعی دولت‌ها در وقوع توسعه، تغییرات در نگرش‌ها و هنجارهای عمومی و وقوع توسعه اجتماعی از موارد مورد بررسی شده می‌باشند. اما آن چه که از بررسی‌ها به دست می‌آید، این مسئله هست که چالش‌های مرتبط با توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی به عنوان یکی از استان‌های پیشرو در زمینه توسعه تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است. با لحاظ این خلاء پژوهشی و تکیه بر نظریه‌ها و دیدگاه‌های نظری مطرح شده، این موضوع در محقق حساسیت نظری ایجاد کرده و چالش‌های موجود در مسیر توسعه اجتماعی استان آذربایجان شرقی را مورد مطالعه قرار داده است.

ابزار و روش

روش تحقیق حاضر کیفی بوده و از تحلیل مضمون استفاده شده است. به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد. جامعه مورد مطالعه با توجه به قلمرو موضوعی آن شامل ۲۲ نفر از متخصصان و شهروندان شهر تبریز است. نمونه‌های مورد مطالعه در این تحقیق به روش نمونه‌گیری هدف‌مند^۱ انتخاب شدند. به این معنا که در فرایند تحقیق تلاش شد از متخصصان و کارشناسانی که در زمینه توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی اطلاعات لازم را دارند، مصاحبه انجام بگیرد. فرایند مصاحبه تا رسیدن به مرحله اشباع نظری ادامه یافت. برای تحلیل داده‌ها، مصاحبه‌ها از نوار پیاده و به روش تحلیل مقایسه‌ای و مطابق با روش اشتراوس و کوربین در سه مرحله: ۱. کدگذاری باز^۲، ۲. کدگذاری محوری^۳ و ۳. کدگذاری انتخابی^۴ تجزیه و تحلیل شدند.

در تحقیق حاضر، به منظور احراز قابلیت اعتبار (اعتبارپذیری) تحقیق از تکنیک‌های زیر استفاده شد: ۱. استفاده از تکنیک‌های تثلیث: نظیر استفاده از منابع تاییدگر، محققان و روش‌های متعدد در طول فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده که این امر به افزایش قابلیت اعتبار می‌انجامد.

^۱. Purposeful Sampling

^۲. Open coding

^۳. Axial coding

^۴. Selective coding

۲. تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی^۱ (نظیر نمایش و ارائه تحلیل‌های داده‌ای و نتایج آن‌ها به متخصصان که این امر می‌تواند به غنای قابلیت اعتبار کمک کند).
۳. تکنیک کنترل اعضا (از طریق ارائه تحلیل‌های داده‌ای و نتایج آن‌ها به پاسخگویان تا از واکنش‌های آنان در مرحله گزارش نوشته‌ها آگاهی حاصل کنند).
۴. خودبازبینی محقق^۲: در طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، یکی دیگر از روش‌هایی است که می‌تواند به افزایش قابلیت اعتبار بی‌انجامد^۱).

یافته‌ها

تحقیق حاضر به منظور شناسایی چالش‌های استان آذربایجان شرقی در مسیر تحقق توسعه اجتماعی انجام گرفت. بررسی سیمای مشارکت‌کنندگان در این تحقیق نشان می‌دهد که در مجموع ۲۲ مصاحبه انجام گرفته است. میانگین سنی آزمودنی‌ها ۴۳ سال بوده که با توجه به بیشترین و کمترین، بالاترین سن ۷۱ و پایین‌ترین سن ۳۰ گزارش شده است. از میان افراد مصاحبه شده، مدرک تحصیلی ۷۲ درصد پاسخگویان دکترا، ۹ درصد کارشناسی ارشد، ۱۴ درصد لیسانس، ۵ درصد فوق دیپلم گزارش شدند. بررسی دیدگاه پاسخگویان نشان می‌دهد فرایند توسعه در استان آذربایجان شرقی با چالش‌های چندگانه مواجه می‌باشد که می‌توان آن را از ابعاد ساختاری، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی مورد ارزیابی قرار داد.

چالش سیاسی

به عنوان یک مفهوم علمی، آنومی توسط امیل دورکیم^۳ و متعاقباً از طریق نوشته‌های رابرت مرتن^۴ و سایر دانشمندان که در سنت کارکردگرایی ساختاری بودند، معرفی گردید(۹). آنومی حالتی است که در آن قواعد اجتماعی برای عاملان الزام‌آور محسوب نمی‌شود و پیروی از آن‌ها برای افراد مطلوبیتی ندارد. از نظر دورکیم، در جوامع مدرن آنومی تنها منحصر به نقش‌های اقتصادی و جهان صنعت و تجارت نیست و کل جامعه را در بر می‌گیرد. به اعتقاد دورکیم، آنومی سیاسی در سطح جامعه کل جمعیت یا توده مردم را متأثر می‌سازد. در حالی که دیگر انواع آنومی تا این حد در تمام سطوح و ابعاد، جامعه سیاسی را متأثر نمی‌کند. وی در تحلیل عناصر اصلی جامعه سیاسی به وجود دولت و شهروندان اشاره می‌کند که رابطه اصلی بین آنان قدرت می‌باشد. در این میان، وظیفه اساسی دولت مهار اراده خودخواهانه شهروندان یا توده مردم است، زیرا به تعبیر دورکیمی، دولت وجدان جمعی یا تصورات اجتماعی است و اگر نتواند این

^۱. Peer Debriefing

^۲. Self Monitoring

^۳. Émile Durkheim

^۴. Robert Merton

خواسته‌ها و فزون‌طلبی‌ها و شهوات سیری‌ناپذیر را مه‌ار کند، نتاج آن چیزی جز آنومی نخواهد بود (۲۵). در رابطه با تاثیر آنومی بر جامعه مرتن اظهار می‌دارد که شرایط آنومیک فشارهای ویژه‌ای را بر افراد تحمیل کرده و توانایی آن‌ها را در انطباق توانایی خود با اهداف و وسایل فرهنگی موجود با مشکل روبرو می‌کند (۹). آنومی سیاسی در اجتماعات، موقعیت‌های خاص فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سطوح مختلفی دارد. بررسی نظرات متخصصان و خبرگان امر توسعه در استان آذربایجان شرقی نشان می‌دهد که یکی از چالش‌های موجود بر سر راه توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی، آنومی سیاسی است. مفهوم «آنومی سیاسی» در این نوشتار با مفاهیمی هم‌چون بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری‌ها، ضعف نهادهای سیاسی، سیاست‌زدگی امور، ضعف در نهادهای تنبیهی و تشویقی، بی‌ثباتی حاصل از فعالیت گروه‌ها و نیروهای اجتماعی فاقد سازمان رسمی سیاسی، بی‌ثباتی ناشی از فقدان نهادهای مدنی و سیاسی قوی، بی‌ثباتی‌های اجتماعی و سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است. مصادیق مرتبط با مفهوم آنومی سیاسی و خرده مصادیق آن با جزئیات بیشتر در جدول (۱) ارائه شده‌اند.

پاسخگوی ۵۵ ساله می‌گوید: «وقتی می‌بینیم که در یک جامعه یک نفر رشوه گرفته و خلاف کرده، آیا ما اینو تنبیه می‌کنیم یا تشویقش می‌کنیم. یا کسی که اشتباه کرده رو تنبیه می‌کنیم یا می‌بریم می‌ذاریمش در یک پست بالاتر. وقتی می‌بینیم که در کشور فسادهای مالی آن‌چنانی هستند، چکار می‌کنیم؟»

چالش ساختاری

گوندل فرانک، پل باران و دوس سالتوس به ارائه دیدگاه‌هایی می‌پردازند که زیر عنوان «مکتب وابستگی» گرد آمد. این نظریه‌پردازان با تلفیق دو مفهوم استعمار طبقاتی و انتقال ارزش اضافی از مناطق جغرافیایی توسعه نیافته و مناطق توسعه یافته، مفهوم زنجیره روابط استعماری مرکز پیرامون را مطرح می‌سازند. آن‌ها عامل وابستگی و توسعه نیافتگی کشورها را در وابستگی آن‌ها به مرکز می‌دانند. مسئله مرکز پیرامون به صورت محدود و در روابط بین بخش مرکزی و شهرستان‌های کشور به عنوان یکی از چالش‌ها از نظر متخصصان امر توسعه در استان آذربایجان شرقی شناسایی شده است (۱۶). مواردی هم-چون وابستگی استان به دیدگاه‌های مرکز محور، تمرکزگرایی در حوزه تصمیم‌گیری، تمرکزگرایی در تخصیص بودجه، بازنمایی حاشیه‌ای رسانه‌ها، احساس در حاشیه بودن و بی‌قدرتی در مسئولان و شهروندان استان از مصادیق آن می‌باشند.

چالش فرهنگی

هر فرهنگ از عناصری تشکیل می‌شود که در طول تاریخ در کنار هم رشد و تکوین می‌یابند. گاه به دلخواه و گاه به اجبار، در هر فرهنگ ارزش‌ها و هنجارها و قواعد و قوانینی وجود دارند که به سبب استمرار در طول تاریخ، اکنون جلوه‌ای طبیعی یافته‌اند. هر فرهنگ نیازمند عناصر درونی باثبات و پایداری است که آن‌ها را عناصر ثبات دهنده درونی می‌نامند و در واقع، چارچوب هر فرهنگ به شمار می‌روند. نهادهایی چون قضاوت و

آموزش، خانواده یا آیین‌هایی چون مراسم دینی، روزهای ملی، جشن‌ها، آیین‌های عزاداری، مراسم ازدواج و تدوین یا حتی پرچم، یا سخنرانی‌های سیاسی و اجتماعی و هر جلوه و نمادی که فرهنگی را از فرهنگی دیگر متمایز می‌کند، در این مقوله جای می‌گیرند. بر اثر این عناصر متمایز کننده درونی، حالا اموری به صورت بدیهی تجلی می‌کنند که علی‌الاصول بدیهی نیستند و لذا می‌توان گفت هر فرهنگ سرشتی متمایز دارد که خاص آن فرهنگ است. از جمله مباحث دیگر فرهنگی که بیشتر پاسخگویان بر آن تاکید داشتند می‌توان به بحث ساختارهای کلیشه‌ای حاکم در استان اشاره نمود. به اعتقاد پاسخگویان، بحث ساختارهای کلیشه‌ای در قالب سلطه پدرسالاری در خانواده‌ها و اختلالات روابط اجتماعی، اقتصادی، اجتماعی، محدودیت در روابط اجتماعی زنان، تضاد بین نهادهای فرهنگی و فرهنگ خانواده‌ها، وجود نگرش‌های غیر تواناساز به زنان قابل مشاهده است.

پاسخگوی ۶۴ ساله می‌گوید: «ببینید که قشر مهم در جامعه خانم‌ها هستند ولی در استان ما از نظر فرهنگی یک سری محدودیت‌هایی برای اونا هست و اجازه بر آمدن، اظهارنظر کردن و اظهار وجود را به خانم‌ها نمی‌دن. خیلی از خانم‌ها هستن که حتی بیرون از خونه رو نمی‌شناسن.»

چالش اجتماعی

یکی دیگر از چالش‌های شناسایی شده بر اساس نظرات پاسخگویان ضعف سرمایه اجتماعی در استان می‌باشد. بحث سرمایه اجتماعی در سال ۱۹۱۹ توسط لیدا جی. هانیفن^۱ برای نخستین بار مطرح شد. وی یک تصویر اجمالی را از سرمایه اجتماعی ارائه داد که بیشتر متوجه ابعاد انسانی و تربیتی این واژه بود، وی در توضیح اهمیت مشارکت در تقویت حاصل کار مدرسه، مفهوم سرمایه اجتماعی را مطرح کرد و معتقد است، سرمایه اجتماعی دارای‌های غیر ملموس (حسن نیت، دوستی، همدردی، مشارکت، تعامل اجتماعی) است و در زندگی مردم موثر تلقی می‌شود (۲۵: ۱۰). بررسی پاسخ‌های متخصصان امر توسعه در استان آذربایجان شرقی نشان می‌دهد که در میان علل و عوامل بازدارنده در فرایند توسعه اجتماعی می‌توان به چالش‌های اجتماعی هم‌چون ضعف اعتماد فردی و نهادی، پایین بودن مشارکت اجتماعی، ضعف در همکاری و همیاری‌ها، عدم انسجام بین گروهی و ... اشاره نمود.

پاسخگوی ۶۶ ساله می‌گوید: «در استان‌های دیگر این محدودیت‌ها نیست و بیشتر به صورت دموکراتیک زندگی می‌کنند. عوامل روان‌شناسی، هنجاری، تاریخی در این‌جا باعث می‌شه که توسعه شکل نگیره. تبریز دارای کوچه‌های سرد و تنگ و باریک است و این نشان می‌دهد که روابط سردی بر روابط حاکم بوده است. این باریک بودن کوچه‌ها ضعف اعتماد اجتماعی را نشان می‌دهد.»

چالش مدیریتی

در جهان امروز، محیط‌های سازمانی همواره در حال تغییر هستند که این امر مدیران را با چالش‌های اساسی مواجه کرده است. مدیریت را می‌توان فرایند برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل منابع (انسانی، مالی، فیزیکی و اطلاعاتی) در جهت دستیابی به اهداف موردنظر تعریف کرد. به عبارتی، مدیریت هدایت و کنترل فعالیت‌ها به روش منظم برای رسیدن به یک هدف مشترک و تنظیم روند دستیابی به نتایج مطلوب از طریق استفاده کارآمد از منابع انسانی و مادی موجود می‌باشد (۱۵). بررسی نظرات و دیدگاه‌های نخبگان در استان آذربایجان شرقی در این تحقیق نشان می‌دهد که یکی از چالش‌های موجود در مسیر توسعه اجتماعی در این استان، ضعف مدیریت و عدم کارایی و کارآمدی مدیران در مدیریت بهینه وضعیت موجود می‌باشد. از جمله مقوله‌های شناسایی شده در مورد ضعف مدیریت می‌توان به مواردی همچون انتصاب‌های نادرست، اقدامات نمایشی، به کارگیری ضعیف آمایش سرزمینی، نداشتن ضمانت اجرایی کافی و مدیریت ضعیف گذارها اشاره نمود.

پاسخگوی ۴۹ ساله می‌گوید: «در استان مشکل ما حکمرانی نامطلوب است. مثلاً برای بناب از آذرشهر فرماندار می‌دارن. انتصابات درست اتفاق نیفتاده.»

چالش عاملیت‌محور

توان‌مندسازی یکی از تکنیک‌های موثر برای افزایش بهره‌وری افراد و استفاده بهینه از ظرفیت و توانایی‌های فردی و گروهی آن‌ها در راستای اهداف مورد نظر می‌باشد. توان‌مندی فرایندی است که در آن از طریق توسعه و گسترش نفوذ و قابلیت افراد و تیم‌ها به بهبود و بهسازی مستمر عملکرد کمک می‌شود. توان‌مندسازی یک ابزار ضروری مدیریتی و یک راهبرد توسعه و شکوفایی در جامعه در مقیاس کلان و در سازمان‌ها در مقیاس خرد می‌باشد. برای توان‌مندسازی نیروی انسانی مراحل مختلفی وجود دارد که از مرحله تسلط افراد در تصمیم‌گیری‌ها گرفته، مرحله مشورت، مرحله مشارکت ادامه یافته و تا مرحله تفویض اختیار پیش می‌روند. بررسی نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که در میان موانع و مشکلات موجود بر سر راه توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی یک سری مشکلات عاملیت‌محور شناسایی شده‌اند که در این‌جا می‌توان به مواردی همچون فردگرایی و عدم مشارکت گروهی، برخورداری از شخصیت اقتدارطلب، تنگ نظری در تعاملات اجتماعی، عدم احساس تعلق شهری و ... اشاره نمود.

پاسخگوی ۵۹ ساله می‌گوید: «ما در تعاملات خودمان تنگ نظری زیادی داریم، به ویژه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی. افرادی هستند که این‌جا نتونستن بمونن و جاهای دیگر پیشرفت خیلی زیادی کردن. بحث شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی خیلی مهم است و این نوع رفتارها در استان ما به این نوع شبکه‌ها خیلی آسیب دیده است.»

در مقاله حاضر، هسته مرکزی به دست آمده که بعد از مقوله‌بندی مفاهیم و مقوله‌ها شناسایی شده به دست آمد، مفهوم «مدیریت توسعه اجتماعی» می‌باشد. مفهوم انعکاس مسائل و چالش‌های مدیریتی

گزارش شده در فرایند توسعه در حوزه‌های مختلف استان است. بیشتر پاسخگویان در مصاحبه تاکید نموده‌اند که وجود مسائلی هم‌چون مرکزگرایی در تصمیم‌گیری‌ها، عدم آمایش سرزمینی، مدیریت ضعیف گذارها و مواردی از این قبیل دلیل اصلی و مرکزی بوده و مانع وقوع توسعه در استان هستند. مفاهیم ماخوذ از یافته‌های مصاحبه‌ها تداعی‌کننده زمینه‌های ضعف در مدیریت می‌باشد. در چارچوب این مفهوم و به فراخور موضوع تحقیق می‌توان خاطر نشان کرد که هر گونه آنومی و بی‌سازمانی در مدیریت توسعه در تمامی حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ساختاری و ... قابل مشاهده می‌باشند (جدول شماره ۱).

جدول شماره (۱): نمایش فرایند کدگذاری سه‌گانه

هسته مرکزی	مفاهیم	خرده مفاهیم	گزیده‌ای از داده‌های خام متن مصاحبه
مدیریت توسعه اجتماعی	چالش سیاسی	بی‌ثباتی سیاست‌ها ضعف سیاست‌های تنبیهی و تشویقی ضعف نهادهای سیاسی	وقتی می‌بینیم که در یک جامعه یک نفر رشوه گرفته و خلاف کرده، آیا ما اینو تنبیه می‌کنیم یا تشویقش می‌کنیم. یا کسی که اشتباه کرده رو تنبیه می‌کنیم یا می‌بریم می‌ذاریمش در یک پست بالاتر. وقتی می‌بینیم که در کشور فسادهای مالی آن‌چنانی هستند، چکار می‌کنیم؟ در استان مشکل ما حکمرانی نامطلوب است. مثلاً برای بناب از آذرشهر فرماندار می‌ذارن. انتصابات درست اتفاق نیافتاده
	چالش مدیریتی	انتساب‌های نادرست ضعف در اجرای آمایش سرزمینی خطای طراحی	بی‌توجهی به شرح وظایف سازمانی تمرکزگرایی در حوزه تصمیم‌گیری تمرکزگرایی در تخصیص بودجه
	چالش ساختاری	بازنمایی حاشیه‌ای رسانه‌ها	همخوانی ندارد. بودجه‌ای که به بخش‌های عمرانی و غیره هم داده می‌شوند هم در مرکز تعیین تکلیف می‌شوند و عملاً دست سیاست-گذران استان در این موارد کوتاه است.
چالش عاملیت محور	تنگ نظری در تعاملات اجتماعی	تنگ نظری در تعاملات اجتماعی فردگرایی	ما در تعاملات خودمان تنگ نظری زیادی داریم، به ویژه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی. افرادی هستند که این جا نتونستن بمونن و جاهای دیگر پیشرفت خیلی زیادی کردن. بحث شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی خیلی مهم است و این نوع رفتارها در استان ما به این نوع شبکه‌ها خیلی آسیب دیده است.
	چالش فرهنگی	هژمونی فرهنگی بازدارنده ساختارهای کلیشه‌ای	بینید که قشر مهم در جامعه خانم‌ها هستند ولی در استان ما از نظر فرهنگی یک سری محدودیت‌هایی برای اونا هست و اجازه برآمدن، اظهارنظر کردن و اظهار وجود را به خانم‌ها نمی‌دن. خیلی از خانم‌ها هستن که حتی بیرون از خونه رو نمی‌شناسن
	چالش اجتماعی	ضعف اعتماد اجتماعی خلأ مشارکتی شکاف دانش و تضادها	در استان‌های دیگر این محدودیت‌ها نیست و بیشتر به صورت دموکراتیک زندگی می‌کنند. عوامل روان‌شناسی، هنجاری، تاریخی در این جا باعث می‌شه که توسعه شکل نگیره. تبریز دارای کوچه‌های سرد و تنگ و باریک است و این نشان می‌دهد که روابط سردی بر روابط حاکم بوده است. این باریک بودن کوچه‌ها ضعف اعتماد اجتماعی را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی دیدگاه متخصصان حوزه توسعه و شهروندان در رابطه با چالش‌های توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی است. تم‌های شناسایی شده در این تحقیق در شش بعد سیاسی، ساختاری، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی شناسایی شدند. برای تبیین آنومی سیاسی می‌توان به نظریه آنومی دورکیم اشاره نمود. به اعتقاد وی، آنومی سیاسی، بر خلاف دیگر انواع آنومی، تنها به مسائل سیاسی محدود نشده و در سطح جامعه کل جمعیت یا توده مردم را متأثر می‌سازد. آنومی سیاسی در اجتماعات، موقعیت‌های خاص فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سطوح مختلفی دارد. بررسی نظرات متخصصان امر توسعه در استان آذربایجان شرقی نشان می‌دهد که یکی از چالش‌های موجود بر سر راه توسعه اجتماعی در استان، آنومی سیاسی است. در آنومی سیاسی، پاسخگویان به مواردی هم‌چون بی‌ثباتی سیاست‌ها، ضعف عملکردی نهادهای سیاسی، سیاست‌زدگی امور و ضعف سیاست‌های تنبیهی و تشویقی اشاره داشتند.

در بحث چالش‌های ساختاری، پاسخگویان به مواردی هم‌چون مرکزگرایی و آنومی سازمانی اشاره کردند. پاسخگویان تأکید داشتند که مشکلات موجود از این مسئله ناشی می‌شود که مسائل و حتی تصمیمات مربوط به حوزه‌های بومی در مرکز گرفته می‌شوند. به طوری که این فرایند باعث طولانی شدن زمان تصمیم‌گیری، هدر رفت بودجه و در نهایت نابسامانی در امور می‌شوند. چالش‌های فرهنگی شناسایی شده در این تحقیق بحث قوم‌گرایی و نقش بازدارنده ساختارهای کلیشه‌ای می‌باشند. یکی از مسائلی که از دیر باز در این استان مطرح بوده، بحث قوم‌گرایی و قوم‌ستیزی است که در نهایت به رویکردهای رادیکال‌تر هم‌چون پانترکیزم هم منجر شده است. پاسخگویان بر این باورند که همواره در ساختار قدرت نگرش قوم‌مداری نسبت به استان آذربایجان شرقی وجود داشته و این نوع نگاه مانع توجه کافی به این استان و در نتیجه ایجاد یک سری مشکلات در فرایند توسعه شده است. عدم تخصیص بودجه کافی، ممنوعیت تدریس زبان ترکی در مدارس و انتصاب مسئولان غیر بومی از جمله این نوع اقدامات بوده‌اند. تم دیگر مطرح شده در چالش‌های فرهنگی، بحث ساختارهای کلیشه‌ای است. پاسخگویان بر این باورند که سلطه پدرسالاری در خانواده‌های این استان و وجود نگرش‌های غیر تواناساز به زنان در این استان باعث می‌شوند که از نیروی زنان و پتانسیل آن‌ها در مسیر توسعه نتوان به درستی استفاده کرد.

سازمان ملل (۲۰۱۰)، در رابطه با اهمیت فرهنگ در توسعه به این مسئله تأکید دارد که فرهنگ، در همه ابعاد آن، یکی از مؤلفه‌های اساسی توسعه است. بر اساس رویکرد توسعه انسانی، در توسعه انسانی، بخش فرهنگ و آداب و رسوم فرهنگی یک جامعه و عقاید و باورهای مردم یک جامعه نیز متعاقباً تغییر می‌یابند. فرهنگ، از طریق میراث ملموس و نامشهود، صنایع و اشکال مختلف هنری نقش مهمی در توسعه اقتصادی، ثبات اجتماعی و حفاظت از محیط زیست دارد. فرهنگ معانی و ارزش‌هایی که در همه جنبه‌های زندگی وجود دارد، نحوه زندگی و تعامل انسان‌ها را در مقیاس‌های محلی و جهانی تعریف

می‌کند. بررسی دیدگاه پاسخگویان نشان می‌دهد که به دلیل تغییرات گسترده رخ داده در حوزه فرهنگی، بین رویکردهای مورد تاکید در نهادهای فرهنگی استان و فرهنگ خانواده‌ها شکاف زیادی وجود دارد. به این معنا، بین فرهنگ اشاعه شده در نهادهای فرهنگی با فرایند اجتماعی شدن در خانواده‌ها تشابه آن چنان دیده نمی‌شود و این منجر به یک سری ناهماهنگی‌ها می‌شود. یافته‌های این تحقیق با نتایج تحقیق محمود^۱ (۲۰۱۷)، در زمینه چالش‌ها و مشکلات موجود بر سر راه توسعه اجتماعی در کشور بنگلادش در یک راستا می‌باشد. محمود در این تحقیق نشان می‌دهد که کشور بنگلادش نیز با چالش‌های فرهنگی زیادی در مسیر توسعه مواجه بوده است. اما با استفاده از محصول آگاهی عمومی ایجاد شده از طریق کمپین‌های جنبش اجتماعی و اعمال راهکارهای کم هزینه پیشرفت‌های قبل ملاحظه‌ای در هنجارهای اجتماعی و نگرش‌ها نسبت به آموزش زنان ایجاد شده است. بررسی نظرات پاسخگویان نشان می‌دهد که چالش‌های اجتماعی استان آذربایجان شرقی شامل مشارکت پایین شهروندان و شکاف دانش و تضادها می‌باشد. در این راستا آمارها نشان می‌دهند که میزان مشارکت سیاسی شهروندان استان در مقایسه با میزان مشارکت سایر استان‌ها در کشور، میانگین پایین دارد (۲۹). این مسئله به عنوان یک چالش مهم در استان شناسایی شده است. به اعتقاد پاسخگویان، عدم تخصیص بودجه کافی به استان، بی‌توجهی مسئولان به خواسته‌های شهروندان برای آموزش زبان محلی، بالا بودن سطح انتظارات شهروندان این استان به دلیل همجواری آن با کشورهای همسایه در رابطه با سطح توسعه از مواردی هستند که باعث می‌شوند شهروندان با مشارکت نکردن در امور جامعه و به ویژه در امور سیاسی مخالفت خود را نشان بدهند. ضعف اعتماد فردی و نهادی در میان شهروندان و هم‌چنین مسئولان در رده‌های بالا نیز از جمله مسائل مطرح در چالش‌های اجتماعی مورد نظر پاسخگویان می‌باشد. در همین راستا می‌توان به گزارش جلسه پنجم سازمان ملل در رابطه با چالش‌های توسعه اجتماعی در منطقه آسیا اقیانوسیه اشاره نمود. سازمان ملل در دستور کار توسعه پایدار تا سال ۲۰۳۰، نابرابری انسانی و مالی و توزیع نابرابر منابع در کشورها را یکی از چالش‌های مهم قلمداد می‌کند (۳۰). که متأسفانه در استان آذربایجان شرقی این چالش مورد شناسایی قرار گرفته است.

در نهایت، از مهم‌ترین چالش‌های شناسایی شده در این استان بنا به اعتقاد پاسخگویان و متخصصان امر توسعه، بحث سوء مدیریت در بخش‌های مختلف استان می‌باشد. دخالت‌های بی‌مورد شهرداری در بخش‌های مختلف، انتصاب مدیران با تخصص‌های غیر مرتبط، ساخت و سازهای نافرجام، عدم به کارگیری آمایش سرزمینی و عدم شناخت کافی از نقاط قوت و ضعف‌های استان از جمله موارد مطرح توسط پاسخگویان می‌باشند. در کل، هسته مرکزی حاصل از نظرات و دیدگاه‌های کارشناسان موید این امر است؛ که فرایند توسعه در استان از مشکلاتی در حوزه مدیریت رنج برده و ضعف‌های موجود در

^۱. Mahmood

سازماندهی و مدیریت استان مانع پیشبرد امور گردیده است. در حوزه مدیریت و برای حل مشکل مطرح در این زمینه می‌توان از خبرگان و نخبگان استان در حوزه‌های مختلف در پست مدیریت استفاده نمود. به طوری که انتصاب مسئولان و مدیران بومی آشنا به مشکلات و مسائل استان می‌تواند روند توسعه را تسریع نماید. اتخاذ تصمیمات استانی در خود استان به منظور حذف مشکل مرکزگرایی و کاهش زمان و هزینه اختصاص داده برای آن می‌تواند بحث بومی‌گرایی را محور کار خود قرار داده و از پتانسیل‌های خود استان‌ها استفاده نماید. بالابردن ظرفیت نهادهای مدنی و مردم نهاد در استان و عدم وابستگی این نهادها به دولت و استفاده از ظرفیت و پتانسیل نهادهای مردمی در تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جهت ترویج فرهنگ توسعه در قشرهای مختلف جامعه و نهادینه کردن خلیات توسعه در جامعه، شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران و کارکنان و گزینش مدیران و کارکنان متخصص و انتصاب آنان در پست‌هایی که بتوانند از تخصص خود در هموار نمودن فرایند توسعه استفاده نمایند، از موارد پیشنهادی در این تحقیق می‌باشند. در حوزه مدیریت توجه به انجام آمایش سرزمینی قوی در استان و ایجاد ضمانت‌های اجرایی قوی برای پیشبرد آن و اجرای درست سیاست‌های تشویقی و تنبیهی بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نمایانگر برابری و عدالت در میان تمامی شهروندان باشد. همان گونه که در شکل (۱) نشان داده شده است، بعد از طی سه مرحله کدگذاری این پژوهش به چنین مدلی دست یافت.



شکل شماره (۱): مدل پارادایمی تحقیق در مدیریت توسعه اجتماعی استان

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Abbaszadeh, M. (2012). Reflections on Credibility and Reliability in Qualitative Research, *Journal of Applied Sociology*, Vol. 23, No. 1, Spring.
2. Ahmadi, M. (2002). *Fundamentals of Organization and Management*. Cultural Research Press.
3. Asgharpour Masouleh, A. R. & Roshanfekar, P. & Kalantari, A. (2014). *Social Development in Tehran*, Tehran: Tehran Center for Studies and Planning press.
4. Azkia, M; Zanjani, H; Seyed Mirzaei, M. & Barghomdi, H. (2014). Survey of the level of social development in Tehran, *Iranian Journal of Social Development Studies*, 6 (4), P.p: 7-21.
5. Azkia, M. & Ghaffari, G. (2001). Study of the relationship between trust and social participation in rural areas of Kashan. *Journal of Sociological Studies*, No. 17.
6. Azmi, A. (2008). Iran's social development position in line with the vision document. *Yas Rahbard Magazine*, 15, Fall.
7. Breedlove, L. William; Armer, J. M. (1997). Dependency, Techno-Economic Heritage, Disarticulation, and Social Development in Less Developed Nations, *Sociological Perspectives*, Vol. 40, issue, 4.
8. Chan, C. K. & Ho, W. (2013). Introduction to Special Series: The Challenges of Social Development in China. *Journal of Comparative Asian Development*, Vol. 12, No. 1.
9. Deflem, M. (2015). *Anomie: History of the Concept*, University of South Carolina, Columbia, SC, USA.
10. Fazeli, M; Fattahi, S. & Zanjan Rafiei, N. (2013). "Social Development, Indicators and Iran's Position in the World", *Quarterly Journal of Social and Cultural Development Studies*, Vol. 2, No. 1, Summer.
11. Fazeli, Mohammad; Fatahi, Sajjad; Zanjan Rafiei, Seyedeh Nastern. (2013). Social Development. Indicators and position of Iran in the world". *Social and Cultural Development Studies Quarterly*, Vol. 2, No. 1, P.p: 159-182.
12. Firoozabadi, E. (2010). Study of indicators and rankings of social development in the provinces of Iran and its relationship with social capital", *Social Welfare Quarterly*, Year 10, No. 37.
13. Ghouti Sefid Sangi, A; Farashiani, H. & Hassanzadeh Choukanloo, H. (2017). reflection of Social Development in the Laws of the Five Programs of Economic, Social and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran 1987-2017. *Quarterly Journal of Social Development (Former Human Development)*, Vol. 12, No. 1, Autumn.
14. Human Rights Council. (2023). Inequality, social protection and the right to development, 3–5 April 2023, A/HRC/EMRTD/7/CRP.24.
15. Kaehler, B. & Grundei, J. (2019). *HR Governance a Theoretical Introduction*, Original version published by Springer.
16. Kaveh Pishghadam, Mohammad Kazem. (2010). The dominance of the dependency school on development strategies in the first decade of the Islamic Revolution. *Encyclopedia of Law and Politics*, No. 14, P.p: 41-53.
17. Kaldi, A. (2005). *Social Capital and Family*, Proceedings of the First Symposium on Social Capital and Social Welfare, Tehran: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences press.
18. Latifi, G. (2017). Quality of Social Development among Citizens of Urban Areas of Tehran. *Quarterly Journal of Social Order Research*, Year 9, No. 4.

19. Madani Ghahfarkhi, S. & Roshanfekar, P. (2015). *Social Development; Concepts and Measurement*, Reflection Publications.
20. Mahmud, W. (2017). *Social Development in Bangladesh: Pathways, Surprises and Challenges*, Indian Journal of Human Development, Vol. 2, No. 1, P.p: 79-92.
21. Midgely, J. (2001). *South Africa: challenges of social development, international social Welfare*, Vol. 10, P.p: 267-275 .
22. Mirbagheri, N. Masoumi, D. & Navid, B. (2014). "Assessing the development of Ardabil cities using numerical and hierarchical taxonomic analysis models, *Journal of Economics and Urban Management*", Third Year, Number. 10, Spring.
23. Plagerson, Sophie; Patel, Leila; Hochfeld, Tessa; Ulriksen S. M. (2019). *Social policy in South Africa: Navigating the route to social development*, World Development, No. 113, P.p: 1–9.
24. Pishgahi Fard, Z; Mirzadeh Koohshahi, N. & Mirzadeh Koohshahi, M. (2010). *A Study of the Role of the Iraqi Federal Constitution in Increasing Iran's Ethnic Demands (with Emphasis on Kurdistan)*. Journal of Law Enforcement Science, Vol. 12, No. 4.
25. Rajabzadeh, A. & Kowsari, M. (2002). *Political Anomie in Durkheim's Thought*. Journal of Social Sciences and Humanities, Shiraz University, Vol. 19, No. 1.
26. Report on the status of the legatum progress index in 2010s-2020s; With an emphasis on measuring the status of Iran's progress index at the world level and the seven regions (2021). Program and budget organization of the country. Future Development Research Center.
27. Schweire, C; Fontaine, O. & Pirzade, J. (2006). *Bourdieu's words*, translated by Morteza Katabi, Tehran: Ney press.
28. Sen, A. K. (2013). *Development means freedom*, translated by Mohammad Saeed Nouri Naini, Tehran: Ney press.
29. Sung-Chan, Pauline; Yuen-Tsang, Angelina; Yadama, N. G. (2008). *Action research and social development in China: Creating synergy between marginalized populations and government officials*, Action Research, Vol. 6, No. 2, P.p: 193-212.
30. United Nations. (2018). *Key social development challenges in the Asia-Pacific region in the context of the 2030 Agenda for Sustainable Development*, Economic and Social Commission for Asia and the Pacific, Seventy-fourth session.
31. United Nations. (2019). *Third session of the Regional Conference on Social Development in Latin America and the Caribbean*, Mexico City, 1–3 October.

تبیین مدل مطلوب سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه استعداد‌های برتر و نخبگان

رمضان شریفی^۱

مالک ذوالقدر^۲

سیدفرشید جعفری پایبندی^۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۲/۱۰

چکیده

زمینه و هدف: هدف پژوهش حاضر، تبیین مدل مطلوب سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه استعداد‌های برتر و نخبگان بوده است.

روش: این پژوهش از لحاظ جهت‌گیری در پی مفهوم‌پردازی و با رویکرد کیفی و کدگذاری نظری بر گرفته از تحلیل تم انجام شده است. جامعه پژوهش شامل ۳۰ مقاله و پایان‌نامه بوده که از مجموع ۱۲۴ مقاله جستجو شده در پایگاه‌های اطلاعاتی علمی معتبر داخلی با استفاده از رویکرد هدف‌مند در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۴۰۱ انتخاب شدند.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های پژوهش، الگوی غالب و حاکم بر فضای سیاست‌گذاری نخبگان در کشور «الگوی نهادی» بوده و بر نهادهای حکومتی معینی مانند رهبری، مجلس، ریاست جمهوری، دادگاه‌ها، و ... متمرکز است. بر اساس یافته‌های حاصل از تحقیق، الگوی عقلانی برای سیاست‌گذاری مطلوب نخبگان و استعداد‌های برتر پیشنهاد شده است. الگوی پیشنهادی تحقیق تلفیقی از الگوی نهادی و عقلایی است که به نظر می‌رسد بتواند در مقابل نارسائی‌ها و محدودیت‌های کاربست مجزای الگوها پاسخگو و راهگشا باشد.

نتیجه‌گیری: استفاده از الگوی سیاست‌گذاری بر مبنای عقلانی در کنار الگوی نهادی می‌تواند چالش‌ها و مشکلات گذشته را تا حدود زیادی بر طرف نماید، ثانیاً با بهره‌گیری از نتایج مطالعات مربوط به پژوهش، در جهت رشد و پیشرفت هر چه بیشتر این زمینه مثمر ثمر واقع گردد.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری، بنیاد ملی نخبگان، نخبگان، استعداد برتر، مدل نهادی، مدل عقلانی.

۱. دانشجوی دکترای علوم سیاسی، سیاست‌گذاری عمومی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: malek.zolghadr@iauz.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

مقدمه

نخبگان در هر جامعه به عنوان مهم‌ترین منبع مزیت رقابتی، نقش مهمی را در راستای دستیابی به موفقیت و تحقق سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های ملی و سازمانی دارند (۲۰). در صورت ایجاد ظرفیت‌های حمایتی و تدوین خط‌مشی‌های مناسب جهت راهبری نخبگان می‌توان آینده نظام حکمرانی را، در راستای تحقق منافع عمومی کارآمدتر کرد (۲۳). با توجه به اهمیت نخبگان در کارآمدسازی نظام حکمرانی و مدیریتی جمهوری اسلامی ایران، یکی از ظرفیت‌های مهم، بهره‌گیری از رویکرد نخبگان است که در این تحقیق مدنظر است. هر کشوری برای جایگزینی فرار نخبه‌ها با قرار نخبه‌ها تلاش‌ها و اقداماتی را انجام می‌دهد، تا بتواند نفرات کلیدی را در جامعه حفظ کرده و از تخصص‌های آن‌ها بهره‌برداری کامل داشته باشد. در ایران سالانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار ایرانی با تحصیلات دانشگاهی از کشور خارج می‌شوند که معادل خروج ۱۱ میلیارد دلار سرمایه از کشور است (۱۱). بنا بر گزارش موسسه آموزش بین‌المللی (یونسکو)، با جذب دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های آمریکا در سال ۲۰۱۵ بیش از ۳۲۰ میلیون دلار وارد چرخه اقتصاد آمریکا شده است و در رده‌بندی، ایران از بین ۱۵ کشور اول دنیا از نظر تعداد دانشجو در آمریکا طی سال‌های ۱۵-۲۰۱۴، با تعداد ۱۰ هزار و ۱۹۴ دانشجو بعد از مکزیک رتبه یازدهم را به خود اختصاص داده است (۱۵).

در دهه‌های اخیر کشورهای توسعه یافته با تزریق منابع مالی به مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی و هم‌چنین برنامه‌ریزی‌های جامع و بلندمدت، سعی در جذب نخبگان خود و دیگر کشورها بوده‌اند که این امر، از سویی باعث رشد علمی و اقتصادی کشورهای توسعه یافته شده و از سویی دیگر باعث کاهش نیروهای نخبه و کاهش و توقف رشد اقتصادی در کشورهای مبدأ گردید و در نهایت منجر به وابستگی به کشورهای توسعه یافته شده است. بنابراین متفکران، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، برای جلوگیری از مهاجرت نخبگان و استعداد‌های برتر، برنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و سازمان‌های متفاوتی تشکیل دادند تا این روند نابرابر را تعدیل کنند. در این میان با سخنرانی رهبری در مهرماه ۱۳۸۳، فصل جدیدی از برنامه‌ریزی برای نخبگان و استعداد‌های برتر کشور شروع شد. در این مسیر، مهم‌ترین حرکت تصویب اساسنامه «بنیاد ملی نخبگان» در اواخر سال ۱۳۸۳ در «شورای عالی انقلاب فرهنگی» بوده است. این بنیاد سعی داشت از ظرفیت‌های نخبگان برای رشد و پیشرفت کشور، تولید دانش و جنبش نرم‌افزاری استفاده نماید و از سوی دیگر از مهاجرت نخبگان به خارج از کشور جلوگیری کند.

به طور کلی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، برای مدیریت و جلوگیری از مهاجرت نخبگان و استعداد‌های برتر، نیاز به مدارک و شواهد عمیق‌تر و ریشه‌ای دارند، تا بتوانند خروج نخبگان از کشور و مدیریت نخبگان را به عنوان یک مسئله مهم سیاست‌گذاری، در مقیاس کلان نهادی تبیین نمایند. توجه به نقش ویژه نهادها در یک چارچوب نهادی، نوید رویکردی نو و بدیع جهت تحلیل پدیده‌های اجتماعی از این دست را می‌دهد، نهادها دارای ویژگی‌ها و خصوصیت‌هایی هستند که موجب پویایی تحلیل‌ها می‌گردند

و نمی‌توان آن‌ها را در چارچوب‌های ایستا تحلیل کرد. به همین دلیل با بررسی خصوصیات نهادهای تأثیرگذار در امر سیاست‌گذاری، به شناسایی مسیرهای اثرگذار نهادها بر شناسایی، حمایت و توان‌مندسازی و مهاجرت نخبگان رهنمون شد. چرا که این نهادها هستند که به انگیزه‌های اشخاص و جوامع شکل می‌دهند و ساختار آن را مشخص می‌کنند (۱۱)، و هر گونه ثبات، نظم و امنیت نیازمند وجود نهادهای متناسب و حمایت‌کننده است. در این میان نهادهای سیاسی، حقوقی و اقتصادی یک جامعه از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های امور مربوط به سیاست‌گذاری نخبگان هستند. بر اساس دیدگاه بیکویل^۱ (۱۹۹۶)، اگر نخبگان از شرایط نهادی حاکم بر جامعه رضایت نداشته و احساس خطر کنند، به فکر مهاجرت می‌افتند (۴).

مهم‌ترین نهادهای مؤثر بر سیاست‌گذاری نخبگان، نهادهای حقوقی، سیاسی و اقتصادی بوده و با بهره‌گیری از مولفه‌های حاکمیت قانون، آزادی سیاسی، فراهم‌سازی شرایط مالی و تحقیقاتی، امنیت شغلی، ثبات سیاسی، شایسته‌سالاری، امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری، می‌توانند زمینه مطلوبی هم برای نخبگان جامعه و هم برای رشد اقتصادی جوامع فراهم آورند (۱۹). سیاست‌گذاری بر اساس مدل نهادی محدودیت‌علاقه، ارزش‌ها و استراتژی‌های بازیگران وجود دارد (۹). اغلب با اعتراض و تضاد و یا با همزیستی، ترکیب و منطق همراه است (۱۰). واقعیت آن است که جامعه بدون وجود کارگزاران شایسته‌ای که راهبری آن را در حوادث و اتفاقات مهم عرصه سیاست و اقتصاد بر عهده داشته باشد، نمی‌تواند کارکردهای خود را انجام دهد و تداوم خود را تضمین کند. در صورتی که نخبگان از نهادهای جامعه احساس کارآمدی کنند، آینده زندگی در آن جامعه را امیدبخش می‌دانند (۱۳).

بررسی مطالعات بیانگر این است که عدم پرداخت به این موضوع منجر به برخی چالش‌ها در کشور شده که هم اکنون پیامدهای آن در حوزه‌های مختلف جامعه قابل مشاهده است. چالش‌هایی هم‌چون عدم توجه بخش دولتی و نظام حکمرانی به نخبگان علمی و اجتماعی، فقدان شایسته‌سالاری در مناصب مدیریتی (۳)، ضعف ایده‌پردازی و تفکر خلاق و حل مسأله در مراکز دولتی و حاکمیتی (۱۶)، عدم اتصال یکپارچه نهاد علم و سیاست (۱)، عدم توجه به مقوله مدیریت استعداد در سازمان‌های دولتی (۶)، فقدان جانشین‌پروری کارآمد مبتنی بر بهره‌گیری از نخبگان (۱۶)، خروج نخبگان از کشور به علت فقدان جایگاه شغلی جهت نقش‌آفرینی (۲۱)، نظام جذب و گزینش ناکارآمد (۶)، عدم تمایل نخبگان جهت ورود به عرصه‌های علوم انسانی و مدیریتی و ... از سوی دیگر در نظام سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی نیز، هم در سطح مشاوره‌ای و هم در سطح مدیریتی مشکلات متعددی هم‌چون بالا رفتن سن مدیران، فقدان شایسته‌سالاری، فقدان نگاه دانش‌محور و خلاق‌محور، عدم ارتباط نظام‌مند با نخبگان، صاحب‌نظران و ... وجود دارد که برخی از این کاستی‌ها به ضعف پرورش منابع انسانی ملی و خصوصاً نخبگان در راستای نقش‌آفرینی در نظام سیاست‌گذاری مربوط است. بنابراین مطالعه سیاست‌گذاری در زمینه نخبگان ضروری

^۱. Bakeville

به نظر می‌رسد و دست‌یابی به یک نظام سیاست‌گذاری مطلوب مستلزم توجه و اهتمام جدی به پژوهش علمی در این زمینه است. بدین منظور مسأله اصلی در پژوهش حاضر با توجه به خلاء ساختاری مزبور در بنیاد ملی نخبگان و با تأکید بر نقش نهادها، به دنبال تدوین مدلی منطبق و سازگار با استعدادهای برتر است. لذا پژوهش حاضر با دارا بودن نوآوری، جامعیت، بومی بودن و اجرایی بودن آن که همزمان به اغلب مولفه‌های تأثیرگذار در سیاست‌گذاری مبتنی بر نخبگان توجه می‌نماید، در پی پاسخگویی به این سؤال می‌باشد که الگوی مناسب برای سیاست‌گذاری نخبگان و استعدادهای برتر کدام است؟

مبانی نظری

پیشینه تجربی تحقیق

بررسی مطالعات و تحقیقات انجام شده در داخل ایران نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌های انجام شده در زمینه مدیریت استعداد، آسیب‌شناسی مهاجرت نخبگان، روش‌های جذب و به کارگیری نخبگان بوده است. علی‌پور، تسلیمی (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی رویکردهای استعدادپژوهی در خط‌مشی‌های نخبگانی کشور پرداختند. این پژوهش به صورت کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. یافته‌های پژوهش بر غلبه «عام‌گرایی» و «شخص‌نگری» در خط‌مشی‌های نخبگانی کشور دلالت دارند. عام‌گرایی با تاریخ سیاسی و فرهنگ عمومی کشور سازگار بوده و در آن شخص مستعد در قلمرو می‌تواند به منزله فردی مستعد در همه قلمروهای دیگر تصور گردد. هر چند تبیین غلبه فردی‌نگری با نوعی پیچیدگی همراه است. زیرا برنامه‌های مختلف شناسایی، پرورش، حمایت و نگهداری از استعدادهای برتر در کشور از رویکردها بهنجارسازی، استانداردسازی و عینیت‌گرایی تأثیرگذار هستند. ملک‌شاهی و واعظ و تقی‌پور (۱۴۰۰)، در پژوهشی به آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران برای مهار مهاجرت نخبگان پرداخت. نوع روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای است. نتایج نشان داد که هر چند جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با مهاجرت نخبگان، راهکارهای مختلفی به کار گرفته است ولی با این حال، این سیاست‌ها با آسیب‌ها و چالش‌های بسیاری مواجه بوده است که این امر روند مهار مهاجرت نخبگان را متوقف نساخته است (۱۴). این مقاله به دلیل عدم توجه به برنامه‌های اجرایی بنیاد ملی نخبگان دارای نواقصی بوده است که محقق در پژوهش حاضر درصدد رفع این کاستی است. فاطمی امین (۱۳۹۷)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی تحلیل نهادی-ساختاری خروج نخبگان از کشور پرداخت. در این پژوهش، محقق جهت برقراری میان رویکرد نظری و تجربی، بر تحلیل‌های نهادی متمرکز گردید و دو روش تطبیقی کمی (متغیرمحور) و کیفی (فرایندمحور) به موازات یکدیگر به کار گرفت. نتایج تحقیق بیانگر میزان بالای خروج نخبگان و ضرورت تقویت ظرفیت‌های نهادی کشورهای مبدأ از طریق سرمایه‌گذاری در بستر نهادی و جذب مجدد نخبگان است. همچنین پژوهشگر به این نتیجه دست یافت که افزایش مهاجرت نخبگان در کشور بیانگر اجرای ضعیف

حاکمیت قانون، آزادی‌های اقتصادی و سیاسی محدود، بی‌ثباتی سیاست‌ها، ضعف مدیریت، عدم شفافیت و دیگر عوامل نهادی بوده است (۸). کاموچی و لیت (۲۰۲۲)، در پژوهشی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر روند تبدیل «استعداد» فردی به نخبگان شرکتی و مولفه‌های مهم در راستای فرآیند نخبه شدن چیست، پرداختند. این پژوهش با رویکرد کیفی و انجام مصاحبه انجام شده است. جامعه پژوهش ۲۱ نفر از مدیران سازمانی و نخبگان سیاسی کشور هنگ‌کنگ بوده است. در این تحقیق فرایند مدیریت استعداد به عنوان شکل جدیدی از نوآوری منابع انسانی تا حد زیادی از دیدگاه مدیران و سازمان کشور هنگ‌کنگ بیان شده است (۱۲). تیسکبو (۲۰۲۲)، در پژوهشی چگونگی آشکار شدن استعدادیابی در یکی از شرکت‌های تابعه یک سازمان بزرگ سوئدی را بر اساس مدل نهادی مورد مطالعه قرار داد. روش پژوهش کیفی و جمع‌آوری داده‌ها شامل مصاحبه، مشاهده و مطالعه اسناد بوده است. با استفاده از دیدگاه مدل نهادی، محقق پیشنهاد داده است روشی که بازیگران سازمانی استعدادیابی خود را انجام می‌دهند، مبتنی بر منطقی است که آن‌ها اعمال می‌کنند و از آن استفاده می‌کنند. بنابراین توجه بر چگونگی ادغام هنجارها، نمادها و عملکردهای سازمانی مختلف در شناسایی استعدادها متمرکز است (۲۰).

چارچوب مفهومی

در انجام پژوهش حاضر، با توجه به امکان به کارگیری نظریه‌های نهادی و عقلانی، استفاده از یک چارچوب نظری که مبتنی بر پژوهش‌های گذشته و اسناد بالادستی، سازمانی، سیاست‌های ملی و اساسنامه بنیاد ملی حوزه نخبگان است، ضروری به نظر می‌رسد. پس از آن برای پاسخ دادن به سئوالات پژوهش باید مبتنی بر این چارچوب، یک پژوهش کیفی طراحی و اجرا شده است. هدف اصلی این پژوهش، یافتن الگوی مطلوب برای سیاست‌گذاری نخبگان و استعدادهای برتر است. چارچوب نظری ارائه شده بر مبنای مطالعات گذشته و اسناد بالادستی بوده است که در مرحله جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده‌اند. علاوه بر این، حساسیت نظری پژوهشگر نسبت به موضوعات مختلف مشارکت و نقش نهادها در سیاست‌گذاری نخبگان بر مبنای این چارچوب شکل گرفته است.

سیاست‌گذاری به مثابه پیامد نهادی: «بیان می‌دارد که رابطه بین سیاست عمومی و نهادهای دولتی بسیار نزدیک است و یک سیاست تا زمانی که بعضی نهادهای دولتی اتخاذ، اجرا و به پیش نبرند تبدیل به سیاست عمومی نمی‌شود» (۸). در این مدل مبنا و اساس سیاست‌گذاری مبتنی است بر فعالیت‌های نهادهای حکومتی مانند مجلس، ریاست جمهوری، قوه قضائیه و غیره، یعنی این نهادها هستند که خط‌مشی‌ها را تدوین و اجرا می‌کنند. به عبارتی دیگر خط‌مشی در مدل نهادی حاصل تعادل و توازن بین نهادها است. در این مدل به نحوی سیاست‌گذاری شکل می‌گیرد که نهادی بر نهاد دیگر غالب نشود (۱۲).

¹. Kamoche, K., & Leigh

². Tyskbo

سیاست‌هایی که از سوی نهادهای دولتی اتخاذ می‌شوند دارای چند ویژگی هستند. اول این که قبل از هر چیز دولت به سیاست‌ها مشروعیت می‌بخشد. ویژگی دوم این است که دولت به سیاست‌ها ضمانت اجرا بخشیده و موجب می‌شود شهروندان به آن گردن نهند. و ویژگی سوم گستردگی و فراگیری است که سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دولت در سطح جامعه در بر دارد. در واقع دولت با در دست داشتن قدرت اجرایی، خط‌مشی‌های متخذه را در سطح جامعه در مورد همگان به اجرا در می‌آورد. حال آن که این توانایی در دیگر مؤسسات جامعه وجود ندارد (۲۰).

مولفه‌های مربوط به این الگو در جدول (۱) خلاصه و تبیین شده است.

جدول شماره (۱): مولفه‌های الگوی نهادی

الگوی نهادی	
تعریف سیاست‌گذاری؟	سیاست‌گذاری، همان خروجی سازمان (برونداد بروکراتیک)
چه کسی؟	شاخه‌های مجریه، مقننه و قضایی
چگونه؟	سیاست توسط این نهادها، به نوعی مقتدرانه تعیین، پیاده‌سازی و اجرا می‌گردد (قانونی، فراگیر و اجباری است)
دلایل / مفروضات	اشخاص تأثیر کمی دارند و ساختار/ تشکیلات است که بر نتایج تأثیر می‌گذارد.

بنیاد ملی نخبگان با توجه به رسالت و ماهیت آن، بر بخش‌ها و نهادهای مختلف نقش مهمی بر عهده دارد. بنابراین در امر سیاست‌گذاری برای این نظام در بیشتر موارد دخالت و حضور دیگر نهادهای جامعه الزامی است (۸). مهم‌ترین مزیت کاربرد مدل نهادی در فرایند سیاست‌گذاری نخبگان دست‌یابی نهادهای گوناگون به منافع مورد نظرشان است که به دست‌یابی منافع عمومی آحاد جامعه منجر می‌گردد (۲).

در ایران مدل نهادی برای سیاست‌گذاری در نظام نخبگانی کاربرد بسیاری دارد. بیشتر مصوبات این بخش را نهادهای سیاست‌گذار با مشارکت نهادهای مرتبط با موضوع مصوبه مورد بحث اتخاذ می‌گردد. بررسی «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» و «اساسنامه بنیاد ملی نخبگان» بیانگر این است سیاست‌گذاری در حوزه جذب و توان‌مندسازی و شناسایی نخبگان توسط نهادهای حاکمیتی صورت می‌گیرد. بدون لحاظ دولت به عنوان تصمیم‌گیر در سیاست‌گذاری امکان این اتفاقات و سیاست‌گذاری در کل دنیا قابل تصور نیست. لذا دلیل انتخاب الگوی نهادی جهت بررسی در پژوهش حاضر این بوده است که در کل دنیا امر جذب و شناسایی و توان‌مندسازی نخبگان یک امر حاکمیتی بوده است و سیاست‌گذاری در این خصوص یک امر دولتی است و بدون وجود نهادهای دولتی که در این خصوص وضع قانون بکنند و اجرا بکنند و بر قوانین وضع شده و نحوه اجرا نظارت بکنند. امکان تصور سیاست‌گذاری در این حوزه وجود ندارد، پس فلسفه وجودی و انتخاب الگوی نهادی به همین دلیل است.

رویکردی دوم که لزوم سیاست‌گذاری عرصه نخبگان و استعداد‌های برتر را تبیین نموده‌اند و نیز بر ضرورت سیاست‌گذاری عقلانی در این باره اذعان نموده است، مورد مدنظر نوشتار حاضر می‌باشد. این رویکرد می‌تواند در مدل سیاست‌گذاری عمومی در بعضی مواقع به نتایج مطلوب‌تری در زمینه توسعه و رشد نخبگان دست یابد. سیاست‌گذاری برای امر نخبگان دارای مسائل ناشناخته، اهداف غیر صریح، معیارهای مبهم و راه‌حل‌ها و نتایج نامشخصی است. بنابراین علت انتخاب الگوی عقلانی در پژوهش حاضر این است که در برخی مواقع بر اساس الگوی نهادی دولت یا نهاد سیاست‌گذار بدون لحاظ و توجه به مشارکت گروه مخاطب که نخبگان باشد، اقدام به سیاست‌گذاری می‌کند ولی در روش عقلایی سیاست‌گذاری بر اساس سنجش مطالعات انجام شده و تمامی اطلاعات جمع‌آوری در حوزه موردنظر تصمیم‌گیری را انجام می‌دهد و در نهایت گزینه‌ای که بیشترین سودآوری و کارایی را دارد، انتخاب می‌گردد.

روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها و سبک تحلیل در گروه تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد. اطلاعات اسنادی مبنای روش جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق است. روش انجام تحقیق، مرور تحقیقات گذشته است که یک فراترکیب با شیوه کدگذاری متداول در تحقیقات کیفی است. ابزار گردآوری داده ۳۰ مقاله و پایان‌نامه است که از مجموع ۱۲۴ مقاله جستجو شده در پایگاه‌های اطلاعاتی علمی معتبر داخلی با استفاده از رویکرد هدف‌مند در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۴۰۱ انتخاب شدند. فراترکیب روش پژوهشی جهت یکپارچه‌سازی تحقیقات گوناگون در مورد یک موضوع با رویکرد تفسیری و جامع است (۵). روش فراترکیب موجب شکل‌گیری نظام‌مند به موضوع را فراهم می‌سازد و به کشف موضوع و استعاره‌های جدید و به روز کمک می‌کند (۲۲). در پژوهش حاضر بر اساس روش فراترکیب، مراحل تدوین مسئله پژوهش (شناسایی سیاست‌گذاری‌های مربوط به نخبگان)؛ تدوین و توسعه دستورالعمل مرور متون، جستجوی نظام‌مند متون، بررسی و انتخاب مقاله‌های مناسب؛ ارزیابی کیفیت و اطلاعات مقاله، گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌ها، گزارش یافته‌ها صورت پذیرفته است. در این مرحله، جامعه پژوهش عبارت است از مطالعات انجام شده در زمینه سیاست‌گذاری نخبگان و استعداد‌های برتر. جهت تحلیل مرحله کیفی و انجام کدگذاری، از نرم افزار MAXQDA ورژن ۱۸ استفاده شده است. در پژوهش حاضر، به منظور درک چگونگی سیاست‌گذاری نخبگان نیاز به درک و شناخت اسناد بالا دستی و سیاست‌های ملی مرتبط با نخبگان و همچنین اسناد سازمانی و اساسنامه بنیاد ملی نخبگان وجود داشت. در جدول (۲) اسناد مورد مطالعه درج گردیده است.

جدول شماره (۲): مشخصات محتوای پژوهش منبع یک

عنوان سند	مرجع تصویب/انتشار	تاریخ تصویب / انتشار
سند چشم انداز ۱۴۰۴	مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۳۸۴
سند راهبردی کشور در امور نخبگان	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۹۱
بررسی روش‌های شناسایی استعداد‌های برتر و ارائه الگوهای عملی	ستاد اجرایی سازی سند راهبردی نخبگان	۱۳۹۰
استخراج اصول تأمین نیاز فرهنگی استعداد‌های برتر	ستاد اجرایی سازی سند راهبردی نخبگان	۱۳۹۰
بررسی مسئله جداسازی استعداد‌های برتر از سایر دانش آموزان در آرای صاحب نظران کشور	ستاد اجرایی سازی سند راهبردی نخبگان	۱۳۹۰
آیین نامه ها و ضوابط بنیاد ملی نخبگان	بنیاد ملی نخبگان	۱۳۹۳

هم‌چنین از مقالات و پایان‌نامه‌های انجام شده در زمینه سیاست‌گذاری نخبگان جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. جدول (۳) بیانگر منابع مورد استفاده شده است.

جدول شماره (۳): مرور سیستماتیک منابع مورد مطالعه

ردیف	عنوان	نام و نام خانوادگی نویسنده	مقاله / پایان نامه	نام نشریه / نام دانشگاه	سال چاپ
۱	طراحی مدل نگهداشت نخبگان در سازمان‌های دولتی ایران	ایوب سرفراز؛ معمارزاده طهران، غلامرضا و حمیدی، ناصر	مقاله	مدیریت منابع در نیروی انتظامی	۱۳۹۸
۲	معماری فرایند هدایت و به کارگیری استعداد‌های علمی در ایران	گلشاهی، بهنام، رستگار، عباسعلی، فیض، داوود، زارعی، عظیم‌اله	مقاله	پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی	۱۳۹۷
۳	شناسایی رویکردهای راهبردی در خط‌مشی‌گذاری نخبگان در راستای کارآمدسازی نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران	نحفی رستاقی، حیدر؛ ذوالفقارزاده، محمدمهدی	مقاله	راهبرد	۱۳۹۹
۴	واکاوای علل ماندگاری نخبگان در کشور	صفرزاده، حسن	پایان‌نامه	دانشگاه خوارزمی	۱۳۹۷
۵	طراحی مدل به کارگیری نخبگان علمی در محیط‌های دانشگاهی کشور (مطالعه موردی: اساتید دانشگاه تهران)	پیوسته، اکبر	پایان‌نامه	دانشگاه تهران	۱۳۹۶
۶	مدیریت بهینه منابع انسانی نخبه با بررسی نیازها، موانع و مشکلات و راهکارهای پیشنهادی از دیدگاه خود آن‌ها	طالب‌زاده، خادمی	مقاله	پژوهش مدیریت منابع انسانی	۱۳۹۷
۷	تحلیل نهادی- ساختاری خروج نخبگان از کشور	قاسمی امین، زینب- السادات	پایان‌نامه	دانشگاه فردوسی مشهد	۱۳۹۷
۸	فرهنگ سیاسی نخبگان و توسعه سیاسی ایران در الگوی ایرانی- اسلامی پیشرفت	سوری، فاطمه و غلامرضا خواجه سروی	مقاله	فصلنامه پژوهش- های معاصر انقلاب اسلامی	۱۴۰۰
۹	ارزیابی نظام مدیریت نخبگان در بخش دولتی جمهوری اسلامی ایران	پازوکی طرودی، امیر	پایان‌نامه	دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود	۱۳۹۵
۱۰	طراحی الگوی مدیریت استعداد‌های دانشجویی در دانشگاه امام صادق (ع)	باقری قورتانی، مهدی	پایان‌نامه	دانشگاه امام صادق	۱۳۹۷
۱۱	بررسی تأثیر نخبگان سیاسی بر کارآمدی دولت در ایران (با تأکید بر دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران)	یزدانی، ابودر	پایان‌نامه	دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت	۱۳۹۸
۱۲		نوروزی، خلیل؛ دوستار،		سیاست‌های	

۱۳۹۲	راهبری و کلان	مقاله	محمد؛ فروغی، نفیسه؛ جوادی، مجتبی	بررسی راهبردهای جذب نخبگان در نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران	
۱۳۸۸	دانشگاه امام صادق	پایان‌نامه	حمیدیا، بابک	آسیب‌شناسی نظام جذب و نگهداری نخبگان علمی کشور با رویکرد MCDM	۱۳
۱۳۹۰	دانشگاه امام صادق	پایان‌نامه	طبیعی، منصور	گردش نخبگان و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران	۱۴
۱۳۹۸	فصلنامه مدیریت دولتی	مقاله	تسلیمی، محمدسعید؛ علی‌پور، مبثم	رویکردهای استعدادپژوهی در خط‌مشی‌گذاری‌های نخبگانی کشور	۱۵
۱۳۹۳	دانشگاه علامه طباطبایی	پایان‌نامه	انصاری، محمدمهدی	الگوی پرورش و گزینش نخبگان سیاسی در جمهوری اسلامی ایران	۱۶
۱۳۹۹	دانشگاه تهران	پایان‌نامه	نجفی رستاقی، حیدر	ارزشیابی خط‌مشی‌های توان‌مندسازی مستعدین برتر برای نقش‌آفرینی در حل مسائل مدیریتی و حکمرانی جمهوری اسلامی ایران	۱۷
۱۴۰۰	جامعه‌شناسی سیاسی ایران	مقاله	ملگشاهی، حجت‌الله؛ واعظ، نفیسه و فائزه تقی-پور	آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران برای مهار مهاجرت نخبگان	۱۸
۱۴۰۰	مطالعات توسعه اجتماعی ایران	مقاله	مقدم، شیوا؛ عزیزآبادی فراهانی، فاطمه؛ صالحی امیری، رضا	مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر مشارکت نخبگان در سیاست‌گذاری فرهنگی	۱۹
۱۳۹۸	راهبردهای آموزش در علوم پزشکی	مقاله	خسروی و همکاران	مهاجرت نخبگان و رابطه آن با توسعه: فرصت‌ها و چالش‌ها برای سیاست‌گذاران	۲۰
۱۳۹۷	دانشگاه سمنان	پایان‌نامه	گلشاهی، بهنام	معماری فرایند مدیریت استراتژیک استعداد در بنیاد ملی نخبگان: رویکرد نگاه‌شناختی	۲۱
۱۳۹۵	دانشگاه پیام نور استان تهران	پایان‌نامه	شاه‌میری، بهمن	طراحی مدل بومی پویا از کانون تفکر نخبگانی مبتنی بر تأثیرگذاری بر سیاست‌های کلی کشور (مطالعه موردی: بنیاد ملی نخبگان)	۲۲
۱۳۹۸	مدیریت دولتی	مقاله	محمدزاده سلطان مرادی، هادی و همکاران	تبیین و آسیب‌شناسی الگوی جاری مدیریت دولتی در ایران	۲۳
۱۳۹۱	مدیریت فرهنگ سازمانی	مقاله	دانایی‌فرد، حسن و همکاران	فهم انتقال خط‌مشی اصلاحات اداری در ایران: پژوهشی بر مبنای راهبرد داده بنیاد	۲۴
۱۳۹۵	خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت	مقاله	محمدی و همکاران	طراحی و تبیین الگوی اثربخش نظام اداری ایران	۲۵
۱۳۹۵	ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی	مقاله	حلاجیان، ابراهیم	بررسی و زایش و به کارگیری نوآوری‌های مدیریتی در کارآمدسازی عوامل تحقق هدف‌های کارآفرینی سازمانی در سازمان‌های دولتی	۲۶
۱۳۹۹	مطالعات راهبردی ورزش و جوانان	مقاله	بزرگ‌زاد، سعیده، کاظمی-پور، شهلا و رضا علی محسنی	بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر میزان گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور	۲۷
۱۴۰۱	نشریه فرهنگ و ارتقا سلامت	مقاله	ملک‌پور، رضا و همکاران	ریشه‌ها و راهکارهای مسئله مهاجرت نخبگان در ایران	۲۸
۱۳۹۹	رهیافت انقلاب اسلامی	مقاله	نوربخش، بهمن و سعید میرترابی	ضعف اجماع نخبگان و پیامدهای آن بر چرخه سیاست‌گذاری توسعه در ایران	۲۹
۱۳۹۹	مطالعات مدیریت دولتی ایران	مقاله	ذوالفقارزاده، محمدمهدی، دیداری، مهدی و مریم هداوند	گونه‌شناسی ذهنیت نقش‌آفرینان در تدوین سیاست‌های نخبه‌گزینی و نخبه-پروری: پژوهشی مبتنی بر روش‌شناسی کیو	۳۰

با توجه به تحلیل انجام شده، در مجموع ۱۰۲ مفهوم استخراج شد که با ادغام مفاهیم مشترک در مقوله منحصر به فرد مشخص شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس روش کدگذاری نظری انجام گردید. کدگذاری شامل مراحل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است. در این تحقیق کدگذاری باز در طی مرور داده های گردآوری شده و خلاصه نویسی های صورت گرفته از اسناد و مدارک انجام شد.

یافته های پژوهش

در پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل اطلاعات بر مبنای کدگذاری نظری انجام شد. فرایند کدگذاری شامل سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی یا انتخابی است. نتایج این مراحل در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول شماره (۴): مفاهیم و مقوله های سیاست گذاری نخبگان

منبع	مقوله	مفاهیم
		- ضعف بنیاد در پیگیری اجرای قانون - ضعف در ایجاد هماهنگی و انسجام بخشی بین دستگاه های اجرایی در روند اجرای قانون - ناهماهنگی و جزیره ای عمل کردن دستگاه های اجرایی - فقدان اولویت بندی در اجرای تعهدات برنامه های توسط دستگاه های اجرایی - فقدان تصویر روشن دستگاه ها از معیارهای طراحی برنامه های اجرایی - مشخص نبودن ساز و کارهای نظارتی و عدم استقرار نظام ارزیابی عملکرد در بنیاد
نجفی رستاقی (۱۳۹۹)؛ فاطمی امین (۱۳۹۷)؛ صفرزاده (۱۳۹۷).	مشخص نبودن جایگاه نهادهای رسمی متولی سیاست گذاری نخبگان	- عدم توجه به واقعیت های موجود در جامعه در تدوین سیاست گذاری - عدم پاسخگویی به مسائل و مشکلات روز محیط - اعمال سلائق سیاسی و قوم گرایی - عدم پاسخگویی به نیازها و تقاضاهای اجتماعی - ناکارآمدی در سیاست گذاری و راهبردی کلان نظام نخبگان
فاطمی امین (۱۳۹۶)؛ پیوسته (۱۳۹۶)؛ نجفی رستاقی (۱۳۹۹).	ضعف مسئولیت اجتماعی	- غلبه تفکر حزبی و جناحی به جای تفکر تخصص محور در کنش های مسئولان و مدیران - شخصیت ها و نهادهای سیاسی ذی نفع در اقتصاد آموزش و پرورش - نهادها و شخصیت های نا آشنا و نا آگاه نسبت به اهمیت مدیریت نخبگان و استعدادهای ملی - در اولویت قرار نداشتن مقوله پرورش استعدادها و نخبگان در برخی نهادهای تقنینی و سیاسی ایران در فضای بین الملل و تهدید تعاملات بین الملل در عرصه مدیریت نخبگان - فقدان شایسته سالاری در نظام مدیریتی و اجرایی کشور و عدم بهره گیری از نخبگان در سطوح گوناگون اداری
نوری و خواجه سروی (۱۴۰۰)؛ نوروزی و همکاران (۱۳۹۲).	عدم بلوغ به کارگیری مناسب سیاست گذاری مبتنی بر نهادی نظام نخبگان	- چشم پوشی و نادیده گرفتن افق و چشم انداز سیاست گذاری در تدوین - شکست برنامه های راهبردی با نگاه تک بعدی صرف - نداشتن برنامه مشخص و مدون - ناکارآمدی در سیاست گذاری و راهبردی کلان نظام نخبگانی - بودجه کم نهادهای مرتبط با زمینه های آموزش و پرورش
نجفی رستاقی (۱۳۹۹)؛ فاطمی امین (۱۳۹۷).	ضعف اندیشه راهبردی در سیاست گذاری نظام نخبگان	

<p>مشکلات معیشتی استعداد‌های برتر و عدم شکوفایی این استعدادها - گسترش بیکاری و ضعف نهادهای کشور در زمینه کارآفرینی - رشد مجموعه‌های جایگزین نظام آموزشی کشور و موسسات کنکوری با رویکردهای نامناسب و تخریب‌کننده در زمینه مدیریت استعدادها و نخبگان</p>	<p>مشکلات اقتصادی حمیدیا (۱۳۸۸).</p>	
<p>- ناکارآمدی نهاد آموزش و پرورش در راهبری صحیح نخبگان و استعداد‌های برتر و نخبگان - ضعف در ایجاد بسترهای خلاق و مشارکتی در پرورش استعدادها و مدیریت نخبگان</p>	<p>ضعف عملکردی سیاست‌گذاری نظام نخبگانی طبیعی (۱۳۹۱)؛ ملک‌شاهی و همکاران (۱۴۰۰).</p>	
<p>- ضعف در پرورش و توان‌مندسازی نخبگان در راستای حل مسائل و نیازهای کلان نظام - تفکر اداری و بوروکراتیک در برابر تعاملات نخبگان - ضعف در فعالیت رسانه‌ای و ارتباطاتی به منظور معرفی ظرفیت‌ها و برنامه‌های بنیاد</p>	<p>فقدان جان‌نشین‌پروری کارآمد مبتنی بر بهره‌گیری نخبگان طبیعی (۱۳۹۱)؛ فقیهی ذاکری (۱۳۹۳).</p>	
<p>- خروج نخبگان از کشور به سمت کشورهای توسعه یافته - ضعف در جذب و هدایت نخبگان به ساختارهای مدیریتی و تأثیرگذار در کشور - عدم ارتباط و بهره‌گیری از ایرانیان و نخبگان خارج از کشور در راستای حل مسائل ملی - عدم تناسب فرایند توان‌مندسازی و نگهداشت نخبگان با نیازها و مسائل واقعی کشور</p>	<p>ضعف در مدیریت نخبگان نجفی رستاقی، ذوالفقارزاده (۱۳۹۸)، ملک پور افشار (۱۴۰۱).</p>	
<p>- زمینه‌سازی برای اثرگذاری افراد و گروه‌های نخبه در جامعه - ارتقای نظام سیاست‌گذاری و مدیریت امور نخبگان - بررسی و شناخت وضع موجود - در نظر گرفتن واقعیت‌ها و وضع جامعه - نیازسنجی متناسب با شرایط جامعه و هر منطقه - ارتباط بنیاد با صنعت متناسب با نیاز جامعه - تحلیل وضع موجود و تصمیم‌گیری بر نیازهای نخبگان</p>	<p>نیازسنجی عقلایی سند راهبردی کشور در امور نخبگان</p>	
<p>- توسعه زیرساخت‌های پژوهشی، فرهنگی و اطلاع‌رسانی نخبگان - کیفیت‌گرایی - وضع قوانین به منظور بهره‌گیری موثر از شواهد</p>	<p>تدوین عقلایی برنامه‌های اقدام شاهدمحور ملک پور افشار (۱۴۰۱)؛ فرهی و همکاران (۱۳۹۵).</p>	
<p>- تعامل اثربخش با سایر نهادها و تقویت آموزش غیررسمی - ارتباط موثر با نهادهای پژوهشی مستقل - ایجاد پایش مبتنی بر شواهد در سیاست‌گذاری - ایجاد ساز و کارهای جمع‌آوری و تدوین شواهد علمی و پژوهشی</p>	<p>ایجاد بانک جامع شواهد قابل دسترس برای سیاست‌گذاری نخبگان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش</p>	
<p>- توسعه مستمر شایستگی‌ها و توان‌مندی‌ها - بازنگری ساختارها و رویه‌ها - توسعه مستمر شایستگی‌ها و توان‌مندی‌ها - بهبود هرم ترکیب نیروی انسانی نظام - ارتقای شایسته‌سالاری برای انتصاب افراد در جایگاه‌های مدیریتی - ارتقای همکاری‌های علمی و تحقیقاتی - ارتقای بهره‌وری منابع انسانی</p>	<p>توان‌مندسازی سیاست‌گذاران سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نقشه جامع علمی کشور</p>	
<p>- مدرک‌گرایی - افزایش بی‌رویه توجه به کمیت‌گرایی - عدم نیازسنجی متناسب با شرایط جامعه - عدم نیازسنجی مناسب - عدم انطباق با واقعیت‌های جامعه</p>	<p>کمی‌نگری مزمین در سیاست‌گذاری نظام نخبگانی نجفی رستاقی (۱۳۹۹)، فقیهی ذاکری (۱۳۹۲)؛ فاطمی امین (۱۳۹۷).</p>	
<p>- فقدان شایسته‌سالاری در برنامه‌های آموزشی و دانشگاهی - نبود خبرگان و کارشناسان متخصص</p>	<p>ضعف شایسته‌سالاری در سیاست- احمدی و نوبخت (۱۳۹۶).</p>	

گذاری	عدم توجه بخش دولتی و نظام حکمرانی به نخبگان علمی و اجتماعی - نادیده گرفتن نخبگان شایسته در دستگاه‌های اجرایی
ضعف ظرفیت‌سازی و فقدان آزاداندیشی در سیاست‌گذاری نظام نخبگانی	- نبود بستری مناسب در بهره‌گیری از پتانسیل بالقوه نخبگان - عدم استفاده از پتانسیل و توانایی بالقوه نخبگان - نبود بستری مناسب برای ارائه نظرات و پیشنهادات - عدم آزادی‌های علمی
فاطمی امین (۱۳۹۷)، بزرگ‌زاده و همکاران (۱۳۹۷).	- سلیقه‌ای عمل نمودن سیاست‌گذاران - ضعف در مستندات و همکاری - عدم توانایی در مشارکت و همکاری گروهی - نبود تمایل به تصمیم‌گیری مشارکتی
ملکشاهی (۱۴۰۰)، پازوکی طروخی (۱۳۹۵).	- مقاومت در برابر تغییر - مقاومت در برابر تغییر و تحولات - نادیده گرفتن واقعیت‌ها و نیازهای جامعه
سیاست‌زدگی در نظام سیاست‌گذاری نظام نخبگانی	- تمرکز دخالت دولت در مدیریت و اداره نخبگان - عدم استقلال بنیاد - تصمیم‌گیری‌های آمرانه نظام و عدم استقلال نسبی در امور نخبگان - کاهش هیات علمی و اساتید در امور علمی - داخل شدن سیاست - جذب نخبگان از روش‌های مختلف فرهنگی - گسترش همکاری‌های علمی در سطح بین‌الملل - گسترش فعالیت‌های علمی در حوزه‌های مختلف فرهنگی
مقدم و همکاران (۱۴۰۰).	- مشارکت نخبگان در تمام سطوح - ایجاد تعهد مشترک بین سیاست‌گذاران و مجریان - طراحی ساختار مناسب به منظور دسترسی به تولید کنندگان شواهد - تربیت سیاست‌گذاران و خبرگان جهت استفاده از مدل عقلانیت - جایگاه‌سازی نهادهای موثر در سیاست‌گذاری نظام نخبگانی - گسترش فعالیت‌های بخش‌های خصوصی در سیاست‌گذاری نخبگانی
ملک‌پور افشار (۱۴۰۱)، نوربخش و میرترابی (۱۳۹۹).	- الگوبرداری در تولید ثروت - سیاست‌گذاری متناسب با شرایط جامعه - الگوبرداری از مدل‌های موفق سیاست‌گذاری
سند راهبردی کشور در امور نخبگان، پیوسته (۱۳۹۶).	

آسیب‌های فرایند سیاست‌گذاری نخبگان بر مبنای نهادی

مرور تجربه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت امور نخبگان در کشور نشان می‌دهد که علی‌رغم فعالیت‌های خوب و ارزش‌مند بنیاد ملی نخبگان و سایر متولیان علم و فناوری در زمینه شناسایی، حمایت، هدایت و اثرگذاری صاحبان استعداد‌های برتر، وجود برخی چالش‌ها، مانع از تحقق کامل اهداف نظام سازماندهی این حوزه شده است.

همواره شاهد این بودیم که بیشتر سیاست‌گذاری‌های کلان انجام شده در این باره، مبتنی بر نگاه از بالا به پایین، بوده است. از مشکلات عمده این مدل سیاست‌گذاری این است که در فرایند تصمیم‌گیری از نظرات سیستم اداری اجرایی استفاده نمی‌کند. لذا دستورالعمل صادر شده درونی نبوده و به صورت عملی به اجرا در نمی‌آید. به صورت عملی آن چیزی که توسط سیاست‌گذاری تصمیم گرفته می‌شود و سیاست‌گذاری می‌شود با آن چه که مقامات اداری اجرا می‌کنند، فاصله زیادی وجود دارد. بنابراین، امروزه، سیاست‌گذاری نخبگان تنها بر پایه الگوی نهادی در کشور، زیر سؤال بوده و از ضرورت اصلاح و تغییر رویکردهای سیاست‌گذاری نخبگان در ایران حکایت دارد (طبیعی (۱۳۹۱)؛ پیوسته (۱۳۹۶)؛ فاطمی امین (۱۳۹۷)).

اولین چالش پیش روی سیاست‌گذاری و سازماندهی امور نخبگان در سطح کلان، به مشخص نبودن جایگاه نهادهای رسمی متولی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امور نخبگان در کشور مربوط می‌شود. بر اساس "مصوبه شورای عالی فرهنگی"، "بنیاد ملی نخبگان" به عنوان عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان در حوزه امور نخبگان تعیین شده است. در این راستا برای تحقق وضعیت مطلوب و نقطه متعالی، به ایفای نقش برجسته و همکاری حداکثری دانشگاه‌ها، دستگاه‌ها و نهادهای مختلف دولتی، غیر دولتی، شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان با بنیاد ملی نخبگان نیاز هست. سیاست‌گذاران نخبگان هم باید به دنبال احیا یا تعریف جایگاه قانونی بنیاد ملی نخبگان باشند و صرفاً به عنوان نهادی که جایزه اهدا می‌کند نباشند. بایستی همه دستگاه‌ها نیست به بنیاد ملی نخبگان پاسخگو باشند.

دومین مورد از مشکلات در نظام سیاست‌گذاری نخبگان، ضعف مسئولیت اجتماعی در سیاست‌گذاری نخبگان است. تهدیدهایی چون عدم حمایت مالی کافی دولت از نخبگان، عدم وجود بستری مناسب جهت مشارکت نخبگان و استعدادها برتر به منظور ارائه اظهارنظر در مسائل مختلف کشور، محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، «غلبه تفکر جناحی به جای تفکر تخصص محور در کنش‌های مدیران و برنامه‌ریزان»، شخصیت‌ها و نهادهای سیاسی ناآشنا و ناآگاه نسبت به اهمیت مدیریت نخبگان و استعدادها ملی، «در اولویت قرار نداشتن مقوله پرورش استعدادها و نخبگان در برخی نهادهای تقنینی و سیاست‌گذار مرتبط، فقدان شایسته‌سالاری در نظام مدیریتی و اجرایی کشور و عدم بهره‌گیری از نخبگان در سطوح گوناگون اداری» قابل طرح است.

ابهام در جایگاه برنامه‌های خاص نخبگان در نظام بودجه‌ریزی کشور، سومین چالش مهم در این زمینه است. بودجه برنامه‌های مختلف از طریق لایحه پیشنهادی دولت (که به نوبه خود از پیشنهادها تک تک دستگاه‌ها تشکیل شده است) به مجلس ارائه شده و مورد بررسی و تصویب قرار می‌گیرد. با توجه به دو ابهام پیش گفته، معمولاً وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف در هنگام پیشنهاد بودجه به معرفی برنامه‌های خاص خود پرداخته و توجهی به مفاد برنامه‌های خاص نخبگان ندارند. هم‌چنین، از آن جایی که بنیاد ملی نخبگان که مسئول اجرای کل برنامه‌های مصوب شورای عالی فرهنگی باشد شناخته

نمی‌شود، غیر از بودجه محدود مربوط به وظایف مرتبط، بودجه کافی برای اجرایی کردن اسناد و برنامه‌های مصوب دریافت نمی‌دارد. از این رو، بدون وجود بودجه خاص، مفاد این اسناد به برنامه‌های سالانه دستگاه‌ها راه نمی‌یابد. این امر باعث می‌شود که هر چند برنامه‌های مزبور بعضاً با مشارکت خود دستگاه‌ها تدوین شده و با حضور عالی‌ترین مقام آن‌ها در بنیاد ملی نخبگان یا هیأت دولت به تصویب رسیده است، اما در مقام اجرا با مشکل مواجه گردد.

چهارمین چالش، فقدان نظارت و ارزیابی کارآمد در نظام سازماندهی امور نخبگان است. پس از تصویب اسناد و برنامه‌های مرتبط با نخبگان معمولاً هیچ ساز و کار دقیق، باثبات و قدرت‌مندی برای نظارت و ارزیابی وجود ندارد که بر روند اجرایی شدن آن‌ها نظارت کند و ارزیابی‌های علمی و متقنی را از زوایای مختلف درباره آن‌ها انجام دهد و نتیجه آن‌ها را جهت اتخاذ تصمیمات بعدی به نهادهای ذی‌صلاح (به ویژه شورای عالی فرهنگی و هیأت دولت) منعکس نماید. با توجه به این که بنیاد در زمینه اجرای این تعهدات فاقد ابزار اجرایی است؛ بدیهی است کل فرایند اجرایی‌سازی بند «ث» ماده ۶۴ و عملکرد تمامی دستگاه‌های اجرایی کشور مشمول این قانون را تحت تأثیر قرار داده است. لذا تعیین شاخص‌ها و معیارها و ابلاغ آن‌ها در ابتدای فرایند اجرایی‌سازی باید صورت می‌گرفت و از همین رو اثر منفی و نامطلوب عدم تحقق آن‌ها در عملکرد ضعیف دستگاه‌های اجرایی در زمینه انطباق برنامه‌ها و رویکرد ناهماهنگ و جزیره‌ای عملکرد آن‌ها می‌توان مشاهده کرد. آمار و عملکرد اجرای حکم بند «ث» ماده ۶۴ قانون برنامه ششم توسعه، حاکی از ضعف عملکردی دستگاه‌های اجرایی در اجرای این حکم هم‌چنین ضعف بنیاد ملی نخبگان در نظارت و ارزیابی است.

پنجمین چالش به فقدان ضمانت اجرا بر می‌گردد. اسناد و برنامه‌های مصوب فاقد ضمانت اجرایی کافی هستند و دستگاه‌های مختلف با هیچ‌گونه پاداش یا مجازاتی در قبال انجام یا عدم انجام این اسناد مواجه نمی‌شوند. بنیاد ملی نخبگان از لحاظ قانونی، یک بستر حمایت‌کننده برای مصوبات شورا می‌باشد، اما در عمل از آن جا که ضمانت اجرایی لازم برای اجرای این مصوبات در دستگاه‌ها به وجود نیامده است در بسیاری از مواقع حتی دستگاه‌های عضو شورا نیز این مصوبات را اجرا نمی‌کنند، این در حالی است که تاکنون این سیاست‌ها از طرف دولت به شکل لایحه و از طرف مجلس به عنوان طرح، مطرح نشده است. ششمین چالش در زمینه سیاست‌گذاری نخبگان، وجود ضعف عملکردی است. از جمله چالش‌های ممکن در این زمینه، وجود بحران‌های متعدد، مقطعی و ملی و نوسانات روزمره سیاسی (مسکن، ماشین، و...)، هزینه‌های بالای خرید و اجاره‌بها، وجود اختلاف زیاد سطح رفاه در ایران با کشورهای توسعه یافته، حجم پایین سرمایه‌گذاری در امور علمی - پژوهشی و جابجایی بودجه از پژوهشی به غیر پژوهشی است. هفتمین چالش در زمینه سیاست‌گذاری نخبگان، ضعف اندیشه‌های راهبردی است. مشکلاتی چون نبود بیمه ابتکارات و اختراعات، کمبود قوانین حمایتی مرتبط با مأموریت‌های سازمان‌های پشتیبان نخبگان، تصویب آیین‌نامه‌های مقررات انعطاف‌ناپذیر در این زمینه وجود دارد.

هشتمین چالش موجود، ضعف شایسته‌سالاری در سیاست‌گذاری نخبگان می‌باشد. مشکلاتی چون فقدان شایسته‌سالاری در برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی، مشکلات معیشتی صاحبان استعدادها و مدیریت و جذب نخبگان «نخبگان» ضعف در ایجاد بسترهای خلاق و مشارکتی در پرورش استعدادها و مدیریت و جذب نخبگان وجود دارد و از آن جا که مهم‌ترین شاخصه نخبگی، اثرگذاری است، از این رو استعداد برتر باید ضمن شناسایی، در مسیر نیازهای کشور هدایت و حمایت شود.

نهمین چالش، وجود کمی‌نگری مزمن در شناسایی نخبگان است. و موانعی چون مدرک‌گرایی، عدم نیازسنجی متناسب با شرایط جامعه، عدم تناسب بین رشته‌های تحصیلی و فعالیت شغلی، عدم انطباق با نیازهای واقعی جامعه، فقدان تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی همسو با نیازهای واقعی جامعه، عدم توازن و تعادل محیط آموزشی با فضای بازار کار، عدم ارتباط برنامه‌های آموزشی با نیازهای جامعه در این زمینه وجود دارد. در بخش مستعدان، شناسایی اغلب بر مبنای خوداظهاری انجام می‌شود، اما نخبگان در اکثر موارد باید در مسیری جدا از خوداظهاری مورد شناسایی قرار بگیرند چرا که این افراد علی‌رغم اثرگذاری بالا در کشور، عموماً به دنبال معرفی خود نیستند؛ به همین دلیل باید برنامه جدیدی برای شناسایی دقیق نخبگان اجرا شود. نگاه بنیاد ملی نخبگان از عرضه‌محور باید به سمت تقاضا‌محور اصلاح شود و این روند باید به شکلی باشد که فرد مستعد برتر بر اساس نیازهای کشور در مسیر نخبگی قرار بگیرد تا در نهایت نخبگانی تربیت شوند که بتوانند در حوزه‌های مورد نیاز، اثرگذاری بیشینه و بهینه داشته باشند.

دهمین چالش در زمینه سیاست‌گذاری نخبگان، نبود فرهنگ مشارکت در سیاست‌گذاری نخبگان است. این مانع با مولفه‌هایی چون سلیقه‌ای عمل نمودن خبرگان و کارشناسان، سلیقه‌های شخصی، سیاسی، اقتصادی، دخالت عوامل غیرآموزشی، ضعف مستندات و همکاری، عدم توانایی در مشارکت و همکاری گروهی، نبود تمایل به تصمیم‌گیری مشارکتی وجود دارد.

سیاست‌زدگی نیز یازدهمین موانع مهم در سیاست‌گذاری نخبگان است. میان سیاست‌های کلان هماهنگی وجود ندارد و فرایند سیاست‌گذاری در زمینه نخبگان متأثر از فشارهای سیاسی است. در این زمینه دخالت دولت به طور چشمگیری بالاست.

ارائه مدل مطلوب جهت سیاست‌گذاری نخبگان

مدل پیشنهادی مقاله حاضر، یک مدل تلفیقی با رویکردی اقتضایی که تلفیقی از مدل نهادی و عقلانی است. بررسی مطالعات نشان می‌دهد هر دو مدل را سیاست‌گذاری نظام نخبگانی به کار می‌گیرد. این الگو در برابر محدودیت‌های مدل عقلایی در حیطه سیاست‌گذاری اتخاذ شده و در عین حال به حضور نهادها و دستگاه‌های مرتبط با نظام نخبگانی قائل است. در حال حاضر هر دو مدل را نظام سیاست‌گذاری نخبگان به طور مجزا به کار می‌گیرند (۸). ولی این الگو در قبال محدودیت‌ها و کاربرد مجزای مدل نهادی و عقلایی در زمینه سیاست‌گذاری اتخاذ شده و در عین حال به حضور نهادها و

دستگاه‌های مرتبط با بنیاد نخبگان در امر سیاست‌گذاری قائل است و بنیاد ملی نخبگان را به مثابه یک سیستم باز تلقی می‌کند که در ارتباط و تعامل با محیط است و به صورت فرایندی به حل مسائل خود می‌نگرد. اعتقاد بر این است که نگاه یک بعدی به حل مسائل از طریق یک مدل سیاست‌گذاری متداول، با اوضاع متنوع و پیچیده امروزی بنیاد، نمی‌تواند نتیجه مطلوب را داشته باشد.

بنابراین الگوی طراحی شده مبنی بر یافته‌های پژوهش شیوه‌ای ترکیبی است که پدیده و مفاهیم را در سیاست‌گذاری کلان و راهبردی نخبگان با مسائل سطوح پایین و جزئی که برای سطوح بالاتر تدارک دیده می‌شود، با توجه به اصول و مبانی ارزشی مهندسی نخبگانی، صلاح‌دید متخصصین، نهادها و دستگاه‌های اجرایی مرتبط با نظام نخبگانی تلفیق پیدا می‌کند و با توجه به اوضاع و عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در جامعه به سیاست‌گذاری در زمینه نخبگان می‌پردازد.

بر اساس الگوی طراحی شده رویکردی دوم که لزوم سیاست‌گذاری عرصه نخبگان و استعداد‌های برتر را تبیین نموده‌اند و نیز بر ضرورت سیاست‌گذاری عقلانی در این باره اذعان نموده است، مورد مدنظر نوشتار حاضر می‌باشد این رویکرد می‌تواند در مدل سیاست‌گذاری عمومی در بعضی مواقع به نتایج مطلوب‌تری در زمینه توسعه و رشد نخبگان دست یابد.

مدل عقلایی، مدل کلاسیک تصمیم‌گیری است که بیشتر جنبه آرمان‌گرایی دارد و بر رفتار و ویژگی‌های تصمیم‌گیرنده و شرایط تصمیم‌متمركز است. مدل عقلایی، تصمیم‌گیری را فرایندی منظم فرض می‌کند که بر اساس آن تصمیم‌گیرنده، گام‌های مشخص و تعریف شده‌ای بر می‌دارد و نتیجه این اقدام، انتخاب بهترین پیشنهاد برای حل مسئله است. این مدل برای تصمیمات برنامه‌ریزی شده‌ای مناسب است که تکراری و کاملاً مشخص باشند و در عین حال برای حل مسئله، روش‌ها و رویه‌های مشخصی وجود داشته باشد. برای این منظور می‌توان از شاخص‌های دقیق سنجش عملکرد و ارزیابی استفاده کرد و از خط‌مشی‌هایی بهره گرفت که نتایج به نسبت مشخص و مطمئن داشته باشند.

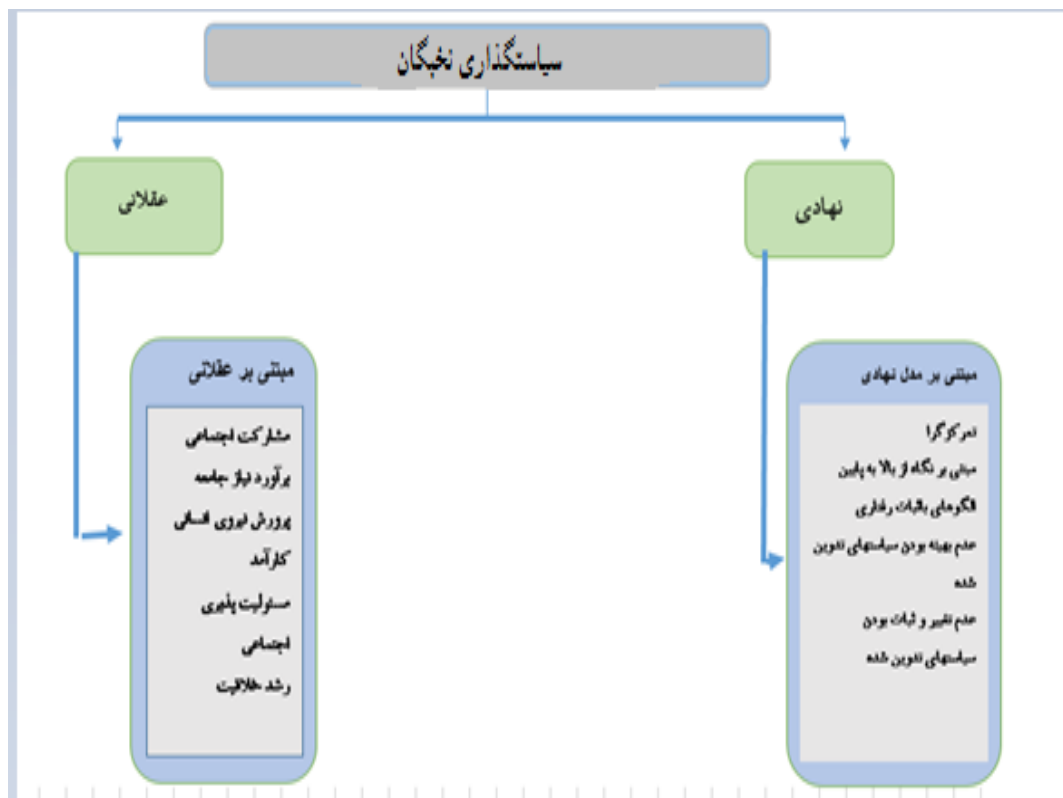
بر اساس یافته‌های حاصل از تحقیق پیامدهای سیاست‌گذاری مبتنی بر عقلانی در بنیاد ملی نخبگان، شامل اشتغال فراگیر، اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پرورش نخبگان است. یکی از پیامدهای سیاست‌گذاری بر اساس مدل عقلانی افزایش مشارکت اجتماعی نخبگان است که از مولفه‌های مشارکت همگانی و اعتماد متقابل شکل می‌گیرد.

بر اساس مدل عقلانیت بر استفاده بهینه از منابع تاکید می‌گردد و بر اساس این مدل موجب کاهش دخالت دولت در امر سیاست‌گذاری نخبگان و رسیدن به دموکراسی و یکپارچگی و مشارکت نخبگان آن‌ها در صحنه‌های سیاسی می‌باشد. میزان رعایت سیاست‌گذاری بر مبنای عقلانیت موجب می‌گردد انتخاب مدیران با رأی و نظر نخبگان صورت بگیرد. در نتیجه گزاره‌های جذب کمک‌های مردمی، ایجاد امکانات آموزشی و افزایش رفاه روانی نخبگان را در بر خواهد داشت بررسی‌ها نشان می‌دهد تا زمانی که بنیاد نتواند در سیاست‌گذاری‌های خود، نیازمندی‌های مالی نخبگان و استعداد‌های برتر را تامین کند، به مرور

مه‌ره‌های اصلی انگیزه خود را از دست می‌دهند. هم‌چنین بر اساس سیاست‌گذاری عقلانی، اعمال نظر افراد کاهش یافته ولی در عوض همدلی و هم‌گرایی نخبگان افزایش می‌یابد. بر اساس این مدل، حمایت نخبگان و اولیاء جلب شود و باعث افزایش حضور نخبگان و استعداد‌های برتر در صحنه‌های مختلف گردد.

عقلانیت حرفه‌ای بر دانشی که از تجربیات عملی کسب می‌شود، توجه دارد؛ در این عقلانیت، روان‌شناسی اجتماعی، افزایش انگیزه نخبگان، انجام پژوهش‌های مربوط به طرح، تجربه‌های مشابه، سیاست‌های مکمل، نحوه ابلاغ دستورالعمل‌ها و شایسته‌سالاری نقش مهمی دارند. این رویکرد موجب بر آوردن نیاز واقعی فرد نخبه شده و به جای تقاضای کاذب، تقاضای واقعی نخبگان جایگزین می‌گردد و موجب اشتغال نخبگان بر اساس تخصص واقعی صورت گیرد.

بر اساس یافته‌های پژوهش مدل سیاست‌گذاری نخبگان به صورت شکل (۱) طراحی گردید.



شکل شماره (۱): سیاست‌گذاری نخبگان

نتیجه‌گیری

یافته‌های برآمده از مطالعات گذشته و اسناد بالادستی نشان می‌دهد که الگوی سیاست‌گذاری نخبگان در ایران از نوع نهادی بوده است (۶) و (۱۸) و (۸). مدل نهادی «بر شرایط سازمانی دولت تمرکز دارد با توجه به آن که سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها توسط نهادهای دولتی اتخاذ و اجرا می‌شود بررسی رابطه بین این نهادها و خط‌مشی‌ها از دیر باز در کانون توجه محققان سیاسی قرار داشته است این نهادها شامل بنیاد ملی نخبگان، نهاد رهبری، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت آموزش و پرورش، مجمع تشخیص مصلحت نظام و ... می‌باشد. با توجه به این که نهادها هستند که به تولید و اعمال خط‌مشی‌ها می‌پردازند هر گونه تغییری در آن‌ها موج تغییر در خط‌مشی‌ها نیز می‌شود. به طور کلی در نهادگرایی تاکید بر تاثیر نهادهایی است که رفتار افراد و گروه‌ها را تعیین می‌کنند. الگوهای باثبات رفتار فردی و گروهی بر خط‌مشی‌ها نیز تاثیر می‌گذارد. بنابراین سیاست‌گذاری عمومی در این مدل حاصل ارتباط بین نهادهای مختلف و پیامد حاصل از این ارتباط است. در واقع نقش الگوی نهادی بسیار برجسته است. این در حالی است که مطابق تحلیل‌های صورت گرفته زیست بوم کشور از جمله زیست بوم اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هم نقش تعیین کننده‌ای در حضور این افراد در چرخه خدمت به کشور دارد. اجزای الگوی سیاست‌گذاری نخبگان و استعداد‌های برتر در جمهوری اسلامی در حقیقت نهادهای سیاست‌گذار هستند که در مراحل مختلف سیاست‌گذاری نقش آفرینی می‌کنند. در این تحقیق با توجه به حکم رهبری مبنی بر حمایت از افراد نخبه موجب شکل‌گیری بنیاد ملی نخبگان گردید. نهادی بودن الگوی سیاست‌گذاری نخبگان بیانگر ترتیبات نهادی تمرکزگرا در کشور است که با کیفیت‌های پایین نهادی در هر سه نهاد حقوقی، اقتصادی و سیاسی مشخص می‌گردد. در داخل کشور این نوع از ترتیبات نهادی که با اجرای ضعیف سیاست‌گذاری، عدم توفیق برنامه‌های تدوین شده، دخالت‌های سیاسی، ضعف مدیریت، عدم شفافیت، عدم شایسته‌سالاری و دیگر عوامل نهادی مشخص می‌گردد، نمی‌تواند بهترین عملکردها را از نهادها تضمین کند.

در نزد نخبگان، نادیده گرفتن سیاست‌گذاری‌های کلان ملی و پیشرفت کشور علت‌العلل فقدان تفکر شایسته‌سالاری در کشور محسوب می‌گردد. زمانی که نخبگان نتوانند در جایگاه شایسته خود موثر باشند، احساس مفید بودن نمی‌کنند. فراهم نبودن شرایط به فعل رساندن توان‌مندی‌ها و شایستگی‌ها برای نخبگان و استعداد‌های برتر برابر با احساس ناکارآمدی برای آنان است (۸). هنگامی که نهادهای مهم و کلیدی و نخبگان به عنوان کنشگران علمی در کشور جهت دستیابی به اهداف اساسی جامعه با هم هماهنگی و تعامل نداشته باشند، فعالیت‌های نهادها ناکارآمد و غیرموثر خواهد بود. هم‌چنین عدم ایجاد بسترسازی‌های نهادی لازم، ممکن است به فراهم‌سازی شرایطی کمک کند که احتمال بروز بحران خروج نخبگان را چه از جنبه خارج شدن از چرخه خدمت به جامعه و عدم اثرگذاری بالا ببرد. بستر نهادی جامعه و سیاست‌گذاری‌ها موجب می‌شوند نخبگان تبدیل به فرصت‌شوند یا تهدید. به همین دلیل

سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی بایستی با مدیریت کلان امور مربوط به نخبگان در کشور، رشد و ارتقاء کیفیت‌های نهادی در قالب حاکمیت قانون، امنیت حقوق مالکیت فکری، بالا بردن شفافیت در نهادهای سه‌گانه، جلوگیری از فسادهای نهادی و اولویت دادن برای اثربخشی و قابل اعمال بودن برنامه‌های کشور و ... امید و انگیزه لازم و هم‌چنین فرصت فعالیت برای نخبگان و استعدادها برتر را فراهم سازند. هنگامی که نخبگان در جایگاه شایسته خود نتوانند موثر و تأثیرگذار باشند، احساس مفید بودن و کارایی نمی‌کنند. در این میان، ناکارآمدی در میان نهادهای کشور آنان را به خروج از کشور ترغیب می‌نماید. حمایت و توان‌مندسازی نخبگان مستلزم کارآیی نهادهای مهم و وجود بستر نهادی با ثبات و امن از جنبه‌های حقوقی، سیاسی و اقتصادی است. بنابراین کارآمدی نخبگان، باید از یک پشتوانه نهادی در سطح ملی برخوردار باشد.

بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان از الگوی عقلانیت در حالت مطلوب برای سیاست‌گذاری نخبگان استفاده کرد. بر اساس این الگو متقاعدسازی رخ می‌دهد و از طریق مباحثه و چانه‌زنی با مقامات پایین دست اتفاق می‌افتد. بر اساس این الگو، فرایند سیاست‌گذاری از قبل تعیین نشده و بر اساس نیاز جامعه نخبگانی صورت می‌گیرد. بر مبنای این مدل، چنانچه دولتمردان سیاست‌گذاری مشارکتی مطلوبی را طرح‌ریزی نمایند، از مزایایی چون کاهش هزینه‌های توسعه در جامعه به دلیل مشارکت دستگاه‌های اجرایی در تأمین اهداف در حوزه مربوطه، برخوردار خواهند شد.

بر اساس سیاست‌گذاری نخبگان بر اساس مدل عقلانیت، اشتغال فراگیر، اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پرورش نیروی انسانی ماهر رخ می‌دهد. نتایج تحقیق بیانگر این مطلب بوده است که یکی از پیامدهای سیاست‌گذاری اخلاق حرفه‌ای است که با نتایج پژوهش منتظرعطایی (۱۷)، هماهنگ و همسو بوده است. هم‌چنین نتایج پژوهش بیانگر این مطلب بوده است که یکی از مولفه‌های به دست آمده در پیامدهای سیاست‌گذاری مسئولیت‌پذیری اجتماعی است که نتایج پژوهش، هماهنگ و همسو با پژوهش نتایج تسلیمی و علی‌پور (۱۸)، بوده است. در نهایت، انتظار می‌رود که پیاده‌سازی الگوی پیشنهادی تا حدود زیادی مسائل و چالش‌های ساختاری پیش روی سازماندهی امور نخبگان در کشور را مرتفع نماید، از این رو، لازم است تلاشی جدی‌تر و همه‌جانبه توسط کلیه طرف‌های ذی‌ربط از جمله دانشگاهیان و متخصصان امور نخبگان، فعالان مدنی حوزه جوانان و مدیران و کارشناسان دخیل در این حوزه صورت گیرد تا در سطحی بنیادی، تغییراتی مثبت در بعد هنجاری، نگرشی و رفتاری حاصل شود که به نوبه خود می‌تواند تغییر ساختاری را نیز به همراه داشته یا آن را قرین موفقیت سازد.

پیشنادهای پژوهش

مهم‌ترین پیشنهاد پژوهشی این تحقیق آن است که جهت درک و فهم عمیق‌تر و اکتشافی‌تر سیاست‌گذاری مطلوب نخبگان از تحقیقاتی به روش کیفی، موردکاوی، پدیدارشناسی و یا روش‌های آمیخته استفاده گردد. بر اساس نتایج حاصل از مباحث مورد بحث در این تحقیق برای تحول در مدل سیاست‌گذاری نخبگان و جهت اجرایی شدن همه اجزای الگوی ارائه شده می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود:

الگوی مبتنی بر سیاست‌گذاری نهادی در بنیاد نخبگان به الگوی مبتنی بر عقلانیت و مبتنی بر پژوهش و بررسی اجتماعی از طریق تعامل ذی‌نفعان مختلف در شبکه سیاست‌گذاری تحول یابد. معادله قدرت برنامه‌ریزی نخبگان از حالت متمرکز به حالت نیمه متمرکز و یا نامتمرکز، از حالت عمودی و از بالا به پایین به حالت تعاملی از پایین به بالا متحول گردد. اولویت‌بندی مسائل مربوط به نخبگان بر اساس تأمین نیازهای آنها صورت پذیرد. چرا که برخی مسائل ممکن است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشند ولی ضرورت آن در اولویت نباشد. همچنین با توجه به این که در دنیای امروز دستگاه‌ها به صورت تخصصی اداره می‌شود پیشنهاد می‌شود تغییرات ساختاری خاصی در این بنیاد به وجود بیاید و بنیاد ملی نخبگان (سیاست‌گذار در حوزه علمی) از معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری (سیاست‌گذار در حوزه فناوری) جدا شود و به صوت مستقل اداره شود، چرا که در حال حاضر هر دو نهاد توسط معاون علمی و فناوری ریاست جمهوری اداره می‌شود. همچنین از آن جا که برخی از سیاست‌های نخبگانی در مرحله اجرا با عدم موفقیت روبرو می‌شوند پیشنهاد می‌گردد از کلیه عوامل دخیل در سیاست‌گذاری مخصوصاً مجریان اصلح یا بازیگران خبره در سیاست‌گذاری نخبگان دعوت به مشارکت به عمل آید.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Abbas Pour, A; Rahimian, H; Ghiasi Nodooshan, S., & Nargesian, J. (2018). Presenting a Model to Select Talented Employee in State Organizations. *Journal of Public Administration*, 10 (4), P.p: 605-628.
2. Alwani, Seyed Mehdi; Sharifzadeh, Fattah. (2017). *General Policy Making Process*, Fifteenth Edition, Tehran Allameh Tabatabai University Press. (Persian).
3. Ardalan, O. & Alvani, S. M. (2018). Designation and Explanation of the Proper Model of Meritocracy in the Recruitment and Selection Systems of Human in the Officers' Academy of the I.R. of Iran Army. *Defence Studies*, 16 (2), P.p: 1-35.
4. Bakewell, Oliver. (1996). *Refugee Repatriation in Africa: Toward a Theoretical Framework?* Occasional Paper 09 (96). University of Bath.
5. Beck, C. T. (2002). Postpartum depression: A metasynthesis. *Qualitative Health Research*, 12 (4), P.p: 453 - 472.
6. Bozorg Zad, S; Kazemi Pour, S., & Ali Mohseni, R. (2020). Investigation of Socio-Economic Factors Affecting Elite Tendency to Emigrate Abroad. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 19 (48), P.p: 297-322.
7. Dye, T. R. (1978). Oligarchic tendencies in national policy-making: The role of the private policy-planning organizations. *The journal of Politics*, 40 (2), P.p: 309-331.
8. Fatemi Amin, Zainab Al Sadat. (2017). *Institutional-structural analysis of the departure of elites from the country*. Ph. D. Thesis. Faculty of Literature and Humanities.
9. Green, Donald and Shapiro Lan. (1994). *The pathologies of Rational choice*. New Haven, Conn: Yale University press.
10. Gourevitch, Peter Alexis. (1986). *Politics in hard times: comparative responses to international Economic crises*. Ithaca. N.Y: cornell university press.
11. Hatami, A; Jahangiri, J., & Fattahi, S. (2012). Investigating Factor Related to Educate Girls' Tenency to Migrate Abroad: A case Study of Girl Students ReEFERRING TO MIGRATION CENTERS IN SHIRAZ. *SOCIOLOGY OF WOMEN (JOURNAL OF WOMAN AND SOCIETY)*, 3 (2 (10)), P.p: 55-80. SID. <https://sid.ir/paper/169148/en>.
12. Kamoche, K., & Leigh, F. S. (2022). Talent management, identity construction and the burden of elitism: The case of management trainees in Hong Kong. *Human Relations*, 75 (5), P.p: 817-841. <https://doi.org/10.1177/0018726721996778>
13. Lieberman, Robert C. (2005). *Shaping Race Policy: The United States in Comparative Perspective*. Princeton, N. J.: Princeton University Press.
14. Malekshahi, H; Vaez, N., & Taghi Pour, F. (2022). Pathology of the policies of the Islamic Republic of Iran to control the migration of elites. *Political Sociology of Iran*, 4 (4), P.p: 271-290. doi: 10.30510/psi.2022.313046.2571.
15. Mehdi, A. (2020). YOUTH EMIGRATION AND THE BRAIN DRAIN FROM IRAN: REASONS, TRENDS AND DIRECTIONS. *Вестник Нижегородского университета им. НИ Лобачевского. Серия: Социальные науки*, (3 (59)), P.p: 52-59.
16. Moghtadaie, M., & Azghandi, A. (2016). Pathology of Cultural Policy Making in Islamic Republic of Iran. *Political Science Quarterly*, 12 (34), P.p: 7-26.
17. Montazer Ataei, Mahbobeh; AKBARI, AHMAD; CHERABIN, MOSLEM., & KARIMI, MOHAMAD. (2019). The Rational Model in Policy Making of Islamic Azad University Education System. *IRANIAN JOURNAL OF PUBLIC POLICY IN MANAGEMENT*, 10 (35), P.p: 1-10. SID. <https://sid.ir/paper/410119/en>.
18. Taslimi, M. S; Alipour, M. (2019). Talent Research Approaches in I. R. Iran's Talent Policies. *Journal of Public Administration*, 11 (1), P.p: 123-150. (in Persian).

-
19. Thordarson, sveinbjorn. (2006). On methodological individualism. www.Sveinbjorn.org.
 20. Tyskbo, D. (2021). Competing institutional logics in talent management: Talent identification at the HQ and a subsidiary. *The International Journal of Human Resource Management*, 32 (10), P.p: 2150-2184.
 21. Zandi, R; Vakil Alroaia, Y., & Heydariyeh, S. A. (2019). Evaluation and preference of factors affecting the model of elite retention of faculty members of Science and Health Ministries with a combined of Dematel and Fuzzy network analysis process. *Population Policy Research*, 5 (2), P.p: 63-89. doi: 10.22034/jips.2019. 113852.
 22. Zimmer, L. (2006). Qualitative meta- synthesis: a question of dialoguing with texts. *Journal of advanced nursing*, 53 (3), P.p: 311-318.
 23. Zolfagharzadeh, M. M., & Najafi Rastaghi, H. (2020). Identifying Strategic Approaches to Talents Policymaking in Order to Increase the Efficiency of the Governing System of the Islamic Republic of Iran. *Strategy*, 29 (3), P.p: 29-61.

راهنمای نگارش مقاله - دفتر مجله مطالعات جامعه‌شناسی

الف) شرایط پذیرش مقاله

۱. مقاله ارسالی جهت چاپ در مجله **مطالعات جامعه‌شناسی** دارای محتوای علمی و آکادمیک بوده، جنبه صرفاً پژوهشی داشته باشد و حاصل مطالعات و تحقیقات نویسنده یا نویسندگان بوده باشد.

۲. دفتر مقالاتی را در دستور کار جهت بررسی و نشر قرار می‌دهد که قبلاً در هیچ یک از نشریات داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و تحت بررسی برای چاپ نیز نباشد و مقالات ارسالی در موضوعات تخصصی علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و مسائل اجتماعی ایران، جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، جامعه‌شناسی فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی بوده باشد.

تذکره:

- در هر یک از مراحل چهارگانه بررسی مقاله (تا قبل از چاپ و انتشار)، هرگاه ارسال توأمان مقاله مذکور به سایر نشریات، سمینارها و کنفرانس‌ها برای هیات تحریریه محرز شود، مقاله ارسالی بایگانی شده و در صورتی که نامه تایید مقاله نیز صادر شده باشد، مراتب به صورت مکتوب به گیرندگان و واحد دانشگاهی مربوطه اعلام خواهد شد. بنابراین در چنین مواردی امکان بررسی سایر مقالات از سوی نویسندگان مذکور در مجله مطالعات جامعه‌شناسی کان لم یکن تلقی خواهد شد و **هزینه‌های سه دآوری مقاله به عنوان جریمه عدم اطلاع به دفتر مجله** اخذ خواهد شد.
- پذیرش مقاله بر عهده نشریه است که پس از دآوری، صلاحیت انتشار آن با تایید هیات تحریریه، به صورت مکتوب به نویسنده یا نویسندگان اعلام خواهد شد.
- درج مقالات در نشریه به معنی تایید محتوای آن توسط هیات تحریریه نشریه نیست، از این رو مسئولیت صحت مطالب هر مقاله برعهده نویسنده یا نویسندگان آن خواهد بود.

۳. **قواعد نگارش فارسی و فرم تاپی، طبق دستورات دفتر مجله کاملاً رعایت شده باشد (شروط چاپ مقاله):**

دستور اول:

مقاله در یک کاغذ A4 به صورت یک خط در میان (فاصله هر سطر ۱ سانتی‌متر) و کل سطور ۲۰ سطر در یک برگ، طوری که با فاصله ۵/۵ سانتی‌متر از بالا، ۴ سانتی‌متر از سمت چپ و راست، ۴/۵ سانتی‌متر از سمت پائین در کاغذ A4 از طرفین کادربندی گردد و در نرم افزار Microsoft Word 2010 یا 2007 تحت ویندوز XP تایپ شود.

دستور دوم:

تعداد صفحات هر مقاله حتی‌الامکان بین ۲۰-۱۵ صفحه در قطع وزیری با فونت (B- Mitra- 13) و **تیترا سطور** با فونت (B- Titr- 10) و **تیترا فرعی** با فونت ایتالیک (B- Mitra- 11) (فونت 10 برای Time New Roman متن انگلیسی و واژگان انگلیسی در متن).

چارت و اندازه تایپ مقاله با مشخصات فونت‌ها و قلم‌ها در محیط word با پنجره‌های مربوطه در این نرم‌افزار در صفحات بعدی نشان داده شده است.

دستور سوم:

در تایپ متن مقاله فاصله بین کلمات «ها»، «می» و ضمائر از فعل و غیره از هم جدا شوند (مثل: آن‌ها، می‌شود، شماره‌ها و رفته‌ایم) و هم‌چنین کلماتی که از دو قسمت تشکیل شده‌اند (مثل: صاحب‌نظران و بی‌شمار...). از لحاظ تایپی چنین کلماتی با حداقل فاصله از هم تایپ شوند، به عبارتی به صورت **(نیم فاصله‌ای)** تایپ گردد. مثل نمونه‌های فوق: (می‌شود - حق‌الزحمه - سرمایه‌گذاری که صورت صحیح تایپی بدین صورت می‌باشند: می‌شود - حق‌الزحمه - سرمایه‌گذاری). **در صورت عدم رعایت آیین نگارش فارسی - فرم تایپی از مرحله چاپ کنار گذاشته می‌شود.**

دستور چهارم:

تعیین نوع مقاله

الف) علمی پژوهشی Research Paper

ب) مروری Review Article

هم در چکیده فارسی و هم در چکیده انگلیسی در سمت راست قبل از عنوان فارسی و انگلیسی درج شود.

دستور پنجم:

تعارض منافع مقاله مشخص گردد.

اگر تعارضی در بین نویسندگان در منافع مقاله دیده نشد بهتر است به فارسی و انگلیسی به طوری که به فارسی در قبل از فهرست منابع و در انگلیسی این عنوان قبل از واژگان کلیدی آورده شود:

تعارض منافع:

« بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

در چکیده فارسی قبل از فهرست منابع

Conflict of interest:

According to the authors, the article did not have any conflict of interest.

در چکیده انگلیسی قبل از Key words درج شود.

دستور هشتم:

امیل دانشگاهی نویسنده مسئول به فارسی و انگلیسی در چکیده‌های فارسی و انگلیسی زیرنویس

شود.

دستور نهم:

منابع رفرنس داده شده در آخر مقاله به صورت (ترتیب الفبایی لاتین) و با (شمارگان) تنظیم شود.

توجه:

منابع و مقالات فارسی که در متن مقاله استفاده شده است می‌بایست به انگلیسی ترجمه شود و تنها شمارگان منابع در آخرین صفحه مقاله یعنی (فهرست منابع) در داخل متن مقاله در داخل پارانتز آورده شود.

حال اگر نیاز شد رفرنسی از کتاب یا مقاله که صفحه یا صفحات آن در رفرنس داخل متن حتماً قید شود به این شکل آورده شود:

هر حکومتی برای تقدیس و تنظیم رابطه فرماندهی و فرمانبری، لاجرم به یک

دین نیاز می‌دارد (کوزر، ۱۳۸۲: ۳۴). رفرنس درست: دین نیاز می‌دارد (۱۲: ۳۴).

یعنی ۱۲ شمارگان فهرست منابع و ۳۴ صفحه‌ای که از منبع ۱۲ در متن مقاله استفاده شده است. به طوری که در سمت راست شمارگان منابع و در سمت چپ صفحه یا صفحات منبع به این شکل آورده شود.

و در سایر موارد با توجه به مثال شمارگان منبع (۶) و (۷):

شادی، نقش موثری ایفا می‌کنند (۴). در جوامع امروزی، معیارها و هنجارهای سنتی، وضعیتی در حال تضعیف دارد، بی‌آنکه هنجارهای جدیدی جایگزین آن گردد. بر همین اساس بی‌هنجاری در شرایطی پدید می‌آید که در حوزه‌های معینی از زندگی اجتماعی، معیارهایی روشن برای راهنمایی رفتار وجود نداشته باشد و پیامدهای آنومی نیز در شکل نوعی نابسامانی روانی و فردی، و در قالب تعارض شخصیت فردی و خودخواه انسان با شخصیت اجتماعی و دیگرخواه او متجلی می‌شود که این امر کیفیت زندگی فرد را کاهش می‌دهد. علت آشکار تحقق آنومی نیز به نظر دورکیم، تحولات شتابان اقتصادی است، چرا که این تحولات نوعی بحران در نظام ارزشی و هنجاری جامعه به دنبال می‌آورد (۶). دورکیم مفهوم آنومی را واجد سه خصیصه می‌داند: تشویش یا اضطراب دردناک، احساس جدایی از معیارها و استانداردهای گروه، احساس بی‌نشانی یا فقدان هدفی معین. در این میان بی‌هدفی ناظر به فقدان ارزش‌هایی است که به زندگی جهت یا هدف بدهد. تضعیف و از دست رفتن ارزش‌های درونی و اجتماعی نیز در این گونه فرعی قرار می‌گیرد. در معنای دیگر آنومی به عنوان تضاد هنجارها به کار رفته است. در هر صورت تضاد بین جهت‌گیری‌های تعاونی و همیارانه و رقابت‌جویانه، جهت‌گیری فعالانه و جهت‌گیری انفعالی، نمونه‌ای از این تضادها به شمار می‌آید (۷) آنومی می‌تواند باعث کاهش میزان نشاط

6. Salimi, A. and Davari, M., (2006). *Sociology of Deviance*, Qom: Seminary and University Research Institute
7. Abdi, A. and Goodarzi, M., (1999). *Cultural Developments in Iran*, Tehran: Rawesh Publications.

ترجمه منابع فارسی به انگلیسی و منابع انگلیسی (کتب و مجله یک

و چند نویسنده) - فونت 10 برای Time New Roman:

- Mikolajczak, M., Petrides, K, V., & Hurry, j. (2009). Adolescents choosing self- harm as an emotion regulation strategy: The protective role of trait emotional intelligence, *British Journal of Clinical Psychology*. 48 (2), P.p: 181-193.
- Reigel, D. (2005). *Positive feedback loops in second language learning*. Portland State University.
- Sills, D. (1968). *International Encyclopedia of the social Scinces*. V. 13, Mac Millan Company and free Press.

ضمناً در فهرست منابع فقط منابعی آورده شود که در متن مقاله استفاده شده است و از منابع اضافی در رفرنس نهایی جداً خودداری گردد.

دستور نهم:

سایز ارقام و مشخصات داخل **جداول و نمودارها** و **اشکال** باید با فونت (B- Lotus- 8) و مشخصات جداول (یعنی بالای جداول و اشکال)؛ با فونت (B- Titr- 8) بوده باشد و اندازه جداول و نمودارها خیلی کوچک و زیبا ویرایش گردد. از ویرایش جداول و مدل‌های تحقیق در اندازه‌های بزرگ خودداری گردد. جداول در صورت بزرگی چنان ترسیم گردد که از لبه اندازه چارت بیرون نزنند. همه اشکال- نمودارها و جداول باید دارای مشخصات در بالای جداول که شامل: شماره جدول و مشخصه (نوع آزمون و ترکیب متغیرهای مستقل و وابسته و آماری استنباطی و نام متغیرهای توصیفی کاغذ ذکر گردد) و **در اشکال** در زیر آن ویرایش گردد. هم چنین از **سایه انداختن** روی جداول پرهیز گردد، چرا که داشتن سایه جداول در زمان چاپ آمیزش رنگ‌ها و ناخوانایی را به دنبال دارد.

شکل جداول می‌بایست به صورتی (باز) ترسیم شوند، به عبارتی شکل جداول در چهارچوب‌بندی قرار نگیرد. نمونه آن در زیر آورده شده است:

جدول شماره (۶): نتایج آزمون همبستگی پیرسون رابطه بین سرمایه اقتصادی و میزان مشارکت در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های خانگی و ابعاد آن

متغیر وابسته	متغیر مستقل (سرمایه اقتصادی)	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
مشارکت در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های کاغذی	-۰/۰۴۷	۶۱۰	-۰/۰۴۷	۰/۲۴۸
مشارکت در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های پلاستیکی	-۰/۰۸۵	۶۱۰	-۰/۰۸۵	۰/۰۳۵
مشارکت در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های فلزی	-۰/۰۹۴	۶۱۰	-۰/۰۹۴	۰/۰۲۰
مشارکت در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های شیشه‌ای	-۰/۰۰۵	۶۰۹	-۰/۰۰۵	۰/۹۱۰
مشارکت در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های الکترونیکی	-۰/۰۴۹	۶۱۰	-۰/۰۴۹	۰/۲۲۸
مشارکت در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های منسوجاتی	۰/۰۴۰	۶۱۰	۰/۰۴۰	۰/۳۲۶
مشارکت در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های چوبی	-۰/۰۷۱	۶۱۰	-۰/۰۷۱	۰/۰۷۸
مشارکت در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های غذایی	-۰/۰۰۷	۶۱۰	-۰/۰۰۷	۰/۸۵۹
مجموع	-۰/۰۵۴	۶۰۹	-۰/۰۵۴	۰/۱۸۲

دستور نهم:

پاراگراف‌بندی متن مقاله می‌بایست کاملاً رعایت گردد.

دستور دهم:

تمامی قواعد ادبی (آئین نگارش فارسی) و ویراستاری ادبی و علمی کاملاً رعایت گردد. برای مثال نباید از کلمات عربی (هكذا - مع الوصف) و یا جمع عربی (پیشنهادات) یا از کلمات (سئوالات) استفاده

شود بلکه معادل فارسی این کلمات آورده شوند مانند: پیشنهادها - سوالها. استفاده از مفاهیم انگلیسی و عربی در متن مقاله در صورت وجود معادل فارسی آن خوداری گردد، در غیر این صورت جهت اصلاح آن مفاهیم به نویسندگان مقاله عودت داده خواهد شد.

- توصیه می شود جهت صرفه جویی در زمان و به چاپ رسیدن مقالات در اسرع وقت و همکاری با دفتر مجله، تایپ و ویرایش و آرایش مقاله را به یکی از تالیپست‌های کار بلد و حرفه‌ای سپرده شود. چرا که بیشتر وقت دفتر مجله را مقالاتی که تایپ غیراصولی و غیراستاندارد دارند، می گیرد.

بعد از ارائه پذیرش نهایی از طریق سایت مجله (اکسپت) و کسب DOI از طرف دفتر مجله با نویسنده اصلی از طریق امیل ارتباط برقرار شده و با ارائه سه فایل در محتوی:

1. نامه مکاتبه تاریخ‌دار

2. فایل چارچوب و اسکلت بندی مقاله استاندارد با یک نمونه مقاله استاندارد جهت

بهره برداری

3. راهنمای نگارش مورد پذیرش دفتر مجله

که با دریافت این امیل سریعاً مقاله را با آخرین نسخه (اعمال نظرات سه داور) طبق دستورات و قواعد راهنمای نگارش دفتر مجله تنها در فرجه یک هفته‌ای به این دو امیل

ارسال دارید.

خارج از زمان داده شده مقاله ارسالی مجدداً مراحل اداری و نوبت بندی برای چاپ و آپلود در سایت برای فصل‌های آینده با رعایت حق تقدم هر فصل از نویسندگان

خواهد بود و هر نوع اعتراض نویسندگان ترتیب اثر داده نخواهد شد.

- آدرس پست الکترونیکی مجله مطالعات جامعه‌شناسی:

E- mail: t.sociology@yahoo.com

E- mail: t.sociology@gmail.com

(ب) راهنمای نگارش فرمت مجله

فرمت مجله شامل موارد زیر است که با دقت در ویرایش مقاله ملاحظه گردد و اگر طبق این فرمت گردآوری نگردد از چاپ مقاله معذور خواهیم بود:

- صفحه عنوان:

در صفحه اول:

- عنوان کامل مقاله (فارسی و انگلیسی)،
- نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان (فارسی و انگلیسی)،
- مرتبه علمی و گروه آموزشی دانشگاه در پاورقی (فارسی و انگلیسی)،

- نشانی پستی، شماره تلفن و مایل نویسنده اصلی،
- پست الکترونیک فقط **دانشگاهی** و نه شخصی نویسنده مسئول مقاله (E-mail).

— خلاصه مقاله:

خلاصه مقاله (چکیده) باید حداکثر در ۲۰۰ کلمه در یک پاراگراف به دو زبان انگلیسی و فارسی تهیه شود که شامل عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسندگان و مشخصات مرتبه علمی و گروه آموزشی دانشگاه، روش پژوهش (مباحث نمونه‌گیری، ابزار تحقیق، و نحوه جمع‌آوری اطلاعات)، یافته‌ها و نتایج پژوهش و نیز واژگان کلیدی (Key Words) که حداقل ۳ و حداکثر ۷ واژه بوده باشد. از چکیده فارسی بیشتر از ۲۰۰ کلمه در مرحله چاپ ممانعت به عمل می‌آید. هم‌چنین اگر چکیده فارسی فاقد چکیده انگلیسی باشد. ویرایش چکیده انگلیسی طبق نمونه فارسی ویرایش گردد.

— مقدمه

مقدمه شامل: ۱. بیان مسأله ۲. ضرورت مسأله ۳. مبانی نظری ۴. اهداف تحقیق می‌باشند که موارد فوق می‌بایست بدون عنوان و تیترو شماره‌بندی باشد.

— ابزار و روش

ابزار و روش شامل: ۱. جامعه آماری ۲. حجم نمونه و روش نمونه‌گیری ۳. ابزار گردآوری داده‌ها ۴. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌باشند که موارد فوق می‌بایست بدون عنوان و تیترو شماره‌بندی باشد.

— یافته‌ها

یافته‌ها شامل: ۱. یافته‌های توصیفی ۲. یافته‌های استنباطی (آزمون فرضیه‌های تحقیق) می‌باشند. توجه کنید عنوان جداول با ذکر شماره در بالای جدول و عنوان شکل با ذکر شماره در زیر آن آورده شود و در صورت لزوم نیز منبع مربوطه ذکر گردد.

— بحث و نتایج

این قسمت شامل: ۱. نتیجه‌گیری ۲. پیشنهادهای کاربردی و برای تحقیقات آتی.

— منابع

منابع فارسی به انگلیسی ترجمه و با تداخل در منابع انگلیسی استفاده شده در مقاله به صورت حروف الفبای لاتین و ارائه شمارگان طبق سبک A. P. A تنظیم شود. هم‌چنین منابع داخل متن طبق دستورات بالا (مذکور) فقط شمارگان آن منابع چه فارسی و چه انگلیسی در متن به صورت ارائه شمارگان منبع در داخل پارانترز آورده شود.

DOI: 10.30495/jss.2023.1985032.1554

Research Paper

Explanation of the ideal policy model of the Islamic Republic of Iran in the field of top talents and elites

Ramazan Sharifi

Ph. D. Student in political science. Public Policy, Islamic Azad University, Zanjan Branch, Zanjan, Iran.

Malek Zul Qadr

*Assistant Professor, Department of Political Science, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran
(Corresponding author). E- mail: malek.zolghadr@iauz.ac.ir*

Seyed Farshid Jafari Paybandi

Assistant Professor, Department of Political Science, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

The purpose of the present study was to explain the ideal policy of the Islamic Republic of Iran in the field of top talents and elites. This research was conducted in terms of orientation following conceptualization and with a qualitative approach and theoretical coding derived from theme analysis. The research community included 30 articles and theses, which were selected from a total of 124 articles searched in reliable domestic scientific databases using a targeted approach in the period of 2017 to 2018. Based on the findings of the research, the dominant model governing the policy-making environment of elites in the country is "institutional model" and it is focused on certain governmental institutions such as leadership, parliament, presidency, courts, etc. Based on the findings of the research, an institutional and rational model has been proposed for the optimal policy of elites and top talents. The proposed research model is a combination of institutional and rational model, which seems to be able to respond to the inadequacies and limitations of individual models. The model of policy-making based on a rational basis can solve the challenges and problems of the past to a large extent, and secondly, by using the results of studies related to research, it can be fruitful for the growth and progress of this field as much as possible.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Policymaking National Elite Foundation, Elites, Superior Talent, Institutional Model, Rational Model.*

DOI: 10.30495/jss.2023.1987816.1563

Research Paper

The sociological Study of Social Development Challenges in East Azerbaijan Province

Parvin Ehraqi Oskooi

Ph. D. Student in Sociology of Social Issues, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran.

Hossein Bani Fatemeh

*Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran
(Corresponding author). E- mail: banifatemeh@tabrizu.ac.ir*

Davood Ebrahimpour

Department of Social Sciences and Communication, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Mohammad Abbaszadeh

Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

The aim of the present study is to identify the challenges of social development in East Azerbaijan Province. The research method is a qualitative and the grounded theory approach is used as the operational method of the research. In order to collect the required data, a semi-structured interview was used. For this purpose, 22 experts and citizens of East Azerbaijan province were interviewed. The findings of the research indicate that, the identified challenges in this province are structural challenges (with the subcategories of centralization in provincial decision-making and weakness in budget allocation), cultural and social challenges (with the subcategories of lack of cooperation and knowledge gap), management challenges (with the subcategories of incorrect appointments, incomplete application of land use findings, poor management of transitions) and finally agency-oriented challenges (with the subcategories of individualism and lack of group participation, having an authoritarian personality, narrow-mindedness in social interactions, lack of feeling of belonging to the city). In this article, the obtained central core is "social development management". This concept reflects the management issues and challenges in the development process of the East Azerbaijan province.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Lack of Participation, Anomie, Social Development, Social Challenges, Managerial Challenges.*

DOI: 10.30495/jss.2022.1953026.1434

Research Paper

**A meta-combination of qualitative studies
in the field of happiness of women in Iran**

Mohsen Niazi

Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran.

Atiye Rezayi

Ph. D. Student in Social Affairs of Iran, Faculty of Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran

(Corresponding author). E- mail: atiyerezayi.69@grad.kashanu.ac.ir

Ali Farhadian

Assistant Professor of Management, University of Kashan, Kashan, Iran.

Happy women, wives and mothers strengthen the family unit at the micro level and inject happiness into society at the macro level; Because a happy person is an innovative, efficient, productive, creative and constructive person. Therefore, recognizing happiness is an undeniable and indisputable necessity in today's world. The purpose of this study is to identify the factors affecting women's happiness and design a model of factors affecting women's happiness. The research community is the articles of authoritative scientific-research journals related to the subject, which have been published during the years 1300-1400. The research sample was 13 standard research articles which were selected and reviewed from 92 articles after ranking them. The research method was qualitative and meta-combined. After extracting the factors affecting women's happiness, the results showed that, in the mentioned articles 61 concepts were identified and approved by experts in the field of women and family. Finally, the concepts were classified into 5 main categories of individual, society, family, social capital and lifestyle and their sub-categories and were explained as factors affecting women's happiness and presented in the form of a model. The findings indicated that, the presented analytical model for the factors affecting women's happiness was compatible with Maslow's pyramid of needs hierarchy.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Happiness, Freshness, Joy, Women and Family, Women Studies.*

DOI: 10.30495/jss.2023.1985135.1556

Research Paper

Political sociology of political developments of the Qajar government from the point of view of Vilfredo Pareto's elite circulation theory

Qasim Gol Hosseini

Doctoral student of history, Shabestar branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran.

Manije Kazemi

Faculty member of the Department of History, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran (Corresponding author).

Shahrazad Sasanpour

Member of the Faculty of Islamic Studies, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Central Tehran, Iran.

Davood Ebrahimpour

Faculty member of the Department of Sociology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

E-mail: ebrahimpourd@iaut.ac.ir

The main goal of the present study was to analyze political sociological developments of the Qajar government from the point of view of Vilfredo Pareto's elite circulation theory. In this article, the following research questions are investigated: How can the political developments of the Qajar dynasty be analyzed from the point of view of Vilfredo Pareto's elite circulation theory? What was the role of the elites in creating the changes of the Qajar period? The research method was practical in terms of purpose, and in terms of data collection, it was qualitative in a documentary and library style, and also data collection tools were slips and note-taking. Pareto introduces the circulation of elites in the history of societies as a necessary and natural factor in the direction of progress. The political sociological analysis of the political developments of the Qajar regime showed that, lack of circulation of elites in the society of the Qajar era caused the imbalance of the political system and the inappropriate response to political and social developments, in addition to proving the inefficiency of the official elites, it stopped entering new elites in the political domain. With the fall of the tsarist government in Russia, the Qajar government, which relied on the political structure of tribal kings, suffered social disintegration.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *The Rise of the Qajar Government, Pareto's Elite Circulation Theory, The Evolution of the Qajar Dynasty.*

DOI: 10.30495/jss.2023.1973008.1544

Research Paper

Explaining the concept of social happiness in public spaces Case Study: Tabriz city

Sevda Mohammadi Delband

Ph. D. Student in Urban Design, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Arash Saghafi Asl

Assistant Professor of Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran
(Corresponding author). E- mail: a.saghafi@iaut.ac.ir

Dariush Sattarzadeh

Associate Professor of Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Mahsa Faramarzi Asl

Assistant Professor of Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Growth, vitality and mental vitality of man has always been the focus of researchers and scholars due to the significant effect it has on all aspects of human personality and how different behaviors appear in him. Today's citizens of the cities of the world do not feel happy despite having urban amenities and facilities, and the aggravation of social anomalies is the product of adverse environmental conditions, spatial disorder and psychological pressures caused by the improper design of urban spaces. In order to achieve a favorable, healthy and happy atmosphere in cities, we need to observe certain principles and standards in the design of cities to achieve a happy city. This research is based on a quantitative method and aims to explain the concept of social happiness in urban public spaces. In order to meet this goal, it was emphasized in the theoretical foundations section that in general, happiness and urban public spaces affect each other. The research findings indicate that, based on the results obtained from statistical studies, all the conceptual variables of the research, including the dimensions of the quality of urban public spaces, physical-ecological dimensions, perceptual-semantic dimensions, cultural-economic dimensions, social dimensions, and mental dimensions, political-management dimensions, individual-personality dimensions have a significant relationship with the concept of social happiness and vitality. From the point of view of the citizens, the quality of the urban space is the most important dimension, which has a more important role in promoting the happiness and social vitality of the citizens and plays the most impact on the happiness of the citizens, and should be prioritized in planning related to urban space.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Explain The Concept, Happiness, Social Vitality, Urban Public Spaces.*

DOI: 10.30495/jss.2023.1976748.1531

Research Paper

Explaining of organization loyalty based on human dignity with mediating self-esteem in East- Azerbaijan prisons

Yousef Barzegari

Ph. D. Student in educational management Tabriz branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Behnam Talebi

Assistant Prof. of educational administration, Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Corresponding Author). E- mail: btalebi1351@iautac.ir

Sadeq Maleki Avarsin

Associate Prof. of Educational Administration, Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

The present research was conducted with the aim of explaining organizational loyalty based on human dignity with the mediation of self-esteem of East Azerbaijan prisons in 2019. The method of this study is survey descriptive and analysis. The statistical society were all of employees in general prison's organization who were 330 employees and among them 153 people were selected in ratio classified method through Cochran formula. The data was collected through standardized questionnaires of Olusanya et al (2012), organizational productivity, Foroutani & Bahrani (2017) human dignity taken from Nejadsalim (2007), Rosenberg self-esteem and Seligman et al (1979) casual attributions with approval validity and reliability over 0.7. The results of SPSS software and path analysis showed that, human dignity with the mediation role of self-esteem had significant role on employees' organizational loyalty ($p < 0.05$). Managerial and organizational factors alongside personality characteristics of the employees can effect positively on organizational loyalty.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS. THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: Loyalty, Human Dignity, Self- Esteem, Employees.

DOI: 10.30495/jss.2023.1985792.1559

Research Paper

Examining individuals' social, economic and psychological consequences in earthquake (case study: victims in the western part of Kermanshah)

Sima Parshoo

Ph. D. Student in Economic Sociology and Development, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.

Seyed Naser Hejazi

Assistant Professor, Department of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran. (Corresponding author). E- mail: hejazi@dehaghan.ac.ir

Asghar Mohammadi

Assistant Professor, Department of Political Science, Isfahan Branch Khorasgan, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Earthquake is one of the phenomena that, when it occurs, the society faces many dangers and disturbances. Iran is one of the countries that faces numerous and large faults in its wide area. This research was carried out with a sociological approach, with the aim of investigating the social, economic and psychological consequences of the survivors of the West Kermanshah earthquake and with the survey method. The statistical population includes all people over the age of 18 in the cities of Sarpol Zahab and Salas Babajani. Cochran's formula was used to determine the statistical sample (600 people), and a researcher-made questionnaire was used to collect information. Data analysis was also done using PLS and SPSS statistical software in two parts, descriptive statistics and inferential statistics. The findings showed that, the occurrence of an earthquake on all research variables with (sig=0.001) at the alpha level of 0.05 on the sense of social security, social responsibility, adaptability of citizens, social solidarity with others, determinism, sense of economic security, Job changes, mental health, resilience and duty-oriented towards God have an effect.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Earthquake Consequences, Earthquake Victims, West of Kermanshah, SarPol Zahab, Salas Babajani.*

DOI: 10.30495/jss.2023.1987654.1562

Research Paper

Analysis of high-risk behavior experience among youth with emphasis on parent-child conflict

Sepide Nasiri

Ph. D. Student in Psychology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Nemat Sotoudeh Asl

Associate Professor, Department of Psychology, Faculty Member, Islamic Azad University, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran (Corresponding another).

E-mail: sotodeh2@semums.ac.ir

Faezeh Jahan

Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty Member, Islamic Azad University, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Ali Asghar Firouzjaeian

Associate Professor, Department of social science, Faculty Member, university of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Risky behavior among teenagers is one of the common social harms of today's society. Accordingly, it is very important to deal with the factors affecting it. The purpose of this study was to investigate the effect of adolescent conflict with family on high-risk behaviors among high school students. The research method was survey, and the data were obtained using a researcher-made questionnaire from 385 students with the cluster random sampling method. Findings indicated meaningful and positive correlation between adolescent conflict with family (conflict with mother and father) and experience of student risky behavior. Test of theoretical model show that, effect of conflict with family on risky behavior is positive and meaningful (Beta=-0.37). Also, model is fit ($R^2 = 0.11$). So the more parent-child conflict, the more high risky behavior will be among youths. It is so important to enhance self-treating skills among students and family social skill to prevent risky behavior among youths.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *High Risk Behaviors, Conflict with Parent, High School Students, Amol.*

Table of Contents

<i>Title</i>	<i>Page</i>
<i>Analysis of high-risk behavior experience among youth with emphasis on parent-child conflict</i>	
Sepide Nasiri - Nemat Sotoudeh Asl - Faezeh Jahan - Ali Asghar Firouzjaeian	165
<i>Examining individuals' social, economic and psychological consequences in earthquake (case study: victims in the western part of Kermanshah)</i>	
Sima Parshoo - Seyed Naser Hejazi - Asghar Mohammadi	164
<i>Explaining of organization loyalty based on human dignity with mediating self-esteem in East- Azerbaijan prisons</i>	
Yousef Barzegari - Behnam Talebi - Sadeq Maleki Avarsin	163
<i>Explaining the concept of social happiness in public spaces Case Study: Tabriz city</i>	
Sevda Mohammadi Delband - Arash Saghafi Asl - Dariush Sattarzadeh - Mahsa Faramarzi Asl	162
<i>Political sociology of political developments of the Qajar government from the point of view of Wilfredo Pareto's elite circulation theory</i>	
Qasim Gol Hosseini - Manije Kazemi - Shahrazad Sasanpour -Davood Ebrahimpour	161
<i>A meta-combination of qualitative studies in the field of happiness of women in Iran</i>	
Mohsen Niazi - Atiye Rezayi - Ali Farhadian	160
<i>The sociological Study of Social Development Challenges in East Azerbaijan Province</i>	
Parvin Ehraqi Oskooi - Hossein Bani Fatemeh - Davood Ebrahimpour - Mohammad Abbaszadeh	159
<i>Explanation of the ideal policy model of the Islamic Republic of Iran in the field of top talents and elites</i>	
Ramazan Sharifi - Malek Zul Qadr - Seyed Farshid Jafari Paybandi	158

Editors of this issue alphabetically are

<i>Name</i>	<i>Family Name</i>
Dr. Mohammad	Abbaszadeh
Dr. Samad	Abedini
Dr. Samad	Adlipour
Dr. Manochehr	Alinezhad
Dr. Asadullah	Babaei Fard
Dr. Jafar	Ebrahimi
Dr. Davood	Ebrahimpoor
Dr. Mahmood	Elmi
Dr. Davood	Gasemzadeh
Dr. Hossein	Mirzaee
Dr. Leila	Nasrolahi Vosta
Dr. Mossa	Piri
Dr. Naser	Sedghi
Dr. Sohrab	Yazdani

**QUARTERLY JOURNAL OF
SOCIOLOGY STUDIES**
Volume 16, No. 61, Winter 2024

License Holder: Islamic Azad University- Tabriz Branch

Managing Editor: Dr. Mahmood Elmi

Editor - in - chief: Dr. Mohammad Abbaszadeh

Executive Director: Dr. Jafar Ebrahimi

Editorial Board:

1. *Abbaszadeh Mohammad, (Ph. D.)*, Professor Of Sociology, Tabriz University.
2. *Ebrahimi Jafar, (Ph. D.)*, Assistant Professor Of Sociology, Islamic Azad University - Khalkhal Branch.
3. *Elmi Mahmood, (Ph. D.)*, Assistant Professor Of Sociology, Islamic Azad University - Tabriz Branch.
4. *Kalantari Samad, (Ph. D.)*, Professor Of Sociology, University Of Isfahan.
5. *Saei Arasi Iraj, (Ph. D.)*, Assistant Professor Of Sociology, Islamic Azad University - Abhar Branch.

Supervisor & Cooperator: Research Vice – Chancellor of Islamic Azad University - Tabriz Branch

Persian Editor: Dr. Jafar Ebrahimi

English Editor: Hakimeh Tayyebali

Cover Design: Vali Taknam

Page layout, Typesetting and technical text arrangement: Dr. Jafar Ebrahimi

Print: Islamic Azad University of Tabriz

Publishing Date: **ESFAND, 1402 (MAR 2024)**

ISSN: 2322 - 5661

Circulation: 200

Price: 300000 Rials

**The Journal Of Sociology studying Is Published With The
Authorization Of Academic Publications Review Commission Of
Islamic Azad University And Under License No. 87/312212 Date
1387.9.17.**

Address: Tabriz, Islamic Azad University of Tabriz, Journal of Sociology Studying
Office, Ostad Jafari Building, First Floor.

Phone Number: 041-31966289

www.journal.iaut.ac.ir

E- mail: t.sociology@yahoo.com

E- mail: t.sociologys@gmail.com

In The Name Of God

***QUARTERLY JOURNAL OF
SOCIOLOGY
STUDIES***

Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

VOL. 16, NO. 61, WINTER 2024